۱۳/۷/۲۱

اساس جمشیدی ترجمه تاریخ عمومی اصل تصنیف لاویس که آقا کریمخان معاون نظام بفارسی ترجمه نموده و آقا جمشیدخان پسر اعلحضرت (?) مخارج طبع آنرا متحمل شده و بدین جهت باساس جمشیدی نامیده

چاپ سنگی محل طبع طهران تاریخ طبع سنه ۱۳۳۱ ه ق

صهبای (?)

۵۲۱

۱۷۵
الف ۱۲۲ ق

آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب اساس جمشیدی ترجمه بفارسی

مصنف / مؤلف اصل از لاویس ترجمه از کریم خان معاون نظام

خطی / چاپی سنگی نستعلیق طبع طهران

۹۰۹
الف ۳۲۳ ل

سال طبع ۱۳۳۱ عدد اوراق

۲۸۸۳۷

جزء کتب تاریخ شماره

عمومی ج

شماره عمومی ۳۰۷۹ شماره قبض

واقف میرزا رضا خان نائینی تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱

طول عرض قفسه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی بازبینی شد

اسید زدائی شد
۴۷۵۱۴۸

بسمه تبارک و تعالی

پس از ستایش یزدان پاک و درود بر خواجه لولاک و اوصیاء و آل او و ثنا و سپاس شهریار تاجدار ابوالمظفر سلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطنته چنین گوید بنده جانی جمشید بن ساعد الدوله تنکابنی در این عصر فرخنده که آفتاب معرفت از آفاق مملکت ایران تابنده و عموم ملت در طلب علم شتابنده میباشند وزارت جلیله معارف قوانین متقنه بجهت ترتیب دروس مدارس مرتب و متقن فرموده و تکلیف تحصیلات مشخص و معین گشته آرزوی دیرین این بنده که سالها در خیال آن بودم تجدید شد و حصول آمال را بشارت و نوید شنیدم عزم قدیم خویش تصمیم دادم که با بضاعت مزجاة خدمتی در سبیل معارف تقدیم نمایم و پس از اندیشه و تأمل هیچ خدمتی را برتر از آن ندانستم که یک دوره از کتب درسی را از برای نونهالان وطن عزیز تهیه نمایم و در این باب از فضل و دانش جناب آقای معاون نظام استعانت جستم و با اعتمادی

۹۰۹
الف ۲۲۲ ل

که بدانش و اهتمام ایشان داشتم بدین عمل شگرف اقدام نمودم یعنی بعضی از
علوم متداوله را از قبیل حساب و هندسه و شیمی و فیزیک و غیر آن بتوسط ایشان
پرداخته بعون الله درصدد طبع و انتشار آن هستم و کلیه این دوره را باساس
جمشیدی موسوم نمودم و چون تاریخ عمومی معمول در ملل متمدنه را بتیسیر محصّل
لزوم و نسخه آن را در این مملکت نایاب و معدوم دیدم ابتدا بطبع آن شروع
نمودم و امیدوار بفضل الهی چنانم که بتکمیل این مرام موفق گشته آنچه مبت
بانجام رسانم و چنانچه عمر خودم وفا ننماید از بازماندگان خویش جای
واثق دارم که در اتمام این شروع مقدس سعی و اهتمام فرموده معاونت
حالی و مالی را از جناب معاون نظام دریغ ننمایند

شاید یکتن از ابنای وطن از این کتب بهره مند گشته این بنده را
بدعای خیر یاد کنند و بالله التوفیق و هو الموفق
والمعین

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره ۲۰۷۹

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

(بسم الله الرّحمن الرّحیم)

تاریخ عمومی

مختصری از تاریخ قدیم و متوسّط و عصر جدید

کتاب اوّل

L'antiquité

قرون قدیمه

از ابتدای عالم تا اضمحلال امپراطوری رُم در سنه ۳۹۵ میلادی

فصل اوّل

peuple égyptien

(۱) — **ملّت مصری** — پنج هزار سال است که اروپا مسکن ادمیان است ولی طرز زندگانی و گذران اهل عصر قدیم با زندگانی اهل این عصر هیچ شباهت نداشته زیرا که در آنعصر در غارهای سنگی داشتند یا در خانه‌هائی که از نی و گل میساختند حیوانات را شکار کرده گوشت آنهارا میخوردند و پوستشان را لباس میکردند در حقیقت مردمانی وحشی طبیعت بودند در همان عصر و زمان کسانی که در ملک مصر ساکن بودند طریقه سید

بستن و شهر ساختن و زراعت کردن را میدانستند و نیز با یکدیگر اتفاق نموده سلطنتی تشکیل داده بودند پس در واقع اشخاصی شهری طبیعت بودند یعنی متمدن

سؤالات

در اروپا پنج هزار سال پیش که مسکن داشت — اهالی اروپا چگونه زندگانی میکردند —
در آنزمان ساکنین مصر در چه حال بودند

۲ — هوای مصر — هوای مملکت مصر بسیار گرم است و بارندگی در آنجا بقدری کم است که میتوان گفت در مصر باران نمیبارد

آب آن ملک از شط نیل است که رودی عظیم است و آبی بسیار دارد در ماه جوزا که برف قله کوه ها آب میشود شط نیل طغیان نموده از هشت الی ده متر بالا میآید و اراضی کنار شط آب فرو میگیرد و تا ماه سنبله آنزمین ها در زیر آب پوشیده میماند

دهات و آبادیها که در بلندی واقع شده مدت سه ماه مثل جزیره های دریا بنظر میاید

و بعد از آنکه آب فرورفت یک طبقه از گل و لای آب بر روی زمین باقی مانده کوت زمین میشود و ملک را حاصل خیز نموده حاجتی بکوت

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانه ...

در شوره دیگر نمیشود و این معنی فایدهٔ بزرگی است که بجهت برزگرهای مصر قهراً حاصل میشود

سؤالات

از آب و هوای مصر حرف بزنید — اراضی مصر را چه رودخانه مشروب میکند — در ماه جوزا در مصر چه واقع میشود — مملکت مصر در آن وقت چه حالی دارد — رود نیل بچه کار میآید

Pharaons

(۳) — **فراعنه** — اهالی مصر اطاعت پادشاهانی میکردند که هریک ملقب بفرعون بودند فرعون قصری عالی داشت و در آنقصر بر تخت می نشست و اورا پسر آفتاب میخواندند — هرکس بدربار فرعون میرفت او را مثل خداوند ستایش میکرد و چون فرعون وفات مینمود از برای او بقعه ساخته نذورات و خیرات از برای او قرار میدادند

از طوایف مصری بیست و شش طایفه سلطنت یافتند پس سلاطین مصر بیست و شش سلسله بوده که در آن مملکت حکمرانی نمودند و مدت سلطنت آنها کلیه زیاده از دوهزار و پانصد سال بطول انجامید مقر سلطنت دوازده سلسلهٔ اوّل از این سلاطین در منفیس بود

Memphis

Thèbes

که در نزدیکی شهر قاهره واقع است و باقی در (تب) سکنی داشتند که در طرف علیای مصر است و خرابه های عمارات و مکان و آثار آنها امروز موجب حیرت و تعجب بینندگان میباشد

سئوالات

در مملکت مصر که حکمرانی میکرد — پادشاه مصر چگونه زندگانی میکرد — مردم با او بچه قسم رفتار میکردند — فراعنه مصر چند طایفه بودند — مقر سلطنت آنها کجا بوده — چه آثار از آنها باقی مانده

Les guerres

(۴) — **جنگ** — اسلحه قشون مصر در انعهد نیزه و تیر و کمان بود و در وقت جنگ بر عراده ها می نشستند — نزاع و جنگ مصریها غالباً با سیاهان افریقا یا اهالی شامات بود — مصریها اسیرانی که از قشون دشمن میگرفتند با ریسمان بسته همراه میاوردند و ایشان را بساختن عمارات و ابنیه خود میگماشتند

مشهورترین سلاطین مصر یک نفر از سلسله هیجدهم است که او را

11 Sésostris Rhamsès

(رامسس) ثانی و اروپائیان (سزستریس) مینامیدند و در هزار و چهارصد سال قبل از میلاد در آن مملکت سلطنت داشته

سؤالات

اسلحه قشون مصر در آنعهد چه بوده — پادشاهان چگونه جنگ میکردند — جنگ مصریان با چه طایفه بود — با اسیران جنگ چگونه رفتار میکردند — عقاید مصریان در باب فراعنه چه بوده — مشهورترین سلاطین مصر که و در چه تاریخ بوده است

Les tombeaux

(۵۱) **مقابر** — مصریان قدیم را عقیده این بود که روح انسان بعد از مرگ پرواز نموده روزی خواهد آمد که آن روح بقالب خود عود نماید و از این جهت اجساد اموات را محفوظ میداشتند و از برای حفظ آنها قیر را با ترتیب مخصوص بر بدن مردگان مالیده با نوارها می پیچیدند

و آنها را در سرداب ها که از سنگ بنا نموده میگذاشتند و لباس و تخت و میزها و جواهرات و غذا ها در سرداب آنها قرار میدادند در عصر جدید بسیاری از آن سرداب ها را کشف کرده و هنوز هم مشغول هستند و اسباب و اجساد و سکه زیاد از آنجا ها بدست میآورند

سؤالات - عقیده مصریان در باب روح انسان چه بود
با اجساد اموات خود چه میکردند

Pyramides

(۶) - **گنبد های هرمان** - گنبد معروف هرمان در نزدیک قاهره از برای دفن اموات بنا شده و هنوز برپاست - میان آنها خالی است و هر یک مدفن سلاطین مصر بوده بزرگترین آنها یکصد و شصت متر ارتفاع دارد و از جمله ابنیه عظیمه عالم شمرده میشود اشخاصی که این بنا ها را برپا داشته اند آلات و لوازم بنائی مثل این عصر نداشتند و از برای اینکه سنگهای بزرگ را بالای بنا برسانند تلی از خاک قرار داده حدت سربالائی آنرا کم و ملایم مینمودند و سنگهای بزرگ را از روی آن تل بالا برده بعد از اتمام بنا تل خاک را از زمین برمیداشتند و تمام این کارها را پادشاهان بتوسط اسیران مغلوب خود انجام میدادند

سئوالات

شرح گنبدهای مربان را بگوئید — در آنها که دفن است — ترتیب بنای مصریان چگونه بوده است — مصریان ابنیه خود را بتوسط که انجام میداوند

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره اموالی

(۱۴) **صنایع مصریان** — مصریها معبدهای بزرگ بنا نموده در جلو درب آنها و سایر عمارات ستونهای سنگی قرار میدادند ستون معروف (لوکسور) که در میدان (کنکورد) پاریس منصوب است از خرابه یکی از معبدهای شهر تب آنجا حمل شده و نیز مصریان صورت جثه شیر از سنگ میساختند و سر او را بشکل سر زن حجاری کرده در طول خیابانها در دو طرف قرار

میداوند و آنهارا (سفنکس) مینامیدند - مصریها با گاو آهن زمین را شخم نموده زراعت وتحصیل غله میکردند در قبرهای کهنه مصریان دانه گندم یافت شده که با گندم معمولی این زمان تفاوتی نداشته و نیز مصریان گله های بزرگ گاو و قاز و خوک تربیت میکردند و پارچه کتان میبافتند و اسبابها از نقره میساختند شیشه گری و چینی سازی میکردند از گیاهی که در کنار نهرهای مصر میروئید قسمی از مقوا ساخته با قلم نی روی آنها خط می نوشتند و چون آن گیاه موسوم به (پاپیروس) بود باین مناسبت در اروپا کاغذرا پاپیه نامیدند

سئوالات

صنایع مصریان چه بوده - ستون لوکزر از کجا آمده - ترتیب زراعت مصریان رابگوئید - چه حیوانات اهلی در مصر داشته اند - خطوط خود را بر روی چه می نوشتند

(۸) - **نوشتجات** - مصریها خطی اختراع کرده بودند معروف به (هیروغلیف) و این خط بسیار مشکل و درهم بود از برای هر کلمه علامتی اختراع کرده بودند که غیر از دیگری بود و بواسطه زیادی کلمات نوشتن آن خط دشوار بود چون چندی گذشت بعضی تصرفات

در خط مزبور نمودند و آسانتر شد بعد از آن در حدود شامات جمعیتی معروف به (فینیقی) تشکیل یافت که در چند شهر سکنی داشتند معروفترین آنها را (تیر) میگفتند و این طایفه مردمانی تجارت پیشه بودند از برای دفتر تجارتی خود خطی لازم داشتند که خواندن و نوشتن آن آسان باشد پس بیست عدد از حروف مصریها را اخذ نموده مطالب خودشان را با آن حروف مینوشتند و چون حرف اول و دوم آن حروف (الفا) و (تبا) نام داشت یونانیان هم حرف اول و دوم خط خودشان را الفا و بتا نامیدند بعد از آن خطوط دیگر منشعب گشته بتمامی ممالک اروپا نام حروف خود را از یونانی اخذ نمودند پس تمام حروف الف بائی که در اروپا با آنها کتابت میکنند از روی خط مصریهاست که فینیقیها آن را مختصر کردند

سؤالات

تاریخ خط هیروغلیف را بیان کنید — مصریان خط خود را بر روی چه مینوشتند —
طایفه فینیقی با خط مصریها چه کردند —
وجه تسمیه الف و با را بگوئید —

(۹) تا صد سال قبل علمای اروپا از حال مردمان قدیم مصر چندان اطلاعی نبود در عصر شورش فرانسه قشونی از آن دولت

بسرداری ناپلیون بناپارت مصر را مسخر ساخت در سنه ۱۷۹۸ میلادی
دانشمندی چند همراه آن قشون بودند. در مصر بجستجوی آثار قدیمه برآمدند
و در قبرهای قدمای مصریان آثار بسیار بدست آوردند ولی خط هیرو
غلیف که بر روی سنگها و آثار دیگر نوشته شده بود کسی نمیتوانست
بخواند تا یکنفر از معلمین فرانسه شامپولیون نام در سنه ۱۸۲۱ حروف آن
خط را شناخت و از آنزمان تاکنون جمعی در صدد تکمیل علم این خط برآمده تمام عمر
خودشان را بخواندن خط مصریها صرف میکنند و آنها را ازین جهت
(اژیپتولوگ) میخوانند

سؤالات

از چه زمان شروع باکتشاف آثار قدیمه مصر شد — اول کسی که خط هیروگلیف را خواند که بود — آیا در صد سال قبل مصر را میشناختند — در زمان شورش فرانسه در مصر چه شد

(۱۰) — **اهمیت مصر** — مصریها خدمتهای بزرگ بهیئت جامعهٔ بشری
از جهت تمدن نموده اند از آنجمله اینکه پیش از تمام ملل بزراعت زمین اقدام
کرده و همچنین در بافتن پارچه و آهنگری و نویسندگی و گداختن فلزات
و حجاری بر ملتهای دیگر تقدم داشته اند و تمام اروپ این صنایع را
از آنها آموخته اند. در میان ملل قدیمه مصریها از همه مشهورتر و با تربیت تر

Ninive   Babilone

بوده اند مقارن همین عصر مصریان که ذکر شد ممالک بزرگ دیگر در مشرق زمین موجود بود مانند مملکت پارسیان و ممالک طایفه آشوری و بابلی که پایتخت یکی نینوا و دیگری بابل بوده ولی چون آن طوایف مثل مصریها خدمتی بهیئت انسانی نکرده اند در اینجا بذکر آنها نمیپردازیم و بعد از این معلوم خواهد شد که مملکت مصر اول بتصرف دولت ایران درآمد و بعد مسخر رومان گردید

سؤالات

اهمیت مصر را بیان کنید   ممالک معاصر مصریان قدیم را بگوئید

چرا از ممالک معاصر مصر گفتگو نمیشود

خلاصه

اولاً — مصریان قدیم ترین مردمان متمدن عالم بوده اند از پنج هزار سال قبل شهر ساختن و زراعت کردن زمین را میدانستند

ثانیاً — اهالی مصر در سرزمین بسیار گرمی منزل دارند و آب آن اراضی از رود نیل است که بواسطهٔ طغیان آن اراضی مصر حاصلخیز میشود

ثالثاً — اهالی مصر اطاعت پادشاهانی که ایشان را فرعون مینامیدند میکردند و ایشان را مثل خدا ستایش مینمودند و بیست و شش سلسله از فراعنه در ملک مصر سلطنت کرده اند

رابعاً — فراعنه چندین نوبت بجنگ رفتند

خامساً — مصریان اجساد مردگان خود را مومیا میکردند و در قبرهای بزرگ میگذاشتند

سادساً — سه هرمان بزرگ در مصر قبور سلاطین است

سابعاً — مصریها معبدهای بزرگ ساخته آنها را با مجسمه های سنگی زینت میدادند

با عراده حرکت میکردند زراعت گندم و گله و گوسفند و غیره داشتند نساجی و حدادی میدانستند از برگ پاپیروس کاغذ ترتیب داده بر روی آن خط مینوشتند

ثامناً — خط هیروغلیف را اختراع کرده بودند و چون آن خط بسیار مشکل بود فنیقی ها

الفبا را از آن خط بیرون آوردند

تاسعاً — تا سنه ۱۷۹۸ میلادی اهمیت مصر و اعمال مصریان شناخته نشده بود

در آن سنه یکنفر فرانسوی شامپولیون نام در صدد خواندن خط هیروغلیف برآمد

و از آن زمان خوانندگان خط مصری زیاد شدند

عاشراً — مصریان بواسطه آنکه تمدن بیشتر بسیار ملل تعلیم نمودند در عالم معروف شدند

ممفیس روی رود نیل مقر سلاطین ۱۲ سلسله اول بوده — تبس روی رود نیل پای تخت علیای مصر است. — نینوا روی رود دجله پای تخت مملکت آسور است — بابل روی فرات پای تخت مملکت بابلیهاست که سیروس پادشاه ایران تصرف کرد — بیت المقدس پای تخت مملکت یهوده است که سلاطین نینوا و بابل گرفتند (۵۸۶ قبل از مسیح) و بعد رومیها گرفتند (۷۰ بعد از مسیح) سامره پای تخت اسرائیل است که سلاطین نینوا و بابل گرفتند (۷۲۱ قبل از مسیح)

فصل دویم

طایفه بنی اسرائیل

(۱۱) - **بزرگان قبایل** - در میانه شط فرات و کوهستان لبنان سرزمینی واقع است که هوایش بسیار گرم و زمینش ریگزار و تقریباً لم یزرع است در دو هزار سال قبل از میلاد اهالی آن ملک صحرانشین بودند و در شهری و دهی مسکن نداشتند بلکه همیشه با گاو و گوسفند و شتر خود از مکانی بمکان دیگر کوچ میکردند و مسکن آنها چادرهائی بود که از پوست حیوانات ترتیب میدادند و هرجا میرفتند با خود میبردند این اشخاص بقبایل بسیار تقسیم شده بودند و پدر هر قبیله بر زن و فرزند و اقوام و کسان و اتباع خود حکومت داشت و او را بزرگ قبیله مینامیدند

سوالات

مابین شط فرات و کوهستان لبنان که ساکن بود بزرگان قبایل کیان بودند

مسکن ایشان در کجا بود

(۱۲) - **قبیله بنی اسرائیل** - مشهورترین بزرگان قبایل ابراهیم بود که در فلسطین نزدیک اردن مسکن و منزل داشت اهالی قبیله ابراهیم

خداوند به ابراهیم وعده کرده است شماره اولاد او را از ستاره های
آسمان بیشتر فرماید و ابراهیم در مقابل این موهبت تمام احکام الهی را اطاعت نماید

از نسل ابراهیم دو قبیله بزرگ بظهور رسید یکی قبیله عرب که اولاد اسمعیل
بودند و دیگری قبیله اسرائیل که از نژاد پسر دیگر ابراهیم اسحق بودند

در عصری که یعقوب بزرگ قبیله بنی اسرائیل بود قحط و غلای شدیدی
در فلسطین رخ داد و یعقوب با تمام قبیله خود بسوی مصر رهسپار گشته
مدتها در آنجا بزیستند و عده ایشان فزونی گرفت

سؤالات

مشهورترین بزرگان قبایل که بود — شرح بنی اسرائیل را بیان کنید

در عصر یعقوب در فلسطین چه امری رخ داد و یعقوب چه کرد

Moses

(۱۳) — موسی در مصر پادشاهی بود که طایفه بنی اسرائیل را عبد مملوک
خود می پنداشت و ایشان را مجبور بساختن ابنیه و عمارات خود میگماشت
تا موسی از میان بنی اسرائیل مبعوث گشته قبیله خود را برانگیخت که فرارا
از مصر بیرون رفته به مسکن خودشان که وطن یعقوب بود معاودت نمایند
بنی اسرائیل هم بفرمان موسی از مصر هجرت نمودند و آن پیغمبر مرسل

قانونی محکم در میان آنطایفه نهاده ایشان را بپرستش (ژهوا) یعنی خدای یکتا امر نمود عصر موسی زیاده از هزار و پانصد سال قبل از تولد مسیح بود

سؤالات

پادشاه مصر با اسرائیلیان چه رفتار میکرد   حضرت موسی چه کرد
قانون موسی چه حکم کرد   در چه زمان موسی زندگی میکرد

Palestine

(۱۴)— فلسطین — بنی اسرائیل بعد از بیرون آمدن از مصر چندین سال در بیابان بودند تا بالاخره بفلسطین درآمدند و با طوایفی که در آنجا سکنی گرفته بودند جنگها کرده آنها را مقتول و منهزم ساختند و خود در آنجا ساکن شدند بنی اسرائیل در آن عهد بدوازده طایفه تقسیم می شدند و هر طایفه بسبک و طریقهٔ مخصوص خود رفتار میکردند

سؤالات

بنی اسرائیل بعد از بیرون آمدن از مصر چه کرد

(۱۵)— سلاطین — ملت بنی اسرائیل خواستند پادشاهی داشته باشند که در تحت رایت او بجنگ روند و از ساموئل که از علمای بزرگ آنها بود خواهش کردند یکنفر را از برای سلطنت آنها انتخاب نماید ساموئل هم ا

۲۸۸۳۷

Saul

ساؤول را منتخب نموده بسلطنت نشانید و روغن مقدس بر سرش
ریخت و این در هزار و صد سال قبل از مسیح واقع شد چندی نگذشت
که ساؤول سرکشی نموده از اطاعت ساموئل بیرون رفت و ساموئل

David

دیگری را که داود باشد در عوض او بسلطنت انتخاب نمود و داود دشمنان

Sion

بنی اسرائیل را مغلوب ساخته در بالای تپه سیون بیت المقدس را

...usalem

مقر سلطنت خود قرار داد

Cèdre — Salomon

بعد از داود پسرش سلیمان بر سریر سلطنت نشست و عمارتی از چوب سدر
(چوبی است با دوام از جنس کاج) از برای خود ساخته معبد بیت
المقدس را در هزار سال قبل از مسیح بنا نمود [illegible]

سؤالات

بنی اسرائیل چه میخواستند - از که پادشاه طلبیدند - ساموئل را که انتخاب کرد -
داود چه کرد - از سلیمان و معابد بیان کنید

(۱۶) - **پیغمبران بنی اسرائیل** - بعد از سلیمان در میان طوایف
بنی اسرائیل اختلاف پدید آمد و هر طایفه بچند شعبه منقسم گشتند ده طایفه
که در طرف شمال مملکت بودند مملکت اسرائیل را تشکیل داده آغاز بت پرستی

نمودند و دو طایفه دیگر که در طرف جنوب و اطراف بیت المقدس سکنی
داشتند در آئین خود ثابت مانده پرستش (ژهوا) میکردند و مملکت
ژوده از ایشان تشکیل یافت

و بعد این دو مملکت با یکدیگر بنای خصومت و جنگ را نهادند تا بالاخره سلاطین
نینوا و بابل لشکری جرار و خونخوار برایشان تاختند و محصولات آنها را
سوزانیده شهرها را خراب و اهالی را بقتل رسانیدند ساماری که
پایتخت اسرائیلی بود در سنه ۷۲۱ قبل از مسیح مسخر دشمن گردید و پایتخت
ژوده در سنه ۵۸۹ ایضاً مسخر شد

در آن عصر بعضی اشخاص عمر خود را در بیابانها گذرانیده مشغول
عبادت پروردگار بودند و میگفتند چون طایفه یهود از عبادت پروردگار
غفلت نموده متابعت احکام الهی نکردند خداوند ایشان را بغضب خود
گرفتار فرموده است این اشخاص غالباً به بیت المقدس آمده مردم را
موعظه میکردند و میگفتند این بتان را درهم شکنید و عبادت پروردگار
پیشه خود سازید والا خداوند شما را ببلاهای بد گرفتار خواهد ساخت آن
اشخاص پیغمبران بنی اسرائیل بودند یعنی کسانیکه مردم را از عاقبت کار

آگاهی میدادند معروفین آنها (الی) و (ایزائی) و (ژرمی) و (ازشیل) بودند و هر وقت پادشاه عصر از کلمات و مواعظ آنها مطلع میگردید بحبس و زجر ایشان اقدام نموده یا شهیدشان میساخت

سؤالات

احوالات پیغمبران بنی اسرائیل را شرح دهید — طوایف جنوبی و شمالی چه کردند — اهالی مملکت ژوده بچه اسم معروف شدند — این دو مملکت چه کردند — بر این ممالک که حمله کرد

Messie

(۱۲) مسیح — چنانکه گفته شد بزرگان یهود را ببابل برده محبوس داشتند و مدت هفتاد سال در آنجا محبوس بودند

مقارن آنعصر ملت پارسیان که جمعیتی اندک از اهل آسیا بودند متدرجاً رو بترقی نهاده بر نواحی مملکت خود افزودند و سیروس پادشاه ایشان بابل را مسخر ساخته یهودیانی که در آنجا محبوس بودند رخصت داد که به بیت المقدس معاودت نموده در معابد خود مشغول عبادت شوند و در آنوقت از ملت یهود بجز جمعی قلیل و فقیر باقی نمانده بود و ایشان میگفتند ما محبوب خدائیم و اکنون خداوند ما را غضب فرموده باز روزی خواهد رسید که با ما بر لطف آید و ما را در قدرت و قوت توانا تر از عهد سلیمان فرماید و نیز پیغمبران

بنی اسرائیل بآنها خبر داده بودند که یک نفر از اولاد داود بفرمان خداوند خواهد آمد و ملت یهود را ترقی خواهد داد نام آن شخص مسیح میباشد یهودیان در انتظار آن پادشاه بودند

سؤالات

ایرانیان قدیم چه میکردند — پادشاه آنها چه کرد — یهودیان چه شدند — تسلی ایشان بر چه بود — پیغمبران بنی اسرائیل چه خبر داده بودند — یهودیان چه انتظار داشتند

(۱۸) — **خرابی بیت المقدس** — مدت پانصد سال یهودیان در انتظار خبر پیغمبران خود بودند تا حضرت عیسی ظاهر گردید ولی بعد از ظهور او پیغمبری او را اقرار نکردند و گفتند این شخص آن مسیح موعود نیست و بعد از آنکه آنحضرت به بیت المقدس آمد علمای یهود فتوی قتل او را داده بدارش کشیدند و این واقعه در سنه ۳۳ بعد از تولد آنجناب بود. رومی ها در آنزمان در زوده حکمرانی میکردند هفتاد سال بعد از تولد مسیح یهودیان بر آنها شوریدند و قشونی از روم بیت المقدس را محاصره و تسخیر نمودند و معبد آنجا را سوزانیده یهودیان را باسیری بردند و مثل

عبد مملوک فروختند از آنوقت دولت یهود بکلی منقرض گردیده یهودیان در آلمان و لهستان و فرانسه و انگلیس و آسیا و سایر بلاد عالم متفرق شدند ولی بمذهب قدیم خود باقی ماندند

سؤالات

یهودیان چند مدت در انتظار وعده پیغمبران خود بودند — حضرت مسیح کی متولد شد یهودیان با او چه کردند — حکمران رومی که بود — در ۷۰ میلادی یهودیان چه کردند رومیها چه کردند — چه قضایا بر سر یهود آمد — یهودیان چه شدند

(۱۹) - اهمیّت قوم بنی اسرائیل — یهودیان جمعیتی قلیل و مختصر بودند ولی در تاریخ عالم اهمیّتی کامل دارند زیرا در زمانی که تمام مردم بت پرست بودند آنها خدای واحد را پرستش میکردند و ابتدای مذهب عیسوی از ایشان بوده

سؤالات

اهمیت قوم بنی اسرائیل چیست

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً - بزرگان قوم در صحرا ما بین شط فرات و لیبان منزل داشتند و با مال
و عیال و مواشی خود از مکانی بمکانی حرکت میکردند
ثانیاً - از ابراهیم که رئیس قبیله بود دو طایفه پدید آمد یکی عرب و دیگری بنی اسرائیل
که بزرگ ایشان یعقوب بود
ثالثاً - طوایف بنی اسرائیل که در مصر بودند با مر موسی از آنجا خارج شدند و موسی
کتابی از بهر ایشان آورده آن جماعت را امر نمود که خدا را ستایش کنند
رابعاً یهود در فلسطین منزل گرفته دوازده قبیله ایشان در آنجا زندگانی کردند
خامساً بعد از آن در تحت رایت سلاطین جمع گشتند که بزرگترین آن سلاطین سلیمان بود
سادساً - بعد از آن یهود به دو مملکت تقسیم شدند و هر دو مملکتها بتوسط طایفه آسیری
منقرض گردید و پیغمبرها از ایشان ظاهر شد که بنی اسرائیل را موعظه میکردند
سابعاً - یهودیان از بابل مراجعت کرده مملکت کوچکی تشکیل دادند و در انتظار مسیح بودند
ثامناً - بعد از ظاهر شدن عیسی یهودیان او را تکذیب نموده بردارش زدند و در سنه ۷۰
میلادی بتوسط رمنها متفرق گشتند   تاسعاً - اهمیت ملت یهود بسبب مذهب ایشانست

فصل سیم

یونانیان

peuple Grec

(۲۰) – طایفه یونانی — یونان مملکتی محقر است ولی اهالی آن بسیار باهوش و کارکن بوده اند در هشتصد سال قبل از مسیح هنوز زراعت زمین و تربیت گوسفند را نمیدانستند ولی دیری نگذشت که قایق ساختن آموختند و بزودی کار تجارتی و نقاشی و خطاطی در میان ایشان انتشار یافت

سؤالات

یونان چه مملکتی بوده است — یونانیها چه صنعتی داشتند — اول دفعه چه چیز آموختند

Colonies

(۲۱) مهاجرنشین های یونان — بعد از آنکه عده یونانیان زیاد شد جمعی کثیر از آنها برای تحصیل ثروت بسرزمینهای دوردست مسافرت کردند باین ترتیب که در هر نوبت جمعی بکشتی نشسته بولایات خارج رفتند و در آنجا بنای شهری آبادی نموده بکوچ نشین موسوم شدند (مهاجرنشین) در تمامی سواحل دریای مدیترانه کوچ نشینهای یونان تشکیل گرفتند هم در سواحل آسیا و هم افریقا و هم ایتالی و فرانسه و اسپانی

وهمچنین در سواحل بحر اسود حتی در شبه جزیره [illegible] یونانیان ساکن شدند
چنانکه در فرانسه شهر مارسیل [illegible] و نیس [illegible]
و آنتیب [illegible] و اگد [illegible] از شهرهائی است که یونانیها
بنا کرده اند

سئوالات

یونانیها برای تحصیل ثروت چه میکردند — کوچ نشین های یونان کجا بودند
آیا در فرانسه از آنها بود

Les cités

(۲۲) — شهرهای یونانیان یک ملت متفق نبودند بلکه هر شهری با اراضی اطرافش مستقل و بمنزله دولتی بود و خودشان بامر حکومت اشتغال داشتند و قشون و قوه بحریه از خود تشکیل کرده بودند هر یک از این شهرها را سیته میگفتند و چندین صد از این شهرها را ما دانسته ایم با یکدیگر در نزاع و قتال بودند ولی اغلب آنها باندازه یک ناحیه بیش نبودند شهر عمده اینها یکی اسپارت و دیگری آتن بود [illegible]

سئوالات

آیا یونانیها ملتی تشکیل داده بودند — ترتیب حکمرانان آنها چگونه بوده — سیته چه چیز است
شهرهای بزرگ آنها کدام بود — دو شهر اصلی را بگوئید

(۲۳) — اسپارت اهالی اسپارت مردمانی کوهستانی و جنگی بودند اطفال خود را از کوچکی بجنگجوئی تربیت نموده کشتی گرفتن بآنها میآموختند و جست و خیز و مشق و اسلحه بآنها تعلیم میدادند و غذای ایشان را کم داده برروئی نی میخوابانیدند و لباس ایشان منحصر بیک بالاپوش بود اغلب اوقات اطفال را بشدت میزدند که بسختی عادت نمایند و دخترها را هم تقریباً مثل پسرها تربیت میکردند اهالی آنجا اغلب باهمدیگر صرف غذا می نمودند و پیوسته مشغول مشق بودند آداب و رسوم معاشرت و نوشتن و خواندن را نمیدانستند و ترتیب ادای کلام و صحبت نمیتوانستند ولی از تمام اهالی یونان دلیرتر و جنگجوتر بودند و در جنگ بحال اجتماع و به آهنگ نی حرکت میکردند و هر یک یک نیزه و سپری بزرگ در دست داشتند و خودی از آهن بر سر نهاده مابقی بدن ایشان تقریباً عریان بود

از قوانین اهالی اسپارت تمام مخلوق قدیم و جدید عالم در حیرت میباشند و آن قوانین را از لیکورک میدانند که بعقیده ایشان هشتصد سال قبل از مسیح در عالم زندگانی میکرده

سوالات

اسپارت چه بوده — اطفال در آنجا چگونه تربیت میکردند — با اطفال چه میآموختند چگونه زندگانی میکردند — دخترها را چگونه تربیت میکردند — مردها چه میکردند آیا تربیت شده بودند — چه امتیازی داشتند — چگونه جنگ میکردند — از قوانین اسپارت بگوئید — و بگوئید قوانین ایشان چه نتیجه میدادند —

(۲۴) — **آتن** — اهالی آتن برخلاف اهل اسپارت بودند و بکلی بشغل ملاحی اشتغال داشتند و صاحب کشتیهای بسیار بودند نزدیک شهر ایشان بندری معروف به پیره بود که در آنجا از مصر و آسیا از برای ایشان متاع تجارتی میرسید و این بندر ثروت فراوان یافته بساختن ابنیه عالیه و مجسمه و فن شاعری پرداخته بودند و بهترین صنعتگران یونان گردیدند

در آتن مردمان را میل شدید بساختن و شنیدن عبارات فصیح و بیانات ملیح بود و بکلی در میدانی جمع شده اصلاح امورات و انجام کارها را در آنجا میکردند و آن میدان معروف بمیدان (آگورا) بود (سولن) نام از اهل آتن که ششصد سال قبل از مسیح زندگانی داشته قوانین خوب از برای اهالی گذارده بود

سؤالات

آتن چه بود — پریکلس که بود — آتنی ها چه شدند — میل ایشان بنطق و فصاحت چگونه بوده — از سولن چیزی بگوئید

Guerres médiques

۲۵ - **جنگ مدی** - ممالک آسیا و مصر از آنزمان در تصرف ایرانیان بود و در مدت سی سال آن ممالک را متصرف بودند سلاطین ایران قادرترین سلاطین روی زمین بودند مملکت ایشان از هندوستان تا مصر امتداد داشت و ایشان را شاهنشاه عالم میخواندند از آنروکه بیشتر خاک آسیا را مالک بودند یکی از سلاطین ایران که داریوش نام داشت خواست مملکت یونان را نیز ضمیمه ممالک خویش سازد و رسولانی نزد یونانیان فرستاده پیغام داد که باید مرا سلطان خود دانسته از اطاعت امر من سر نه پیچید بسیاری از طوایف یونان از سطوت پادشاه ایران بیم نموده سر اطاعت پیش آوردند ولی آتنیان و اسپارت مطیع نگشته فرستاده پادشاه ایران را کشتند داریوش برای انتقام این عمل قشونی از ایران حرکت داد و قشون مزبور در ماراتون که نزدیک شهر آتن است از کشتی فرود آمد از آتن نیز ده هزار مرد جنگی حرکت نموده در برابر قشون ایران اردو زدند

و با قدم دو برابر ایرانیان حمله ور شده آنها را بدریا ریختند این واقعه در سنه ۴۹۰ قبل از مسیح بود و این جنگ را اولین جنگ مدی خوانند وجه تسمیه آن این بود که جماعت مدی را در تاریخ اسمی معروف بود و غالباً با ایرانیان مخلوط بودند ده سال بعد از آن کسری پادشاه ایران که بعد از داریوش سلطنت ایران داشت با یک میلیون قشون و پانصد فروند کشتی جنگی بقصد تنبیه و تسخیر یونان حرکت نمود و یونانیان که چنین دیدند اهالی آتن و اسپارت با یکدیگر متحد شده قشون بحری ایران را در سالامین در سنه ۴۸۰ قبل از مسیح شکست دادند و قشون بری ایشان را در پلاته در سنه ۴۷۹ منهزم ساختند و این واقعه را جنگ دویم مدی نامیدند

سؤالات

ممالک آسیا و مصر در آنزمان در تصرف که بود — پادشاه ایران را چه مینامیدند — داریوش چه میخواست و چه کرد — یونانیها چه کردند — اسپارت و آتن چه کردند — داریوش چه کرد — کسری چه کرد — در سالامین و پلاته چه واقع شد — آتنیها چه کردند این جنگها را چه مینامیدند —

(۲۶) قرن پریکلیس — بعد از شکست ایرانیان و فیروزی یونانیها اهالی اسپارت با وطن خود مراجعت کردند ولی اهل آتن در جنگ مداومت نمود

نموده با کشتیهای جنگی حرکت نمود و قشون ایران را از تمام جزایر و مهاجر نشین یونان که در آسیا بود خارج ساختند و بعد از آن یونانیهائی را که از دست قشون ایران خلاص کرده بودند مجبور ساختند که بر سالی مبلغی گزاف بآنها بدهند و از آن پولها معبدی بسیار عالی و با شکوه در آتن از برای عبادت رب النوعها با بعضی عمارات عالیه دیگر بنا کردند

یونانیان بجهت تنبه و تهذیب اخلاق مردم یاترها برپا کرده در مجامع خلق اظهار میداشتند Théâtre

معماران و حجاران و نقاشان و همچنین شاعران و فیلسوفان در آتن مجتمع بودند

درانعصر یکی از اهل آتن موسوم به پریکلیس بر اهالی سمت ریاست داشت و با آنعصر را عصر پریکلیس نامیدند

سؤالات

اسپارتی ها چه کردند — آتنیها چه کردند — آتنیها سایر یونانرا بچه چیز مجبور کردند با پولهائی که گرفته بودند چه کردند — چه اختراع کرده بودند — در یونان چه چیز جمع شده بود

(۲۷) ماسدوان. اقتدار اهل آتن چندان بطول نینجامید یعنی در سنه ۴۳۱ قبل از مسیح اهالی اسپارت با ایشان بمنازعه برخواستند و

ونزاع و زد و خورد آنها با یکدیگر مدت سی سال امتداد یافت در
بلاد یونان و ممالک آسیا و سیسیل هر جا که یونانیها بودند تعصب
ونزاع برپا بود زیرا که بعضی از اهالی یونان طرفدار اسپارتی و بعضی
دیگر حامی آتنیها بودند عاقبت الامر در سنه ۴۰۴ قبل از مسیح اهالی
آتن مغلوب گردیده ملکشان مسخر اسپارتیها شد ولی چون تمامی اهل یونان
مایل باطاعت و تبعیت اسپارتیها نبودند آتش جنگ همیشه در آن مملکت مشتعل
بود و جنگهای ایشان بطریق سبعیت و وحشیگری بود یعنی درختان یکدیگر را
میبریدند و مردان را کشته زنان و اطفال را اسیر مینمودند و مثل غلام و کنیز
خرید و فروش میکردند غالباً در شهرها متمولین و فقرا با یکدیگر در نزاع بودند در
ماسدوان که طرف شمال یونان بود جماعتی ساکن
بودند که چندان اهمیت نداشتند ولی مردمانی شجاع و در تحت نظم و اطاعت
رئیس خود بودند

پادشاه ماسدوان که فیلیپ نام داشت قشون منظمی جهت خود ترتیب داد
رفته رفته تمام اهالی یونان را با خود متحد ساخت و خواست لشگر بایران
کشیده با پادشاه ایران مصاف دهد [illegible] با این عزم او همراهی نکرد

بضدیت او با ایشان رزم درداده در سنه ۳۳۸ قبل از مسیح آنها را منهزم ساخت

Chéronée که در شمال غربی تبان واقع است

سؤالات

آتنی ها آیا با قدرت باقی ماندند - با ایشان که عزم جنگ نمود - از آن جنگ حرف زنید - کدام طرف مغلوب شد - از برای چه دوباره جنگ شروع شد - در اوقات چگونه جنگ میکردند - در شهرها چه واقع میشد - ماسدوان چیست - فیلیپ چه کرد - چه واقع شد

(۲۸) **فتوحات و تسخیرهای اسکندر** - اسکندر پسر فیلیپ در سنه ۳۳۶ قبل از مسیح سلطنت یافت و چون دو سال از سلطنت او گذشت با سی و پنج هزار قشون بسمت ایران حرکت کرد قشونی که پادشاه ایران در مقابل اسکندر آورده بود چند برابر قشون اسکندر بود ولی اسلحه آنها خوب نبود و عجالتا قواعد جنگ را نمیدانستند و در حرکات و مشق سربازی بصیرتی نداشتند بقسمیکه حرکت هر قسمت از قشون اسباب معطلی قسمت دیگر میشد و بر عکس لشکریان اسکندر در جنگ مهارت کامل داشتند و باین جهت اسکندر در سه جنگ متوالی ظفر و نصرت یافت و تمام ممالکی که در تبعیت پادشاه ایران بود مسخر وی گشت و اسکندر در هر مملکتی شهری بنا نمود که بعضی از آنها هنوز باقی است از قبیل شهر اسکندریه که در مملکت مصر است و غیره

Babylone

و بعد از فتح ایران تا هندوستان برفت و از انجا با بابل مراجعت نموده در شهر بابل در سنه ۳۲۳ قبل از مسیح در سن سی و سه سالگی زندگانی را وداع نمود

سئوالات

اسکندر کیست چه کرد - قشون پادشاه ایران چگونه بود - چگونه جنگ میکرد اسکندر کجاها را متصرف شد - چه بناهای بجا گذاشت - اسکندر تا کجا رفت در کجا و در چه سن مرد

۲۹ - تقسیم ممالکی که اسکندر بتصرف آورده بود - بعد از اسکندر احدی جانشین و صاحب تاج و نگین او گشت سرداران لشکر و اولاد مدت بیست سال با یکدیگر در نزاع و جدال بودند بر سر اینکه کدام یک جانشین اسکندر شوند و بالاخره جمعی از آنها که قدرتی داشتند ممالک اسکندر را مابین خودشان قسمت نمودند و هریک قسمتی را تصرف نموده سلطان مستقل آن قسمت شدند و سه مملکت بزرگ از تقسیم ممالک اسکندر تشکیل یافت یکی ماسدوان دویمی مصر سیم شام است با چند مملکت کوچک و این سه دولت مدت دو الی سه قرن بهمین حال بودند

بعد از مرگ اسکندر سرداران او چه کردند — رأی ایشان بر چه قرار گرفت آنها چه
چند پادشاه نشین بعد از اسکندر تشکیل یافت — چقدر این ترتیب طول کشید

Les royaumes

(۳۰) **ممالک یونانیان** — رعایای ممالک یونان از اهل آسیا بودند ولی سلاطین آنها یونانی بودند و لشکریان ایشان نیز از اهالی یونان بودند و بر حسب میل سلاطین اهل علم و اخبار نویس از یونان طلب میشد رفته رفته بمرور زمان ساکنین آن ممالک خوی یونانیان گرفته مذهب ایشان را نیز هم اختیار نمودند و عاقبت الامر زبان آنها هم یونانی شد

سؤالات

در این ممالک از یونانی ها که بود — و ساکنین آنها چه کردند

(۳۱) — **اسکندریه و موزهٔ آن** — بعضی از سلاطین خود عالم و طالب اهل علم بودند از آنجمله سلاطین مصر در اسکندریه که پایتخت مصر بود کتابخانه بزرگی تأسیس نمودند در آنزمان کاغذ ایجاد نشده و کسی از چاپ خبر نداشت و کتابها را با خط معمول آنزمان در روی برگ پاپیروس

Papyrus

نوشته لوله میکردند و از این جهت کتاب نادر و گران بها بود و پیوسته تصنیفات

بعد از مرگ اسکندر سرداران او چه کردند — رائیشان برچه
چند پادشاه نشین بعد از اسکندر تشکیل یافت — چقدر از

(۳۰) ممالک یونانیان

— رعایای آسیا بودند ولی سلاطین آنها یونانی بودند و لشکر یونان بودند و برحسب میل سلاطین اهل علم و اخبار از رفته رفته بمرور زمان ساکنین آن ممالک خوی یونانی اختیار نمودند عاقبت الامر زبان آنها هم یونانی شد

سؤالات

در این ممالک از یونانی ها که بود — و ساکنین آنها چه کردند

(۳۱) — اسکندریه و موزهٔ آن

بعضـ عالم و طالب اهل علم بودند از آنجمله سلاطین مصر در اسکنـ بود کتابخانهٔ بزرگی تأسیس نمودند در آنزمان کاغذ ا از چاپ خبر نداشت و کتابها را با خط معمول آنزمان در ر نوشته لوله میکردند و از این جهت کتاب نادر و گران بها بو

ممالک مصر و آسیری و بابل و ایران را مسخر ساختند و تمامت علوم
ملل قدیم را آموخته و علوم و مطالب جدید را هم خود شان اکتشاف کردند
دانشمندان یونان بخصوص اهل آتن اشارهای فصیح نموده حکایات تأ
تصنیف نمودند و تاریخها نوشتند هنوز در این عصر اشعار (هومر) و
(اشیل) و (سوفوکل) را با کمال تعجب و تحسین میخوانند (هرودت) و
(توسی دید) از مورخین مشهور یونان و (دموستن) خطیب و نطاق معروف
از یونان بوده فن نویسنده گی در این عصر هنوز تقلید یونان است
یونانیان معبدها بنا نموده از سنگ تحجاریها کردند و حجاریهای برجسته
عجیب در روی سنگها از ایشان یادگار مانده آنچه از حجاریهای ایشان
بدست آمده در موزه ها ضبط و از جمله اشیاء نفیسه محسوب است
یونانیان اولین کسی بودند که در صدد پیدا کردن چگونگی احوال موجودات
عالم برآمدند و هر علمی در ابتدا از آنها عیان شد چنانکه ابتدای علم
طب از بقراط و تاریخ طبیعی از ارسطو و هندسه از اقلیدس و مکانیک
از ارشمیدس و جغرافیا از ارتستن و نجوم از هیپارک بوده علوم مقدماتی
که امروزه در مدارس با کمال اهمیت تحصیل میشود تماماً از یونانیهاست که در

ابتدا بدون استعانت دیگری ایجاد نمودند پس روا باشد که از اعمال و علوم ایشان در تعجب و حیرت باشیم که بنای تربیت تمام مردم از ایشان بوجود آمده

سؤالات

آیا یونانیان ملتی بزرگ بودند — آیا ایشان معروف هستند — چه طوایفی را یونانیان مسخر خود ساختند — ایشان چه علوم تعلیم داده چه نوشتند — نویسندگان بزرگ یونان را شرح دهید — فن نویسندگی تقلید کیست — صنعتگران یونان چه کردند — در موزه ها چه چیز را در فرنگ نگاه میدارند — یونانیها چه چیزرا ایجاد نمودند — دانشمندان یونان را شرح دهید

خلاصه

که باید ازبر نمایند

اولاً یونانیان ملت کوچک باهوشی بودند در تمام سواحل دریای مدیترانه مهاجر نشینها
مقرر داشته بودند

ثانیاً ممالک یونان تقسیم شده بود بدسته های کوچک که با یکدیگر در جنگ بودند و
عمده آنها اسپارت و آتن بود

ثالثاً اسپارتیان مردمانی کوهستانی وجنگی بودند وبهترین قشون یونان از ایشان تشکیل میشد
رابعاً آتن شهری دریائی بود واهالی آن دریانورد وصنعتگر بودند وبزرگترین صنعتگران
یونان در آنجا بودند

خامساً آتن و اسپارت باتفاق یکدیگر جنگ هائی را باپادشاه ایران انجام دادند
واورا مغلوب ساختند

سادساً بعد از آن این دوشهر بایکدیگر جنگ نمودند و آتن مغلوب شد

سابعاً مقدونیه باقدرت تر از سایر ممالک یونان شد واسکندر پادشاه مقدونان
تمام ممالک ایران را تصرف کرد از سنه ۳۳۳ الی سنه ۳۲۶ قبل ازمیلاد

ثامناً- بعد از اسکندر ممالک او مابین سردارانش تقسیم شد

تاسعاً- چندین پادشاه نشین یونانی در مشرق تشکیل یافت و ساکنان مشرق با یونانی ها شبیه شدند شهر اسکندریه پایتخت مملکت مصر بواسطه موزه و کتابخانه مشهور شد

عاشراً یونانیان در عالم معروف شدند زیراکه نویسندگان بزرگ از ایشان پدید آمد و مجسمه های قشنگ ترتیب دادند بنای تمام علوم را ایشان گذاشتند و سایر طبقات از ایشان فرا گرفتند

فصل چهارم

جمهوری رمن

La République Romaine

۳۳ – بنای شهر رم شهر رم در ابتدا شهری کوچک و مربع شکل بوده است و در روی تپه نزدیک رودخانه (تیبر) واقع شده که تقریبا مرکز مملکت ایطالیا بود — تاریخ بنای آن در سنه ۷۵۴ قبل از میلاد مسیح بوده — از بانی این شهر که (رمولوس) نام داشته خبر صحیحی در دست نیست و همین قسم اخبار سلاطینی که در ابتدا در این شهر سلطنت کرده اند تماما مستور و مجهول است.

سؤالات

رم در ابتدا چه بود — از مأخذ و مبدا او چه اطلاع دارید — کدام سلطان در رم حکمرانی میکرد —

۳۴ – شرح جمهوری سلطانی که بعد از مدتها در این شهر سلطنت داشته با طبقه اعیان و بزرگان شهر بستگی و رابطه داشت در تاریخ (۵۱۰) قبل از مسیح اعیان و اشراف شهر رم اجماع نموده پادشاه آن را

Senat
Patricien
Plebeien

که (تارکن) نام داشت از شهر بیرون کردند مدتی رم بدون پادشاه ماند اهالی شهر در هر سال دو نفر را از میان خود منتخب میکردند که باتفاق یکدیگر بامر حکومت قیام نمایند و آن دو نفر را (کنسول) مینامیدند و رؤسای خانواده های بزرگ در مجلسی اجتماع نموده رای خودشان را در انجام امورات اظهار میداشتند و آن مجلس را (سنا) میخواندند که معنی آن محل اجتماع پیره مردانست

سئوالات

در تاریخ ۵۱۰ در رم چه واقع شد -- چه اشخاص در مجلس اجتماع نمودند چه میکردند مجلس ایشان را چه مینامیدند

(۳۵ - اهالی نجبا یا طبقه رعایا اشخاصی که از نژاد فامیلهای قدیم رم بودند (پاتریسین) یا نجبا میگفتند و سایر طبقات مردم را (پله بین) مینامیدند پله بین ها عده شان بیشتر بود زیرا که غالباً از شهرهای مجاور در میان آنها داخل شده بودند پاتریسین ها میخواستند تمام حکمرانی مطلقاً در دست خودشان باشد پله بین ها از آنها خواهش کردند که ایشان هم در حکومت شریک باشند پاتریسین ها از این معنی اقناع ورزیدند

Tribuns de la
J.T.

از این جهت اغلب پلبین ها از رم هجرت نمودند
مجلس سنا محض معاودت ایشان اجازه داد که از جانب ایشان
نیز رؤسائی تعیین شوند و این رؤسا را (تری بن پلب) یعنی
وکیل الرعایا مینامیدند - رؤسای مزبور اگر کاریرا اصلاح نمیدانستند
حق داشتند که کنسولهارا از اجرای آن ممانعت نمایند و همینقدر که یکنفر
از آنها میگفت من این امر را مصلحت نمیدانم کفایت میکرد
مدت صدسال در میان پلبین ها و پاتریسین ها نزاعها بود تا پاتریسین ها رضا دادند که از طبقه
پلبین ها نیز کنسول تعیین شود و این معنی باعث آرام گرفتن پلبین ها
گردید

سئوالات

پاتریسین ها و پلبین ها که بودند - عده کدام یک بیشتر بود - پاتریسین ها چه میخواستند
و پلبین ها چه میخواستند - و چه بدست آوردند تری بن ها (وکیل الرعایا) چه
حقی داشتند - این مجادله چند مدت طول کشید و عاقبت بکجا منتهی شد

L'armée

(۳۶) - قشون رمن - رمن کارشان زراعت و تجارت بود
اما با وصف این تمام افراد اهالی در جزو سپاهیان بودند
لباس لشکریان ایشان زرهی بوده است که از تسمه چرم ترتیب میدادند

و اسلحه ایشان عبارت از قداره و زوبین و سپر بود
در ایام جنگ در اردو های خود سنگر ترتیب میدادند که در پناه آن محفوظ
مانند و بادستجات صد نفرالی یکصد و بیست نفر بجنگ بر میآمدند در حالتیکه
سایر ملل هنوز تا این درجه قابلیت نداشتند و تماماً بحال اجماع جنگ میکردند
قانون اطاعت و نظام سپاهی ر[...]ن بسیار سخت بود چنانکه اگر یکنفر
لشکری مخالفت حکم نموده از محل ماموریت خود بجای دیگر میرفت سایر
سپاهیان او را بضرب چوب بقتل میرسانیدند
افراد لشکریان از هفده سالگی شروع بمشق جنگ مینمود تا آخر ایام
زندگانی در جزو لشکریان بودند [...] ترتیب انتظام قشون رمی بقدری
خوب بود که رفته رفته تمام دنیا را مسخر ساختند

سؤالات

مشغله رمی ها چه بود — اسلحه آنها چه بود — در جنگ چه میکردند — چگونه جنگ
میکردند دیسیپلین آنها چگونه بود — در چه سال تعلیم مشق جنگ میگرفتند
بچه دلیل قشون رمن تمام دنیا را مسخر ساختند

(۳۷ – فتح ایطالیا رمنها باین خیال افتادند که تمام رعایای ایطالیا را

در تحت تبعیت خود درآوردند و از برای رسیدن باین مقصود جنگهای

بسیار سخت نمودند مدت جنگهای ایشان چندین قرن طول کشید

تا در تاریخ سنه ۲۶۶ قبل از مسیح تمام شبه جزیره ایطالیا بتصرف رُمها درآمد

سئوالات

ابتدای فتح رمها کجا بود — در این فتح چه جنگها نمودند مدت آن چقدر طول

کشید در چه سنه شبه جزیره ایطالیا بتصرف رُمها درآمد

Guerres puniques

(۳۸) — جنگهای پونیک — در افریقا نزدیک مکانی که امروز شهر

تونس واقع شده در آنعصر شهر تجارتی بزرگی موسوم به (کارتاژ) در کنار

دریا بود و این شهر را اهالی فنیقی نزدیک شهر یهود ساخته بودند

و بواسطه تجارت و استخراج معادن نقره اسپانیول ثروتی بسیار حاصل

کرده بودند

اهالی کارتاژ خودشان مباشر جنگ نمیشدند ولی از مردمان وحشی جنگجو سپاهی

میگرفتند و بجنگ فرستاده جایزه خوب بآنها میدادند تا بتوسط این قشون

بر شمال افریقا و اسپانیول و سیسیل استیلا یافتند — زمانیکه رمها خواستند

سیسیل را متصرف شوند با اهالی کارتاژ برخوردند و جنگ مابین رم و کارتاژ

شروع شد این جنگها را که عبارت از سه جنگ است جنگ پونیک مینامیدند چه کارتاژ را بزبان

جنگ اول که از تاریخ (۲۶۴) الی (۲۴۱) قبل از مسیح طول کشید نتیجه

آن این شد که رمیها کارتاژیها را از سیسیل خارج کردند

و جنگ دویم که در تاریخ (۲۱۸) الی (۲۰۲) قبل از مسیح بود باین ترتیب

بود که سرکرده از اهل کارتاژ موسوم به هانیبال از اسپانی حرکت نمود

و از میان ایتالی جنوب فرانسه عبور کرده از رشته آلپ گذشته

بایتالیا فرود آمد و در مدت سه سال در سه جنگ بزرگ بر رمیها غالب

شهری در شرق ایتالیا

شکل ۳ تسخیر کارتاژ رمیها خواستند خود را از کارتاژ خلاص کنند و شهر آنها را محاصره و تسخیر کرده کردند

آمد و بعد از جنگ کان که مشهورترین فتوح هانیبال است در مملکت ناپل سکنی

جست ولی با وصف این رمن ها جرأت و جلادت خود را از دست نداده و بعکس
انیبال دیگر جرأت حمله نداشت — رمن ها بمحض اینکه انیبال را مجبور
بخارج شدن از ایطالیا نمایند سرداری که نامش (سیپین) بود بافریقا
فرستادند و او در نزدیکی کارتاژ قشون خود را از کشتی فرود آورده و انیبال
(۲۰۲)
در مقام مدافعه برآمده در (زاما) شکست خورد و کارتاژیها درخواست
صلح نمودند و رمن ها اسپانیا را در تصرف خود نگاه داشتند

۴۷ در جنگ سیم که از تاریخ (۱۴۹) الی (۱۴۶) قبل از مسیح بود رمنها
خواستند بکلی از شر کارتاژ خلاص شوند و شهر کارتاژ را محاصره نموده بعد از
فتح آنرا خراب کردند چنانکه در نقشه نمره (۳) نموده شده

سؤالات

جنگهای پونیک را بیان کنید — شهر (کارتاژ) در کجا واقع بود — و کی ها انجا را ساختند — کارتاژیها با چه قشون جنگ و فتوحات نمودند — رمن ها در کجا بکارتاژیها برخوردند و با آنها چه کردند — جنگهای پونیک چند سال طول کشید — سردار کارتاژیها که بود — و چند جنگ با رمنها کرد — بالاخره رمن ها با کارتاژ چه کردند

(۲۰۹) — فتح مشرق زمین — بعد از آنکه امپراطوری اسکندر برهم خورد در مشرق زمین چندین دولت یونانی تشکیل گردید و رمنها یک یک آن ممالک را متصرف شدند و گاهی هم مملکتی را بدون جنگ مسخر مینمودند دو نفر از سلاطین مقدونیه را مغلوب ساختند که یکی از آنها فیلیپ بود در سنه ۱۹۷ قبل از مسیح و دیگری پرسه در سنه ۱۶۸ و همچنین انطیوکوس پادشاه شامات را در سنه ۱۹۰ قبل از مسیح مغلوب نمودند و با پادشاه (پنت) (میتریدات) سه جنگ کردند از سنه ۸۷ الی سنه ۶۴ قبل از مسیح و بالاخره مقدونیه یونان و تمام آسیای صغیر و شام و مصر را تصاحب کردند

سؤالات

بعد از برهم خوردن امپراطوری اسکندر چه واقع شد   رمن ها کدام ممالک را مسخر ساختند با که جنگ کردند

(۱۴۰) **فتح مغرب** بعد از آنکه رمنها ممالک مشرق را مسخر ساختند بفتح بلاد مغرب پرداختند پیش از این دانستیم که مملکت اسپانی را در جنگ کارتاژ تسخیر نمودند اکنون میگوئیم که در آن زمان طایفه گل در مملکت فرانسه سکنی داشتند و این طایفه مدتها اسباب ترس و وحشت رمنها بودند زیرا که طوایف گل قبل از آن ایطالیا و رم را مسخر کرده بودند

ولهذا بعد از آنکه رمنها جاهای از طوایف گل را در ایطالیا مغلوب و مطیع ساختند بطرف مملکت گل حمله ور گردیدند و در سنه ۱۲۰ ممالک مابین جبال آلپ و پیرنه را متصرف گشته در آنجا دو شهر بنا کردند یکی (اکس) و دیگری (ناربن)

خلاصه قیصر در مدت هشت سال مابقی ایالات گل تا رود رن تصرف نمود از سنه ۵۸ تا سنه ۵۰ قبل از مسیح

Rhin رود رن در شرق فرانسه از جبال آلپ تولید و بشمال جاری و بنحر شمالی میریزد

سؤالات

رمیها بعد از تسخیر ممالک مشرق چه کردند   در آن عصر در فرانسه چه طایفه ساکن بودند
رمیها اول کجای فرانسه را مسخر نموده چه کردند   بعد از آن باقی ایالات کل را که تصرف نمود

Guerras civiles

(۲۱ ـ جنگهای داخلی

در تمام این مدت حکمرانی مملکت با
مجلس سنا (نجبا) بود و هیئت رعیت رم گاهی در (فروم) یا در محل
تجارت جمع میشدند و گاهی هم بمیدان مشق میآمدند و هیئت مجلس سنا را
محترم و اطاعت امرش را واجب میدانستند و کنسولها هم هیچ کاری را
بدون همراهی عموم رعایا انجام نمیدادند   و آخرالامر از رمیهای اصلی چندان
کسی باقی نمانده بود و جمعی از غربا و اشرار داخل قشون رم گردیده مقصود
ایشان در خدمت پول نقد بود و غارت رعایا   جنگ ایشان محض
کسب بود نه از برای انجام تکلیف شخصی و از این جهت ابداً اطاعتی از دولت
رم نداشتند بلکه فقط بسردار خودشان که پول بایشان میداد اطاعت
میکردند   و سردارها هم مقصودشان آن بود که مجلس سنا را در زیر حکم
و میل خود در آورند   و چون سردارها متعدد بودند و هر یک میخواستند
در حکم استقلال داشته باشند در میان ایشان جنگ برپای شد و این

جنگ داخلی مدت هشتاد سال طول کشید ۱

در رم و ایطالیا و ممالک دیگر که متعلق بدولت رم بود مابین ماریوس
و سیلا و همچنین در میان سرتریوس و پمپه از هشتاد الی هفتاد و دو
جنگ امتداد یافت و نیز در میان پمپه و سزار از چهل و نه الی چهل و پنج ۲
قبل از مسیح جنگ برپا بود ما بین انطوان و اکتاو از چهل و سه
و الی سی سال قبل از مسیح جنگ استمرار داشت و در هر جنگ هر یک
از سرداران که غالب شد چند سالی با استقلال بود اگرچه مدت سلطنتش
بقائی نداشت Augustu

آخر الامر اهالی رم از جنگهای بی دوام خسته شدند و فاتح آخرین یعنی
اکتاو قدرتی کامل حاصل نموده صاحب دو لقب جدید گردید یکی اگوستوس
و دیگری امپراطور در سنه ۲۸ قبل از مسیح
مجلس سنا اگرچه بکلی منحل و مضمحل نشد ولی اسمی بی رسم بود و هیچ جهه تسلطی
نداشت بلکه کلیه احکام با شخص امپراطور بود و در عهد سلطنت اگوست
حضرت مسیح متولد شد

سئوالات

شرح مجلس سنا و حال اهالی رم و وضع کنسولها را بگوئید — آیا افراد قشون رم چه کسان بودند و مقصودشان چه بود — سردارهای قشون رم چه میخواستند که این سردارها باهم جنگ داشتند — مدت جنگهای ایشان چقدر طول کشید مآل امر آنها بکجا منتهی شد و که لقب امپراطوری یافت — و حال مجلس سنا چه بود — در عهد اگوست چه اتفاق افتاد.

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً رم در سنه ۷۵۳ قبل از میلاد بنا نهاده شد

ثانیاً در ابتدا حکمران آنجا سلاطین بودند و بعد مدت پانصد و ده سال کنسولها و مجلس سنا بامر حکومت میپرداختند

ثالثاً پاتریسین ها (بومیان) و پله بین ها (غربا) مدت مدیدی بایکدیگر در مجادله بودند و عاقبت الامر پاتریسین ها دست از مجادله برداشته همه باهم مساوی شدند

رابعاً رمی‌ها بهترین قشون عصر قدیم را داشتند و عالم را باطاعت خود درآوردند

خامساً در فتوحات خود از ایطالیا شروع نمودند از سنه ۵۰۰ الی سنه ۲۲۲

سادساً بعد از آن کارتاژ را در سه جنگ پونیک مغلوب ساختند از سنه ۲۶۴
الی سنه ۱۴۶

سابعاً بعد از آن مشرق زمین را بدون زحمتی تسخیر کردند

ثامناً طایفه گل را مغلوب نموده ممالک مغرب را باطاعت خود درآوردند

تاسعاً چون قشون رمی اطاعت کسی غیر از سردارهای خود نمیکردند سردارها
همه میخواستند رئیس و بزرگ باشند جنگهای داخلی طولانی واقع شد
و بعد از آنکه یکی از سردارها بلقب امپراطوری ریاست مطلقه یافت
جنگ ایشان بخاتمه رسید

فصل پنجم

امپراطوری رم

۴۲ — **امپراطوری و ایالات** — رُمیها بسیاری از ولایات را تصرف کرده بودند و امپراطورها هم مدت صد سال در فتوحات متمادی کردند و چون بصحرای لم یزرع یا بکنار رودخانه های بزرگ میرسیدند توقف میکردند مانند رود رن و دانوب و تمام ممالکی که در تصرف آورده بودند جزو امپراطوری رم محسوب بود و آن ممالک امروز باین اسامی موسوم است

انگلیس اسپانی فرانسه تمامی قسمت جنوبی ساحل دانوب که سویس و باویر و اطریش باشد

و همچنین ممالک اروپای عثمانی و آسیای صغیر و شامات و شمال افریقا — و این ساحت عظیم را بچهل و شش ایالت تقسیم کرده بودند و هر ایالت خیلی وسیع و بزرگ بود مثلاً تمام ممالک واقعه مابین جبال پرنه و دریای شمال به پنج ایالت تقسیم شده بود

در هر یک تنفر والی از طرف رم منصوب بود که فرمانده قشون و فرمانفرمای ولایت بود

و یکنفر هم ناظر از برای جمع آوری مالیات معین کرده بود

این والیان که موسوم به (پرکنسول) بودند بنظارت و چپاول اموال رعایا بیشتر اشتغال داشتند تا بفرمانفرمائی و حکومت میان آنها

و مجلس سنا هم در این خصوص کلیة ساکت بود

اگرچه امپراطورها ضمناً از برای حکام مفتش میگماشتند و تا یک اندازه

ایشان را از ستمکاری و بدرفتاری با رعایا منع میکردند

اما حکام از ضعف سنا و قوت امپراطورها بسیار خوشوقت و خوشحال بودند

سؤالات

ممالکی که رمیها تصرف کرده بودند کدام ها بود - اسم آن ممالک امروزه چیست
دولت رم بچند ایالت تقسیم شده بود — در ایالات چه اشخاص حکمرانی میکردند
طرز رفتار ایشان با رعایا چگونه بود

۲۳ — دوازده سزار (قیصر) دوازده امپراطور اول

که فرمانفرمای ممالک رم بودند ایشان را قیاصره دوازده گانه میخوانند از

سنه ۲۸ قبل از مسیح تا سنه ۹۶ بعد از میلاد وایشان هر کاری اقتدار داشتند و مردم هم تمام احکام آنها را اطاعت میکردند و میگفتند امپراطور قانون مجسم است

بعضی از این قیاصره با وجود کمال قدرت و استقلال با نهایت تدین و اعتدال رفتار میکردند مانند اگوست و وسپازین و تیطوس

اما اغلب آنها بی اعتدالی و زیاده روی را پیشه خود ساخته موافق میل و هوای نفس خود رفتار مینمودند

تیبر نرن دمیسین بسیار خسیس و بی رحم بودند و هر کس با میل آنها موافقت نداشت فورا امر بقتلش مینمودند و همیشه در پی آن بودند که از اشخاص متمول با ثروت بهانه بدست آورده اموال ایشان را بستانند

بعضی دیگر از ایشان نیمه دیوانه بودند کالیگولا مردم را بپرستش خود امر میکرد و اسب خود را لقب اکنسول میداد و کلد و نرن از زحمت حکمرانی اظهار انضجار مینمودند و در عوض خود یکنفر از غلامان یا چاکران فرومایه را بحکمرانی در میان مردم میگماشتند

سئوالات

فرمانفرمایان اوّل ممالک روم که بودند — و اشیا را چه میخواندند — از کی آگاه بودند —
اعمال و رفتار آنها چگونه بود — امپراطوران بد رفتار چه کارها میکردند —

۴۲ — انطونن ها — پنج نفر امپراطور که بعد از قیاصره سلطنت روم کردند انطونن ها
از سنه ۹۶ تا سنه ۱۹۲ میلادی بر خلاف قیاصره امپراطورهای خوبی بودند و انطو
بانها لقب دادند تا از زمان انطونن ها ابداً قانون نوشته و مدونی در میان
رومیها نبود و هر قاضی بهوای نفس خود قانونی میگذاشت و از آن رو حکم میکرد
و دیگری او را تغییر میداد انطونن ها قانونی مدون کردند که تغییر و تبدیل
نیابد و احکام جدیدی بر قانون قدیم اضافه نمودند تا آن زمان هر آقائی
حق کشتن غلام خود را داشت و انطونن ها از این عمل منع کردند و تا یک
اندازه حقوق رومیها را از روی عدل و حق مقرر داشتند که از آن
بعد آن قوانین را (مکتوبات حقه) مینامیدند و دولت فرانسه در کد
خودشان بسیاری از آن قوانین را اخذ نموده اند
انطونن ها اشخاص باهوش و سردارهای قابلی بودند و غالباً طوایف
وحشی که از ساحل دانوب بر مملکت روم حمله میکردند عقب می نشانیدند

تغییر مذهب داده مسیحی گردیدند در آخر قرن سیزدهم مغولها از آسیا آمده روسیه را تصرف کرد

در سنه ۱۴۸۰ ایوان روسی روسها را از تبعیت مغول بیرون آورد و شروع بتأسیس دولت روس نمود رفرم مذهبی در روسیه نفوذی ننمود زیرا که روسها کاتولیک مذهب نبودند بلکه رئیس آنها که شاهزاده بزرگ یا قیصر نامیده میشد رئیس مذهب آنها هم بود

در آخر قرن هفدهم قیصر پطر کبیر بترتیب ترقی روسها اقدام نمود و شهر سن پطرزبورغ را در سنه ۱۷۰۳ بنا کرد و در سنه ۱۷۲۱ ایالات بالتیک را از سوئد گرفت

در مدت قرن هفدهم روسها در اروپا رفتاری بزرگ نمودند کاترین دوم ایالات بحر اسود را از عثمانی گرفت و یک جزء از لهستان را تصرف نمود

در ایام شورش فرانسه روسها از جنگ فایده نبردند با ناپلیون دشمنی نموده مغلوب او گردیدند و بالاخره در سنه ۱۸۰۷ مصالحه نموده دوباره در سنه ۱۸۱۲ آن مصالحه را برهم زدند

مقاومت روسیه با ناپلیون که در سنه ۱۸۱۲ بود ثروت ناپلیون را تمام کرد

در سنهٔ ۱۸۱۴ و سنهٔ ۱۸۱۵ الکساندر اول قیصر روسیه قوی‌ترین دشمنان فرانسه
بود ولی از سایر غالبین با فرانسه ملایم‌تر بود در مدت قرن نوزدهم
روسیه ظفری عظیم حاصل نمود بخصوص در زد و خورد عثمانی و سایر ساکنین آسیا

در سنهٔ ۱۸۰۴ روس مملکت قفقاز را تسخیر نمود

و در سنهٔ ۱۸۲۸ ارمنستان را متصرف شد

در سنهٔ ۱۸۲۷ یونان را کمک نمود تا آزاد شد

در سنهٔ ۱۸۵۳ ممالک عثمانی را فرا گرفت

ولی از فرانسه و انگلیس که با عثمانی اتفاق کرده بودند مغلوب شد
در سنهٔ ۱۸۵۸ درهٔ رود آمور را از چین گرفت در سنهٔ ۱۸۶۶ و سنهٔ ۱۸۶۸
ترکستان را فتح و تصرف نمود در سنهٔ ۱۸۷۳ خیوه را متصرف گشت و در ۱۸۸۱
مرو را و در سنهٔ ۱۸۷۷ با عثمانی جنگ نموده اعضای عثمانی از هم متلاشی شد
و در آسیا از کنار دریای مازندران وسط سیبری راه آهن کشید
ولی در سنهٔ ۱۹۰۵ از ژاپون شکست یافته مغلوب و مجبور تخلیه منچوری گردید
روسها از وضع رفتار قیصر راضی نبودند و مخالفت او برخواسته مطالبه مشروطه نمودند
۳۴ — سوئد — اهالی سوئد در سنهٔ ۱۵۲۹ مذهب پروتستان گرفتند و در

جنگهای سی ساله همراه بود

در مدت قرن هیجدهم سوئد مملکتی با قدرت گردید شارل دوازدهم آنرا

در سنه ۱۷۰۰ بر روسها غالب آمد و پلنی را تصرف کرد ولی در سنه ۱۷۰۹ در

پولتاوا مغلوب روسها گردید تمام ایالات دریای بالتیک او از دستش

بدر رفت

سوئد با ناپلیون جنگ نمود و در معاهده ۱۸۱۵ نروژ را از پادشاه

دانمارک گرفت ولی در ۱۹۰۵ نروژ خود را مجزی و آزاد کرد

۵۰۴ — سویس — دهاتهای کوهستانی کنار دریاچه لوسرن

اتفاقی تشکیل دادند محض اینکه خودشانرا از شر شاهزادگان محفوظ دارند

و بخصوص والی اطریش که در آن ولایت تسلطی داشت در سنه ۱۳۱۵ در

مرگارتن برشجاعان اطریش غالب آمدند و رفته رفته سایر ساکنین

سویس را بطرف خود جلب نموده اتحاد سیزده بلوک را تشکیل دادند

و در سنه ۱۴۷۶ در گرانسن و در مرات برشجاعان بورگینی غالب آمدند

سویسی ها بهترین قشون پیاده اروپا محسوب میشوند و در کانتون آلمانی زبان دسته

مذهب پرتستان قبول کردند

در سنه ۱۷۹۸ فرانسه‌ها بر سویسی‌ها غالب آمدند و سویس جمهوری هلوتیک را
تشکیل داده در سنه ۱۸۱۴ دوباره آزاد گشت و انتخاب عمومی صحیح در
جمهوری سویس موجود است

۲۶- عثمانی — عثمانیان مردمانی آسیائی بوده که در عصور اولیه
تاریخی ندارند در قرن چهاردهم آسیای صغیر را که ترکی آسیا معروفست
تصرف کردند در قرن پانزدهم شبه جزیره بالکان را متصرف ساختند
در سنه ۱۴۵۳ قسطنطنیه را فتح نمودند در قرن شانزدهم مصر و شام و شمال
افریقا و مجارستان را متصرف شدند سلاطین عثمانی غالباً با پادشاهان
فرانسه بر ضد امپراطور آلمان متحد بودند
ممالکی را که عثمانی تسخیر کرده بود همه را نگاه داشته و در قرن هفدهم دولتی
بسیار با مهابت بود ولی از آن زمان رفته رفته تنزل نمود
در سنه ۱۲۱۸ اطریشی‌ها آنها را از مجارستان بیرون کردند و بواسطه
فتوحات کاترین دویم ایالات دریای اسود از دستشان رفت و همین قسم
روسها قطعات آن مملکت را انتزاع میکردند تا در سنه ۱۸۱۲ روسها سرحد
خودشان را تا رود پروت پیش آوردند در مدت قرن

سئوالات

آنطونین‌ها کیان بودند — در چه تاریخ سلطنت میکردند — چه ترقی در قوانین پیدا دادند — در لشکرکشی چه حال داشتند —

۴۵ -- تمدن رمن — رمنها مردمانی بسیار درشت خوی بودند و جز

Latium

بجز جنگ و زراعت زمین نمیدانستند ولی بواسطه معاشرت با اهالی آسیا

و یونان نوشتن تألیفات خوب نطقهای فصیح و ساختن ابنیه و مجسمه

بیاموختند ایطالیا و فرانسه و اسپانیول و انگلیس مدتها در وحشیت

باقی مانده شهری نداشتند و ممالکت ایشان با جنگلهای بزرگ پوشیده

بود بعد از آنکه رمنها این ممالک را تصرف کردند راههای بزرگ ساختند

و در همه جا شهرها و معبدها بنا کردند و تماشاخانه‌ها و حمامها راه انداختند

و تمام صنایعی که خودشان از یونان آموخته بودند با اهالی این ممالک یاد دادند

تمام ساکنین ممالک مزبور زبان لاتین تکلم مینمودند و زندگانی

مانند رمنها را تعلیم گرفتند

مثلاً در فرانسه صد شهر هست که بنای آنها از رمن است و غالباً خرابه

و مجسمه‌ها که از آن زمان باقی مانده دیده میشود زبان فرانسه از زبان لاتینی

استخراج شده است

سؤالات

طبایع رمنها چه بود — از معاشرت اهالی آسیا و یونان چه چیز آموختند — در ممالکی که مسخر نمودند چه تصرفات کردند — اهالی این ممالک بچه زبان تکلم میکردند

Le règne des soldats

۴۶ — سلطنت سربازان امپراطورهائی که بعد از انطونینها آمدند در امر سلطنت و حکمرانی آزاد نبودند و سربازان بر آنها مسلط شده بودند هر وقت امپراطوری بقدر کفایت بآنها پول نیاد نمیداد و اطاعت امر آنها را نمیکرد آن امپراطور را بقتل میرسانیدند و امپراطور دیگری بجای وی مینهادند

قشون رمن عبارت از چند اردو بود یکی در مملکت انگلیس و یکی در سواحل رود رن و یکی در کنار رود دانوب و دیگری در شامات ولی این اردوها غالباً با یکدیگر اتفاق نداشتند و هر یک امپراطوری از برای خود تعیین نموده با یکدیگر جنگ میکردند از سنه ۲۵۹ تا سنه ۲۶۷ میلادی که ده سال بیش نیست زیاده از بیست امپراطور در رم معین شد و در میان آنها امپراطورهای

نازکی هم بود مثل هلیوگابال که کشیش جوانی از اهل شام بود و لباس زنانه می پوشید

سئوالات

امپراطورانی که بعد از آنتونینها بودند چه حال داشتند. سربازان با آنها چه قسم رفتار میکردند. قشون رم چه ترتیب داشت

۴۷ — بنای شهر اسلامبول — آخر الامر چندین امپراطور که در ابتدا سربازان بودند بسلطنت رم منصوب گردیدند و بسیار مقید بودند که مردم از آنها اطاعت و انقیاد نمایند و نیز اینکه جنگهای داخلی برطرف گردیده از آن جلوگیری شود قرار براین دادند که مملکت دو قسمت شود و دو امپراطور سلطنت نمایند یکی در طرف مشرق مملکت و دیگری در ایالات غربی

بعد از این قرارداد در سنه ۳۲۶ میلادی امپراطور قسطنطین شهر جدیدی برای خود بنا نمود و او را بنام خود موسوم ساخت. این شهر در مدت چهار سال ساخته شد و شهر بزرگی شبیه بشهر رم بود و بعد از اتمام ساکنین شهرهای مجاور انجا را قهراً بآن شهر انتقال دادند و از آن زمان سلاطین شرقی رم انجا را پایتخت مملکت خود قرار دادند

سؤالات

آخر الامر کار امپراطوری رم بکجا منتهی شد — از برای جلوگیری جنگهای داخلی چه کردند — شهر اسلامبول در چه تاریخ و چگونه ساخته شد

Le bas-empire

۴۸ - **امپراطوری مشرقی** از این تاریخ دو امپراطوری در مملکت رمن ها برقرار گردید یکی در قسطنطنیه و دیگری در ایطالیا ولی این امپراطورها در طرز زندگانی هیچ شباهتی با امپراطورهای قدیم رم نداشتند تاج مرصع بر سر میگذاشتند از دستهای عمارت سلطنتی مکنی نموده بر فراز تخت طلائی می نشستند و لباسهای بلندی میپوشیدند که حاشیه زرتاب داشت و در دربار خود برادران چاکر و خدمتگذار داشتند که بهمگی امپراطور را مثل خدا پرستش میکردند دربارشان بدربار سلاطین قدیم ایران خیلی شباهت داشت

سؤالات

از تاریخ بنای اسلامبول ترتیب امپراطوری رمن چه بود — امپراطورهای شرقی بچه قسم زندگانی میکردند

۴۹ - **تنزل مملکت** — امپراطورهای مزبور از برای مرتب داشتن

در بار سلطنت و نگهداری سربازان خود پول بسیار لازم داشتند و از این جهت
مالیات زیاد از رعایا مطالبه میکردند و چون رعایای شهر از عهده ادای
آن مالیات گزاف بر نمیآمدند مالیات آنها را بر توانگران و اهل ثروت
شهر توجیه نموده ایشان را مجبور میساختند که در عوض تمام رعایا مالیات
مقرره را بپردازند بواسطه این رفتار در مدت صد سال تمام توانگران
بافلاس افتادند و رعایا متفرق گردیده از برای زراعت اراضی کسی
باقی نماند و همچنین از برای جنگ و دفاع دشمن یاغی شده طوایف وحشی
از هر طرف داخل مملکت شدند تا در ۴۷۶ سرکرده یکی از طوایف وحشی
که او اکر نام داشت امپراطور روم را که سلطان قسمت غربی روم
بود از تخت سلطنت بزیر آورد و بجز امپراطور شرقی که پایتختش قسطنطنیه
بود باقی نماند

سؤالات

امپراطورها بچه ترتیب مالیات دریافت میکردند — طوایف وحشی چه میکردند

سرکرده طوایف وحشی با امپراطور غربی چه کرد

خلاصه که باید از بر نمود

اوّلاً مانی که با جماعت رم درآمده بودند امپراطوری رم را تشکیل دادند و به ایالات متعدد تقسیم گشته در هر ایالت پروکنسول نایب قونسولی بود

ثانیاً دوازده امپراطور اول را قیصر نامیدند از سنه ۲۸ قبل از میلاد الی سنه ۹۶ بعد از میلاد و اغلب آنها بی رحم و متعدی بودند

ثالثاً بعد از ایشان آنتونین ها درآمدند از سنه ۹۶ الی سنه ۱۹۲ میلادی و آنها امپراطورهای عاقل بودند و حقوق رعیت را ثابت کردند

رابعاً امپراطوری رمن در آن عصر بسیار صاحب تمدن بود مشتمل بر شهرهای آباد و راههای معمور که آثار آنها هنوز باقی است

خامساً دستجات قشون رم بسبب جنگهای داخلی مملکت را خراب کردند

سادساً امپراطورهائی که دوباره نظم را برقرار کردند مملکت را بدو قسمت تقسیم نمودند و شهر قسطنطنیه را در سنه ۲۲۶ میلادی بنا کردند

سابعاً از آن زمان امپراطورهای رم مثل سلاطین ایران زندگانی کردند و دربار ایشان مملو از طبقات خدم و چاکران بود

ثامناً امپراطورها بسبب مالیات گزاف مملکت را خراب کردند و طوایف وحشی که بلاد را خالی از قشون مشاهده کردند از طرف مغرب حمله ور گشته اساس امپراطوری غرب را برهم زدند

فصل ششم

La religion chrétienne

مذهب عیسوی

Les religions

۵۰ — مذاهب قدیم — یونانیان و رومیها را عقیده بر این بود که عالم در تحت حکومت خدایان متعدد میباشد و از برای خدایان مانند مرد یا زن آدمی شکل و جسد قائل بودند و بتان چند ساخته آنها را مظهر خدایان میدانستند یعنی مجسمه های چوبی یا مرمر داشتند و چنان می پنداشتند که خدایان را صفت حسد میباشد و همیشه تقاضای پرستش و ذکر خود را مینمایند و هرگاه کسی از ذکر یا پرستش ایشان غفلت ورزد بخشم میآیند

پس از برای آنها عمارتها و معبدها میساختند و از برای آنها جواهرات هدیه میآوردند و گاوها و گوسفندها قربانی میکردند و برای احترام آنها تاترها برپای میداشتند

fêtes

اما ابدا معتقد نبودند که از برای خوشنودی خدایان صفات نیکو و رحم داشته باشند

سؤالات

عقیده قدیم یونان و رمن ها چه بود — از برای خدایان خود چه میکردند

۵۱ — مذهب عیسوی — حضرت عیسی که ظهور نمود بمردمان گفت خدای ما یگانه است و او پدر ماست که در آسمانست تقدیم قربانی و نفقات جمیله از قبیل تأترها و غیره بجهت طلب خوشنودی خدا بی فایده است بلکه مقدم بر همه چیز دوست داشتن خداوند است و دوست داشتن بنی نوع انسان و نیکی کردن با آنها اگرچه با ما بدی کنند تمام مردمان با یکدیگر برادرند زیرا که همگی فرزندان خداوند هستند توانگر و فقیر و پادشاه و غلام را در محبت باید مساوی داشت لهذا همه خلق باهم مساوی هستند پس حضرت عیسی برادری و مساوات ابنای آدم وصیت و اندرز نمود

سؤالات

حضرت عیسی با مردمان چه تعلیم نمود — و در باب عقاید قدمای یونان و رمن چه فرمود

۵۲ — حواریّون — حضرت عیسی بشاگردان خود فرموده بود بروید و تمامی ملل را تعلیم نمائید شاگردان آنحضرت بحواریون موسوم گشتند

Envoyés
یعنی (مامورین) وایشان برحسب امر حضرت عیسی بشهرهای یونان و آسیا
رفته اهالی آنها را نصیحت و موعظه مینمودند و خبرهای خوب و تازه بمردم میدادند
Evangile
(در لغت یونان خبر تازه خوب را (اوان ژیل) میگفتند واکثرت
استعمال بانجیل مبدل گشت و آن خبرهای خوب این بود که حضرت عیسی از
برای این فرستاده شده تا معتقدین خود را نجات داده بآسمان ببر سند
در آن زمان مردمان فقیر ذلیل بسیار بودند و بسیاری هم غلامان
بینوا بودند که آقایانشان با آنها سختکاری نموده بسختی میزدند و شکنجه
میکردند و در حبسهای تاریک در غل و زنجیرشان میکشیدند زیرا که در آن عصر
حق آقایان بود که هر چه خواهند با غلامان خود بجای آرند —
این فقرا و غلامان باکمال شعف مذهب جدید را قبول کردند که بآنها نوید
میداد بعد از مرگ بآسمان خواهند رفت بشرط آنکه بعیسی معتقد بوده
خوب کردار و امین باشند

سؤالات

Evangile

شاگردان حضرت عیسی کیان بودند و چه کردند — وجه تسمیه انجیل در ابتدا چه بود
چه قسم اشخاص در ابتدا بدین عیسی در میآمدند — جهت میل ایشان بدین او چه بود

L'église

۵۳ - کلیسا — دیر زمانی نگذشت که در ممالک از شام تا اسپانی جمعی عیسوی پیدا آمدند در ابتدا جماعتی اندک و مردمانی فقیر بودند رفته رفته زیاد شدند و غالباً عیسوی ها در مکانی جمع شدند که کتب اخبار قدیمه و مواعظ حسنه و سرود را بخوانند و بشنوند و در میان همه منتشر کردد بر یک از آن اجتماعات را (اکلیز) نامیدند و بیت مجتمعه آنها را کلیسای عیسوی خواندند *Église*

سؤالات

عیسویان چگونه انتشار یافتند ... یکجا جمع میکردند
ابتدای کلیسا چه بوده

Les martyrs

۵۴ — شهدای عیسوی امپراطورها و حکام بلکه قریب تمام ملت دین قدیم خودشان را نگاه داشته بودند و از عیسویها سخت خشمگین بودند که بخدایان ایشان عقیده نداشتند و لهذا امپراطوران قانونی وضع نمودند که مقتضی قتل و اعدام عیسویهائی بود که از عبادت تان امتناع داشتند و این از روی قانون منها بود و عیسویان اگرفته در وسط صحن سیرک بر تیری می بستند و محض شعف و خوشوقتی عامه شیر و خرس و یوزپلنگ

نگاه ازمنه ...

... شهدا را میکردند تا آنها را بدرند ولی عیسویها ازاین عقوبتها ترس نداشتند و آشکارا اظهار مذهب نموده خودشان برای قبول این عقوبتها حاضر میشدند

اشخاصی را که از برای عقوبت بسیاستگاه میبردند مارتیر مینامیدند یعنی اقرار کننده و بعد از کشته شدن عیسویان اجساد ایشان را مقدس و محترم دانسته استخوانهایشان را نگاه داشته بهترین یادگار مقدسین میشمردند

سؤالات

عموم مردم با عیسویان در چه حال بودند ... با ایشان چگونه رفتار میکردند

آیا عیسویان از اعدام و عقوبت دشمنان ترس و بیمی داشتند

بعد از کشته شدن عیسویان همکیشان آنها چه میکردند

۵۵ — فیروزی عیسویان با وجود این زجر و سیاسات ساکنین امپراطور نشین اتصالا بآئین عیسوی میگرویدند تا در راس سیصد سال قریب تمامی سکنه شهرهای ممالک روم عیسوی بودند. در سنه ۳۱۱ امپراطور کنستانتین قانونی در باب اجازه دخول بمذهب عیسوی مقرر داشت و در آنعصر در هر شهر یک نفر رئیس مذهب عیسوی بود که او را (اوک) مینامیدند یعنی سرپرست

در رفته رفته این اوک‌ها خیلی مقتدر شدند وجمعیت‌ها بنام انجمن مذهبی تشکیل میدادند وترتیب عقاید عیسوی را تعیین میکردند انجمن بزرگ نخستین (کنسیل نیسه) بود که در سنه ۳۲۵ تشکیل یافت واوک‌ها عباراتی ترکیب کردند که هنوز در نمازهای عیسوی خوانده میشود

سؤالات

مردمان چه وقت بدین عیسوی درآمدند — امپراطور چه قانونی مقرر داشت — تفصیل اوک‌ها را شرح دهید

۶۵ — گفتار — در اعصر قدیمه نمیدانستند که عقیده مذهبی باید اختیاری باشد تا هرکس تواند باسودگی بطریقه مذهب خود رفتار نماید ومثل اهل این زمان در عقیده ومذهب آزاد نبودند ولهذا امپراطورهای عیسوی مذهب بت‌پرستان را اذیت وآزار بسیار مینمودند همانقسم که در سابق امپراطورهای بت‌پرست عیسویان را اذیت مینمودند امپراطور (تئودوزن) در سنه ۳۹۵ اشخاصی را که پرستش خدایان میکردند فتوای قتل میداد واز اینگونه اشخاص جز در دهات وصحرا وجود نداشت زیرا که آنها در جنگلها در زیر درختانی که نظر کرده می‌پنداشتند جمع میشدند وتا

قرن ششم میلادی از این اشخاص باقی بودند

سئوالات

امپراطورهای عیسوی مذهب بابت پرستان چه میکردند

بت پرستان درکجا یافت میشدند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً یونانیها در معابد مپرستیدند و از رحم و شفقت خبری نداشتند حضرت عیسی برادری و مساوات به آنها آموخت

ثانیاً حواریین عیسی کتاب انجیل را انتشار دادند و بسیاری از مردم خصوصاً فقرا عیسوی شدند

ثالثاً عیسویان در هر شهری در کلیسا جمع میشدند تا از اجتماعات ایشان کلیسای عیسوی ترویج یافت

رابعاً ظالمین درصدد اذیت عیسویان برآمده ایشان را طعمهٔ حیوانات درنده میکردند و آنزمان را مارتیر میگفتند (یعنی قتل با صبر)

خامساً رفته رفته تمام مملکت عیسوی شدند و کشیشها قدرت بسیار یافته مجالس بزرگ منعقد مینمودند

سادساً امپراطورهای عیسوی اشخاص بت‌پرست را صدمه میزدند و آنهارا کافر میخواندند

ماحصل کتاب اول

اولاً نخستین مردمان تربیت شده اهالی مشرق بودند که زندگانی اجتماعی را آموخته زراعت زمین و استعمال فلزات میکردند و بسیاری از صنایع و کسب و تجارت و علوم را اختراع کردند

ثانیاً ما بین اهالی مشرق عمده اهل مصر بودند که بناهای زیبا بنا نهادند و طایفه یهود که حضرت عیسی از نسل ایشانست اهل مصر بودند

ثالثاً اهالی اروپا که در آنعصر وحشی بودند بتوسط مراوده با یونانیها در تاریخ اسمی پیدا کردند تا مملکت مصر و قسمتی از آسیارا متصرف شدند و بواسطه فتوحاتی که از برای آنها میسر گشت تربیت یافته هنوز تربیت و تمدن ایشان رو بتزاید میباشد

رابعاً بعد از این تاریخ یونانیان ضعیف شدند و مغلوب و مطیع رمن ها گشتند ورمنها بر وسعت مملکت افزوده یونانیان را مطیع خود ساختند و بعلاوه جزء شمالی افریقا و اسپانی و ممالک گل و قسمتی از بریطانی را که امروزه موسوم بانگلیس است تصرف کردند ورمنها بتوسط یونان تربیت یافته در نوبه خود سکنه ممالک مغرب زمین را که از آن پیش همه وحشی بودند تربیت کردند

خامساً تربیت که در ابتدا منحصر بمشرق بود و مدتی رجاً مغرب را هم بدائره تمدن در آورد

سادساً طایفه رمن در نوبه خود ضعیف گردیدند و وحشیان جرمن بر ممالک ایشان حمله نموده خراب کردند

سابعاً تاریخ قدیم در اینجا باتمام رسید تاریخ متوسط شروع میشود و تاریخ متوسط عبارتست از مدتی که فاصله ما بین تاریخ قدیم و تاریخ جدید میباشد

کتاب دوّم

Le moyen-âge

عصر متوسّط

فصل اوّل

استیلای ژرمن‌ها

۵۷ - ژرمن‌ها - طوایف ژرمن ابتدا در ممالکی که امروز آلمان نامیده میشود ساکن بودند و طبیعت وحشی داشتند از زراعت زمین و تربیت مواشی متنفر بودند ولی از علم و کتابت نقاشی و بنائی ابداً چیزی نمیدانستند منازل ایشان در خانه‌های چوبی بود که در صحراها ترتیب میدادند جنگ و ستیز را بسیار دوست داشتند و غالباً در میان خودشان بجنگ و نزاع مشغول بودند زیرا که طوایف متعدد منقسم شده بودند

بسیاری از ایشان بخیال طمع برای تحصیل ثروت بممالک امپراطور نشین داخل گردیده شهرها را غارت میکردند

اگرچه قشون دولت رُمن تا یک اندازه جلوگیری می‌نموده از تعدی
و غارت ایشان مانع بودند و نمیگذاشتند از حد تجاوز نمایند

سؤالات

طوایف ژرمن ابتدا در کجا ساکن بودند و چه طبیعت داشتند چه چیزها میدانستند
و از چه چیز بی اطلاع بودند در میان خودشان بچه کار اشتغال داشتند برای تحصیل ثروت
چه میکردند قشون دولت رُمن چه میکرد

۵۸ — **استیلای طوایف گت** طوایف گت بر دو قسمت بودند
ویزی گت و استرگت این دو طایفه بزرگترین طوایف ژرمن بودند
در ۳۷۵ از مکان و ماوای خودشان فرارا از دست هونها کردند
و هونها وحشیانی بودند که از آسیا آمده و بهر جا رسیدند خراب کرده بودند
ژرمنها در فرار خود داخل مملکت امپراطوری گردیدند امپراطورها در ابتدا
با آنها بنای جنگ را گذاشتند ولی در ما بعد آنها را استخدام نمودند
چیزی نگذشت که رئیس طایفه ویزی گت موسوم به آلاریک هجوم نمود به
شهر رم را متصرف شد و غارت نمود جانشین آلاریک بعد از او با تمام
رعایای خود بجنوب فرانسه و شمال اسپانیا رفته در آنجا منزل گرفتند

Wisigoth

Royaume des Wisigoths

ذان سرزمین بسلطنت نشین ویزیگت موسوم گشت

سؤالات

طوایف گت بچند قسمت بودند در چه سنه و از برای چه از مکان و ماوای خودشان بیرون رفتند و بکجا داخل شدند امپراطورها با آنها چه کردند الاریک رئیس ویزیگت چه کار کرد جانشین او بعد از او چه کرد

۵۹ - استیلای بورگوندها و واندالها

امپراطورها قشون رمنی خودشان را که در مملکت گل گذاشته بودند بجهت مدافعه ایطالیا احضار کردند و چون در معبر رود رن کسی برای مدافعه موجود نبود دو طایفه ژرمنی موقع را مغتنم شمرده داخل مملکت گل شدند طایفه بورگوند در دره رود رن و در رود راسکنی گرفتند و آن اراضی ولایت ایشان گردیده بنام آنها به بورگونی موسوم گشت مردمانی بسیار تنومند بودند اما طبعی ملایم داشتند و چندی پیش از آن بمذهب عیسوی درآمده بودند و طایفه واندال از مملکت گل و بعد از اسپانی عبور کردند و در ملکی در طرف جنوب ساکن شدند که بعدها آن ملک بنام ایشان خوانده شد و آنجا را اندلوزی واندلس نامیدند

وبعد از آن ولایاتی که امروزه باسم آلژی (الجزیره) و تونزی (تونس) موسوم است تصرف نموده از مجموع اینها مملکت واندلها تشکیل یافت

واندالها مردمانی وحشی طبیعت و بسیار درنده بودند و از هر جا عبور میکردند ابنیه را خراب و کشیشان را مقتول میساختند و دولتشان دوامی حاصل نمود

Justinien

ژوستینین امپراطور قسطنطنیه در تاریخ ۵۳۴ افریقا را مسخر ساخت

سؤالات

دو طایفه ژرمنی چگونه داخل گلیها گردیدند و هریک در کجا ساکن شدند

واندالها چه قسم اشخاصی بودند امپراطور قسطنطنیه در چه تاریخ افریقا را مسخر ساخت

۶۰ــ استیلای فران‌ها ــ فران‌ها دسته‌های مجزی

بودند که در مملکت ژرمانی سکنی داشتند یعنی چون در آنوقت ژرمانی بدون سکنه بود امپراطورهای رمن این اجازه را بآنها داده در عوض ایشان را بخدمت میگماشتند رئیس ایشان که کلوئی نام داشت یکی از دسته‌های کوچک در تبعیت او بودند پادشاه تمام فرانها

گردیده تمامت مملکت گل را تصرف نمود و از آن وقت آنجا را مملکت فرانها نامیدند

سؤالات

فرانها که بودند و در کجا بچه جهت ساکن شده بودند رئیس آنها چه شد

۱۶ــ استیلای طوایف انگلو ساکسون ــ

ممالک انگلیس را در آن وقت برطانی میخواندند و متعلق بامپراطوری رُمن بود تا زمانی که امپراطورها قشون خود شان را از آنجا بردا شتند ساکنین مملکت چون از عهده دفاع کوهستانیهای مملکت اکُس برنمیامدند طایفه ساکسُن را که یکی از طوایف ژرمن بود برای خدمت خود طلب نمودند و ساکسُن ها با اهل و عیال خود بتوسط کشتی از ژرمانی بیامدند و در جنوب انگلیس ساکن شدند ولی در ۴۵۵ باسکنه اصلی مملکت نزاع نموده ایشان را بقتل رسانیدند سایر طوایف ژرمن که به آنگل نامیده میشدند از دانمارک آمدند و همان قسم رفتار کردند بالاخره در قرن ششم هفت سلطنت در مملکت بریطانی تشکیل شده بود چهار سلطنت از ساکسُن ها در سمت جنوب و سه سلطنت از طوایف انگل

Angleterre

در طرف شمال و از آن زمان این مملکت را انگلتر خواندند

سؤالات

مملکت انگلیس در قدیم بکه تعلق داشت چه شد که ساکسن ها بآن مملکت آمدند و با سکنه اصلی مملکت چه کردند در قرن ششم چند سلطنت در بریتانی تشکیل شده بود

۶۲ - استیلای طوایف استروگت و لمبارد

استروگت ها در ایتالیا سلطنتی موسوم به دولت استروگت تشکیل داده بودند و سلطان آنها تئودوریک از سنه ۴۸۹ الی سنه ۵۲۶ بار منهادو بود و او هم مانند امپراطورهای قدیم فرمانفرمای ایتالیا بود بعد از آن ژوستی نین در سنه ۵۵۴ قشونی فرستاده ایتالیا را متصرف نمود و چندی نگذشت که طایفه لمبارد از جمله طوایف ژرمان از جبال آلپ گذشته و در دره رود پو ساکن شدند در سنه ۵۶۸ و مملکت لمبارد از ایشان تشکیل یافت که هنوز یک قسمت از دره رود پو را لمباردی میخوانند

Lombards

سؤالات

الاریک پادشاه ویزی گت ها تسخیر کرد روم را و غارت کرد آنجا را از ۴۰۹ — مملکت ویزی گت ها در جنوب گل و در شمال اسپانی — مملکت بورگوندها در ره ساون و رون است — مملکت واندال ها در جنوب اسپانی و شمال افریقا — مملکت فرانک ها در گل است — انگلوساکسون در انگلیس است — استروگت ها و لمباردها در ایطالیا

استروگت ها در ایطالیا چه کرده بودند سلطان آنها چند مدت با رمنها دوست بود

روستی نین با ایطالیا چه کرد طایفه لمبارد چه کردند و در کجا ساکن شدند

۶۳ — نتایج تصرفات — مدت استیلا و تسخیرات این طوایف دویست سال امتداد یافت و تغییرات کلی از آنها حاصل گشت قبل از این تسخیرها مملکت رمن یک مملکت مستقل بود بواسطه این عمل منقسم بچندین سلطان نشین وحشی گردید در این سلطان نشینها اهالی بر دو قسم بودند یکی طوایف ژرمن که در تبعیت سلطان آمده بودند و دیگر اهالی اصلی مملکت که آنها را رمن میگفتند و این دو طایفه باهم زندگانی میکردند بواسطه اثر معاشرت وحشی گری ژرمن‌ها تخفیف یافت ولی تمدن رمنی‌ها از دست رفت و بعد از آن نه راهی ساختند و نه عمارتی بنا کردند امر زراعت بحدی تنزل نمود که تمام اراضی زراعتی مبدل بجنگلهای خار و علف زار گشت

سؤالات

مدت استیلای این طوایف چقدر امتداد یافت و چه اثرات بخشید حال مملکت رمن بکجا انجامید اهالی ممالک چند قسم بودند و معاشرت ایشان چه اثر نمود

۶۴- **تغییر مذهب ژرمن ها** — ژرمنها در ابتدا تمام
کافر بودند و قیدی بمذهب نداشتند ولی هریک از آنها که داخل
ممالک رمی میشدند بآئین عیسوی درمیآمدند طوایف گت و واندال
و بورگوند و لمبارد زودتر از سایرین مذهب عیسوی را پذیرفتند
ولی تمام قوانین مذهب را چنانکه کشیشها تعلیم میکردند گردن ننهادند این
طایفه از پیروان آرین بودند که اعتقاد به تثلیث نداشتند
اما طایفه فرانک در همین ایام که کلوی تعمید یافت در سنه ۴۹۶ مذهب
کاتولیک اختیار کردند و چون سکنه مملکت کاتولیک مذهب بودند
اطاعت فرانک ها را از سایر طوایف خیلی بیشتر طالب بودند و
باین جهت سلاطین سلسله کلوی اقتداری کامل یافتند و در آن وقت
کشیش بزرگ رم که موسوم به پاپ بود در همه جا محترم شد گرگوار پاپ
دعات چند بانگلیس فرستاد تا طایفه انگلوسکسون را بمذهب عیسوی
درآوردند در سنه ۵۹۷ چندی بعد از آن در ابتدای قرن هشتم برحسب اهتمام
پاپ طوایف ژرمن که در ژرمانی ساکن بودند بمذهب عیسوی درآمدند
سلاطین سلسله مروی ضعف حاصل نموده و سلسله والیان کلوردنی

ترقی نهادند شارل مارتل و پسرانش از پاپ حمایت میکردند

سؤالات

ژرمنها سابقاً چه عقیده داشتند و پس از دخول در ممالک رمن چه حاصل میکردند
طایفه فرانک در چه زمان بمذهب کاتولیک در آمدند و سلطنت ممالک آنها چگونه بود
کشش بزرک رم چه نامیده میشد گرگوار چه کرد

۶۵ - شارلمان امپراطور نشین غرب

باید دانست که پپن کوتاه پسر شارل مارتل پادشاه طایفه فرانک شد و شارلمان پسر پپن کوتاه جزء اعظم ایطالیا را تصرف کرد و تسخیر ژرمانی را باتمام رسانید و در سنه ۸۰۰ توسط پاپ تاج امپراطوری بر سر نهاد ممالکت او را امپراطوری رمن میخواندند اگرچه در حقیقت شباهتی با امپراطوری رمن نداشت جز اینکه بلاد طرف غرب ممالکت که بدست وحشیان تقسیم شده بود دوباره در تحت امپراطوری مجتمع گردید و ژرمانی که هیچوقت جزء امپراطوری قدیم نبود جزء او شد

سؤالات

چنین کوتاه چه شد شارلمان بچه او چه کرد در چه سال تاج امپراطوری
بر سر نهاد ترتیب مملکت امپراطوری او از چه قرار بود

خلاصه که باید از بر کنند

اولاً ژرمن ها طایفه وحشی بودند که در المان سکنی داشتند بسیاری از
آنها بجهت تحصیل ثروت بامپراطور نشین می آمدند

ثانیاً طایفه گت که از جلو طایفهٔ هون فرار میکرد داخل مملکت شدند
در ۳۷۵ قبل از مسیح و در ابتدا بخدمت امپراطورها قیام نموده بعد از
آن رم را مسخر ساختند و سلطان نشین ویزی گت را در اسپانی تشکیل دادند

ثالثاً بورگندها و واندالها سواحل رود رن را خالی از قشون دیدند
و داخل مملکت گل شدند در ۴۰۶ بورگندها پادشاه نشینی موسوم به بورگندی
تشکیل نمودند و واندالها در افریقا سلطان نشینی برپا داشتند

رابعاً طایفه فرانک در بلجیک سکنی داشتند و در زمان سلطنت کلوی

مملکت گل را تصاحب کردند و از آن زمان مملکت گل پادشاه نشین فرانک می‌شد

خامساً ساکسونها و انگلیس‌ها به بریطان کبیر رفتند و امپراطورهای روم را آنجا دست بر داشتند ایشان هفت پادشاه نشین در آن مملکت تشکیل دادند و مجموع آن با انگلترا موسوم گشت

سادساً طوائف اُستروگت در ایطالیا مملکتی تشکیل داده بودند و در زمان تئودوریک اهمیتی حاصل کردند بعد از ایشان لمباردها در ۵۶۸ جانشین آنها شدند

سابعاً تسخیرات بربرها (وحشیان) مدت دو قرن امتداد یافت و با تأسیس چندین مملکت کردید که اهالی آنها مرکب از بربر و رمن بودند و تمدن ایشان از تمدن امپراطور نشین قدیم رمن اکثر شد

ثامناً ژرمنها در ابتدا کافر بودند و کم کم عیسوی شدند فرانکها دین کاتولیک درآمدند و طوایف انگلوساکسون و ژرمن توسط دعات مسیحی تغییر مذهب داده با طاعت پاپ در آمدند

تاسعاً شارلمان صاحب ایطالیا و ژرمانی شد و تاج امپراطوری بر سر نهاد و مملکتی موسوم به امپراطوری ژرمن تشکیل داد

فصل دویم

شریعت اسلام

۶۶ — حضرت محمّد ص — در مدّتی که رومیها بتسخیر امپراطوری غرب اشتغال داشتند اعراب نیز یک جزء از امپراطوری شرق را تسخیر نمودند در هیچ عصری ملت عرب تبعیتی از امپراطوری روم ندا شتند و بمذهب عیسوی در نیامده بودند هر قبیله از قبایل عرب بتی مخصوص داشتند و او را ستایش میکردند ولی تمام آنها سنگ حجر الاسود را محترم و مقدس میدانستند و او را درون خانهٔ کعبه که بنائی مربع شکل است قرار داده بدو تبرّک میجستند

یک نفر از اهالی مکّه از قبیلهٔ قریش که نام مبارکش محمّد و در ابتدا بقافله سالاری اشتغال داشت در سنهٔ دعوی اظهار نموده فرمود خداوند مرا به پیغمبری فرستاده است که عالمیان را هدایت نمایم اهالی مکه او را بکشتن تهدید کردند و از آنجا بهجرت نموده بمدینه تشریف برد و دعوت خود را در تمام عربستان انتشار داد جمعی از شجاعان عرب دین او را قبول

نموده در راه نصرت او باکفار جهاد کردند تا پس از هشت سال مظفر و منصور بمکه داخل شد

در سنه ۶۳۰ میلادی تمام عربستان دین او را قبول و او را اطاعت میکرد

سؤالات

اعراب در چه وقت امپراطوری شرق را تسخیر کردند ملت عرب تبعیت که مینمود و چه عقیده داشتند و پیغمبر قرشی در چه سال ظهور فرمود و کارش بکجا رسید

۶۴- اسلام — آیاتی که بر آن حضرت وحی میرسید بعضی از اصحاب مینوشتند و از مجموع آن آیات کتاب مقدس قرآن صورت گرفت که در نزد مسلمانان بسیار محترم است چنانکه انجیل در نزد عیسویان و تمام احکام و اداب مذهب اسلام در قرآن درج است

و اداب و قوانین اسلام از این قرار است

شهادت لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی خدائی نیست جز خدای یگانه و حضرت محمد رسول و فرستاده اوست احکامی که خداوند امر نموده و در قرآن درج شده باید متابعت و اطاعت نمایند در هر شبانه

روزی پنج وقت نماز گذارند با آب یا خاک تطهیر و رفع نجاست کنند صدقه بدهند و شراب نخورند و مرتکب اعمال مخالف دین نگردند کسانی که با پیغمبر ایمان آورده اعمال شایسته کنند در بهشت پر از گل و ریاحین رفته بانواع نعمتها متنعم و در آن جاوید خواهند بود و منکرین و بدکاران را بدوزخ سوزان رفته آب جوش بایشان خواهند نوشانید

این قوانین و احکام مذهب اسلام است و تابعین آن را مسلمان خوانند

سؤالات

بعضی از احکام و قوانین مذهب اسلام را بگوئید

۶۸ — خلفاء — در سنهٔ ۶۳۲ حضرت محمد رحلت فرمود و کسیکه بعد از آنحضرت ریاست یافته جانشین او گردید خلیفه نامیده و مسلمانان اطاعت او را مانند اطاعت حضرت محمد واجب میدانستند و شخص خلیفه هم پادشاه و هم سردار و هم رئیس مذهب ایشان بود چهار خلیفهٔ اول در عربستان در مدینه منزل داشتند و خواستند سایر

ملل روی زمین را بمذهب خود درآورند ولی ایشان مانند عیسویان دعات مذهبی باطراف نمیفرستادند بلکه قشون حرکت میدادند مسلمانان جنگ با ملل غیر اسلامی را از جمله عبادات میشمردند و این جنگها را جهاد فی سبیل الله مینامیدند

سؤالات

بعد از رحلت حضرت محمد صلعم چه شد خلفای اولیه در کجا توقف داشتند و چه کردند مسلمانان جنگ با کفار را چه می شمردند و چه مینامیدند

۶۹- **فتوحات اسلامی**- قشون مسلمان عبارت از چندین دسته بود و هر دسته بطرفی مامور میشد بدون اینکه احدی از ایشان لحظه توقف و تعلل نماید زیرا که مسلمانان معتقد بودند هر کس در جهاد کشته گردد فوراً به بهشت خواهد رفت و لهذا ابداً ترسی از مرگ نداشتند و شجاعانه جنگ میکردند

قشون اسلام مملکت شام را در سنهٔ ۶۳۸ تسخیر نمودند و در سنهٔ ۶۴۰ مصر را که متعلق بامپراطور قسطنطنیه بود مسخر ساختند و در سنهٔ ۶۴۲ تمام مملکت ایران بتصرف ایشان درآمد

بعد از خلفای اربعه خلفای بنی امیه دمشق شام را پایتخت قرار دادند
و همچنان بحکمت جهاد مداومت داشتند تا لشکر اسلام از طرف مشرق
ترکستان و شمال هندوستان را مسخر ساختند و از طرف مغرب تونس
و الجزایر و مراکش را متصرف شدند در سنه ۷۱۱
بعد از آن از تنگه جبل الطارق گذشته با یک جنگ تمام مملکت اسپانی را
مسخر ساختند پس مملکت امپراطوری خلفا از اقیانوس اطلس تا
رود سند امتداد یافت و هرگز مملکتی با این وسعت و بزرگی دیده نشده است

سؤالات

قشون اسلام بچه ترتیب بود عقیده ایشان در باب جهاد چه بود شام و مصر
و ایران را در چه سنه متصرف شدند بعد از خلفای اربعه پایتخت بنی امیه در کجا بود
وسعت مملکت اسلام چقدر بود با اسپانی چه کردند

۷۰ـ **توقف مسلمانان** مسلمانان مملکت فرانسه را فتح ننمودند و شارل مارتل
ایشان را در پواطیه متوقف ساخت سنه ۷۳۲ و بعد از آن تا زمانی آنها را
از جنوب فرانسه خارج نمود

مکه محل تولد حضرت محمد صلعم مدینه شهر دیگر اعراب است حضرت رسول آنجا رفت (۶۲۲ م)
و در آنجا وفات یافت (۶۳۲ م) — مسلمانان تصرف کردند شام و مصر و ایران و ترکستان
و هندوستان و شمال افریقا و اسپانی را — پواتیه محل شکست دادن شارل مارتل است اعراب را
(۷۳۲) — بغداد مکان خلفا است که مغول ها تسخیر کردند (۱۲۵۸) قرطبه شهر اسپانی است
که خلیفه دیگر منزل داشت

ص ۳ سارازان ها در بحر مدیترانه سیر میکردند

بعضی از مسلمانها در افریقا در روی دریا بغارت و کسب غنیمت مشغول داشتند و در تمام دریای مدیترانه با کشتیهای خودشان سیر میکردند و چون عیسویان را میدیدند آنها را اسیر نموده غلام و کنیز خود قرار میدادند غالبا در سواحل ایطالی و فرانسه برای غارت دهات از کشتی فرود آمده زنان و اطفال را اسیر میکردند

تمام جزیره سیسیل در تصرف ایشان در آمد و همچنین جزء جنوبی ایطالیا در نزدیک شهر نیس قلعه محکم داشتند و اروپائیان آنهارا (سرازن) مینامیدند

سؤالات

مسلمانان با فرانسه چه کردند شارل مارتل و شارلمان با آنها چه کرد
مسلمانها در افریقا چه میکردند با عیسویان رفتار ایشان از چه قرار بود

۷۱- **انقراض دولت عرب** دولت خلفا خیلی بطول نینجامید و مملکت اسلامی ابتدا بدو خلیفه نشین تقسیم گردید که پایتخت یکی در بغداد و دیگری در کردوا (قرطبه) بود در اسپانی بعد از آن چند سلطنت اسلامی دیگر در مصر و شام و الجزایر و مراکش و ایران تأسیس شد

در سنه ۱۲۵۸ مغولها از ترکستان آمدند و شهر بغداد را متصرف شده قتل عام کردند و دستگاه خلافت بغداد منقرض گشت

ولی ممالکی که بآئین اسلام درآمده بودند در عقیده اسلامی باقی ماندند چنانکه اکنون نیز هستند و قریب سیصد ملیون مسلمان در عالم وجود دارد

سؤالات

دولت خلفا چه مقدار طول کشید مملکت اسلام بچند خلافت و سلطنت تقسیم شد
مغولها در چه تاریخ بر بلاد اسلام حمله نمودند و با شهر بغداد و خلافت چه کردند
چقدر مسلمان در عالم وجود دارد

۷۲ – **تمدّن اعراب** – اعراب نه فقط جنگجو بودند بلکه شعر و علم را دوست میداشتند و چون ممالک ایران و یونان را فتح نمودند مدرسه هائی که در آن بلاد بود باقی گذاشته از خودشان نیز در بغداد و شام و قرطبه مدرسه ها بجهت تحصیل علوم بنا نمودند

مدرسه (سالرن) قدیمی ترین مدارس طبی ایشان بوده اوّل کسی که بعلم شیمی اشتغال جست عرب بود و مادّه الکل را اوّل آنها پیدا کردند عمارتها و مسجدهای حیرت انگیز بنا نمودند اطراف شهرهای ایشان غالباً باغستان و مزروع بود در تمام عصر متوسّط عربها بدرجات از عیسویها متمدّن تر بودند

سؤالات

اعراب غیر از جنگجوئی چه داشتند   با مدارس یونان و ایران چه کردند

کارهای عرب را شرح دهید

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً پیغمبر عربی که نام مبارکش محمد بود در سنهٔ ۶۱۰ میلادی دین اسلام را آورد و تمامیت اعراب بدین او در آمدند

ثانیاً - مذهب اسلام عبارت از احکامی است که در قرآن نازل گشته و خلاصه آن اینست که خدائی جز خدای یگانه نمیباشد و محمد پیغمبر و فرستاده اوست مؤمنین در بهشت جاوید مکان دارند و منکرین را مکان در دوزخ است

ثالثاً خلفائی که جانشین آنحضرت بودند از ۶۳۲ الی ۶۶۱ مشغول جهاد گردیدند تمام ملل را بآئین اسلام در آوردند

رابعاً لشکر اسلام همیشه مظفر و منصور بودند و ممالک شام و مصر و ایران و تمام شمال افریقا و مملکت اسپانی را تصرف نمودند

خامساً مسلمانان بتوسط طایفه فرانک در فتوح خود متوقف گردیدند ولی در سواحل مدیترانه در تحت اسم سارازان بقتل و غارت اشتغال داشتند

سادساً مملکت امپراطوری خلفا در قرن دهم بچندین مملکت تقسیم شد که همه بر دین اسلام باقی بودند

سابعاً اعراب مدارس بسیار داشتند علم طب و شیمی را تکمیل نمودند و ابنیه عالی ساختند

فصل سیم
ملوک الطوایف
در اروپا

۷۳ — برهم خوردن دولت امپراطوری شارلمان. امپراطوری خانواده شارلمان پنجاه سال طول کشید و در سنه ۸۴۳ نواده های شارلمان برحسب قرارداد وردون مملکت را به سه پادشاه نشین تقسیم کردند یعنی فرانسه و آلمان و ایطالی بجز پادشاه‌نشینهای کوچک که بعد از آن تشکیل یافت و اکنون آنها را محسوب نمیداریم

در ابتدا سلاطین و امپراطورها میبایست از خانوادهٔ شارلمان منتخب شوند ولی بعد از آن در هر پادشاه نشینی یکنفر از خانواده های محترم آن مملکت بسلطنت می نشست جز اینکه هیچیک در سلطنت خود اقتداری نداشتند و هر مملکتی با ایالتهای کوچک متعدد تقسیم شده در هر ایالت والی یا رئیسی حکومت میکرد و این والی در ایالت خود ریاست مطلقه داشت و دارای نفوذ کامل بود زیرا که سلاطین حق نداشتند او را معزول بسازند و چون

والی میمرد پسر یا دختر او وارث ولایت او بود

سؤالات

بعد از بهم خوردن امپراطوری شارلمان مملکت بچه حال شد سلاطین و امپراطورها بچه ترتیب منتخب میشدند والی ها در ایالت خود چه حال داشتند

۲۴ — آقایان و شجاعان — آنزمان مانند این عصر نبود که هر ایالت با اطراف آن در حکم یک خانه باشد بلکه ایالت عبارت بود از یک ده الی بیست و سی قریه با املاک و اراضی بسیار در هر قریه با ملکی بزرگی مسلط و مقتدر بود که او را آقا یا بارون مینامیدند و هر آقائی در حوزه تصرف خود مالک مستقل بود و جمعی از خدمتگذاران و جنگیان در دور او جمع بودند و خانه او عبارت از قلعه محکم بود که قصر مینامیدند

تمام این آقایان و خدمتگذاران ایشان سوار و جنگی بودند و اسلحه ایشان نیزه بلند بود و زرهی در بر میکردند که از زخم خوردن محفوظ مانند و آنها را شوالیه (شجاع) مینامیدند

در آن عصر هیچو می پنداشتند که اسباب عزت و عظمت منحصر است بجنگجوئی ولاجرم در عوض اینکه کسی را نجیب خوانند سرباز و جنگی مینامیدند

و چون این شوالیه ها (شجاعان) کار دیگری نداشتند روزها خود
بجنگ و ستیز با یکدیگر میگذرانیدند

سؤالات

آیا آنها در آنعصر چه حال داشتند · آقایان (شجاعان) چه میکردند
اسلحه ایشان چه بود · روزگار خود را چه قسم میگذرانیدند

۷۵ — **کشیش ها و راهبان** — در هر شهری کشیشی و در هر صومعه راهبی منزل داشت کشیش ها و راهبها بسیار متمول شده بودند و باعث آن این بود که آقایان و رؤسا بشدت متعدی و بدرفتار بودند غالباً همسایه ها بلکه اقوام خود را بقتل میرسانیدند و چون از بسیاری معاصی از عذاب الهی اندیشه میکردند قطعه ملکی را براهب یا کشیش واگذاشته جزو املاک او قرار میدادند و از او درخواست مینمودند که از برای ایشان طلب مغفرت نماید و بخشش گناه ایشان را از خداوند بخواهد

باین سبب کشیشان و راهبان هر یک آقائی بزرگ شده بودند بخصوص در المان که اغلب کشیشهای مایانس و کلن صاحب املاک و اراضی بسیار گردیده و از اغلب خداوندگاران مقتدرتر بودند

سئوالات

حال کشیشها و راهبها چه بود. باعث تموّل کشیشان چه بود

اقتدار ایشان بچه اندازه بود

۷۶ — **غلامان** — در عصر رمیها غالباً رعایای املاک غلام و بنده بودند و صاحبان املاک میتوانستند ایشان را باشخاص دور و نزدیک بفروشند یا بزنند و بکشند و کلیه مانند حیوانات با آنها رفتار میکردند

در عصر متوسّط نیز عموم رعایا را (سرف) مینامیدند یعنی بنده و با زراعت اشتغال داشتند ولی مالک زمین نبودند بلکه املاک متعلق بود بپادشاهی یا آقایان یا کشیشان و راهبان و غلامان بیچاره جز برزگری کاری نداشتند بر یک قطعه زمین مختص خود را از زراعت نموده ما حصل زحمات ایشان بصاحبان املاک میرسید بلکه کلیّه زحمات بدنی و پول و گندم و شراب و جوجه ایشان حق صاحب ملک بود

چرا که آقا حق نداشت قطعه زمین زراعت هیچ رعیّتی را از و بگیرد و چون رعیّتی میمرد زمین او بوارث با ولادش میرسید

اگرچه این بندگان هم خیلی بدبخت بودند که صدمات فوق‌العاده میدیدند
ولی همینقدر بود که آقا و مالک آنها نمیتوانست آنها را از اطفالشان
دور سازد و باشخاص دیگر بفروشد

غلامان برزگر در قرن یازدهم خوشحال‌تر از رعایای رومها بودند
زیرا که در آن زمانها همه چیز رو بترقی بود اما برزگرها هنوز بکلی آزاد نبودند و ناچار
باید احکام مالک خود را متبع باشند

هر آقا و مالکی در حوزهٔ اقتدار و املاک خود یکنفر ناظر از جانب خود
میگماشت که بر رعایا پول بدهد این ناظر میتوانست از رعایا جریمه بگیرد و حتی
قتل آنها را امر بدهد هیچ غلامی حق نداشت از قریه که در آن ساکن و مشغول
برزگری بود بجای دیگر برود

سؤالات

حال غلامان برزگر در عصر رومها چه بود حال ایشان در عصر متوسط چه بود
رعایای قرن یازدهم با رعایای رومها چه تفاوت داشتند هر مالکی در حوزهٔ قدرت
خود که را میگماشت

۷۷ — **بورژوا** (اهل قصبه ها) در قرن دهم در تاریخ وارد شد:
بغیر از دهات رعیت‌نشین چیزی موجود نبود و بعد از آن رفته رفته

بسیاری از آن دهات بزرگ شده و شهرت حاصل نمود

سکنه هر شهری در دور شهر خودشان از برای مدافعه قلعه و جان پناه میساختند و این قلعه ها را بورگ (معقل) و اهل آن را برژوا یعنی ساکنین معقل می‌نامیدند

در ابتدا بورژواها هم مثل رعایای دهات مطیع آقایان بودند و جزء شوالیه‌ها (پهلوان) دیگری آزاد نبود

ولی در میان برژواها گاهی تاجر و کارگر پدید شد که فایده نقدی حاصل میکردند بعضی از آنها حق اقتدار و حکومت را از آقایان برای خودشان میخریدند و در آن شهر یا قصبه حکومت میکردند

سؤالات

در قرن دهم حال قریه های اروپ چه بود — سکنه شهرها چه میکردند

برژواها چه حال داشتند — برژواها چه میکردند

۷۸ــ حال اروپا در عصر ملوک الطوایف — در این عصر در تمام اروپا این اشخاص صاحب اقتدار و نفوذ بودند یعنی آقایان و شوالیه ها (شجاعان) و کشیش و راهب ها و برژواها (معقل نشینها)

واین عصر را عصر ملوک الطوایف نامند

ممالک اصلی در آن عصر آلمان وایطالی بود که بعد از این بذکر آنها میپردازیم

و دیگر مملکت فرانسه بود

اما ممالک اسکاندیناوی یعنی سوئد و نروژ و دانمارک در آنوقت در حسابی

محسوب نبودند و مملکت بوهم و هونگری (مجار) و پلنی (ورشو)

وجودی ناقابل بودند در روسیه هنوز بحال وحشیگری میزیستند

جزء اعظم اسپانی متعلق بمسلمین بود ولی چند سلطنت کوچک عیسوی

مذهب در آن باقی مانده بودند مانند پرتوغال و کاستیل ولئون ونا

وارا گن و همیشه با مسلمانان در جنگ و ستیز بودند

سئوالات

صاحبان نفوذ و قدرت در عصر ملوک الطوایف در اروپا کیان بودند

ممالک اصلی در آنزمان کدام و سایر ممالک چه حال داشتند

اسپانی در دست که بود

۲۹ — تسخیر نورماندیها مملکت انگلیس را — یکی از وقایع و اتفاقات بزرگ آنزمان تشکیل مملکت انگلیس است که نورماندیها تأسیس نمودند

بانیمعنی که دزدان دریائی از نروژ میآمدند و در فرانسه بارئیس خودشان منزل میکردند در سنه ۹۱۱ ولایتی را که از مملکت فرانسه تصرف کرده بودند نورماندی میخواندند و والی نورماندیها معتدرترین آقایان فرانسه شده بود

گیلیوم والی نورماندی در سنه ۱۰۶۶ مملکت انگلیس را متصرف شد و انگلیس با نورماندی متصل گشت و بعد از این اتصال یکی از ممالک عمده اروپا گردید

سایر شوالیه ها (شجاعان) نورماندی سیسیل و مملکت ناپل را از عربها گرفته سلطان نشین مخصوصی تشکیل دادند

سؤالات

نورماندیها با مملکت انگلیس چه کردند والی نورماندی در چه سنه انگلیس را تصرف نمود و بعد از آن چه شد شوالیه های نورماند چه کردند

۸۰ - **قدرت فرانسه** — سلاطین اول فرانسه از سلسله کاپتین پادشاهانی ضعیف بودند بعلت اینکه والی ها و رئیسها

که در ولایات بودند اطاعتی از آنها نداشتند ولی شوالیه‌ها دشجاعان فرانسه در تمام اروپ مشهور بودند و شاهزادگان فرانسه در ممالک انگلیس‌ها و ایطالیا و پرتوگال سلطنت میکردند و در دربار سلطنتی پادشاه انگلیس بزبان فرانسه تکلم میشد شعرای فرانسه که در قرن دوازدهم و سیزدهم بودند سرگذشت جنگها را نظم نموده شعرای سایر ممالک تقلید آنها میکردند

معمارهای فرانسه کلیساها و عمارات خیلی قشنگ بطرز رومن با هلالهای بلند خیاطی میساختند و ممالک دیگر از آنها اقتباس میکردند پس بهمین سبب‌ها مملکت فرانسه در زمان ملوک الطوایف با وصف اینکه تقسیم شده بود یکی از مهمترین ممالک اروپ بود

سؤالات

سلاطین اول فرانسه چه حال داشتند شوالیه‌ها و شاهزادگان فرانسه چه میکردند شعرا و معماران فرانسه چه میکردند فرانسه در عصر ملوک الطوایف چه حال داشت

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً امپراطوری شارلمان بچندین مملکت تقسیم شد و پادشاه نشینها با ایالتها تقسیم شده بود که در هریک والی یا رئیسی حکمرانی میکرد و صاحب حقیقی آن ملک بود

ثانیاً مالکین را آقا مینامیدند و ایشان با همراهان و ملازمان در قلعه هائی که معروف بقصر بود زندگانی نموده با اسلحه شجاعان متسلح بودند و با یکدیگر جنگ میکردند

ثالثاً کشیشان و راهبان تسلط کاملی داشتند و آقایان بزرگی بودند

رابعاً رعایا از برای آقایان برزگری اراضی نموده مطیع ایشان بودند و بسیاری از آنها سرف (یعنی غلام) بودند ولی صاحب زرعه خود بودند و از غلامان زمان رومیها با آنها بهتر رفتار میکردند

خامساً ساکنین شهرها که موسوم به بورژوا بودند حق حکومت قصبه خود را از آقایان میخریدند

سادساً این زمان عصر ملوک الطوایف اروپاست و ولایات اصلی در آنزمان آلمان و ایطالی و فرانسه بود

سابعاً والی نورماندی در ۱۰۶۶ انگلیس را تصرف کرد و شجاعان نورماند ممالک ناپل و سیسیل را تصرف کردند

ثامناً در آنوقت فرانسه مملکت عمده اروپا بود بواسطه شجاعان و شاعران و معماران که دارا بود

فصل چهارم

کورو ازاد (بی وفایان)

۸۱ - **بی وفایان** ساکنان اروپا بچند ملت تقسیم شده و هر ملتی بچند ولایت منقسم گشته بودند چرا که تمام آنها در تمدن یک نحو بوده و یک عقیده داشتند یعنی همه عیسوی مذهب بودند و اطاعت پاپ میکردند

در قرن یازدهم ملل غیر عیسوی از همه طرف عیسویان را احاطه کرده بودند و عیسویها ایشان را بیوفایان خواندند این بیوفایان در سه طرف بودند باین ترتیب که در سمت مشرق مسلمانان مصر و شام و در مغرب مسلمانان اسپانی که موسوم به (مُر) بودند و در شمال شرقی اسلاو و پروسش که در ساحل رود اُدِر سکنی داشتند و هنوز در کفر باقی بودند پاپ ها مقصودشان این بود که بیوفایان مجبور کرده پیروی عیسی نمایند و باین جهت شوالیه ها را تحریک میشدند که با آنها جنگ نمایند این قسم جنگها را جنگ صلیبی نامیدند بعلت اینکه هر یک از لشکریان این

جنگ صلیب قرمز رنگی بر روی لباس خود قرار داده بودند

سؤالات

ساکنان اروپا چه حال حاصل کرده بودند   بی وفایان کیان بودند   در کدام طرف واقع بودند   مقصود پاپها چه بود و چه کردند   جنگ بی وفایان را چه نامیدند

۱۲ — **جنگ صلیبی مشرقی** — بزرگترین این جنگهای صلیبی جنگی بود که در آسیا و در مملکت مصر واقع شد و او عبارت از هشت جنگ بزرگ بود و در جنگ اول تقریباً تمام لشکریان صلیبی از فرانسه بودند بیت المقدس را در سنه ۱۰۹۹ مسخر ساختند و جماعتی از لشکریان در همانجا ماندند و پادشاه نشین فرانسه را در بیت المقدس تأسیس نمودند ولی در مقابل مسلمانان تاب مقاومت نیاورده برای کمک خودشان از شجاعان اروپا طلب نمودند

جنگ صلیبی دویم بتوسط پادشاه فرانسه و امپراطور آلمان وقوع یافت و سعی ایشان بهدر رفت زیرا که نتوانستند بیت المقدس را از مسلمانان پس بگیرند

جنگ صلیبی سیم را امپراطور آلمان و پادشاه فرانسه و پادشاه انگلیس پا کردند و فایده نبردند جز اینکه یک شهر مسخر نمودند شوالیه ها (شجاعان)

با اسلحه آهنین خود تاب حرارت هوای مشرق زمین را نیاورده تقریباً
تمام ایشان در عرض راه از حرارت هوا بهلاکت رسیدند

در جنگ صلیبی چهارم شجاعان خواستند از طرف دریا بآسیا بروند
ولی اهالی شهر ونیز آنها را از این عزیمت بازگردانیدند و در عوض جنگ
با بیوفایان بطرف قسطنطنیه رفتند و در آنوقت سلطنت قسطنطنیه با امپراطوری
عیسوی مذهب بود ولی کاتولیک نبود بمحض همین شجاعان بآنجا رفته او را
از تخت بزیر آورده بجای او یک نفر از خودشان را که اصلاً فرانسوی
و از اهل بودوان بود بسلطنت نشانیدند و بعد از آن مملکت را در میان
خودشان تقسیم نمودند و هر یک در ولایتی مرئس و والی و رئیس شدند و از
مجموع ایشان امپراطورنشین لاتین در قسطنطنیه تشکیل یافت که تا سنه ۱۲۶۱
بطول انجامید

مسلمانان تمام مملکت بیت المقدس را بجز جزیره قبرس تصرف کرده بودند
و چهار جنگ صلیبی دیگر در بیت المقدس واقع شد
جنگ ششم را امپراطور المان شروع نمود ولی در عوض آنکه با پادشاه
اسلام که بیت المقدس را متصرف بود جنگ نماید با او عهد اتحاد

بیت و بدون جنگ داخل بیت المقدس گشت
دهم جنگ صلیبی اخیر را سن لوئی انجام داد و میخواست مصر را مسخر سازد
ولی در جنگ صلیبی هفتم بحبس افتاد و در جنگ هشتم بمرض طاعون مرد.

سؤالات

بزرگترین جنگهای صلیبی کدام بود — سایر جنگهای صلیبی را که انجام داد — امپراطور آلمان با پادشاه اسلام چه کرد — جنگ صلیبی اخیر را که انجام داد

۱۴۸ - جنگ صلیبی اسپانی - مسلمانان تمام اسپانی را تصرف کرده بودند ولی بعضی شاهزادههای ضعیف عیسوی مذهب در مملکت پیرنه ساکن بودند و با مسلمانان بنای جنگ را گذاشته متدرجاً بسمت جنوب پیش رفتند و شهر بشهر را متصرف شدند و در آنجا پنج پادشاه نشین عیسوی بود پرتوگال کاستیل لئون ناوآرا آراگن

شجاعان اسپانیول اوقات خود را صرف جنگ طایفه عرب مینمودند مثل رسید معروف که در قرن یازدهم در سنه ۱۰۷۵ شهر والانس را گرفت و همچنین شجاعان عیسوی از اهالی فرانسه و انگلیس و ایتالیا باسم جنگ صلیبی میآمدند و مدت این جنگها زیاده از ششصد

سال طول کشید امّا کار عیسویان بزودی پیشرفت میکرد زیرا که غالباً همه خودشان در جنگ بودند و با وصف این عاقبت الامر از برای مسلمانان در اسپانی بجز مملکت کوچک گرناد (غرناطه) که در جنوب اسپانی واقعست باقی نماند

سؤالات

شاهزادگان عیسوی در اسپانی با مسلمانان چه میکردند   شجاعان اسپانیول و سایر شجاعان عیسوی چه میکردند   مدت جنگها چقدر طول کشید   چرا کار عیسویان بزودی پیشرفت میکرد

۸۴ - **جنگ صلیبی با پروسیها** - از قرن ۱۳ هم عیسویان آلمان با طوایف بت پرست که در آنسوی رود الب سکنی داشتند جنگ میکردند و اراضی سنگلاخ موسوم ببراندبورگ را تصرف نموده بودند که شهر کوچک برلن در آن بنا شده بود

در آنزمان در مملکت بیت المقدس بعضی راهبهای شجاع بودند که ایشانرا (شجاعان تتنی) مینامیدند از برای خودشان صومعه تشکیل داده زن نمیگرفتند و بالاپوش سفید در بر نموده اسلحه با خود داشتند و همیشه مستعد جنگ با کفار (غیر عیسویان) بودند بعد از آنکه مسلمانان عیسویها را

از بیت المقدس بیرون کردند این شجاعان که همه از اهل آلمان بودند بکنار رود ویستول رفتند و در ولایتی که بت پرستان منزل داشتند قلعه ماریئن بورک را بنا نهادند محض اینکه طوایف بروس را تغییر مذهب مجبور سازند و همه ساله بسفر جنگ (غزا) رفته دهات و مزارع بت پرستان را میسوزانیدند و خودشان را بقتل میرسانیدند و از سایر شجاعان عیسوی مذهب امداد می طلبیدند این جنگها نیز نوعی از جنگ صلیبی بود در رضای خدا را در این میدانستند که مخالفان عقاید و تعلیمات کلیسا را بقتل رسانند و همچنین شجاعان فرانسه بجنگ صلیبی میرفتند یعنی بکشتن فرانسویهای نزیه و ناربن که کاتولیک نبودند

سؤالات

عیسویان آلمان در قرن دهم چه میکردند — راهبهای شجاع بیت المقدس چه کردند — و در بلاد بت پرستان چه رفتار مینمودند — شجاعان فرانسه چه میکردند

۸۵ — نتایج جنگ صلیبی — جنگهای صلیبی اسپانی و پروس سبب شد که دو مملکت بتصرف عیسویان درآمد

جنگ صلیبی مشرقی سبب شد که ملیونها عیسوی کشته گردید و مملکت عیسوی هم که بنا نهادند امتدادی نیافت ولی با وصف این جنگهای مزبور بیفایده نبود

اولاً شجاعان عیسوی که از ولایات مختلفه بودند و هر یک در کنج ماوای خود گذرانیده با یکدیگر رابطه و آشنائی نداشتند بعد از آنکه برای جنگ اجتماع نمودند با هم آشنا شدند و تمام فرانسوی ها فهمیدند که همه یک ملت هستند

ثانیاً چون عیسویان ببلاد مشرق در آمدند مسلمانان را مشاهده نمودند که عمارات قشنگ عالی داشتند و لباسهای فاخر پوشیده بودند بهترین اطبا در میان ایشان بود و بهترین مدارس تشکیل داده بودند - عیسویان تمام این چیزها را در خاطر خود نگاه داشتند و تقلید آنها برخواستند لاجرم بعد از جنگهای صلیبی اروپا متمدن تر از سابق گردید

سؤالات

جنگهای صلیبی اسپانی و پروس چه چیز را سبب شد — جنگ صلیبی مشرقی سبب چه چیز گردید — فوائد و اثرات جنگهای صلیبی چه بود

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً شجاعان عیسوی در قرن یازدهم با بیوفایان یعنی غیر عیسویان شروع بجنگ نمودند و این جنگها را جنگ صلیبی نامیدند

ثانیاً عیسویان از سنه ۱۰۹۶ تا سنه ۱۲۷۰ هشت جنگ با مسلمانان مشرق نمودند و مملکت بیت المقدس را در سنه ۱۰۹۹ تأسیس کردند و بعد مسلمانها او را از ایشان گرفتند و همچنین مملکت لاتین قسطنطنیه را و امتداد جنگ ایشان از سنه ۱۰۹۶ تا سنه ۱۲۶۱ بود

ثالثاً عیسویها جنگهای صلیبی زیاد با مسلمانان اسپانی نموده چندین مملکت عیسوی در اسپانی تشکیل شد

رابعاً عیسویان آلمان برانده بزرگ را تصرف کردند و شجاعان ورجه تتنی با کافران پروس جنگ صلیبی نمودند و دالی نشین پروس را بنا نهادند

خامساً جنگهای صلیبی اسباب کشته شدن ملیونها مردمان گردید ولی از آنجهت که طوایف عیسوی با یکدیگر نزدیک و آشنا شدند فایده بخشید و نیز این جنگها سبب شد که از سابق متمدن تر شوند

فصل پنجم

آلمان و ایطالی

در عصر متوسط

۸۶ ـ امپراطورهای آلمان ـ پادشاهان آلمان مانند فرانسه سلطنتشان موروثی نبود بلکه سلطان بموجب انتخاب تعیین میشد یعنی چون پادشاهی وفات می‌نمود آقایان آلمان در جلگه وسیعی برای انتخاب سلطان جدید جمع میشدند و غالباً پسر پادشاه متوفی انتخاب میشد سه فامیل بزرگ در آلمان سلطنت نمودند

اوّل خانوادهٔ ساکسن که از آلمانهای شمالی بودند در قرن دهم

دوّیم خانواده فرانکنی که از مرکز آلمان بودند در قرن یازدهم

سیم خانوادهٔ سوآب که از جنوب بودند در قرن دوازدهم و سیزدهم

این سلاطین آلمان از پادشاهان فرانسه مقتدرتر بودند زیرا که آقایان آلمان باطاعت پادشاه عادت یافته بودند ولی در قرن سیزدهم این

این عادت را از دست داد

در قرن دهم مملکت ایطالیا در نهایت بی نظمی بود در همان اوقات اتن اول پادشاه آلمان با قشونی بزرگ از جبال آلپ عبور کرده برم آمد و تاج امپراطوری بر سر نهاد از آن زمان تا مدت پانصد سال هر پادشاهی که در آلمان بسلطنت منتخب میشد قشونی از شجاعان آلمان جمع نموده با ایطالیا میرفت و ابتدا به پادی رفته نشان مملکت لمبارد را میگرفت و بعد از آن از برای گرفتن تاج امپراطوری برم میرفت از این قرار همیشه آلمان و ایطالی یک امپراطور داشتند

ولی چون مسکن امپراطور در آلمان بود ایطالیائیها اطاعتی از او نداشتند و غالباً لازم میشد که پادشاه با جنگ داخل رم شود

سؤالات

تعیین سلطنت آلمان بچه ترتیب بود — چند فامیل در آلمان سلطنت کردند
در قرن دهم مملکت ایطالی چه حال داشت اتن اول چگونه برم رفت
بعد از آن پادشاهان آلمان بچه قسم برم رفته تاج امپراطوری را میگرفتند

۱۸ — پاپها — پاپ آقا و بزرگ مذهبی رم بود و همچنین برای

عیسویان ریاست داشت در ابتدا پاپ ها توسط امپراطور المان منتخب میشدند و اطاعت او را مینمودند و همچنین کشیش ها و راهب ها را امپراطور تعیین میکرد و ایشان را جمع نموده شورائی تشکیل میداد بجهت انتخاب پاپ و کاتیه بقسمی رفتار میکرد که پنداشتی رئیس کلیسا میباشد عاقبت الامر پاپها نخواستند که انتخاب ایشان با مشورت عموم کشیشان و تصویب امپراطور باشد و از این جهت در ۱۰۵۹ مقرر داشتند که انتخاب پاپ فقط توسط کشیش های شهر رم باشد

سؤالات

پاپ که بوده انتخاب پاپ را که مینمود – تعیین کشیشها و راهبها با که بود پاپ ها خواستند چه شود و چه کردند

۸۸ – **منازعه پاپها و امپراطورها** – بالاخره پاپها قوت یافته امپراطورها و پادشاهان را از حق تعیین کشیشها و راهبها نیز ممانعت نمودند و چون املاک کشیش ها در وسط املاک امپراطوری واقع بود و از هر جانب امپراطور بر آنها احاطه داشت با ایشان در مقام معاندت برآمد و ایشان نیز با امپراطور زد و خورد نمودند این زد و خوردها جنگهای

بصوری (احاطه) خواندند

امپراطور هانری چهارم بیش از دیگران در مقاومت کشیش ها سعی نمود و پاپ گرگوار هفتم بکلّی رابطه را با او قطع نموده بشجاعان مخصوص خودش حکم داد بر امپراطور شورش نمایند

امپراطور نگریست که رعایای خویشش از اطاعت او خارج شده و ترک او را گفتند مجبور گردیده با ایتالی آمد و از پاپ معذرت خواست

گرگوار هفتم در عمارت کانسا منزل داشت سه روز امپراطور را معطّل ساخته نزد خود بار نداد و او را با پای برهنه در جلو درب عمارت نگاه داشت در سنه ۱۰۷۷

امپراطور هانری پنجم در سنه ۱۱۲۲ با پاپ مصالحه نمود و متقبّل گردید که انتخاب کشیشهای بزرگ همیشه با تصویب پاپها باشد

سی سال بعد از آن امپراطور فردریک اوّل معروف به باربروس قشون بزرگی فراهم ساخت که ایطالی ها را مجبور باطاعت نماید و شهر میلان را در سنه ۱۱۶۲ خراب کرد ولی سایر شهرهای لمباردی با یکدیگر اتفاق نمودند و پاپ نیز از آنها حمایت نمود چه پاپ میل نداشت که امپراطور را در ایتالیا

ریاست و آقائی باشد

هواخواهان پاپ را گلف مینامیدند و دوستداران امپراطور را گیبلین

بالاخره در سنه ۱۱۷۷ امپراطور مغلوب گردیده از ایطالیائیها مصالحه طلبید

فردریک باربروسس پادشاهی شجاع بود تمام رعایای او المانی

بودند و از او احترام میکردند

آخر بجهت جنگ صلیبی حرکت کرد و در یکی از رودهای آسیا خود را غرق

ساخت آلمانیها مردن او را معتقد نیستند و حکایت میکنند که دهقانی

چوپانی باربروسس را در غاری دیده است که در جلو میزی از سنگ

خوابیده و ریش او سه دور بر گرد کمرش پیچیده شده

خانزاده باربروسس که بعد از او امپراطور شدند مکرر شروع بجنگ نمودند

فردریک دویم وارث مملکت ناپل گردید و او در خدمت خود سربازان

مسلمان نگاهداشت و لمباردی را مغلوب ساخت

پاپ چند نوبت با او قطع رابطه نمود و اتباع خود را حکم شورش داد

بعد از مرگ او که در سنه ۱۲۵۰ بود پاپ اظهار داشت که من میخواهم این

نژاد افعی را منقرض سازم و مملکت ناپل را ببرادر سن لوئی داد که شارل

آنرد باشد واو آخرین اولاد باربروس کُن‌رادین جوان را در سنه ۱۲۶۸ گردن زد

سؤالات

پاپها با امپراطورها چه کردند — امپراطور هانری پنجم با پاپ چه کرد — پاپ گرگوار هفتم با او چه رفتار نمود

۸۹— **خرابی امپراطور نشین آلمان** — ازآن زمان همیشه امپراطوریکه در آلمان بود بتوسط هفت نفر شاهزادگان متقدر انتخاب میشد که سه نفر ایشان کشیش بودند وآن هفت نفر را منتخبین مینامیدند منتخبین مخصوصاً شاهزاده را بسلطنت انتخاب میکردند که قدرتی نداشته باشد امپراطور هیچوقت نه پول داشت و نه قشون . و مردم از او اطاعتی نداشتند شاهزادگان و آقایان بکلی مالک رقاب و صاحب اختیار مملکت بودند در بسیاری از عمارتها شجاعان راهزن مأوی گرفته براهزنی اشتغال داشتند و مانع عبور و مرور مسافرین و قافله‌های تجارتی گردیدند اموال مردم را یغما میبردند صاحبان اموال را در زندان زیرزمین حبس میکردند تا مجبور گردیده خودشان را با قیمت گزاف بخرند . هیچوجه حساب عدالتی

درمیان نبود و شهرت داشت که در مملکت آلمان حقی بغیر از حق زور وجود ندارد.

سؤالات

امپراطور آلمان توسط کیان انتخاب میشد چگونه شاهزاده را بسلطنت انتخاب میکردند منتخبین چه اشخاصی بودند و چه حال داشتند شجاعان راهزن دغا چه میکردند حال مملکت آلمان چه قسم بود

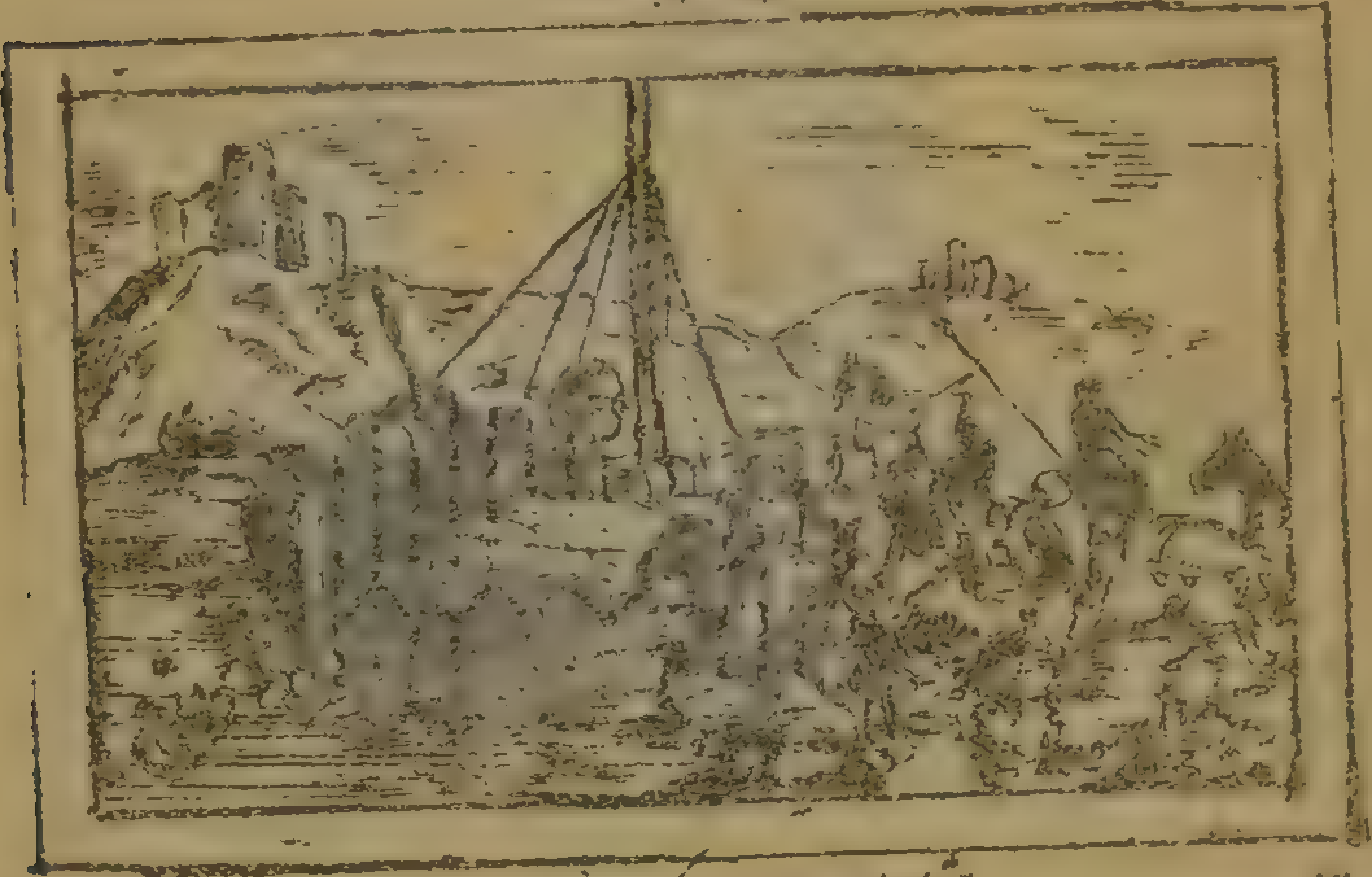

شجاعان راهزن که به مسافرین و تجار تعدی میکردند

۴ — شهرهای ایطالیا — در ایطالیا آقایان بزرگ کم بودند — برگرد هر شهری حصاری بود و قشونی در آن سکنی داشت و محله مخصوص تشکیل داده مانند مملکت کوچکی مستقل بود

باثروت و باقدرت ترین این شهرها ونیز و ژن بود که هر دو بندرگاه

بودند و کشتی بسیار داشتند تجار ایشان برای خرید اجزا ابریشم و فلفل و عاج بمصر و آسیا میرفتند و این اجناس را در فرنگ بقیمت گزاف میفروختند

اهل ونیز تمامی جزایر یونان و قسمتی از خود یونان را متصرف شده بود غالباً شهرهای ایطالیا با یکدیگر جنگ داشتند در قرن پانزدهم ساکنین شهرهای ایطالیا خودشان بجنگ نمیرفتند و قشون داوطلب اجیر نموده بجنگ میفرستادند و غالباً رئیس قشون مزبور بعد از فتح حکمرانان و بزرگان شهر را حبس کرده می کشتند و خودشان صاحب و مالک آن شهر میشدند

حکمرانی شهر ونیز متوسط دار الشورائی مرکب از نجبای شهر بود ولی شهرهای دیگر قریب تمام آنها بتصرف یک نفر ظالم درآمد

سئوالات

شهرهای ایطالیا چه ترتیب داشتند — با ثروت و قدرت ترین آن شهرها کدام بود اهالی شهرهای ایطالی در جنگ چه میکردند رئیس قشون داوطلب با شهری که فتح مینمود چه میکرد حکمرانی ونیز با که بود

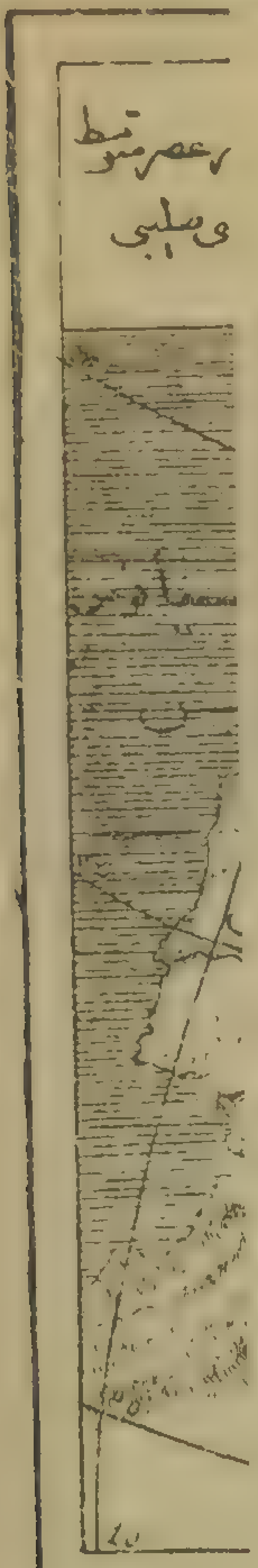

ناقوزنیک نیاگرد

د. ۱۳۱۵

وردن — عهدنامه مابین نوه های شارلمان (۸۴۳) مانس وکلونی — شهرهائیکه کلیسا در آنجا با قدرت تر بود از شاهزاده ها
بیت المقدس — تصرف شد بواسطهٔ قشونهای جنگ صلیبی (۱۰۹۹) تسن ژان دارکه — بواسطه پادشاه فرانسه وانکلیس مسخر شد (۱۱۹۱)
قسطنطنیه — تسخیر شد بواسطه شجاعان عیسوی (۱۲۰۴) و پای تخت مملکت لاتن شد برلن — بنا شد بواسطه عیسویان آلمان مارینبورگ — قلعه ایست که شجاعان توتونیک بنا کرده
والانسی را سید در ۱۰۷۵ تصرف نمود مصر — مملکتی است از افریقا که در آنجا سن لوئی اول جنگ صلیبی با نمود مورگارتن — جائی است سویس ها فتح کردند ۱۳۱۵
گرانسون و موارت دو نقطه هستند که شارل تمرز شکست خورد در آنها در ۱۴۷۶

بودند وکشتی ب
عاج بمصر و آس
میفروختند
اهل ونیز تمامی جزا
غالباً شهرهای ا
ساکنین شهرهام
اجیر نموده بجنک
و بزرگان شهر ر
میشدند
حکمرانی شهر ونیز
دیگر قریب تمام ا

شهرهای ایطالیا ج
کدام بود ۱۱
طلب با شهری که

برندارند

و چون سواره شجاعان باراضی و املاک آنها داخل شدند رعایای پیاده با آنها مقاومت نموده در مرکارتن در سنه ۱۳۱۵ همه را بقتل رسانیدند

اتحاد رعایای مزبور در ابتدا از سه بلوک تشکیل یافته بود و در سنه ۱۳۵۳ هشت بلوک در آن اتحاد داخل شدند متدرجاً تمام رعایای سویس بآن مایل گردیده اتحاد سیزده بلوک تشکیل شد

اسلحه سویسی ها نیزه های طویل بود و با صفوف جمع بجنگ میرفتند شارل تمرر والی بورگن تصور میکرد که سواره شجاعان نجیب ها رعیتهای پیاده را بزودی منهزم خواهند ساخت ولی امر برخلاف این واقع شد که در دو جنگ بزرگ در گران سن و مرات در سنه ۱۴۷۶ شجاعان تماماً نابود گشتند از آنوقت به بعد ملت سویس تأسیس یافت و دیگر کسی در صدد برنیامد که بر مملکت سویس حمله کند و در آنها بنظر بهترین قشون اروپا میگفتند و تمام سلاطین طالب شدند که بر قیب آنها قشون داشته باشند

سئوالات

سؤالات

رعایای کوهستان اطراف دریاچه لوسرن چه حال داشتند شاهزاده المان درباره آنها چه قصد نمود و ایشان چه کردند چند بلوک در اتحاد سویسی ها داخل شدند سویسی ها با سواره شجاعان چه کردند

۹۳ — **تنزل پاپ** — پاپ امپراطور را شکست داد و مدت پنجا سال تمام مردم در اطاعت او بودند تا در سنه ۱۳۰۰ پاپ بونی فاس هشتم مراسله ممهوری برای فلیپ پادشاه فرانسه فرستاد مشعر براینکه از کشیشها و صومعه داران فرانسه مالیات فلیپ نگیرد که خیلی پول لازم داشت و نیز میخواست مملکت او از تحت حکمش خارج شود امر کرد آن مراسله را سوزانیدند و چون پاپ خواست حکم قطع رابطه با پادشاه بدهد و با او ستیزه نماید یکنفر از شجاعان ایطالیا جماعتی از اوباش جمع نموده در نزدیکی شهر رم در سنه ۱۳۰۳ مانع حرکت پاپ گردید و چندی بعد از آن مجمع کشیشها یکنفر فرانسوی را که کلیمن پنجم نام داشت از برای پاپی تعیین کردند شخص نو از شهر رم خارج شده باوینیون آمد در سنه ۱۳۰۹ و همانجا اقامت نمود مدت هفتاد سال کرسی پاپی در اوینیون باقی ماند و در آن مدت احکام پاپ همه بر حسب میل پادشاه فرانسه بود

سؤالات

پاپ با پادشاه فرانسه چه کرد پادشاه با او چه کرد شجاع ایطالیائی
چه کرد مجمع کشیشها چه کردند پاپ در کجا اقامت جست

۹۴- وقوع تقسیم — ایطالیائی‌ها برای اقامت پاپ
از پادشاه فرانسه بازخواست کردند تا آخر الامر یکی از پاپها که نامش گرگوار
هفتم بود از اوینیون بروم مراجعت نمود ولی بعد از هجرت او پاپ دیگر
در اوینیون انتخاب کردند و از آن زمان پاپ دو نفر شدند
و عیسویان نیز بدو قسمت منقسم گشتند اهالی فرانسه و اسپانی و اکس مطیع
پاپ اوینیون بودند و ممالک دیگر اطاعت پاپ رم میکردند و اینمعنی را
وقوع تقسیم نامیدند عاقبت الامر کشیشهای ممالک دیگر در سنه ۱۴۱۴
در کنستانس مجلسی تشکیل دادند و هر دو پاپ را مجبور کردند که از کار کناره کنند
و بعد از آن پاپ جدیدی انتخاب کردند
از آن زمان پاپ منحصر بیکنفر شد
و از آن پس در سنه ۱۴۳۱ خلیفه‌ها در مجلس عمومی برای اصلاح ترتیبات کلیسا
جمع گشتند محض اینکه تمام مردم از وضع آن شکایت داشتند و وقوع

تقسیم سبب شده بود که در بسیاری از ممالک بر خلیفه های پاپ شوریده بودند و از برای پاپ قدرتی باقی نمانده مثل اوایل قرون متوسط اطاعتی از او نمیکردند

سئوالات

و فرع تقسیم را بیان کنید اتحاد پاپ چگونه و در چه تاریخ بود اصلاح ترتیب کلیسا از برای چه بود

۹۵ — **تسخیر عثمانیان قسطنطنیه را** — در زمان شارلمان ممالک مغرب زمین در تحت فرمان فرمانفرمای امپراطور و مطاعیت پاپ قرار گرفته بود و مذهب عیسوی در مقابل تاخت بت پرستان و غیر عیسویان را خیلی اسباب قوت بود قدری بعد از آن پاپ که بر عیسویان نافذ الحکم بود جمعی شجاعان را بتسخیر ممالک مشرق مامور کرده بود

جز اینکه بواسطه منازعه پاپ و امپراطور مملکت خراب شد و پاپ نیز در اواخر مغلوب پادشاه فرانسه گردید و سلاطین اروپا با یکدیگر در جنگ بودند یعنی از همان زمان که والی نورماندی انگلیس را مسخر کرد و جنگ صد ساله شروع شد پادشاهان فرانسه و انگلیس با هم نزاع داشتند

مع القصه در این مدت که روسای عیسویت با یکدیگر مشغول جنگ و نزاع
بودند جماعتی از مسلمانان که ترکان عثمانی باشند اول آسیای صغیر را
مسخر ساختند و بعد باروپا حمله کردند این جماعت قشونی جرار تشکیل داده
و همگی مطیع سلطان خود بودند

در سنه ۱۳۶۱ قشون ترک داخل اروپا شد و در آنزمان در شبه جزیره
بالکان جمعیت قلیلی از عیسویان سکنی داشتند که عبارت از (والاک)
و(بلغار) و (صرب) باشند و همگی در دفع مسلمانان اجتماع نموده فرانسه
و المان نیز بحمایت آنها آمدند ولی در سه جنگ بزرگ بتاریخ سنه ۱۳۸۹
و سنه ۱۳۹۶ و سنه ۱۴۴۴ شکست یافته ترکان فایق آمدند و آن ممالک را
در تحت اطاعت خود درآوردند شهر قسطنطنیه قدری بیشتر مقاومت نمود
ولی سلطان محمد دویم آنشهر را با توپهای ضخیم محاصره نموده بالاخره در سنه ۱۴۵۳
با حمله مسخر ساخت و منتها حد مملکت مشرق شهر قسطنطنیه گردید

از آنزمان تا کنون قسطنطنیه پایتخت سلاطین عثمانی است و ممالکی که بتوسط
ترکان مفتوح شد ترکستان اروپا و ترکستان آسیا نامیده گشت

بعد از فتح قسطنطنیه بسیاری از عیسویان در آنجا باقی ماندند و ترکها در صدد

اذیت و قتل آنها بر نیامدند ولی آنهارا گله و چارپای میشناسیدند و
با آنها بدرفتاری نموده و پول زیاد از آنها میگرفتند

سؤالات

در مدتی که عیسویان باهم نزاع داشتند چه واقع شد دول بالکان با عثمانیان
چه کردند سلطان محمد دوئیم چه کرد قسطنطنیه چه شد بعد از فتح قسطنطنیه عیسویان
آنجا چه کردند

۹۹ — آخر عصر متوسط و حال اروپ

عادت مورخین بر اینست که آخر عصر متوسط تسخیر قسطنطنیه را قرار دهند و در آن تاریخ حال
اروپ ازین قرار بود

فرانسه انگلیس را خارج ساخت و تمام آن مملکت بپادشاهی تعلق
یافت که اقتدار زیاد میگرفت و قشون خوب داشت

انگلیس در جنگ صد ساله مغلوب گردید و آنچه در مملکت فرانسه داشت
از دست داد و جنگ بزرگ داخلی در انگلیس شروع شد

اسپانی در قرن ۱۵ عرب مغلوب شاهزاده های عیسوی گردید و کاستیل
و آراگون هر یک مملکت جداگانه تشکیل دادند ولی دیری نگذشت که هردو

یک مملکت شدند

و پس در مغرب اروپا سه مملکت بزرگ صورت بست فرانسه و انگلیس
و اسپانی در ایطالیا و آلمان مملکت در میان بسیاری از شاهزاده های
کوچک و جمهوریهای کوچک تقسیم شده بود
از سوئد و نروژ حرفی در میان نبود
روسها هنوز در وحشیگری باقی بودند
و مغرب اروپا را ترکها فرا گرفته بودند

سؤالات

آخر عصر متوسط چه وقت است   در آخر عصر متوسط چه واقع شد

در اروپا در چه حال بود

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً در تمام مدت عصر متوسط از سنهٔ ۹۶۲ پادشاه المان ضمناً امپراطور ایطالیا بود ولی ایطالیائی‌ها با طاعت او راضی نبودند

ثانیاً در ابتدا پاپ از امپراطوری او را تعیین مینمود اطاعت میکرد ولی از سنهٔ ۱۰۵۹ پاپ بتوسط کشیشهای رم منتخب شد

ثالثاً پاپ و امپراطور در مدت دو قرن با یکدیگر مشغول جنگ بودند و پاپ گرگوار هفتم هانری چهارم را مجبور کرد که آمده از او ترضیه خواهد در سنهٔ ۱۰۷۷ امپراطور فردریک باربروس مجبور گردید که از پاپ صلح جوید در سنهٔ ۱۱۷۷ و امپراطورها در سنهٔ ۱۲۵۰ مغلوب پاپها گردیدند

رابعاً از آن زمان امپراطور آلمان بقدری ضعیف شد که دیگر نتوانست نظم را نگاهداری نماید و مملکت آن را شجاعان راهزن غارت نمودند

خامساً در ایطالیا هر شهری بحکومت خود میپرداخت و مخصوصاً شهر ونیز و ژن بواسطهٔ تجارت صاحب قدرت بودند در قرن پانزدهم تقریباً تمام شهرهای ایطالی در تحت اقتدار یکنفر ظالم جبار درآمد

سادساً شهرهای بزرگ تجارتی در شمال آلمان خودشان بحکومت خود قیام داشتند و در مجمعی موسوم بهانس جمع میشدند

سابعاً دهقانان آزاد سویس شجاعان اطریشی را در مرگارتین در سنه ۱۳۱۵ مغلوب نمودند و مجمعی موسوم باتحاد سیزده کانتون تشکیل دادند و در سنه ۱۴۷۶ بر شجاعان بورگینی در گران سون و مرات غالب آمده بهترین قشون پیاده اروپا شدند

ثامناً در موقع خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه گردیده در آوینیون منزل گرفت در سنه ۱۳۰۹

تاسعاً بعد از آنکه در سنه ۱۳۷۶ پاپ بروم مراجعت کرد مابین پاپ روم و پاپ آوینیون تقسیم بزرگی واقع شد تا بالاخره در مجمع کنستانس تقسیم مزبور بنهایت رسیده بار دیگر در سنه ۱۴۱۴ پاپ یکی شد

عاشراً جماعت مسلمانان ترکمان از آسیا آمده شبه جزیره بالکان را از عیسویان گرفتند و در سنه ۱۴۵۳ قسطنطنیه را مسخر نمودند

حادیعشر عصر متوسط باین ترتیب اختتام یافت که در آن وقت سه مملکت بزرگ یعنی فرانسه و انگلیس و اسپانی تشکیل یافته ولی ایطالیا و المان تقسیم شده و ضعف حاصل کرده

ماحصل عصر متوسّط

اوّلاً ژرمنها امپراطورنشین رُم را برهم زدند و بجای او چندین مملکت تشکیل یافت و قدری تمدن گذشته عیسوی شد

ثانیاً شارلمان آنها را در یک مملکت جمع نمود ولی آن مملکت نیز برهم خورد در تمام اروپ ملوک الطوایفی برقرار شد

ثالثاً سلاطین آلمان مملکتی تشکیل دادند که عبارت بود از آلمانی و ایطالیا و امپراطورها غالباً با پاپها بسر نزاع داشتند و مغلوب پاپ شدند

رابعاً در مدت این زمان عربها با نیروی اسلام [illegible] تمام بلاد مشرق را تصرف کردند و عیسویان اروپا با مسلمانان جنگهای صلیبی نمودند

خامساً در نوبه خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه شد و ایطالیا و آلمان بحال تقسیم باقی ماندند و فرانسه و اسپانی و انگلیس ممالک صاحب قدرت شدند

سادساً — در آن زمان عصر متوسط بانجام رسیده عصر جدید شروع گردید

کتاب سیّم

عصر جدید

فصل اوّل

اختراعات و اکتشافات

۹۷ — ابتدای عصر جدید — در اواخر قرن پانزدهم اختراعات چند وقوع یافت و مطالب بسیار تکمیل گشت ممالکی که تا آن زمان شناخته نشده بود کشف شد و عقول مردم بسبب خیالات جدید در جنبش انتشار نوشتجات و علوم و صنایع در همه جهان آمد و تمام این مطالب خبر میداد که عصر جدیدی از برای تاریخ شروع شده

سؤالات

در اواخر قرن پانزدهم چه وقوع یافت

۹۸ — باروت. باروت که تفنگ و توپ را با آن پر میکنند تا قرن چهاردهم در اروپا شناخته نشده بود چینی ها ساختن باروترا میدانستند ولی او را جز از آتشبازی استعمال نمیکردند اروپائیان باین خیال

افتادند که او را در جنگها بکار برند و توپ ساختند توپهائی که در ابتدا ساختند خیلی سنگین بود و بد خالی میشد و هنوز تفنگ اختراع نشده و شمخال هم خیلی ناراحت بود از برای خالی کردن شمخال بایستی همیشه یک فتیله روشن کرده همراه داشته باشند بعد از آن یاد گرفتند که توپ را با عراده بسازند و اسب آن را بکشند شارل هشتم از آن توپ صد و چهل عراده با ایتالیا برد و بعد از آن سنگ چخماقی بر تفنگ تعبیه و اضافه کردند و تفنگها را سبکتر ساختند از آن زمان توانستند از دور با یکدیگر جنگ نمایند و قلعه و جان پناه دشمن را با توپ خراب کنند بالاخره از روزی که اسلحهٔ آتشی بدست پیاده نظام درآمد پیاده از سوار بهولناکتر شد و امور مذکوره سبب گردید که انقلابی در لوازم جنگ رخ داده خراب نمودن قصرهای امرا و شجاعان آسان گردید و سواران شجاع با زره و چهار آینه و خود و اسلحهٔ دیگر دیگر نتوانستند در مقابل گلوله یکنفر پیاده مقاومت نمایند آقایانی که در قصرها سکنی داشتند و سوارها در دور خود جمع میکردند بعد از اختراع اسلحهٔ آتشی اهمیت آنها خیلی کاسته شد پادشاهانی که توپ زیاد و پیاده نظام بسیار

داشتند مالک ممالک خود کردیده تمام زیردستان را باطاعت درآوردند

سؤالات

دراروپا باروت چه وقت شناخته شد قبل از اروپائیها کدام ملت ساختن باروت را میدانستند درابتدا توپ و تفنگ را چه قسم میساختند و بعد از آن چه تصرفات درآن نمودند اختراع توپ و تفنگ چه اثری نمود و چه تغییری در اوضاع عالم داد

۹۹- قطب نما - قطب نما عبارت از عقربه مقناطیسی است که همیشه بطرف شمال مواجه میشود اروپائیان پیش از قرن چهاردهم آنرا نمیشناختند و بسبب آن تغییر کلی در ترتیب کشتیها پدید آمد مسافرین دریا قبل از شناختن قطب نما جرئت نمیکردند از ساحل دور شوند بعد از اختراع قطب نما توانستند از قسمه دریا عبور نمایند بدون اینکه از گم کردن راه بیم داشته باشند زیراکه بتوسط قطب نما همیشه جهت شمال برای ایشان معین بود

اسپانیولیها و پرتغالیها در اکتشاف عالم جدید از قطب نما فایده زیاد حاصل کردند

سؤالات

قطب‌نما چه چیز است و چه وقت آن را شناختند قبل از اختراع قطب‌نما حال مسافرین دریا چه بود بعد از اختراع آن چه تغییری حاصل شد کیان از قطب‌نما فایده کلی بردند

۱۰۰ـ **کشف افریقا و راه هندوستان** ـــ در قرن پانزدهم اهل پرتوغال در طول غربی افریقا حرکت نمودند متدرجاً جزیره مادیره و کاناری و سواحل گابن را کشف کردند

در ۱۴۸۶ ملاحی از پرتوغال آن دماغه امید خیر مسافرت نمود و متعاقب آن واسکودوگاما از اسپانیول با چهار کشتی حرکت کرده دور دماغه خیر گردید و ساحل شرقی افریقا را اکتشاف نموده بهند رسید

در ۱۴۹۸ پرتوغالیها در آنجا مهاجرنشین‌ها (مستعمرات) قرار دادند و بتجارت مشغول شدند

سؤالات

در قرن پانزدهم اهل پرتوغال چه کردند

واسکودوگاما چه کرد

در چه تاریخ پرتوغالیها در هند مهاجرنشین نصب کردند

۱۰۱ـ **اکتشاف امریکا** ـــ یکنفر ایطالیائی موسوم به کریستوف

کلمب در پیش خود فکر کرده بود که چون زمین گرد و مدور است
هرگاه از سمت مغرب دور بزنیم بهندوستان خواهیم رسید عاقبت الامر
عزم خود را جزم نمود که پادشاه اسپانی را وادار نماید سه فروند کشتی مجهز
بجهت این مسافرت باو بدهد و پادشاه پذیرفته او بکشتی نشست و مدت
دو ماه در روی اقیانوس حرکت میکرد تا در یازدهم اکتبر سنه ۱۴۹۲
بجزیره از جزایر لوکای رسید و اراضی امریکا را کشف کرده بود

در سنه ۱۵۲۰ ملاح دیگری باسم ماژلان در خدمت پادشاه اسپانی
بود از اقیانوس عبور کرده از سمت جنوب امریکا را دور زده داخل
اقیانوس کبیر گردید و جزایر اقیانوسی یا اسپانی را کشف نمود کشتی ماژلان
بعد از سه سال باسپانی مراجعت کرد و این اولین دفعه بود که دور کره
زمین را طی کرده بودند

سؤالات

کرستف کلمب چه فکر کرده بود و چه کرد ماژلان ملاح چه کرد کشتی ماژلان
بعد از چند وقت باسپانی برگشت

۱۰۲ـ تسخیر مکزیک و پرو ـ اراضی امریکا مسکن طوایف

وحشی بود ولی دو مملکت بزرگ در آن وجود داشت یکی مکزیک در امریکای شمالی و دیگری پرو در امریکای جنوبی در این دو مملکت معادن ثروت انگیز طلا و نقره موجود است و پادشاهان آنها خزانه های بسیار بزرگ از طلا و نقره فراهم ساخته بودند اسپانیولها این مطلب را فهمیده و مصمم گردیدند که آن ممالک را متصرف نمایند در سنه ۱۵۱۹ یکنفر اسپانیولی موسوم فرنان کرتز با ششصد سرباز از کشتی بمکزیک فرود آمد و هیجده راس اسب و ده عراده توپ همراه داشت

نفر

[illegible] فرنان کرتز در مکزیک

مکزیکیها که هرگز نه فرنگی دیده بودند و نه اسب مردمان سفید پوست را پسران خداوند (آفتاب) تصور میکردند اسپانیولیها را با کمال احترام

پذیرفته داخل شهر خود شان کردند

اسپانیولها ادب و احترام مکزیکیها را بجهت تصرف نمودن خزانه های پادشاه آنها غنیمت شمردند

مکزیکیها قصد ایشان را ملتفت شده یکدفعه شورش نمودند و زیاده از صد هزار مرد جنگی جمع شده فرنان کرتز را محاصره کردند ولی بالاخره کرتز آنها را مغلوب ساخت و پادشاه ایشان را با آتش تلف نمود و مکزیک مهاجرنشین (مستعمره) اسپانیولی شد

در سنه ۱۵۲۱ یکدسته اسپانیولی دیگر بریاست و فرماندهی پیزار نام داخل شهر پرو شدند و در سنه ۱۵۳۲ پادشاه را گرفته حبس کردند و بجهت خلاصی از حبس یک اطاق پر از طلا از او مطالبه کردند آخر الامر پادشاه را خفه کردند و پرو نیز بتصرف اسپانیولها درآمد

سئوالات

در مکزیک و پرو چه چیز هست و اسپانیولیها با آنها چه کردند اهل مکزیک با اسپانیولیها چه کردند پیزار اسپانیولی با پادشاه چه کرد

۱۰۳ - ممالک اروپائیان - پرتوکالیها و اسپانیولیها متدرجاً

مادر کاناری — جزیره هائیست که بتوسط پرتغالیها در قرن پانزدهم کشف شده — کاپ دماغ امیدواری — جائیست که واسکو دوگاما دور او گردید در جنوب افریقا
هند آسیا — جائیست پرتغالیها اول دفعه استقرار داشتند — امریکا — کشف شده بواسطه کریستوف کلومب ۱۴۹۲ اسه آنی — و چندین جزیره از انجا را ماژلان کشف نمود
مکزیک را در امریکای شمالی، فرنان کرتز مفتوح ساخت ۱۵۱۹ پرو — مملکتی است در امریکای جنوبی تسخیر شد بواسطه پیزار جزایر ملوک متعلق به اسه آنی را در آن زمان پرتغالیها در تصرف داشتند
برزیل — مملکتی است از امریکای جنوبی پرتغالیها مفتوح ساختند

پذیرفته
استیلا
پادشاه
مکزیکی
از صد
گرفته آ
و مکزیک
در سال
شهر
از جمله
خفه کر
در مکزیکا
با است

پذیرا
است
باد
مگر
ازو
گذشته
ونگ
دریا
شه
از
بیا
در
باآ

خارج اروپا مالک ممالک بزرک شدند پرتوکالیها درطرف مشرق
در آسیا و افریقا و اُسیانی متصرفات بدست آوردند و در سواحل جنوبی
افریقا و هند و چین بندرها داشتند که در آنها مال التجاره مشرقی از
قبیل ادویه و ابریشم و عاج و ادویه جات میگرفتند و همچنین جزایر ملوک
و برزیل را مالک بودند

اسپانیولیها درطرف مغرب در امریکا متصرفات پیدا کردند و جزایر
آنتیل و مکزیک و تمام امریکای جنوبی باستثنای برزیل مالک شدند
و در اُسیانی جزایر فیلیپین را متصرف شدند

سئوالات

پرتوغالیها درخارج اروپا چه متصرفات داشتند اسپانیولیها کدام ممالک را متصرف شدند

۱۰۴ - **خرید و فروش سیاهان** — اسپانیولیها که بامریکا
میرفتند تقریباً تمام ایشان چرچی گری (دلالی) وحشیانه میکردند
و محض اینکه تحصیل پول نمایند اهالی اصلی مملکت را مجبور میکردند که در معدن
از برای ایشان کار بکنند و آزار و اذیت بآنها رسانیده سگهای
شکاری بآنها میبردند که از برای ایشان با سگ شکار نمایند و بحدی

زحمت و صدمه بآنها وارد میآوردند که اغلب آنها از کثرت زحمت تلف میشدند

و بعد از آن غلامان سیاه از افریقا خریداری نموده بامریکا میآوردند که از برای ایشان کار بکنند و این تجارت در از انسانیت را خرید و فروش سیاهان میگفتند ابتدای آن از سنه ۱۵۱۲ بتوسط اسپانیولیها شروع شد و بعد از آن ملل دیگر از قبیل پرتوغالی و فرانسوی و انگلیسی پیروی ایشان نموده همگی غلام سیاه داشتند

سؤالات

اسپانیولیها با اهالی امریکا چه قسم رفتار میکردند بعد از آن با افریقائیان چه میکردند خرید و فروش سیاهان در چه سنه و از که شروع شد ملل دیگر چه کردند

۱۰۵ـ **نتایج اکتشافات** ـ اروپائیان تا قرن پانزدهم بیش از یک گوشه عالم را ندیده و نمیشناختند بعد از این اکتشافات تمام عالم برای ایشان عیان گشت

محصولات آسیا و امریکا از قبیل پنبه و فلفل و قند و ابریشم در اروپا بسیار نادر و گران قیمت بود بعد از این اکتشافات اشیاء مزبوره فراوان

وارزان شد

اروپائیها فقط در مملکت اروپ محصور بودند واکنون نژاد ایشان در تمام امریکا و اسپانی موجود است

سئوالات

اروپائیان تا قرن پانزدهم چه حال داشتند محصول آسیا و امریکا چگونه بود

خلاصه که باید از بر نمائید

اوّلاً اکتشافات و اختراعات آخر قرن پانزدهم ابتدای عصر جدید است

ثانیاً باروت در اروپا از قرن چهاردهم شناخته شد و بعد از آن توپ و تفنگ چخماقی و شمخال ترتیب دادند و انقلابی در جنگ پدید آمد

ثالثاً اختراع قطب نما سبب شد که مسافرتهای طولانی در عرصه دریا نمودند

رابعاً پرتوغالیها تمام افریقا را اکتشاف نموده در سنه ۱۴۹۷ از راه دماغه امید خیر بهند رسیدند

خامساً اسپانیولیها امریکا را کشف نمودند در سنه ۱۴۹۲ و اوّلین دفعه بود که دور کره ارض گردیدند در سنه ۱۵۲۲

سادساً در سنه ۱۵۱۹ فرنان کرتز مکزیک را تصرف نمود و در سنه ۱۵۲۹ پیزار مملکت پرو را تصرف کرد و مهاجرنشین اسپانیول شد

سابعاً درآنوقت پرتوغالیها در مشرق و در افریقا و در هند و در جزایر ملوک و برزیل متصرفات داشتند و اسپانیولها در مغرب و در امریکا متصرفات حاصل کرده

ثامناً اسپانیولیان از برای تحصیل محصولات این مهاجرنشینها در سنه ۱۵۱۲ خرید و فروش غلامان سیاه را معمول کردند و سایر ملل نیز غلام سیاه نگاه داشتند

تاسعاً این اکتشافات سبب شد که تمام عالم باروپائیان شناخته شود و آنها را برای تملک تمام عالم حاضر ساخت

فصل دویم

تولید جدید

۱۰۶— **چاپ** — در زمان سابق کتابت جز با خط دستی نبود و تمام کتابها را با دست می نوشتند پس از برای تحصیل کتاب مبلغی گزاف لازم بود در حوالی سنهٔ ۱۴۴۰ع یکنفر آلمانی گوتانبرگ نام چاپ را اختراع نمود تا توانستند از یک کتاب ملیونها نسخه بردارند و کتاب بسیار بدست آید و ارزانتر فروخته شود

سؤالات

چاپ را که و در چه تاریخ اختراع نمود — فایدهٔ این اختراع چه شد

۱۰۷— **تولید مصنّفات** — کتابهای مصنّفین قدیم یونان ولاتین بسیار نادر و کمیاب شده بود. و از بعضی از آنها جز یک نسخه باقی نمانده بود که در گوشهٔ کتابخانه در طاق نسیان افتاده بود بعداً اختراع چاپ تمام آن کتابها منتشر گردیده حتّی اشخاص بی ثروت نیز بخواندن آنها قدرت یافتند و گفتند عصر قدیم مجدّداً متولد گشته و این

عصر را عصر تولد مصنفات خواندند

سؤالات

تصنیفات مصنفین قدیم یونان بچه حال شده بود بعد از اختراع چاپ چه شد

۱۰۸ــ **تولید صنایع** ــ در اواسط قرن پانزدهم یکنفر فلامانی رنگهای روغنی را اختراع کرده ایتالیائیها ابنیه و مجسمه های رمی را با رنگ روغن تجدید نمودند و همچنین در قرن پانزدهم در ایتالیا معماران و حجاران و نقاشان قابل پدید آمدند مشهورترین آنها میکلانژ حجار و لئوناردو دوینچی و رفائیل نقاش بوده

بسیاری از شاهزادگان آنعصر شعر دوست میداشتند و مجسمه های قشنگ و پرده های زیبا جمع میکردند و شعرا و نقاشان ماهر را نزد خود مقرب ساخته ایشانرا با اکرام و انعام خورسند میداشتند مشهورترین این شاهزادگان در رم لئون دهم پاپ بود و لرنزو دومدیسی در فلورانس باین جهت آنعصر را عصر تولید صنایع نامیدند

سئوالات

رنگهای روغنی راکه در چه زمان اختراع کرد بعد از آن ایطالیائیها چه کردند شاگردان آنعصر چه میکردند

۱۰۹ــ تولید صنایع در اروپا دارالصنایع از ایطالیا شروع شد و بزرگترین صنعتگران در میان ایطالیائیها پدید آمدند و بعد از آن جاهای دیگر هم بتقلید ایطالیا برخواسته در همه جا صنعتگران ماهر ظاهر شدند نویسندگان و حجاران فرانسه معروفند همچنین در آلمان نیز صنعتگران بزرگ پیدا شدند که مشهورترین آنها دورر و هلباین بودند در اسپانی و انگلیس و هلند نیز صنعتگران خوب بوجود آمد اما فقط در ابتدای قرن هفدهم

سئوالات

صنعتگران قابل در کجا پدید آمدند

۱۱۰ــ قرون جدید ــ قرن شانزدهم عصر علم و دانش نیز میباشد چه در آن عصر یکنفر بلژیکی علم تشریح (شناسائی اعضای جسد انسان) را اختراع نمود و یکنفر از اهالی پلنی (ورشو) کپرنیک نام گردش زمین بر اطراف آفتاب کشف نمود

سئوالات

قرن شانزدهم را عصر چه چیز خواندند   علم تشریح را که اختراع نمود
گردش زمین را که معلوم کرد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً چاپخانه که در حوالی سنه ۱۴۴۱ گوتنبرگ اختراع نمود سبب زیاد شدن کتاب گردید

ثانیاً انتشار کتب قدما مقرره معمول شد و مقصود از تولد تصنیفات همین است

ثالثاً نقاشان و حجاران بزرگ در ایطالیا پدید آمد و شاهزادگان آنها را با اکرام و احسان تشویق میکردند و این عصر تولید صنایع است

رابعاً تولیدی که در ایطالیا شروع شد در المان و فرانسه انتشار یافت

خامساً بعضی دانشمندان نیز در آنعصر بوجود آمدند مانند وزال و کپرنیک

فصل بیستم
اصلاح آداب مذهبی و جنگها

۱۱۱ــ **کلیسای کاتولیک** در تمام عصر متوسط تمامی عیسویان اروپا کاتولیک بودند یعنی همه یک عقیده داشتند و مطیع پاپ و خلفای او بودند اگر وقتی کسی عیسوی اعتقادی برخلاف میل و رضای پاپ و خلفای او اظهار میکرد عموم مردم او را مجبور بتوبه و استغفار مینمودند و اگر اقناع میکرد مرتد میشد و او را حبس میکردند و بعد از آن با آتش میسوزانیدند زیرا که اهل آن زمان آزادی عقیده را معتقد نبودند و بکسی اجازه نمیدادند و چون در مملکتی مرتد زیاد میشد با آنها جنگ صلیبی میکردند در قرن هشتم بعد از جنگ بزرگ صلیبی آلبی ژواها محکمه های مخصوصی تشکیل دادند از برای اینکه اشخاص مرتد را پس از جستجو بدست آورده فتوای مجازات آنها را از محکمه صادر نمایند و این محکمه ها را آنکی زیسیون نامیدند و در فرانسه و انگلیس و آلمان بر آنها تشکیل داده بودند بدترین همه آنکی زیسیون اسپانیائی بوده که در

قرن پانزدهم در مدت هیجده سال ده هزار نفر را با آتش سوزانیده

سئوالات

درعصر متوسط عیسویان چه عقیده داشتند اگر کسی بر خلاف رضای پاپ اعتقادی اظهار میکرد او را چه مینامیده و با او چه میکردند آنگیزیسین چه بود بدترین آنگیزیسین ها کدام بود

(۱۱۲- **اصلاح عقاید در آلمان** — در ابتدای قرن شانزدهم خیلی اشخاص از ترتیب تشکیل هیئت کشیشها ناراضی بودند و معلوم کردند که کشیشان و راهبان بی اندازه ثروت حاصل نموده اند و پاپ پول گزاف خرج میکند و کلیه هیئت رؤسای مذهبی بد رفتار میکردند بحدیکه خلفا خودشان میگفتند که مذهب عیسوی باید رفرمه (اصلاح) شود

یک نفر راهب آلمانی لوتر نام شرحی بر ضد پاپ نوشت و پاپ حکمی با مهر خود در تکفیر او منتشر ساخت لوتر حکم تکفیر پاپ را علناً در حضور عامه سوزانید و گفت بعد از این اطاعت پاپ بر عیسویان لازم نیست بلکه فقط احکام و نوشتجات قدیم بجهت آداب و امور مذهبی کافی است و این

واین معنی در ۱۵۲۴ اتفاق افتاد چندین نفر از شاهزادگان آلمان لوتر را حمایت نموده از اذیت و آزار و سوزانیدن او مانع شدند لوتر انجیل را بلغت آلمانی ترجمه کرده اغلب آلمانیها رفرمه اصلاح او را پذیرفتند و شاهزادگان این کار را از برای فایده و منفعت خود میکردند زیراکه چون کشیشان و صومعه نشینان دنیا پرست خارج و تبعید شدند بر نفوذ و قدرت شاهزادگان افزوده گشت هواخواهان لوتر را اهل رفورم (اصلاح) یا پروتستان خواندند

در ۱۵۲۹ پادشاه سوئد با تمام رعایای خود رفرمه شدند

سئوالات

در ابتدای قرن شانزدهم عیسویان چه عقیده داشتند لوتر راهب آلمانی چه کرد پاپ درباره او چه کرد بعد از آن لوتر چه ترتیبی مقرر داشت شاهزادگان آلمان برای لوتر چه کردند

۱۱۳— رفرم در فرانسه — در فرانسه نیز بسیاری از مردم مایل بودند که با نوشتجات قدیم عمل نموده مطیع پاپ نباشند ولی چون عده ایشان زیاد نبود دولت آنها را گرفته مجازات نمود و معدوم ساخت ولی با وصف این یکنفر فرانسوی کالون نام رفرمه را معمول داشت و از

در ... بجهت ... بود. او رفت در سنه [illegible] و تابعان شهر حکومت خود را
مادوام نگاه داشتند و هواخواهان او به کالوینیست یعنی تابعان کالون
شهرت یافتند در ممالک فرانسه خصوصاً در طرف جنوب جمعی کالوینیست بودند
و همچنین اهالی اسکس و هلاند نیز کالوینیست شدند

سؤالات

در فرانسه بچه چیز مایل بودند کالون فرانسوی چه کرد و بکجا رفت

۱۱۴ — رفرم در انگلیس — پادشاه انگلستان هانری هشتم میخواست رفرم را قبول کند ولی با پاپ نقار و کدورتی حاصل کرده بود از این جهت در سنه ۱۵۳۵ اعلام نمود که ملت انگلیس کلیسای علیحده تشکیل مینماید که در اطاعت پادشاه باشند نه در اطاعت پاپ و بعد آن کاتولیکهائی را که میخواستند در اطاعت پاپ باقی مانده پروتستانها را بسوزانند پادشاه گردن میزد تا هفتاد و دو هزار نفر از آنها را بقتل رسانید بعد از مرگ این پادشاه انگلیسها پروتستان شدند ولی با ترتیب قدیم کلیسا را محفوظ و خلیفه خودشان را نگاه داشتند و این کلیسای پروتستان انگلیس را کلیسای انگلیکان خوانند

ملکه اسکس موسوم به ماری استوار که مذهب کاتولیک داشت ملت او را
بیرون کرد و او با نگلیس پناهنده شد الیزابت ملکه انگلیس او را توقیف
نموده بعد از هیجده سال حکم قتل او صادر شد در سنه ۱۵۸۷

سؤالات

پادشاه انگلیس در خصوص رفرم چه کرد بعد از مرگ او انگلیسها چه کردند ماری استوار
ملکه چه شد

۱۱۵ — جنگهای مذهبی. تمام یوروپا به دو اردو تقسیم
گشته هر یک مقابل و رقیب دیگری بودند ممالک جنوبی که عبارت از
اسپانی و پرتوگال و ایتالیا باشد مذهب کاتولیکی باقی مانده
بودند و پروتستانها در حالت ضعف و اذیت بودند و ممالک شمالی
یعنی انگلیس و آلمان و سوئد تماماً پروتستان و با کاتولیکها خصومت و
ضدیت داشتند در فرانسه و المان این دو دسته خیلی قوی گردیده
و با یکدیگر مقاومتی شدید داشتند که همدیگر را مضمحل و ناچیز نمایند
و بالاخره نزاع در میان ایشان درگرفت و جنگهای مذهبی فرانسه
مدت چهل سال طول کشید
تا هانری چهارم بموجب قانون نانت که در سنه ۱۵۹۸ نوشته شد پروتستانها را

اجازه داد که در عقیده آزاد بوده بطریقه خود رفتار نمایند
در المان شاهزادگان پروتستان با ارکان امپراطور که کاتولیک
بود بجنگ و مقاومت برخاستند
و سلاطین فرانسه با وصف اینکه همواره در مقام اذیت پروتستانهای
فرانسه بودند ولی برحسب اقتضای پلتیک از پروتستانهای آلمان حمایت
میکردند

سؤالات

عیسویان اروپا بچند قسمت تقسیم شده بودند کدام ممالک کاتولیک و کدام
پروتستان بودند هانری چهارم بالاخره چه کرد شاهزادگان آلمان چه میکردند

۱۱۶- جنبش پی با (هلاند) — اراضی نزدیک هلاند را
که پی با مینامیدند متعلق بپادشاه اسپانی بود هلاندیها پروتستان
شده بودند و پادشاه میخواست آنها را کاتولیک نماید باین جهت
در سنه ۱۵۰۲ هیجان و شورش نمودند و قشون اسپانی را خارج ساختند
و بالاخره بعد از جنگهای سخت هولناک در سنه ۱۵۸۱ جمهوری پروتستان
گردیده هر دو ایالت متحد شدند

سؤالات

هلندیها چه بودند و پادشاه اسپانی از آنها چه میخواست
دیشان چه کردند و بالاخره بکجا رسید

۱۷۱ـ ژزوئیت ها ـ یکنفر کاتولیک اسپانیولی که اگناس لُیُلا نام داشت دسته ژزوئیت را ترتیب داده بود که با پروتستانها جنگ نماید ژزوئیتها کشیشهائی بودند که مذهب کاتولیک را بمردم تعلیم نموده اطفال را تربیت میکردند و تشکیلات ایشان شبیه بیک رژیمان بود رئیس آنها را ژنرال دسته رئیس میگفتند تمام ژزوئیتها باید از هر حیث او را اطاعت نمایند و آن رئیس در اطاعت پاپ باشد

ژزوئیت ها بسیار باحوصله و قابل بودند و از برای رسیدن بمقصود از استعمال بدترین وسایل باک نداشتند و کار آنها بجائی رسید که اکثر آلمانهای جنوبی و اطریش را کاتولیک نمودند و همچنین وحشیان امریکای جنوبی را معتقد ساختند و کلیه بسیار صاحب قدرت و توانا شدند

سؤالات

دسته ژزوئیت را که ترتیب داد ژزوئیتها کیان بودند رئیس ایشان چه بود ژزوئیتها چطور اشخاصی بودند کار ایشان بکجا رسید و چه کرد

۱۸ — نتایج رفرم (اصلاح) — رفرم اروپا را بر دو قسمت تقسیم کرد پیش از آن در همه جا یکی بود

و سبب بسیاری از جنگهای مابین ممالک گردید و باعث جنگهای داخلی شد

ولی عاقبت فهمیدند که انسان عاقل نباید نوع خود را بکشد و در امر دین هر کسی باید آزاد باشد و بعد از آن آزادی عقیده معمول گردید

سؤالات

رفرم اروپا را چه حال نمود و قبل از آن چه بود عاقبت چه فهمیدند در امر دین چه قسم شد

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً در عصر متوسط تمام عیسویها کاتولیک مذهب بودند و اطاعت پاپ میکردند مرتدین را حبس نموده میسوزانیدند و از برای آنها محاکم انگی

ژزوئیت‌ها را ترتیب داده بودند

ثانیاً در قرن شانزدهم کلیسای کاتولیک محتاج بر رفرم گردید

ثالثاً یکی از کشیشهای المان لوتر نام رفرم را در آلمان در سنه ۱۵۲۰ اعلام نمود و شاهزادگان از او حمایت کردند و آلمانیها و سوئدیها رفرمه یا پرتستان شدند

رابعاً کالون شهر ژنو را در سنه ۱۵۴۱ رفرمه کرد و اهالی اکس و هلاند و بسیاری از فرانسه او را پذیرفتند

خامساً هانری هشتم در انگلیس از پاپ جدا شد ولی پرتستانها را هم صدمه میزد بعد از مرگ او انگلیسها مذهب پرتستان قبول کرده کلیسای انگلیکان اینا کردند ماری استوارد ملکه اکس که کاتولیک بود در سنه ۱۵۸۷ توسط ملکه انگلیس مقتول شد

سادساً تمام اروپا بهیجان آمده مدتی آویز مذهب در صدد اذیت یکدیگر بودند و جمعی دیگر بجنگ مذهبی اشتغال داشتند تا در سنه ۱۵۹۶ بواسطه قرارنامه نانت این جنگها در فرانسه بخاتمه رسید

سابعاً هلاندیهای پرتستان بر ضد پادشاه اسپانی برخواستند و جمهوری ایالات متحده را بنا نهادند

ثامناً انگیناسس دُلِ یلا دستهٔ ژزویت را ترتیب داد و آلمانهای جنوبی و اطریش و پلنی را بار دیگر بمذهب کاتولیک درآورد و همچنین وحشیان امریکا را بآن مذهب داخل ساخت

تاسعاً رفرم مذهب اسباب بسیاری از تقسیمات مملکت و جنگها در اروپا گردید تا عاقبت الامر آزادی عقیده حاصل آمد

(فصل چهارم)

جنگ طوایف فرانسه

با طوایف اسپانی

۱۱۹ - **حال ایطالی** - چنانکه دیده شد در آخر قرن یازدهم سلاطین فرانسه و سلاطین اسپانی بسیار مقتدر بودند و هر دو بر ایطالیا حمله نموده میخواستند نصرتی حاصل کرده فایدتی ببرند و در آنوقت ایطالیا بچندین مملکت تقسیم شده بود که عمده آنها جمهوری ونیز و والی نشین میلان و والی نشین توسکان و ممالک پاپ و پادشاه نشین ناپل ها زیاده میل بود و این ممالک با یکدیگر نمیساختند و در میان ایشان خصومت بود و همین فقره کار فتح و ظفر خارجی را در آن مملکت آسان میکرد پادشاه فرانسه شارل هشتم عازم تسخیر مملکت ناپل گردید و جانشین او لوئی دوازدهم علاوه بر ناپل والی نشین میلان را نیز خواست مسخر سازد پادشاه اسپانی که در آنوقت فردیناند بود و مذهب کاتولیک داشت با سلاطین

فرانسه دشمن بود و از این جهت ما بین فرانسه و اسپانی جنگهائی بروز شد که مدتها بطول انجامید

فرانسوای اول در ابتدای سلطنت خود در سنه ۱۵۱۵ در جنگ مارنیان فتح بزرگی نمود و همچنین والی نشین میلان را تصرف کرد ولی دیری نگذشت که از دستش بیرون رفت و سلاطین اسپانی در جلوس شارلکن بسیار مقتدر شدند

سؤالات

سلاطین فرانسه و اسپانی در قرن پانزدهم چه حال داشتند ایطالیا چه حال داشت شارل هشتم پادشاه فرانسه چه کرد

۱۴۰ — شارلکن — در سنه ۱۵۱۹ شارلکن بامپراطوری آلمان منتخب شد و مملکت بزرگی را مالک بود که عبارت باشند از اسپانی و ممالک پست زمین و فرانش کنت و اطریش و دو سیسیل و میلان و مکزیک و امریکای جنوبی و از برای اینکه خود را مالک رقاب عالم بخواند چیزی کسر نداشت جز مملکت فرانسه و انگلیس ولی سلاطین فرانسه یعنی فرانسوای اول در سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۴۷ و هانری دویم از سنه ۱۵۴۷ الی

سنه ۱۵۵۹ در تمام مدت سلطنت خود با او جنگ نمود و بارها متحد شد چه ایشان هم در پیش آمدن مداومت داشتند و مصر و تونس و الجزایر را در افریقا تصرف کرده بودند و هنگری را در اروپا مسخر ساخته و همچنین با شاهزادگان آلمان که بر امپراطور شورش کرده بود نیز اتحاد نمود این اتحاد و اتفاق از برای فرانسه بسیار مفید بود زیرا که متس و تول و وردون را تصرف کرد و شارلکن مجبور گردید که دست از سلطنت بردارد در سنه ۱۵۵۶

سؤالات

شارلکن در چه سنه بامپراطوری آلمان منتخب شد — چه ممالک را در تصرف آورد — سلاطین فرانسه با او چه کردند

۱۲۱ — فیلیپ دویم — بعد از آنکه شارلکن از سلطنت کناره کرد ممالکی که در تحت تصرف او بود تقسیم شد برادرش فردیناند که پادشاه بهم و هونگری بود سلطنت اطریش یافت و برادر دیگرش فیلیپ دویم بفرمانروائی اسپانی و ایطالیا و ممالک پست زمین و مهاجرنشین های امریکا برقرار گردید و در سنه ۱۵۸۰ وارث پرتوگال و تمام مهاجرنشینهای

فرانسه دشمن بود و ازاین جهت مابین فرانسه و اسپانی جنگهائی شروع
شد که مدتها بطول انجامید

فرانسوای اول در ابتدای سلطنت خود در سنه ۱۵۱۵ در جنگ ماریتیان
فتح بزرگی نمود و همچنین والی نشین میلانرا تصرف کرد

ولی دیری نگذشت که از دستش بیرون رفت و سلاطین اسپانی
در جلوس شارلکن بسیار مقتدر شدند

سئوالات

سلاطین فرانسه و اسپانی در قرن پانزدهم چه حال داشتند ایطالیا چه
حال داشت شارل هشتم پادشاه فرانسه چه کرد

۱۴۰ - **شارلکن** - در سنه ۱۵۱۹ شارلکن بامپراطوری آلمان منتخب شد
و مملکت بزرگی را مالک بود که عبارت باشند از اسپانی و ممالک پست
زمین و فرانش کنت و اطریش و دو سیسیل و میلان و مکزیک
و امریکای جنوبی و از برای اینکه خود را مالکرقاب عالم بخواند چیزی
کسر نداشت جز مملکت فرانسه و انگلیس ولی سلاطین فرانسه یعنی
فرانسوای اول در سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۴۷ و هانری دویم از سنه ۱۵۴۷ الی

سنهٔ ۱۵۵۹ در تمام مدّت سلطنت خود با او جنگ نمودند و با ترکها متحد شدند
چه ایشان هم در پیش آمدن مداومت داشتند و مصر و تونس و الجزایر را
در افریقا تصرّف کرده بودند و هانگری را در اروپا مسخّر ساخته و همچنین
با شاهزادگان آلمان که بر امپراطور شورش کرده بودند نیز اتحاد نمودند
این اتحاد و اتّفاق از برای فرانسه بسیار مفید بود زیرا که متس
و تول و وردون را تصرّف کرد و شارلکن مجبور گردید که دست از
سلطنت بردارد در سنهٔ ۱۵۵۶

سؤالات

شارلکن در چه سنه بامپراطوری آلمان منتخب شد چه ممالک را در
تصرف آورد سلاطین فرانسه با او چه کردند

۱۲۱ — فیلیپ دویم — بعد از آنکه شارلکن از سلطنت کناره
کرد ممالکی که در تحت تصرّف او بود تقسیم شد برادرش فردیناند که
پادشاه بهم و هونگری بود سلطنت اطریش یافت و برادر دیگرش فیلیپ
دویم بفرمانروائی اسپانی و ایطالیا و ممالک پست زمین و مهاجر نشین
های امریکا برقرار گردید و در سنهٔ ۱۵۸۰ وارث پرتوگال و تمام مهاجر نشینهای

انشه منزل فیلیپ در عمارت تاریک اسکوریال که در وسط بیابانی نزدیک مادرید واقع شده و در انجا مانند محبوس زندگانی میکرد و احکام صادر مینمود تمام مقصودش این بود که جماعت پروتستانهارا نابود سازد نه تنها در ممالک خویش بلکه میخواست در تمام اروپ از آنها اثری نماند چنانکه امر نمود قوه بحری که عبارت از صد و سی و پنج کشتی بود با کشتی معروف ارمادا بجهت تسخیر مملکت انگلیس حرکت کنند ولی آن قشون بسبب طوفان در سنه ۱۵۸۸ متفرق گردیده برهم خورد ونیز پول و قشون بفرانسه فرستاد بجهت انجمن گیگ که کاتولیکها برای اضمحلال پروتستانها تشکیل داده بودند و برضد پادشاه فرانسه بود با رعایای ممالک پست زمین محض اینکه قسمتی از آنها پرتستان شده بودند باندازه بی رحمی وسختی کرد که تمامی سر بشورش برداشتند ونیز مسلمانهائی راکه در اسپانی مانده بودند در سنه ۱۵۹۸ از آن مملکت بیرون کرد

در مدت سلطنت خود باندازه پول مصرف نمود که بعد از مردنش یک میلیارد (هزار میلیون) فرانک قرض داشت ولی با اینهمه مصارف

و بعد از دست او رفت متز تول و وردن — شهرهائیست که هانری

ماریان — مکان فتح بزرگ فرانسوای اوّل است ۱۵۱۵ میلان — ابتدا فرانسوای اوّل فتح نمود

دوم در ۱۵۵۲ مفتوح ساخت الزاس — در عهدنامه وستفالی ضمیمه فرانسه شد ۱۶۴۸ آرتوا و روسیلون — ایالتهائیست که بعد از قرارنامه‌های پیرنه

الحاق به خاک فرانسه شد ۱۶۵۹ فرانش کنت — بعد از قرارنامه نیمگ بفرانسه ملحق شد ۱۶۷۸ استراسبورگ — شهریست که ضمیمه شد بفرانسه بتوسط لوئی چهاردهم

و شاهزادگان متفقه اوترشت و راشتاد — مکان قرارداد عهدنامه‌هائیست که جنگهای اسپانی را باتمام میرسانید آگسبورگ — مقر قرارداد اتفاق برضد لوئی ۱۴

سودی نبرده و مملکت اسپانی بکلی خراب شد وهانری چهارم پادشاه
فرانسه اورا مجبور کرده بود که عهدنامه وروِن را امضا کند

سؤالات

ممالک شارلکن بعد از کناره کردن او از سلطنت چه شد منزل فیلیپ دویم
در کجا و مقصود وشش چه بود با پروتستانها چه قسم رفتار میکرد

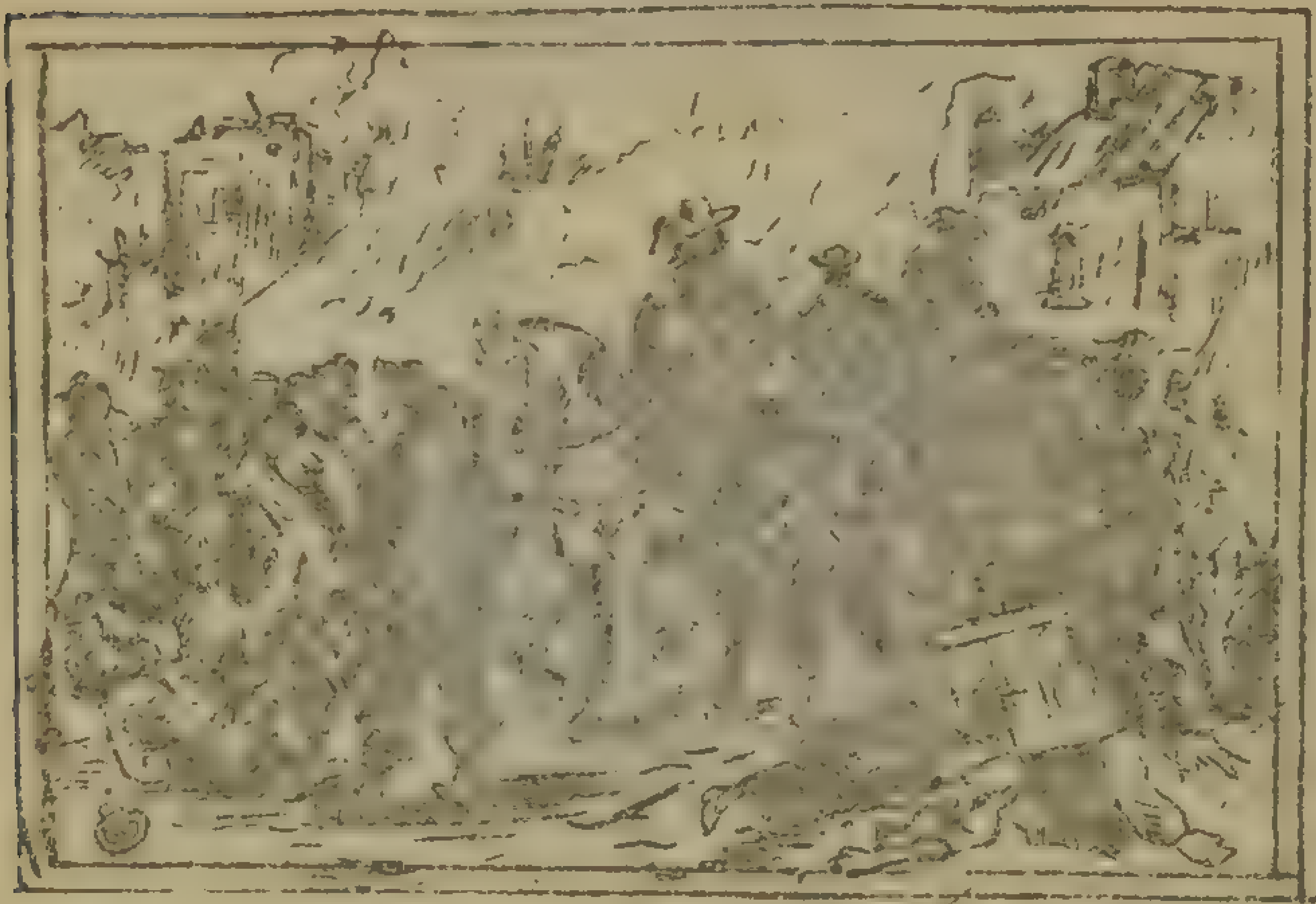

ش ۶ جنگ سی ساله

۱۲۲ — جنگ سی ساله پادشاه فرانسه بواسطهٔ قوت و
قدرت فیلیپ دشمن خیلی قوی هولناکی در مقابل داشت اگرچه
شارلکن و فیلیپ دویم هر دو را مغلوب کرده بود ولی ناگهان اتفاق
افتاد که سلاطین اسپانی در میان دوستان خودشان بعضی مستحق

وسم عقیده پیدا کرد یعنی امپراطور المان چونکه فردیناند امپراطور المان
در میان ژزویت ها تربیت شده بود میخواست با قهر و غلبه مذهب را
منحصر به کاتولیک سازد و بتوسط ممالک هم داطریش که در تحت تصرف
او بودند شروع باین مقصد نمود ولی بهمی ها شورش کردند و
صاحب منصبان خود را از پنجره های قصر پراغ بیرون انداختند در
سنه ۱۶۱۸ و در این وقت جنگ سی ساله شروع شد باین ترتیب
که فردیناند تمامی شاهزادهای کاتولیک آلمان را با خود متفق ساخته
بر پرتستانها ظفر یافت و بعد با پسر عموی خویش پادشاه اسپانی
اتحاد نمود و خانواده اطریش مانند عهد شارلکن مقتدر شدند
پادشاه سوئد گوستاو اول که مذهب پروتستان داشت با قشون
خود بمعاونت و کمک پروتستانهای آلمان آمد و در سنه ۱۶۳۰ در
سه جنگ بزرگ فتح نموده و در جنگ اخیر در سنه ۱۶۳۲ کشته شد
پادشاه فرانسه کاتولیک بود ولی در مقام اتفاق و حمایت اطریشی
ها بر نیامد زیرا که مایل نبود خانواده اطریش باعلی درجه صاحب
قدرت شوند

لوی سیزدهم بر حسب نصیحت ریشلیو قشونی به آلمان فرستاد که با امپراطور جنگ نماید و قشونی به تحریک جنگ پادشاه اسپانی فرستاد امپراطور و اسپانیولیها از قشون فرانسه با کمک سوئدیها شکست فاحش و امپراطور طالب مصالحه شد و این جنگ از روی وحشیگری بود زیرا که قشون مرکب از قطاع الطریق و راهزنان خونخوار بودند و جنگ را بجهت کسب غنیمت کرده شهرها را غارت مینمودند یا اهالی را گرفته مجبور میکردند که فدیه داده خودشان را بخرند و محصولات و مواشی را از رعایا گرفته پاهای آنها را داغ میکردند یا انگشتانشان را با قید فشار میدادند تا بروز دهند که در کجا پول مخفی کرده اند و غالبا در اذیت و کشتن مردم حظ نفس حاصل میکردند

در آخر این جنگ تمام دهات آلمان غارت و شهرها خراب شده بود

سؤالات

پادشاه فرانسه با شارلکن و فیلیپ دویم چه کرد فردیناند امپراطور آلمان چه حال داشت و چه میکرد جنگ سی ساله بچه ترتیب شروع شد گوستاو ادلف پادشاه سوئد چه کرد پادشاه فرانسه چه کرد امپراطور

آلمان و اسپانیولها چه شد و فتح این جنگ از چه قرار بود
در آخر جنگ ولایات آلمان بچه حال شده بود

۱۲۳- مصالحه وستفالی با پیرنه — بالاخره در سنه ۱۶۴۸
در وستفالی مصالحه واقع شد و قرار براین دادند که مملکت آلمان
مابین شاهزادگان کوچک منقسم باشد و امپراطور آلمان برایشان حکومتی
نباشد و هر شاهزاده مختار باشد که رعایای خود را کاتولیک یا پروتستان
نماید بر حسب دلخواه خویش
پس در آنوقت زیاده از سیصد و پنجاه مملکت آزاد در آلمان تشکیل یافت
در مصالحه وستفالی فرانسه ها الزاس را تصرف کردند
و فقط امپراطور آلمان معاهدهٔ وستفالی را امضا کرد اما اسپانیا
در جنگ فرانسه مداومت نمود و بالاخره مغلوب گردیده مجبور شد که در
سنه ۱۶۵۹ مصالحه پیرنه را امضا نماید و فرانسه ارتوا و روسیلن را در این
مصالحه متصرف گردید
لوئی چهاردهم بمناسبت اینکه دختر پادشاه اسپانیا را تزویج کرده
بود میتوانست امیدوار باشد که روزی وارث آن مملکت خواهد شد

خلاصه بعد از مصالحه دست فالی وپیره سلاطین فرانسه با قدرت‌ترین سلاطین اروپ گردیدند

سئوالات

مصالحه دست فالی درچه تاریخ وبچه ترتیب واقع شد قرار مملکت آلمان برچه وضع شد فرانسه در آن مصالحه چه فایده برد کدام یک از سلاطین معاهده وستفالی را امضا نمود لوی چهاردهم چه امید داشت سلاطین فرانسه بعد از این مصالحه چه حال داشتند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً سلاطین فرانسه واسپانی منقسم شدن ایطالیا را بچندین مملکت کوچک مغتنم شمرده درصدد تسخیر آن ممالک برآمدند وجنگهای ایطالی شروع شد

ثانیاً پادشاه فرانسه درابتدا غلبه نموده وبعد مغلوب پادشاه اسپانی گردید

ثالثاً شارلکن امپراطور آلمان مالک اسپانی وممالک پست زمین واطریش وامریک وجزئی از ایطالی گردید واز ۱۵۱۹ درصدد برآمد که مالک تمام اروپ شود ولی بواسطه اتفاق سلاطین فرانسه وعثمانی

و پرتستانهای آلمان مغلوب گردید در سنه ۱۵۵۶ از سلطنت کناره نمود
رابعاً فلیپ دویم پادشاه اسپانی از سنه ۱۵۵۶ و پادشاه پرتوگال از
سنه ۱۵۸۰ درصدد برآمدند که پرتستانهای انگلیس و هلاند و فرانسه را
نابود سازند و در همه جا مغلوب گردیدند و اسپانی خراب شد
خامساً فردیناند دویم امپراطور آلمان با پسرعموی خود پادشاه اسپانی
درصدد برآمدند که مالک تمام آلمان شوند و جنگ سی ساله شروع شد
از سنه ۱۶۱۸ تا سنه ۱۶۴۸
سادساً فردیناند دویم با پادشاه اسپانی متفق شد ولی مغلوب پادشاه
سوئد گوستاو آدولف گردید از سنه ۱۶۳۰ تا سنه ۱۶۳۲ و بعد از آن مغلوب
پادشاه فرانسه گردید
سابعاً این جنگ که اسباب خرابی آلمان شد بواسطه معاهده وست
فالی و پیرنه ها انجام پذیرفت در سنه ۱۶۴۸ و خانواده اطریش بکلی مغلوب
و پادشاه فرانسه بزرگترین سلاطین اروپ گردید

فصل پنجم
شورش انگلستان

۱۲۲— **پارلمان و پادشاه** در همان وقت که پادشاه فرانسه مقتدرترین سلاطین اروپ شده بود مملکت انگلیس در حال شورش و انقلاب بود سلطان انگلیس مثل پادشاه فرانسه صاحب قدرت نبود که هر حکمی بخواهد بکند در سنه ۱۲۱۵ از بزرگان و اشراف انگلیس پادشاه خودشان را مجبور کرده بودند که قانون مشروطیت را امضا نماید و بر حسب آن پادشاه ملتزم بود که هیچوقت بدون مشورت و رضایت ملت انگلیس چیزی از ایشان نگیرد هر وقت از برای پادشاه پولی لازم میشد اشراف و نمایندگان شهرها و ایالات را حاضر میکرد تا بر حسب رای و تصویب آنها وجهی از رعایا گرفته شود این اجتماع اشراف و نمایندگان را پارلمان مینامیدند

سلاطین انگلیس با سلاطین فرانسه [illegible] صد سال در جنگ بودند و بعد از آن از سنه ۱۴۶۰ الی سنه ۱۴۹۰ در داخله انگلیس جنگ هولناک

شدیدی واقع شد و او را جنگ دو گل سرخ نامید بجهت اینکه دو فامیل بر سر تاج و تخت انگلیس با یکدیگر جنگ میکردند و هر یک گل سرخی را علامت خود قرار داده در گنجینه خود شان نگاه میداشتند فامیل یرک گل سفید را علامت قرار داده بودند و فامیل لانکاستر گل قرمز را تقریبا تمام اشراف انگلیس بواسطه این جنگ حالشان بخرابی انجامید تا قرن شانزدهم سلاطین انگلیس بدون هیچ اشکال مختار و مقتدر شدند بزرگترین پادشاهان انگلیس ملکه الیزابت بود از سنه ۱۵۵۸ الی سنه ۱۶۰۳

الیزابت در حمله فلیپ دویم پادشاه اسپانی ایستادگی نموده مظفر گردید و همچنین در شورش و ازدحامیکه کاتولیکها نمودند ظفر یافت و فلیپ دویم خواست کسی را در مقابل الیزابت بازدارد ماری استوارت ملکه اکس را که بیوه پادشاه فرانسه فرانسوای دویم بود بجنگ الیزابت برانگیخت و ماری استوار بالاخره محبوس الیزابت گردید حکم نمود بردارش کشیدند

سئوالات

سلاطین انگلیس چگونه بودند بزرگان و اشراف انگلیس با پادشاه خود را چه ام

مجبور کرده بود جنگ داخلی انگلیسها در چه تاریخ بود آن جنگ را چه مینامیدند
حال اشراف انگلیس بواسطه آن جنگ بکجا انجامید ملکه الیزابت چگونه بود و چه
ماری استوارت ملکه اکس حالش بکجا منتهی شد

۱۲۵- زد و خورد پارلمان و پادشاه

در سنه ۱۶۰۳ الیزابت بدون اولاد از دنیا رفت و پسر عموی او ژاک که از فامیل استوارت و پادشاه اکس بود سلطنت انگلیس یافت از آن زمان انگلیس و اکس در تحت حکم یک سلطان در آمدند بعد از ژاک پسرش شارل اول پارلمان را موافق طبع خود نیافت و در مدت یازده سال سلطنت خود یک دفعه نمایندگان را جمع نکرد و بدون مشورت و رضایت انگلیسها مالیات مملکت را جمع میکرد مردی دلیر هامپدن نام از ادای مالیات امتناع نموده گفت پادشاه حق ندارد مالیاتی که نمایندگان مملکت تجویز نکرده اند مطالبه نماید در همان زمان بهانه بدست پادشاه افتاده درصدد اذیت پروتستانهائی که خلیفه انگلیکان را اطاعت نمیکردند برآمد و از این جهت در سنه ۱۶۳۸ اهالی اکس شورش نمودند پادشاه محتاج پول گردید و از برای دست آوردن پول محتاج پارلمان شد پارلمان در اول افتتاح فتوای قتل وزیر اول را داد و در آنوقت

جنگ داخلی شروع شد در سنه ۱۶۴۲ قشون شارل اول پادشاه انگلستان
شکست از نجبا بود و پارلمان نیز قشونی از جماعت پروتستان که اذیت
بسیار کشیده بودند تشکیل داد و با یکدیگر بجنگ درآمدند تا بالاخره قشون
شارل اول مغلوب و خود او اسیر و محبوس گردید و بحکم پارلمان
سرش را از بدن جدا کردند در سنه ۱۶۴۹ و این اولین دفعه بود که ملت
بقتل پادشاه اقدام نمود

سؤالات

بعد از الیزابت سلطنت انگلستان بکه منتقل شد   شارل اول با پارلمان
چه کرد   بالاخره کار شارل اول بچه شد

۱۶۴۹ – کرامول – پارلمان جمهوریت مملکت را پیشنهاد کرده بود.
ولی خواهندگان پارلمان دو فرقه منقسم بودند یک قسمت پوریتن‌ها
که سخت‌تر بودند سردارشان کرامول بود که قشون پادشاه را مغلوب
نمود و قسمت دیگر اهالی اکس و ایرلاند بودند که جمهوری نمیخواستند
و پسر شارل اول را بپادشاهی قبول کردند کرامول با ایشان جنگ نمود
از سنه ۱۶۴۹ الی سنه ۱۶۵۱ مشغول جنگ بود تا بالاخره هواخواهان

پادشاه شکست یافتند و کرمول با فیروزی و اقتدار تمام بانگلستان مراجعت کرد و چون پارلمان را منافی مقاصد خود میدانست وکلا را بیرون کرده درب پارلمان را بست و کلید آنرا در جیب خود گذارد و بالای درب عمارت این عبارت را نوشت

این خانه اجاره داده میشود

و بعد از آن خودش تنها با لقب حامی از ۱۶۵۳ الی ۱۶۵۸ در انگلستان حکمرانی کرد در عهد او انگلیسها شروع برپا کردن قوای بحریه نمودند

سؤالات

پارلمان چه چیز پیشنهاد کرد خوانندگان پارلمان کیان بودند و چه شدند کرمول سردار چه کرد در عهد کرمول انگلیسها چه کردند

۱۲۷ — **شورش ۱۶۸۸** — انگلیسها مایل بودند که پادشاه داشته باشند و در ۱۶۶۰ شارل دویم پسر شارل اوّل را بجهت سلطنت طلبیدند ولی او مانند پدرش بسیار مستبدانه سلطنت کرد و کسانی را که برخلاف قوانین مذهب رفتار میکردند اذیت میکرد و وکلائی که در پارلمان برضد مقاصد او بودند صدمه میزد و بجهت کسب پول خود را اجیر لوی چهاردهم

پادشاه فرانسه کرده بود

بعد از او ژاک دویم سلطنت انگلستان یافت و مدت سلطنت او از ۱۶۸۵ الی ۱۶۸۸ بود و بسیار بدتر از شارل دویم حکمرانی نمود انگلیسها که کاتولیک مذهب بودند از بی مبالاتی ژاک در امور دینیه و همچنین از نداشتن پارلمان منزجر و متنفر گردیدند

در آن زمان شاهزاده بسیار قابل معروف به گیلیوم دورانژ در هلاند بود که دختر ژاک دویم را تزویج کرده بود چون از انزجار و تنفر انگلیسها مطلع گردید با پانزده هزار قشون به بندر انگلستان فرود آمد و در روی بیرق خود نوشته بود (از برای دین و آزادی)

انگلیسها او را بخوبی پذیرفتند ژاک دویم فرار کرد در ۱۶۸۹ گیلیوم بتوسط پارلمان پادشاه انگلستان شد

سؤالات

پسر شارل اول چگونه سلطنت میکرد ژاک دویم چگونه بود گیلیوم در انزجار چه کرد و بالاخره چه شد

۱۲۸ــ ترتیب سلطنت پارلمانی قبل از آنکه پارلمان سلطنت

گیلیوم را بتوسط نوشته رسمی ملت اخطار نماید از گیلیوم عهد گرفت که حقوق ملت انگلیس را همواره محترم شمارد و همه ساله وکلای مملکت در پارلمان جمع شده وضع قانون نمایند و قرار مالیات بدهند و هرگاه حکمی مخالف عدالت از پادشاه صادر گردد پارلمان حق مؤاخذه و بازخواست از و داشته باشد هیچیک از افراد ملت انگلیس را بدون تحقیق و اثبات جرم توقیف نماید و تحقیق و استکشاف جرم جز بتوسط قاضی از اهل مملکت صورت نگیرد

پس باین ترتیب هیچوقت پادشاه نمیتواند از روی هوای نفس حکمی براند و همچنین همواره باید حقوق اهل مملکت و قوانین مشروطیت را محترم شمارد پس در واقع احکام مملکت از طرف ملت بتوسط پارلمان صادر میشود

و این شکل حکومت و سلطنت را سلطنت پارلمانی یا دولت مشروطه نامند و انگلیسها اولین طایفه بودند که بنای این نوع سلطنت را گذاشته از برای آن شورش بزرگی کردند که شورش بزرگ فرانسه بسبب آن تهیه شد

سئوالات

پارلمان از گیلیوم قبل از تقرر سلطنت او چه عهدی گرفت از روی این قرار داد پادشاه چه میتواند بکند سلطنت مشروطه کدامست

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً پادشاه انگلیس از زمان تأسیس مشروطیت بدون اجماع پارلمان نمیتواند چیزی از رعیت بگیرد

ثانیاً شارل اول پادشاه انگلیس از فامیل استوارت که هم پادشاه انگلیس و هم اکس بود مدت یازده سال بدون انعقاد پارلمان سلطنت کرد

ثالثاً چون مجدداً پارلمان منعقد گردید جنگ داخلی بزرگی از سنه ۱۶۴۲ شروع شد و شارل اول مغلوب و توقیف و سرش قطع شد در سنه ۱۶۴۹

رابعاً مملکت انگلیس در آن وقت جمهوری گردید ولی ژنرال کرمول اجزای پارلمان را بیرون کرد و باسم حامی در انگلیس سلطنت نمود از سنه ۱۶۵۳ تا سنه ۱۶۵۸

خامساً مجدداً سلطنت بر شارل دویم در سنه ۱۶۶۰ مقرر گردید ولی جانشین او ژاک دویم که کاتولیک مذهب بود منفور انگلیسها واقع شد و او را در سنه ۱۶۸۸ طرد نموده در جای او گیلیوم اراثر پادشاه زاده هلاند را بسلطنت قبول کردند

سادساً حفظ حقوق ملت بموجب تعهد گیلیوم از ابتدای سلطنت او معمول گردید حکومت پارلمانی مقرر شد

فصل ششم

متفق شدن تمام اروپا

برضد فرانسه

۱۲۹— ظفر و نصرت لوی چهاردهم بعد از وقوع عهدنامه وستفالی و پیرنه مملکت فرانسه مقتدرترین ممالک اروپا بود و اروپائیان از این اقتدار سخت ناراضی و دلتنگ بودند ولوی چهاردهم هم تمام سلاطین کوچک را با خود دشمن نمود چنانکه ابتدا بر اسپانی حمله کرد و بعضی شهرها و اراضی در مملکت بلژیک از او گرفت که اکنون هم در جزو ایالتهای فرانسه هست (مطابق مصالحه اکس لاشاپل ۱۶۶۸ م) و بعد از آن بر هلاند حمله نمود خلاصه پادشاه اسپانی و امپراطور آلمان و سایر سلاطین اتفاق نموده برضد فرانسه برخواستند ولی لوی چهاردهم بر تمام آنها ظفر یافته فرانش کنت را متصرف شد

(مطابق عهدنامه نیمگ ۱۶۷۸) و چون ملاحظه نمود که کسی را قدرت
مقابلی او نیست بسیاری از شهرها و اراضی را در حال صلح بخاک
فرانسه ملحق ساخت مثل شهر استراسبورگ ولی این جنگها فرانسه را
خسته نمود همینکه لوئی چهاردهم فرمان نانت را که هانری چهارم
برای آزادی مذهب پروتستان داده بود نسخ کرد مردم بسیار
و متمول بی شمار از [illegible] فرانسه مهاجرت کرده ضرر فاحشی بمملکت
وارد آمد

سؤالات

کدام یک سلاطین اروپ بر ضد فرانسه برخاستند علت ضدیت آنها چه
بود لوئی چهاردهم با آنها چه کرد بالاخره امر بکجا منتهی شد

۱۳۰ — اتفاق بر ضد لوئی چهاردهم

تمام پادشاهان
اروپ بر لوئی چهاردهم خشمگین بودند ولی هیچکدام را قوت مقاومت
با او نبود هنگامیکه گیلیوم دورانژ پادشاه انگلستان شد حزب
اکسبورگ را که بر ضد لوئی چهاردهم مرتب ساخته و در آن فرقه
از طرف تمام اروپا سمت ریاست یافت لوئی چهاردهم بجنگ ایشان

پرداخته تمام شهرها و دهات کنار رود رن را خراب ساخته مجدداً
مظفر و منصور گردید ولی دیگر پولی نداشت که بمصرف جنگ رساند
و مجبور شد که صلح طلبد و عهدنامه ریسوایک در سنه ۱۶۹۷ بسته شد
سه سال بعد از آن شارل دویم پادشاه اسپانی بعد از آنکه ایالتهای
خود را بدوک دانژو نوه لوی چهاردهم واگذاشته وفات نمود
در این وقت چنین بنظر میآمد که فرانسه هرگز باین قدرت نبوده ولی
مقارن همین ایام انگلستان و هلاند و امپراطور آلمان بر ضد لوئی
چهاردهم اتفاق خصمانه هولناکی نمودند و فرانسه با تمام ایشان
مقاومت نمود و بالاخره در سنه ۱۷۱۳ و (۱۷۱۴) مصالحه با انگلیس
و هلاند و سایر دشمنان خود را در اوترشت و در راشتاد بدست
آورده و از طرف آنها آسوده شد

نوه لوی چهاردهم در سلطنت اسپانی باقی ماند و بلجیک بامپراطور
آلمان داده شد

اما فرانسه مجبور شد چند قطعه از بهترین مستعمرات خود را از قبیل کانادا
بدولت انگلیس واگذار کند   در قرن هیجدهم فرمانروائی فرانسه

در اروپا بانتها رسید ودر آن وقت دو مملکت بسیار هولناک تشکیل یافت یکی دولت پروس و دیگری دولت روس و دولت انگلیس هم مستعمرات بزرگ بدست آورده شاهنشاهی بزرگ تشکیل داد

سؤالات

پادشاهان اروپ با لوی چهاردهم چه حال داشتند   گیلیوم ارانژ بعد از رسیدن بسلطنت انگلیس چه کرد   لوی چهاردهم چه کرد   بعد از شارل دویم ایالتهای او بکه پیوست   کدام دولتها بر ضد لوی چهاردهم اتفاق نمودند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً — لوی چهاردهم بسبب حمله بر سلاطین کوچک و تصرف املاک ایشان تمام اروپا را با خود دشمن ساخت

ثانیاً — گیلیوم در اثر پادشاه انگلیس تمام ممالک اروپا را بر ضد لوی چهاردهم بموجب معاهده اکس بورگ در سنه ۱۶۸۹ مجتمع ساخت و در سنه ۱۶۹۷ لوی چهاردهم مجبور گردید که درخواست صلح نماید

ثالثاً — در سنه ۱۷۰۰ که نوه لوی چهاردهم پادشاه اسپانی شد اتفاق و اتحاد جدیدی بر ضد فرانسه صورت یافت که پس از خرابیهای زیاد در سنه ۱۷۱۳ مصالحهٔ اوترشت واقع شد

رابعاً — در آنوقت مملکت فرانسه ضعیف و پادشاه او از آقائی در ریاست اروپا بر کنار شد

فصل هفتم

تشکیل امپراطوری روس

۱۲۱ـ روسها ــــ روسها عیسوی مذهب بودند ولی
پاپ را نمیشناختند و فقط از قیصر (امپراطور) اطاعت مینمودند
و شخص امپراطور از برای روسیان هم پادشاه بود و هم بمنزلهٔ پاپ
قیصر ملیونها رعیت داشت و مملکت بزرگی در زیر حکم او بود
زیرا که در سنهٔ ۱۵۸۱ تمام سیبری را مالک بود و مقر سلطنتش در شهر مسکو
بود که در وسط مملکت روسیه واقع است ولی هیچ بندری نداشت
و رعایای روس عموماً فقیر و وحشی بودند

سؤالات

روسها چه حال داشتند قیصر نسبت برعایای خود چه مقام داشت
رعایا و مملکت روس چه نحو بود

۱۲۲ـ پطر کبیر ــــ پطر کبیر قیصر روس از سنهٔ ۱۶۸۲
الی سنهٔ ۱۷۲۵ سلطنت کرد شخصی کاری و مجد بود خواست روسها را

شبیه اروپائیان کند و از برای این مطلب از مملکت خود بیرون رفت

که خودش تعلیم گیرد و در کارخانه هلاند بشغل نجاری مشغول گشت

که علم کشتی سازی بیاموزد و بعد جمعی ملاح و مهندس و عملجات اروپائی

همراه خودش بروسیه آورد که روسها را تربیت کنند

اهالی روسیه را مجبور نمود که مانند اروپائیان لباس بپوشند و ایشان را

از لباس بلند و ریش دراز منع نمود وقتی سربازان او شورش

نمودند خودش محض تنبیه ایشان جمعی از آنها را بادست خود سر برید

زنش در مقابل او ایستاده خواست ممانعت نماید حکم کرد تا او را شلاق

زدند و پسر خودش را هم کشت

در حق او گفتند پطر کبیر یک نیمه شجاعت و یک نیمه سبعیت است

سؤالات

پطر کبیر که و چگونه شخصی بود از برای چه کار از مملکت خود بیرون رفت

اهالی روسیه را بچه کار مجبور ساخت در تنبیه سربازان که شورش کرده بودند چه کرد

۱۳۳ — فیروزی پطر بر سوئدیها — در آنزمان تمام اراضی

دور دریای بالتیک متعلق بسوئدیها بود پطر میخواست آن ممالک را

تصرف نماید محض اینکه بندری از برای خود بدست آورد و با سوئدیها جنگ نمود پادشاه سوئد شارل دوازدهم سردار بزرگی بود و در سنه ۱۷۰۰ روسها را شکست داد ولی در مدتی که او بجهت فتح پلنی میرفت پطر امر نمود در نزدیک دریای بالتیک شهر جدید سن پطرز بورغ را بنا کردند که پای تخت روس شد شارل دوازدهم در سنه ۱۷۰۹ قشونی بروسیه فرستاده آن مملکت را فرا گرفتند ولی قشون او مغلوب و گرفتار گردیدند و در سنه ۱۷۲۱ تمام ممالک بالتیک مسخر پطر گردید

سؤالات

پطر با سوئدیها چه کرد — شهر سن پطرز بورغ را پطر در چه وقت بنا نمود — شارل دوازدهم پادشاه سوئد چه کرد

۱۳۴ - **فیروزی پطر بر ترکها (عثمانیان)** — دو قرن عثمانیان در ممالک مشرق اروپا فرمان روائی داشتند در سنه ۱۶۸۳ قشون عثمانی باطریش آمد شهر وین را محاصره کرده بود ولی چون سلطان عثمانی شخصه در آن جنگ حضور نداشت عساکر اتفاقاً سر بشورش

برمیداشتند و لاجرم عثمانیان بزودی قوت و قدرت خود را از دست
داده در سنه ۱۷۱۸ اطریشی ها ایشان را از مملکت هونگری بیرون
کردند از سنه ۱۷۶۲ الی سنه ۱۷۹۶ کاترین امپراطریس روس بوسعت
دادن مملکت روسیه از طرف ممالک ترک مداومت نمود و در سنه ۱۷۷۰
سرداران او قوای بحری ترکان را سوزانیدند و در دو جنگ که در
سنه ۱۷۷۴ و سنه ۱۷۹۲ واقع شد شهر کریمه را با تمام ممالکی که در کنار دریای
سیاه است تا رود نیستر تصرف کردند

سؤالات

قشون ترک بجهة محاصره کجا آمده بود — کار ترکان در هونگری بکجا رسید
کاترین امپراطریس روس با ترکان چه کرد

۱۳۵ — تقسیم پلنی (ورشو)

پلنی یا ورشو مملکت بزرگی
بود ولی حکامی هرزه رفتار داشتند رعایا همگی غلام و نجبا همه نظامی
بودند در موقع انتخاب پادشاه یا بجهت بحث و گفتگو در کارهای ملی
سواره در جلگه وسیعی جمع میشدند و اشخاصی که با رای و عقیده
اکثریت همراه نبودند از آن جمعیت کناره میگرفتند و کسی حق نداشت

١٨١

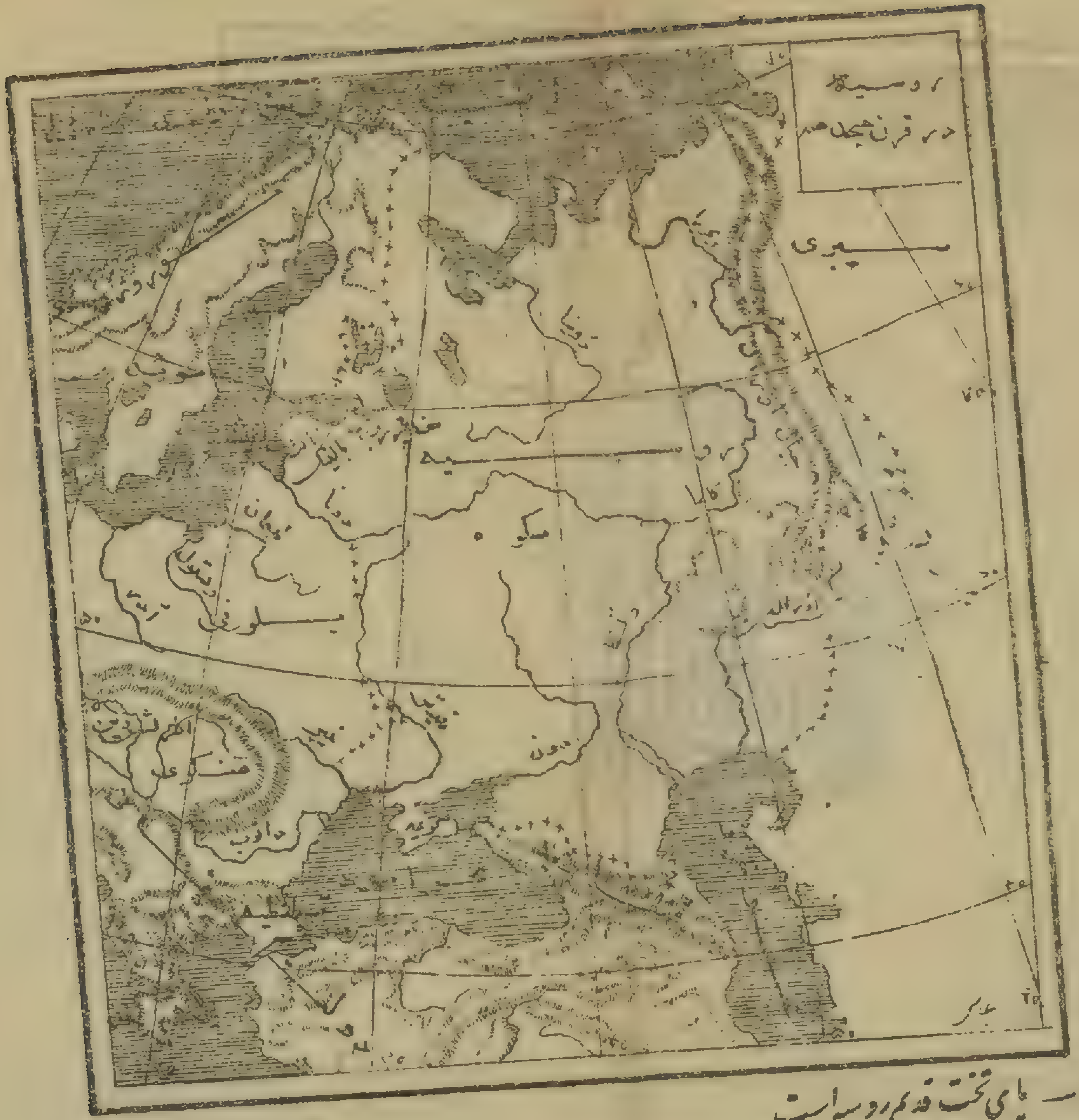

مسکو — پای تخت قدیم روسیه است

سن پطرزبورغ — پایتخت حالیه روس است

وین را عثمانیها در ۱۶۸۳ محاصره کرد

کریمه — شبه جزیره ایست که کاترین تسخیر نمود از عثمانیها

نداشت آنها را مجبور بهمراهی نماید ملت پلنی با وصف اینکه بسیار
رشید بودند ولی بسبب متفق نبودن با یکدیگر ضعیف بودند و
همسایگان ایشان این متفق نبودن را غنیمت شمردند

و در سنه ۱۷۷۲ امپراطریس روس و پادشاه پروس و امپراطریس
اطریش با یکدیگر متفق گردیدند که هر یک قسمتی از آن مملکت را با قهر
و غلبه متصرف شوند و قسمت بزرگتر از همه بهره امپراطریس روس
گردید در سنه ۱۷۹۳ و سنه ۱۷۹۵ مجدداً سلاطین شروع بجنگ نمودند
تا تمام پلنی را مسخر ساختند اهالی پلن خواستند مقاومت نمایند
ولی سربازان روس و پروس داخل شهر گردیده اهالی را مجبور
باطاعت نمودند در حقیقت مرتکب راهزنی و قطاع الطریقی گردیدند
خلاصه از آن زمان روسیه وسیعترین ممالک اروپا گردید

سؤالات

ترتیب احوال اهالی پلنی چه بود   بچه سبب ملت پلنی ضعیف بودند
کدام سلاطین در تصرف و تقسیم پلنی اتفاق نمودند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً در قرن هیجدهم روسی مملکتی وسیع بود ولی سکنه آن مردمانی فقیر و وحشی و نیمه آسیائی بودند

ثانیاً پطر کبیر قیصر روس از سنه ۱۶۸۹ الی سنه ۱۷۲۵ شروع تربیت و ترقی دادن روسها نمود و آنها را مجبور کرد که اخلاق و عادات اروپائی اختیار نمایند

ثالثاً از سنه ۱۷۰۰ الی سنه ۱۷۲۱ پطر کبیر تمام ایالات کنار دریای بالتیک را از پادشاه سوئد گرفت و در آنجا شهر مشهور سن پطرزبورغ را بنا کرده پایتخت قرار داد

رابعاً چون عثمانیان ضعیف شده بودند کاترین امپراطریس روس از سنه ۱۷۶۲ الی سنه ۱۷۹۶ چند ایالت از عثمانی را که در کنار دریای اسود بود تصرف نمود

خامساً چون لهی‌ها خیلی ضعیف بودند و اختلافات و نزاعهای اهلی در میان ایشان موجود بود روس و پروس و اطریش قهراً و جبراً ممالک لهی را در میان خود تقسیم کردند و در سنه ۱۷۷۲ و سنه ۱۷۹۳ و سنه ۱۷۹۵ مملکت لهی سه قسمت کرده

سادساً از روی این ترتیب مملکت روس از بزرگترین ممالک عالم شد

فصل هشتم

تشکیل مملکت پروس

۱۳۶ — براندبورگ و پروس. پروس مملکتی جدید است که از دو قسمت براندبورگ و پروس تشکیل شده بود و هر دو در تحت حکم یک پادشاه جمع شده بودند

براندبورگ سرزمینی ریگزار است که در اطراف شهر برلن واقع شده در عصر متوسط آلمانها آنجا را از اسلاوهای بت پرست گرفته بودند و چند کنت‌نشین از آن تشکیل داده

در ۱۴۱۲ یکنفر از آقایان جنوب آلمان از طایفه هُهن زلرن مباشر براندبورگ بود

اما پروس مملکتی باتلاق و مجاور با روسیه است که شجاعان طبقه تلتنیک در قرن چهاردهم تصرف کرده بودند و بعد آقای بزرگی از آن طبقه که هم از خانواده هُهن زلرن بود در ۱۵۲۵ بمذهب لوتریک درآمده و پروس را دوک‌نشین قرار داد و در ۱۶۱۸ کدخدای

براندبورک نه ارث پروس کرد
جانشینیان او شهرها و ایالتهای بسیار از آلمان بدست آوردند
در ۱۷۰۱ والی براندبورک لقب پادشاهی پروس را از امپراطور
آلمان خریداری نمود

سؤالات

پروس چگونه ملکی است براندبورک چه قسم است ترتیب پادشاهان آنها چه قسم بود

۱۳۷ — پادشاه‌نشین پروس — پروس مانند

فرانسه وغیره یک مملکت واحد محسوب نمیشد بلکه مرکب از چندین ایالت
بود که هر یک از دیگری جدا بودند چنانکه اگر پادشاه میخواست
از ایالتی بایالت دیگر مسافرت نماید باید از اراضی و املاکی عبور نماید
که تعلقی باو نداشت اطاعت و انقیاد عمال این ایالات موقوف
بدان بود که خودشان با پادشاه پروس اخلاص کیش باشند
و اگر پادشاه میخواست از آنها دفاع نماید محتاج بقشونی بسیار قوی بود
فردریک گیلیوم اول که در ۱۷۴۰ وفات یافت شصت هزار قشون
داشت و همواره در جستجوی اشخاص تنومند قوی هیکل بود که در قشون

خود اجیر و مستخدم بیار د خود پادشاه مانند یکنفر سرباز زندگانی میکرد
و همیشه در لباس نظامی بود دربار سلطنتی نداشت او را پادشاه
وکیل مینامیدند

درحالیکه در سایر پادشاه نشینهای پروس پنهان وزراء پیوسته
در صدد این بودند که جشنهای زیبا ترتیب داده پولهای زیاد خرج
کنند و دربار سلطنت تشکیل دهند

اما در دربار فردریک پادشاه و وزرایش مقصودی جز قوت یافتن
و بزرگ ساختن مملکت نداشته هیچوقت مخارج بیهوده نمیکردند بلکه
باکمال صرفه جوئی رفتار مینمودند تا بالاخره پروس مملکت قوی گردید

سؤالات

پادشاه نشین پروس چه ترتیب بود اطاعت عمال ایالات با پادشاه
موقوف برچه بود فردریک گیلوم چه مقدار قشون داشت ترتیب
زندگانی او چه قسم بود سایر پادشاه نشینهای پروس چه وضع بودند
و دربار فردریک از چه قرار بود

۱۷۴۰–۱۷۸۶ فردریک بزرگ — فردریک دویم از سنه ۱۷۴۰
الی سنه ۱۷۸۶ از تمام پادشاهان پروس قابلتر گردید و بزرگترین

سرداران عصر خود بود و دانشمندان و نویسندگان بخصوص نویسندگان
فرانسه را دوست میداشت و خود او زبان فرانسه را میدانست و
نوشتجات خود را با لغت فرانسه خوشتر از آلمانی داشت در یکی
از دهات نزدیک برلن موسوم به پوتسدام منزل داشت و در آنجا
بدون اجزا و خدم زندگانی میکرد و همیشه لباس صاحب منصبی
میپوشید مقصودش این بود که مقدم بر همه چیز مملکت خود را بزرگ
نماید در کارهای مخالف مذهبی چندان دقیق و مقید نبود بعد از مردن
شارل ششم امپراطور آلمان فردریک یکی از ایالتهای اطریش
موسوم به سیلزی قشون فرستاده در سنه ۱۷۴۱ آنجا را مفتوح و مسخر
ساخت و خواست ماری ترزِ دختر شارل ششم را مجبور نماید که آن ایالت را
باو واگذار کند و ماری ترز در صدد برآمد که آن ایالت را پس بگیرد
ولاجرم در سنه ۱۷۵۶ با فرانسه و روس و سوئد و شاهزادگان آلمان
عهد موافقت بست در آنوقت جنگ هفت ساله شروع شد
اطریشیها و فرانسه ها و روسها و سوئدیها از چهار طرف داخل خاک
پروس گردیدند

فردریک با قشون خود از یک طرف مملکت بطرف دیگر میتاختند
سربازانش با جلدی و چابکی حرکت نموده غالباً فاتح میشدند
عاقبت الامر مصالحه بر این وقوع یافت که ماری ترز در سنه ۱۷۶۳
واگذاشتن سیلزی را امضا نمود

بعد از آن فردریک کاری کرد که کاترین امپراطریس روس مجبور
گردید پلنی (ورشو) را در سنه ۱۷۷۲ با او تقسیم نمود و تمام ممالکی که در
میانه دو قطعه از مملکت او واقع شده بود از اهالی پلنی گرفت در سنه ۱۷۴۰
جمعیت مملکت پروس دو ملیون و پانصد هزار نفر بود و در سنه ۱۷۸۵
پنج ملیون و پانصد هزار جمعیت آنجا شد و قشون پروس بهترین
قشونهای اروپا گردید

سؤالات

فردریک دویم چه کرد   در کجا منزل داشت و حالاتش چگونه بود   با ایالت سیلزی چه کرد   ماری ترز دختر شارل ششم با او چه کرد   بعد از جنگ هفت ساله مصالحه بر چه واقع شد   فردریک با پلنی چه کرد - عدّه نفوس پروس در عهد او چه اندازه بود و چه شد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولا مملکت پروس تشکیل یافته است از براندبورگ و والی نشین پروس در سنه ۱۶۱۸ در تحت اطاعت هوهن زلرن در آمد و در سنه ۱۷۰۱ مبدل بپادشاه نشین گردید

ثانیاً پادشاهان پروس عمال بسیار اخلاص کیش و قشونی قوی داشتند و در صرف پول بسیار صرفه جوئی میکردند مقصود عمده ایشان آن بود که قوت یابند تا مملکت خود را بزرگ سازند

ثالثاً از سنه ۱۷۴۰ الی سنه ۱۷۸۵ فردریک بزرگ سرداری قابل و اهل پلتیک بود ولی بامور تدین و درستی مقید نبود

پولونی (لهستان) در سال ۱۷۷۲ مابین پروس و روس و اطریش قسمت کردیده

سیلزی — یکی از ایالات اطریش است که پادشاه پروس در ۱۷۴۱ ضمیمه مملکت خود نمود

برلن — پایتخت پروس است

پتسدام — قریه کوچکی است نزدیک برلن که منزل سلاطین پروس است

براندبورگ — ملکی است در اطراف برلن

فصل نهم

تشکیل مملکت انگلیس

۹۳- مهاجرنشینهای اروپائی پرتوگالیها و اسپانیولیها اوّلین مردمانی از اروپا بودند که ما بقی دنیا را کشف نمودند و در امریکا و افریقا و آسیا و اقیانوسیه ممالکی را که شایستگی داشت تصرف نموده باثروت‌ترین ممالک را گرفتند ولی چون حکمرانی ایشان بسیار بد بود مهاجرنشینهای ایشان بسیار فقیر و ضعیف گردیده ایطالیانیها و آلمانها مهاجرنشین نداشتند زیرا که ملتی از ایشان تشکیل نشده و دولتی قوی نداشتند که در ممالک دوردست متصرفات پیدا کنند امّا فرانسه‌ها و انگلیسها و هلاندیها در قرن هفدهم مهاجرنشینهای بسیار تشکیل دادند

هلاندیها در جزیره بزرگ ژاوا و سوماترا تمکّن یافتند و فرانسه‌ها تمام شمال امریکا را که کانادا باشد متصرف شدند و همچنین مملکت مسی‌سیپی که (لوئیزیان) باشد مالک شدند

و نیز در جزایر آنتیل ها جزیرهٔ بزرگ هائیتی را گرفتند و انگلیسها تمام نواحی شرقی امریکای شمالی را تصرف نمودند

سؤالات

پرتوگالیها و اسپانیولیها با مهاجرنشینهای خود چه کردند — آیا ایطالیائیها و آلمانیها مهاجرنشین داشتند — فرانسه و انگلیس و هلاند کجاها را تصرف کردند

۱۴۰ — **تسخیر انگلیس هندوستان را** — در قرن هیجدهم انگلیسها با فرانسه‌ها بر سر مهاجرنشین جنگ نمودند — در آنوقت در مملکت هند دو کمپانی تجارتی بود یکی کمپانی انگلیسی در مدرس و دیگری فرانسه در پوندی چری

پس کمپانی فرانسه و انگلیس شروع بتصرف ممالک هند نمودند و این مسئله اشکالی نداشت زیرا که مملکت هند در میان بسیاری از شاهزادگان کوچک منقسم بود و ایشان قشونی نداشتند جز اندکی سرباز بیاره و ساکنین هند هم در صدد دفاع وطن خود نبودند و این ظفری بسیار مغتنم و مفید بود زیرا که هند بیش از دویست ملیون جمعیت دارد و مقداری زیاد پنبه و برنج و نیل و شکر و ابریشم و فلفل

ژاداپسوماترا — جزائری است که هلاندی ها درآنجا مسکن دارند کانادا و لوئیزیان — قطعه ایست از امریکای شمالی که فرانسه ها درآنجا مسکن کرده اند و انگلیس آنرا تصرف کرد
پندیچری — شهریست از هندوستان که یک کمپانی از فرانسه درآنجاست فیلادلفی — مجمع کنگره ایست که درآنجا برای آتازونی دعوی آزادی شد در ۱۷۷۶
مدرس — شهریست از هندوستان که یک کمپانی تجارتی درآنجاست بنگاله — را انگلیس ها در ۱۷۶۳ تسخیر کرد

۱۶

ونیزد
فواج

پرتو
واند

۱۴۰
باو
وا

و

ة

ا

و اشیار دیگر محصول آنست

انگلیسها از دولت فرانسه خواهش کردند که دیپلکس رئیس کمپانی را معزول کند و دولت نیز قبول کرده در سنه ۱۷۵۴ او را معزول ساخت بعد از آن انگلیسها خودشان شروع بتسخیر هند نمودند و تنها با یک جنگ در سنه ۱۷۵۷ تمام مملکت بزرگ بنگاله مسخر ایشان شد و بعد از آن در سنه ۱۷۶۰ مهاجرنشینهای فرانسه را خراب کردند و خودشان مالک مملکت هند گردیدند که امروز هم هستند

سؤالات

در هند چند کمپانی تجارتی بود رئیس کمپانی فرانسه که بود چه میکرد انگلیسها هند چه کردند

۱۴۱- تسخیر انگلیس امریکای شمالی را — همچنین در امریکا نیز همین قسم وقوع یافت در سنه ۱۷۵۴ در وقتیکه جنگ مابین فرانسه و انگلیس شروع شد برزگرهای انگلیس بر برزگرهای کانادا که مهاجرنشین فرانسه بود حمله نمودند

برزگرهای فرانسه مانند شجاعان دلاور مقاومت نموده در ابتدا غالب آمدند ولی بعد از آن دولت انگلیس قشونی بامداد برزگرهای

خود فرستاد و دولت فرانسه کسی را بامداد و یاری جاهای خود بقدر نفرستاد
کانادائی بیش از پنجهزار جمعیت نداشتند که طرف حمله چهل هزار قشون
واقع شده بودند و نیز تدارک قورخانه نداشتند و لاجرم انگلیسها
کانادا را متصرف یافتند

و مجملاً در سنه ۱۷۶۳ دولت فرانسه تمام متصرفات خود را که در امریکای
شمالی داشت با نگلیس واگذار نمود در تمامت این جنگهای بزرگ ان
تابع فرانسه ملاحان فرانسوی در کمال رشادت تکالیف جنگی
خود را بجای آوردند ولی در آن وقت لوی پانزدهم فرمان فرمای
مملکت فرانسه بود و همه کس میداند که ترتیب سلطنت او چقدر بد بود
از طرف دیگر در آن زمان هیچکس نمیفهمید که مهاجر نشین از برای یک ملت
چه فایده ها دارد

پول بسیار صرف مینمودند و قشون بسیار در جنگ آلمان و ایطالیا
حرکت میدادند در صورتیکه فرانسه را در آن ممالک ابداً فایده و منفعتی
متصور نبود ولی در فرستادن چهار پنجهزار قشون برای حمایت مهاجر
نشینها مضایقه میکردند و حال آنکه این معنی سبب میشد که ممالک عالم

ملک فرانسه گردد

سئوالات

بزرگران انگلیس با برزگران کانادای فرانسه چه کردند   برزگران فرانسه در مقابل ایشان چه کردند   علت اینکه برزگران فرانسه مغلوب شدند چه بود
چرا فرانسه قشون بسیاری بمهاجرنشینهای خود نفرستاد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً مهاجرنشینهای اسپانیول و پرتوغال بسبب بدرفتاری دولت معدوم شدند در قرن هفدهم فرانسه‌ها و انگلیسها و هلاندیها مهاجرنشینهای بزرگ را مالک شدند بخصوص در امریکای شمالی و در هند

ثانیاً رئیس کمپانی فرانسه دوپلکس در قرن هیجدهم درصدد آن بود که بجهت فرانسه در هند مستعمرات تحصیل نماید ولی در سنه ۱۷۵۴ دولت فرانسه او را معزول ساخت و بعد از آن انگلیسها هند را مسخر نموده در سنه ۱۷۵۷ از بنگاله شروع کردند

ثالثاً در امریکا برزگران کانادای فرانسه چون از دولت خود حمایت ندیدند باطاعت انگلیسها در آمدند و در سنه ۱۷۶۳ فرانسه از تمام مستعمرات امریکائی خود دست برداشت

رابعاً فرانسه بواسطه خطای دولت خود ممالک بسیاری را از دست داد و انگلیسها آنها را متصرف شدند

فصل دهم

بنای اتازونی

۱۴۲ — هیجان مهاجرنشینهای امریکا برزگران امریکای
شمالی تابع انگلیس بامر حکمرانی خود میپرداختند زیرا که دولت انگلیس را
عادت بر این بود که در امور داخلی تبعهٔ خویش کمتر مداخله نماید تا
اسباب اذیت و نفرت ایشان فراهم نگردد ولی یک نوبت از
این عادت غفلت نمود و باین جهت تمام مهاجرنشینهای بزرگ از
دستش بدر شد باین معنی که در سنهٔ ۱۷۶۵ از برای دولت انگلیس پولی
لازم شد و مالیاتی جدید بر زارعین تبعهٔ خود بدون مشورت ایشان
مقرر داشت زارعین مزبور از ادای آن امتناع ورزیده شورش
کردند و حاکم انگلیس را از شهر خود بیرون کردند دولت انگلیس
قشونی بجهت مطیع ساختن ایشان مأمور نمود و زارعین هر ایالت
وکیلی تعیین کرده مجلسی در فیلادلفی منعقد ساختند و در چهارم ژوئیه
سنهٔ ۱۷۷۶ مجلس مزبور رسماً اظهار نمود که آن ممالک از انگلیس مجزی میباشند.

وجمهوری اتازونی امریکای شمالی تشکیل گردید

سؤالات

عادت دولت انگلیس با برزگران خود چه بود   باعث شورش برزگران تبعهٔ انگلیس چه شد   عاقبت کار ایشان بکجا انجامید

۱۴۳ — **آزادی اتازونی** جنگ مابین انگلیسها و اتازونی را جنگ آزادی امریکا میخوانند که از سنهٔ ۱۷۷۴ الی سنهٔ ۱۷۸۳ امتداد یافت و ممالک متحده اتازونی در ابتدا مغلوب گردیدند زیرا که قشونی نداشتند و بر خلاف دولت انگلیس بیست هزار سرباز آلمانی اجیر نموده بامریکا فرستاد ولی بعد از جمعی داوطلبان فرانسوی بامداد امریکائیان شتافتند و دولت فرانسه نیز قشونی برای آنها فرستاد و انگلیسها مغلوب شدند و در سنهٔ ۱۷۸۳ مصالحه واقع شد و مؤسس آزادی اتازونی در آنوقت ژنرال واشنگتون بود که جنگ را بپایان رسانید شهری بنام او شهرت یافت

سؤالات

جنگ مابین انگلیس و اتازونی در چه وقت واقع شد   سبب غلبهٔ انگلیسها در ابتدا چه بود   بالاخره چه باعث شد که اتازونی غالب گردیدند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً بزرگان امریکای شمالی انگلیس خودشان متصدی حکومت مملکت خود بودند و بعد از آن بسبب مالیاتی که دولت انگلیس بدون مشورت ایشان تحمیل کرده بود در سنه ۱۷۷ شورش نمودند

ثانیاً— وکلای ایالت امریکا در سنه ۱۷۷۶ مجلسی در فیلادلفی منعقد ساخته ادعای آزادی آتازونی را نمودند

ثالثاً— از سنه ۱۷۷ الی سنه ۱۷۸۳ ممالک متحده اتازونی برای آزادی خود جنگ نمودند و بالاخره با امداد فرانسه ها انگلیس را مجبور کردند که آنها را بآزادی بشناسند

رابعاً— ژنرال واشنگتون حکمران آتازونی گردید

ماحصل کتاب سیم

اوّلاً ایجاد اختراعات بزرگ و اکتشافات مهم اثرات عصر جدید است
ثانیاً قطب نما ملّاحان را هدایت نمود تا امریکا را کشف کردند و چاپ
دانشمندان را کمک نمود تا معارف جدید را در عالم منتشر ساختند .
و مردمان بخیال افتادند که بر کلیسا شورش نموده احکام او را از فرمه (اصلاح)
کشند استعمال باروت در جنگها اسلحه هولناکی بدست سلاطین داد
ثالثاً - از روی این ترتیب وضع عالم تغییر کرده اروپائیان مستملکات
جدید پیدا کردند اول اسپانیول و پرتوغال صاحب مستملکات شدند و
بعد از ایشان هلندیها و فرانسه ها که مهاجرنشینهای وسیع بدست
آوردند

رابعاً بجای اینکه دول اروپ هم خودشان را بازدیاد مستعمرات و
ترقی تجارت و صناعت مصروف سازند بسبب جنگهای طولانی
همواره ممالک ایشان در تزلزل و اضطراب بود سلاطین فرانسه
و اسپانی بسیار با قدرت شدند و با ایطالیا جنگ نمودند و چون شارلکن

امپراطور اسپانی شد مابین خانواده فرانسه و اسپانی زد و خورد بزرگ
شروع شد و در همه جا جنگهای مذهبی با جنگهای پلتیکی مخلوط بود

خامساً - در اواسط قرن هفدهم خانواده اسپانی مغلوب شد و فرانسه در عداد اولین دولت اروپا درآمد ولی قدرت خود را بی موقع و بیهوده صرف نمود

سادساً بعد از آنکه در سنه ۱۶۸۸ شورش پلتیکی اسباب آزادی انگلیس گردید دولت انگلیس دشمن خطرناک فرانسه شد و مهاجرنشینهای فرانسه را گرفته مملکتی بزرگ تشکیل داد و دو مملکت جدید خطرناک ظاهر گردید یعنی روس و پروس

بعد از این دولت فرانسه در مقابل پیش آمدهای اروپا مثل سابق رفتار نمیکند ولی بعد از شورش معروف فرانسه مقام ریاست انسانیت از برای او حاصل شد

کتاب چهارم

ازمنهٔ معاصره

فصل اوّل

شورش فرانسه

در اروپ

۱۴۴ — ازمنه معاصره — در آخر قرن هیجدهم عصر جدیدی برای فرانسه شروع شد و همچنین برای تمام اروپا بلکه برای تمام عالم

۱۴۵ — اظهار حقوق بشریّت — مجمع ملّی که در سنه ۱۷۸۹ در فرانسه منعقد گردیده بود اظهار داشت که تمام مردم در اعمال آزاد و در حقوق مساوی هستند و مقصود ایشان فقط ملت فرانسه نبود بلکه میخواستند حقوقی را که تمام ملل دارا هستند مطالبه نمایند و این عمل عبارت از اظهار حقوق انسانیت است

سؤالات

اظهار حقوق انسانیّت عبارت از چیست مجمع ملّی فرانسه در چه سنه منعقد و چه مطلب اظهار داشت

۱۴۶- **اصول ۸۹** - بعد از آنکه مجمع این اظهار را نمود قوانینی از برای دولت وضع نمود که آنها را اصول ۸۹ نامیدند و قوانین مزبور ازین قرار است

اوّلاً باید تمام مردم آزاد و صاحب حقوق متساوی باشند ثانیاً هر کسی در تمام اعمال خود آزاد است در صورتیکه مخل آسایش دیگری نباشد باین معنی که هر کسی آزاد است در خیالات خود و در نوشتن هر چه خواهد و در اعمال مذهبی خود و در انتشار کتب و همچنین هر کسی آزاد است که بهر جا خواهد برود و در هر شهری که خواهد بماند و هر صنعتی که خواهد بکند و هرگز نباید احدی را متوقف سازند مگر آنکه شبهه جرمی در حق او برود و تحقیق احوال مجرم را از هم شهریها و آشنایان خود او بنمایند که در مجلس استنطاق یا محکمهٔ عدالت حاضر میشوند

ثالثاً- قانون احکام نسبت تمام مردم یکی باید باشد اهل هر ملّت و هر مذهبی

میتوانند عمّال دیوانی یا صاحب منصب شوند فقط صفات شخصی هر کس را باید مناط اعتبار دانست نه فامیل و ثروت او و تمام مردم بیک اندازه باید مالیات بدهند پس همه کس در مقابل قانون مساوی خواهند بود.

رابعاً — اهالی مملکت باید بجهت انتخاب وکلا و نمایندگان خود جمع شوند و هیئت نمایندگان فقط حق دارند مالیات وضع نمایند و قانون بگذارند و وزرا را باید مطیع نمایندگان ملت باشند زیرا که حکم در دست ملت است نه در دست وزراء.

سؤالات

اصول ۸۹ یعنی چه قوانینی که مجمع ملی وضع نمود شرح دهید

۱۴۷ — حال اروپا در ۸۹ — اغلب این قوانین طبیعی و معمولی بنظر میآید و شاید شما خیال کنید در مملکتی که اهل آن آزاد نباشند و در کار کردن و حرف زدن و نوشتن و خیال و غیر آن مختار نفس خود نباشند چگونه زندگانی توان کرد یا چگونه دولت میتواند بدون سبب مردم را محبوس نموده پول از ایشان بگیرد یا بر حسب هوای نفس حکم توقیف کسی را بدهد ولی با اینحال امروزه تمام ملل مشرق

زمینی یعنی ترک و ایرانی و مصری ترتیب زندگانی ایشان مانند کسی است که ولی و قیم داشته باشد بلکه قبل از شورش ۸۹ اسپانی و ایطالیا والمان و روس و فرانسه و امریکای جنوبی تماماً حالشان مثل امروز ترکان بود یعنی احکام ایشان برحسب میل و هوای نفس سلاطین و وزرای ایشان جاری میشد و سوای هلاند و انگلیس و سویس و اتازونی هیچ ملتی خودشان بامر حکومت خود قیام نداشتند و هیئت ملتی هم وجود نداشت بلکه تمامی اهل مملکت تابع و مطیع بودند

سؤالات

در باب این قوانین چه بنظر میآید و چه خیال میکنید کدام یک از ملل محکوم و مطیع سلاطین خود هستند قبل از شورش ۸۹ کدام یک از ملل اروپا مقید سلاطین و کدام آزاد بودند

۱۴۸ — **دربارهای اروپا** — مملکت المان و ایطالی همیشه در میان شاهزادگان کوچک بسیار تقسیم شده بود و طرز رفتار و وضع احوال این شاهزادگان از روی تقلید لوی چهاردهم پادشاه فرانسه بود که او را نمونه اعمال خویش قرار داده بتقلید او عمارتها و قصرهای بزرگ بنا نموده و در پارکها مجسمه‌ها و فواره‌ها

مثل باغ و درختهای قرار داده بودند و اجزای دربار آنها کلاهها را
با پر مرغ وغیره زینت داده لباسهای کلابتون دوز در بر میکردند
وساعتهای زندگانی خودشان را با تکلفات ترتیب داده بودند از قبیل
ساعت بیدار شدن و غذا خوردن و خوابیدن وغیره و این
تکلفات و تجملات مخارج گزاف داشت زیرا که هر یک از سلاطین
اهتمام داشتند که اهالی دربار ایشان مزین تر و متجمل تر از دیگران
باشند و بجهت این مخارج گزاف مالیات فوق العاده بر رعایا
تحمیل کرده بودند درصورتیکه غالباً خود ایشان مباشر حکمرانی نگشته
انجام امور مملکت را بمستخدمین و اجزای دربخانه خود واگذاشته بودند
و هرگز در هیچ باب رعایا را طرف مشورت قرار نمیدادند و چون
از تعدی و اجحاف حکام و عاملان شکایت مینمودند ایشان را بحبس
تهدید میکردند خلاصه زمام امور مردم در دست یک مشت اجزای
دربخانه و اهل دفتر بود یعنی نجبای مملکت و اشخاصی که محبوب القلوب
سلطنت بودند

سؤالات

مملکت آلمان و ایطالی چه حال داشتند - وضع زندگانی و رفتار شاهزادگان از
چه قرار بود - از برای مصارف تکلفات و تجملات خود چه میکردند - ترتیب حکمرانی
ایشان چه قسم بود

۱۴۹ - اتفاق سلاطین و امرا در خصومت شورشیان فرانسه

بعد از آنکه فرانسه ها در ماده مساوات و آزادی اظهارات نمودند
تمام شاهزادگان ممالک و اجزای درباری از واژگون شدن
خودشان بیم کردند و تنها مقصود همگی حفظ اقتدار خودشان بود
بلکه اغلب ایشان از روی حقیقت و انصاف معتقد بودند که ملت قابل
اداره کردن امور خود نمیباشد و بهترین دولتها دولتی است که
زمام احکام آن در دست یکنفر بوده تمام مردم اطاعت از او نمایند
مانند فوج سرباز که بدون بحث و ایراد مطیع رئیس خودشان هستند
و میگفتند خداوند پادشاهان را مامور کرده است که حکمرانی نمایند
و رعایا را از برای آن آفریده که مطیع باشند
دربارها با اصول ۸۹ اظهار عداوت نموده کتابهائی که از فرانسه میآمد توقیف میکردند
و هر کس از آزادی سخنی میگفت حبس مینمودند و هر کس از فرانسه
جلای وطن نموده قوانین شورشیان را قبول نمیکرد او را می پذیرفتند

بعد از آن پادشاه پروس و پادشاه ساردن قرار داد پیلنیتس را که مشتمل بر امداد پادشاه فرانسه و خصومت با ملت بود در ۱۷۹۱ امضا کردند

سئوالات

بعد از آنکه فرانسه ها در باب آزادی سخن گفتند — شاهزادگان مالک و اجزای درباری چه کردند در باب ملت چه عقیده داشتند — در خصوص سلطنت چه میگفتند با کسانیکه از فرانسه جلای وطن میکردند چه رفتار مینمودند — پادشاه پروس و ساردن چه اقدامی نمودند

۱۵۰ — **جنگ ۱۷۹۲** — در ۱۷۹۲ هیئت قانون گذاران با امپراطور اعلام جنگ نمودند و برونشویک سرتیپ پروسی فرانسه را با قشونی جرار فرا گرفت و اعلان کرد که اگر فرانسه ها پادشاه خود شانرا مانند آنکه قبل از شورش بود مقرر ندارند شهر پاریس را خراب خواهم ساخت فرانسه ها در والمی براو غالب آمدند و در بلجیک و ساوا نیز ظفر یافتند و سواحل طرف چپ رن را بدون اینکه کسی با آنها مقاومت نماید تصرف کردند

قشون فرانسه بهر جا میرسید اسباب شورش و انقلاب فراهم میشد زیرا که فرانسویها بهر جا میرسیدند حاملان قدیم را معزول ساخته

در هر بلدی از اهالی خود آنجا عامل نصب میکردند و نجباء رؤسای مذهبی هرچه داشتند میگرفتند حقوق آقایان را بکلی پامال و منسوخ مینمودند

سئوالات

در سنه ۱۷۹۲ قانون گذاران چه کردند — برون شویک سرعسکر پروسی چه کرد و چه شد قشون فرانسه چه میکردند

۱۵۱ – اتفاق در سنه ۱۷۹۳ – یعقوبیان یعنی جمهوری طلبان سخت در فرانسه قوت یافته ریاست حاصل کرده بودند و میخواستند هر یکنفر از سلاطین اروپ را از بدن جدا سازند و این مقصد را درباره لوی شانزدهم مجری داشتند و تمام ممالک اروپ بر خصومت فرانسه ها اجماع نمودند و فرانسه با ایشان طرف شد یعنی اطریش و پروس و تمام شاهزادگان آلمان و ایطالی و اسپانی و انگلیس و هلاند اتفاقی تشکیل دادند که با فرانسه جنگ نموده آنها را مجبور کنند تا پادشاه اختیار نمایند پروسها و اطریشی ها و انگلیس و ایطالی و اسپانیول از پنج طرف مملکت فرانسه را احاطه نمودند چون سردار قشون فرانسه بود و اسلحه بدی داشتند در همه جا شکست

خوردند اما سردارهای قشون دول متفقه بارامی پیش میآمدند و مقصودشان این بود که قبل از وصول بپاریس تمام قلعه های کوچک را مسخر کرده باشند و از این بابت فرانسه ها وقت فرصت داشتند که چندین دسته قشون جمع آوری نمایند و بجهت فرماندهی آن قشونها سردارهای جوان بسیار شجاع مانند هش انتخاب کردند و با دول متفقه طرف گردیده قشون ایشان را در آخر سنه ۱۷۹۳ از فرانسه بیرون کردند

سئوالات

جمهوری طلبان در فرانسه چه حال پیدا کرده چه مجبور هستند ممالک اروپ نسبت بفرانسه چه کردند — علت شکست فرانسه ها از دول متفقه چه بود بعد از آن فرانسه ها چه کردند — کار ایشان با دول متفقه بکجا رسید

۱۵۴ — **فیروزی شورشیان** — در سنه ۱۷۹۴ ممالکی که قشون آنها بر فرانسه حمله کرده بود پی سپر فرانسویان گردید و در دو دفعه اسپانی دو قشون فرانسه حضور یافتند یکی در کنار رود رن و دیگری در بلجیک واتفاق دول برهم خورد پادشاه اسپانی و پادشاه پروس و چند تن شاهزاده آلمانی در سنه ۱۷۹۵ در باب مصالحه نمود

و فرانسه را جمهوریت شناختند ولی دولتهای دیگر در جنگ با او همت جستند و قشون فرانسه در پیشرفتن مداومت نمود قشونی که از فرانسه به بلجیک رفته بود در فصل زمستان که هوا بشدت سرد بود بدون کفش و کلاه داخل هلاند گردیدند و از نهرهای یخ عبور مینمودند و سواره هوسار فرانسه در روی تخته های یخ اسب میتاختند

ش ۲ سوار نظام جمهوری در حین گرفتن قوای بحری هلاندی

کشتیهای هلاند را گرفتند در ایطالیا پادشاه ساردین که مغلوب بناپارت شده بود از او طالب مصالحه گردید
و بعد از آن اطریشیها مغلوب شدند و آنها را از ایطالیا بیرون کردند
و در سنه ۱۷۹۷ اطریشیها طالب مصالحه گشتند و بعد قرار براین شد

که مجلس کنگره مرکب از سفرای دول در راشتاد آلمان تشکیل شود از برای انجام عهدنامه‌ها که با پادشاه آلمان منعقد شده بود فرانسه‌ها هم سه نفر مأمور مجلس مزبور فرستادند و سواره هوسار اطریش در سنه ۱۷۹۹ این سه نفر را بقتل رسانیدند و دوباره جنگ شروع شد در این نوبت اطریشیها با روسها متفق شدند و قشون روس فرانسه‌ها را از ایطالیا بیرون کردند ولی در کوههای سویس در سنه ۱۷۹۹ بدست سردار ماسنا مغلوب گشتند

سؤالات

قشون فرانسه کجاها رفتند اتفاق دول کجا انجامید. قشون فرانسه بچه حال داخل ایطالیا شدند ـ پادشاه ساردن چه کرد و اطریشیها چه کردند ـ در راشتاد آلمان چه مجلسی تشکیل یافت و بعد از آن چه شد. قشون روس با فرانسه‌ها چه کردند

۱۵۳ ـ جمهوریهای متفقه فرانسه مقصود فرانسه‌ها از این جنگها توسعه مملکت خودشان نبود ولی ساوا و بلجیک و ساحل طرف چپ رود رن را برضایت و میل سکنه آن ممالک ضمیمه فرانسه نمودند و سایر ممالکی که بتوسط قشون فرانسه فتح شده بود فرانسه‌ها آزادی

آنها را اعلام نمودند شاهزادگان و نجبا را از آنها بیرون کردند محض اینکه دولت آنها را جمهوری سازند و سکنه مملکت خودشان سلطان انتخاب کنند و باین ترتیب شش جمهوری کوچک برقرار نمودند جمهوری باتاو در هلاند و جمهوری هلوتیک در سویس و جمهوری لیگوری در ژن و جمهوری سیزالپین در شمال ایتالی و جمهوری رمن در ایتالیای مرکزی و جمهوری پارتنوپ در ناپل که تمام اینها با فرانسه متفق بودند و حکومت آنها در دست ملت بود و برحسب اصول مساوات رفتار میکردند این کاری بود که سربازان جمهوری کردند یعنی آزادی و مساوات تمام رعایا را نسبت بقانون مانند رعایای فرانسه اعلام کردند

سؤالات

مقصود فرانسه ها از این جنگها چه بود — فرانسه ها در ممالکی که فتح نمودند چه اقدام کردند — چند جمهوری بتوسط فرانسه ها تأسیس شد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً ابتدای زمان معاصرین در هنگام شورش سنه ۱۷۸۹ بود

ثانیاً مجمع ملی ۱۷۸۹ حقوق انسانیت را اظهار نمود نه فقط مخصوص فرانسه بلکه از برای تمام ملل

ثالثاً اظهار اصول ۸۹ آزادی عموم و تساوی حقوق را نسبت بقانون و حق حکومت ملی را مقرر میدارد

رابعاً در آن هنگام قریب تمام ممالک اروپا هنوز مطیع هوا و هوس سلاطین و وزرا بودند

خامساً شاهزادگان کوچک در آلمان و ایتالیا اهتمام داشتند که در حرکات خود تقلید لوئی چهاردهم را نمایند در امر حکمرانی رعایای خود را مداخله نداده از ایشان مشورتی نمیکردند و بجای وجوب فقط بهای سلطنت تام صاحب نفوذ و قدرت بودند

سادساً — شاهزادگان و وزرا از اصول ۸۹ جبنی شدید داشتند و اصل مزبوره را با حقوق پادشاه که از جانب خداوند معین شده مخالف میدانستند

و باین جهت هر کس از فرانسه هجرت نموده جلای وطن میکرد در نزد خود می پذیرفتند و در فرو نشاندن شورش اهتمام داشتند

سابعاً در سنه ۱۷۹۲ در میان فرانسه و پروس و ساردن و اطریش جنگ شروع شد و فرانسه ها غالب آمده والی را مسخر ساختند و بلژیک و ساووا و ساحل یسار رود رن را بتصرف درآوردند

ثامناً در سنه ۱۷۹۳ بعد بیان لوی شانزدهم را گردن زدند و تمام اروپا بخصومت فرانسه برخواستند و از پنج طرف فرانسه را احاطه نمودند ولی بعد از آن فرانسه قشونی بزرگ تشکیل داد و در آخر سنه ۱۷۹۳ سلاطین متفقه را از خاک فرانسه خارج ساخت

تاسعاً قشون فرانسه خاک دشمن را فرا گرفته سلاطین اسپانی و پروس را مجبور کردند که در سنه ۱۷۹۵ مصالحه ها را قبول نمودند و در همین سنه هلاند را تصرف نموده در سنه ۱۷۹۶ ایطالیا را مسخر ساختند و در سنه ۱۷۹۹ سویس را گرفتند بنجر لژیک ساووا و ساحل یسار رود رن جای دیگر را فرانسه ضمیمه املاک خود نمود

و ممالک دیگر که مسخر فرانسه شده بودند شش جمهوری تشکیل دادند که با فرانسه متفق بودند

فصل دویم

جنگ مملکت

۱۵۴ - مملکت امپراطوری فرانسه - ژنرال بناپارت بعد از فتح مصر با مشروطه فرانسه اظهار مخالفت و ضدیت نمود و در هیجدهم ماه دویم جمهوری نمایندگان (وکلای ملت) را توسط سربازان خود خارج ساخته خودش باسم کنسول در فرانسه حکمرانی نمود و بعد از آن در سنه ۱۸۰۴ خود را امپراطور خواند و بدون اینکه از ملت فرانسه مشورتی نماید امر بگرفتن مالیات میکرد و قشون حرکت میداد و قانون میگذاشت و اعلان جنگ میکرد خلاصه بترتیب سلاطین قدیم حکمرانی میکرد و میخواست تمام مردم بدون ایراد مطیع حکم و اراده او باشند اما شخص بناپارت سرداری صاحب عقل کامل بود و بهترین سربازان عالم را در زیر حکم داشت

ناپلیون آزادی هیچ ملتی را وقعی نمیگذاشت بجز آزادی فرانسه‌ها را چنانکه یکمرتبه ایطالیا را تصرف کرد و اهالی آلمانهائی که مجاور

فرانسه بود متصرف شد و همچنین در سنه ۱۸۱۰ هلاند و تمام سواحل دریای شمال را
مسخر ساخت و بدون اینکه با سکنه آن ممالک مشورتی نماید آنها را ضمیمه
ایالتهای فرانسه نمود و سایر ممالک اجنبی را با قوام خود می بخشید مثل
اینکه آنها را مسخر کرده باشد از آنجمله مملکت هلاند را ببرادر خود لوئی
داد و بعد از وی پس گرفت و برادر زنش مورات را اوالی نشین برک کلیو
نمود و بعد از آن پادشاه نشین ناپل را باو داد و مملکت ایطالیا را به پسر
زنش اژن بخشید و پادشاه نشین وستفالی را ببرادر کوچکش ژروم
عطا نمود و مملکت اسپانی را ببرادر دیگرش ژزف داد و تمام این
سلاطین مطیع و منقاد امر او بودند

سئوالات

ژنرال بناپارت بعد از فتح مصر چه کرد ترتیب رفتار او از سنه ۱۸۰۴ چه قسم بود
ناپلیون بناپارت چطور آدمی بود چه ایالات و ممالک را تصرف نمود —
با ممالک اجنبی چگونه رفتار میکرد

۱۵۵ — اتفاق سلاطین بر خصومت ناپلئون اطریشیها دو بار بکلی
مغلوب گردیده مصالحه را انجام داده بودند و انگلیسها در ۱۸۰۲ مصالحه
کردند ولی این مصالحه دو سال بیشتر طول نکشید یعنی انگلیسها شروع بجنگ

نمودند و اطریشها و روسها نیز با آنها متفق شده بر ضد فرانسه حرکت کردند و این اتفاق سیّمین بود ناپلیون قشون جراری تهیه کرده بود که در ساحل انگلیس پیاده سازد و با آن قشون طرز اشیر فرا گرفته تا شهر وینه برفت و در جنگ بزرگ استرالیس فتح کرد و در سنه ۱۸۰۵ اطریش طالب مصالحه گردید

سئوالات

مصالحه اطریشیها و انگلیسها بکجا انجامید و بعد از آن چه کردند - ناپلیون با قشون جرار خود تا کجا رفت

۱۵۶- ناپلیون و آلمان - ناپلیون سپاه جرار خود را در آلمان نگاهداشته تمام خواهشهای خود را بر آلمان حمل نمود آلمان جسمی که تا آنزمان بدویست شاهزاده نشین تقسیم شده بود در سنه ۳ مملکت منحصر گردید

پادشاه نشین باویر و پادشاه نشین ورتامبرگ و والی نشین بزرگ باد ناپلیون مملکت پروس را نیز بزرگ کرده بود اما پادشاه پروس تصور میکرد که قشون قدیمی فردریک بزرگ از قشون فرانسه

قوی تر میباشد از این رو داخل جنگ شد و در سنه ۱۸۰۶ در ینا مغلوب
گردیده تمام شهرهایش متصرف شد و سربازان او دماغشان سوخته
بدون جنگ تسلیم شدند

در سنه ۱۸۰۷ در مصالحه تیل سیت ناپلیون نصف مملکت پروس را
از پادشاه آن منتزع ساخت و از ممالکی که از پروس گرفته بود
پادشاه نشین وستفالی را از برای برادر خود ترتیب داد
در آن وقت تمام ممالک آلمان مابین رود رن و رود الپ بیکدیگر
متصل گشته چند دولت از آن تشکیل یافت که با همدیگر متحد بودند فقط
پروس و اطریش از آنها مجزا بودند ناپلیون امر نمود که او را حامی
دول متحده مذکوره بخوانند و در حقیقت ناپلیون صاحب مملکت آلمان
بود زیرا که از سنه ۱۸۰۶ در آلمان امپراطوری نبود و امپراطوری قدیم
آلمان با امپراطوری اطریش مقرر گردیده بود

سؤالات

ناپلیون با آلمان چه کرد — آلمان چند پادشاه نشین بود و بعد چند شد
پادشاه پروس با ناپلیون چه کرد — در مصالحه تیل سیت ناپلیون چه کرد

در آنوقت ممالک المان پایین رود رن دالب چه حال تحصیل کرد -
ناپلیون امر نمود او را چه نام بخوانند امپراطوری آلمان تا که تعلق یافت

۱۵۷ - ضبط و اعدام امتعه --- در تمام مدت از زمان درمیان فرانسه و انگلیس جنگ مستمر بود ناپلیون در روی دریا نمیتوانست بر انگلیسها غلبه نماید ولاجرم در صدد خرابی و تمامی آنها بر میآمد دفاع او تنها برای فرانسه نبود بلکه در سنه ۱۸۱۰ تجارت ملل بلاند و المان و اسپانی و ایطالیا را هم داشت در هر جا متاع مملکت انگلیس را بدست میآورد امر بضبط یا سوزانیدن آن مینمود

سؤالات

ناپلیون با انگلیسها چه میکرد مقصود ناپلیون غیر از دفاع فرانسه چه بود با امتعه انگلیس چه میکرد

۱۵۸ - هیجان اسپانیولیها در خصومت ناپلئون - در سنه ۱۸۰۸ که ناپلیون برادر خودش ژزف را بر خلاف میل اسپانیولیها پادشاه اسپانی نمود و خودش باسپانی بجهت برقرار نمودن او رفته معمولاً فاتح گردید و ژزف را برقرار کرد ولی بعد از برگشتن او بخاک فرانسه اسپانیولیها در تمام اطراف اسپانی سر بشورش برداشتند

قشون بزرگی از آنها تشکیل نشید و عده زیادی نداشتند ولی دسته های کوچک که هریک را گریلا مینامیدند در کوهها و دره ها مخفی شدند و چون قشون فرانسه بسمت آنها میرفت غفلتاً برون آمده برانشان حمله ور میشدند لشکریان فرانسه که در جنگهای بزرگ همیشه غالب بودند چون در این وقت برای تصرف اسپانیول و تنبیه شورشیان بدسته های کوچک تقسیم شده هر دسته بطرفی میرفت اغلب آنها کشته یا گرفتار شدند این جنگ پنجسال طول کشید و هزاران از سرباز فرانسه در آن تلف شدند

سئوالات

بعد از تعیین ژزف بسلطنت اسپانی اهالی آن چه کردند اسپانیولها چه ترتیب قشون تشکیل میدادند با فرانسه ها چه کردند

۱۵۹ – شورش اطریشیان در خصومت ناپلئون

در سنه ۱۸۰۵ اطریشیها بعضی ایالات خود را مجبوراً واگذار نمودند و آن صلح را بجهت آن کردند که تهیه دیده مجدداً جنگ نمایند ارشیدوک شارل سردار اطریشی در وقتیکه سربازان خود را مرخص میکرد بآنها میگفت بروید و چندی استراحت کنید تا جنگ مجدد را شروع نمائیم و بنابراین در سنه ایکه

ناپلیون با اسپانی مشغول بود اطریش باو اعلان جنگ نمود سنه ۱۸۰۹
داول امپراطور اطریش رعایای خود را طلبیده با ایشان گفت دانسته
باشید که امروز آزادی اروپا بزیر بیدق شما پناه برده است برادران
آلمانی شما خلاصی خود شان را بتوسط شما امیدوارند و بالاخره در
سنه ۱۸۰۹ اطریشی ها در واگرام مجددا مغلوب شدند و ناپلیون چند
ایالت دیگر از اطریش منتزع ساخت و چند ایالت باقی گذاشت
و تیرل را به باویر داد و اهالی همینکه سربازان فرانسه و قشون باویری
داخل تیرل گردیدند تیرلی ها چون راضی نبودند که از اطریش منتزع
شوند بهیجان آمدند و در مدت چند روز شش هزار سرباز فرانسه و
باویری را اسیر نموده مملکت خود شان را مستخلص کردند و دوباره
قشونی از فرانسه تیرل را فرا گرفته اندره هوفر رئیس کوهستانیها را گرفتار
و در مانتو او را تیرباران کردند و آلمانها او را شهید راه آزادی شمرده
در موت او ماتمی با شکوه گرفته اجتماعی شایان نمودند و تیرلی ها هنوز
در آواز خود شان او را ذکر مینمایند مثل فرانسه ها که مارسیز میخوانند

سئوالات

امریشی‌ها بعد از صلح ۱۸۰۵ چه کردند — ارشیدوک شارل سردار اطریشی چه میگفت امپراطور اطریش بارعایای خود چه گفت بعد از جنگ مجدداً کار کجا رسید تیرلی‌ها چه کردند — و فرانسه با آنها چه کرد اندره هُفر چه شد

۱۶۰ — **بغض آلمان با ناپلیون** — ناپلیون تمام اشخاصی را که در مقابل او مقاومت مینمودند مضمحل ساخته بود و ممالک بسیاری را که عده آنها بصد و سی ایالت میرسید ضمیمه فرانسه کرده بود و سلاطین اروپا تماماً در اطاعت او بودند در همه جا قرار سربازگیری مقرر داشته در موقع لزوم از سایر طبقات مردم نیز قشون میگرفت و از این جهت قشون فرانسه منحصر بفرانسوی تنها نبود بلکه ایطالیائی و اسپانیولی و بسیاری آلمانی در میان آنها بود سربازان او تمام اروپا را پر نموده و تقریباً در تمام شهرها ساخلو گذاشته بود و لاینقطع راهها پر از سربازان او بود که باسپانی و ناپل و پروس و اطریش میرفتند زیرا که در تمام اینجاها جنگ داشت آلمانها بیش از سایرین صدمه و زحمت دیده بودند و لهذا از فرانسویان بنای تنفر را گذاشتند و عقلای ایشان کتابها نوشتند که سربازان

پلینیس — مکانی است که بر ضد فرانسه اتفاق کردند   والمی — در این نقطه پروسیها در ۱۷۹۲ شکست خوردند

بال — مصالحه ایست که سلاطین متفق فرانسه را جمهوری شناختند در ۱۷۹۵

مارانگو — در سال ۱۸۰۰ اطریشها در آنجا شکست خوردند   اوسترلیس — محلی است که در سال ۱۸۰۵ اطریشها در آنجا شکست خوردند

ینا — محل شکست پروسیها است در ۱۸۰۶   تیلیت — عهدنامه معروف ۱۸۰۷ در آنجا بسته شد

واگرام — نقطه ایست که اطریشها در آنجا شکست خوردند ۱۸۰۹   مسکو — جائی است که ناپلیون با قشونش در آنجا وارد شد

درسد — محل فتح ناپلیون ۱۸۱۳   لیپزیک — جنگ بزرگ این محل متفقه با ناپلیون در ۱۸۱۳

واترلو — محل شکست اخیر ناپلیون در ۱۸۱۴   وین — پایتخت مملکت اطریش است که عهدنامه ۱۸۱۵ در آنجا بسته شد

آلمانی را بهیجان آورند تا همگی اجماع نموده بر دشمن عمومی حمله کنند در پروس هیئتی از برای خلاصی از دست فرانسه ها تشکیل گردید

سئوالات

ناپلیون با مقاومت کنندگان چه کرده بود چند ایالت را ضمیمهٔ فرانسه کرده بود قشون او از چه ملتها تشکیل یافته بود قشون ناپلیون بکجا میرفتند آلمانها در خصومت فرانسه و ناپلیون چه اقدامی کردند

۱۰۶ — هجران ۱۸۱۳ — ناپلیون اوّل سیصد هزار قشون داشت ولی با امپراطور روس نیز دوست بود و هیچکس را تاب مقاومت و مقابلی آنها نبود در سنه ۱۸۱۲ ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روس برهم زد و با او اعلان جنگ نمود و بر پادشاهان اروپا فشار آورد که در این باب متفق شوند و سیصد و پنجاه هزار قشون که مرکب از فرانسوی و ایطالیائی و آلمانی و پروسی و اطریشی بودند بروسیه برده تا شهر مسکو رفت ولی در بازگشتن چون زمستان در نهایت سختی بود اغلب سربازان او از سرما یا گرسنگی تلف شدند و بسیاری از ایشان را هم سواره قزاق روسی با نیزه های بلند دنبال کرده کشتند و آلمانها دید

دیدند موقع آن رسیده که خودشان را از دست ناپلیون خلاص نمایند
از سنه ۱۸۰۸ وزرای پروس در صدد تربیت و تهیهٔ قشون بودند
و محض اینکه بر امید و دلیری آنها بیفزایند مقرر داشته بودند که سرباز هم
میتواند صاحب منصب گردد و مقداری هم قشون ذخیره ترتیب داده
بودند و آن قشون عبارت از اشخاصی بود که با اسلحه مشق نموده ولی
جزء در هنگام جنگ داخل صف قشون نشدند در مارس ۱۸۱۳
پادشاه پروس برعایای خود اعلام نمود که از برای جنگ حاضر
شوند و جوانان درس خوانده او نیورسیتیه حاضر جنگ گردیدند سرودی
مشتمل بر حب وطن و عداوت با فرانسه انشاد نموده بودند که هنوز هم
آن سرود را در آلمان میخوانند پروس که تمام جمعیت آن بیش از
پنج ملیون نبود دویست و پنجاه هزار قشون حرکت داد انگلیسها و روسها
و پروسها و اطریشها و اسپانیولها در دشمنی ناپلیون اتفاق
نموده قشون بزرگ ناپلیون که مرکب از این ممالک بود بر هم خورد
و ناپلیون مجدداً قشونی از سربازان جوان تشکیل داده در جنگهٔ

درست فتح نمود ولی در لیپزیک در جنگی که در سنه ۱۸۱۳ وقوع یافت
در مقابل سیصد هزار قشون دول متفقه زیاده از یکصد و سی هزار
نفر نداشت و بعد از جنگی که سه روز بطول انجامید ناپلیون مجبور بعقب
نشستن شد و هر قدر او عقب می نشست هیجان و دلیری آلمانها در عقب
سر او افزوده می شد

سؤالات

قشون ناپلیون اول چه قدر بود ناپلیون با امپراطور روس چه کرد
قشون او در مراجعت از مسکو چه شد وزرای پروس از کی در صدد تربیت
قشون بودند پادشاه پروس و پروسیها چه اقدام نمودند دولی که در عداوت
ناپلیون اتفاق نمودند کدام بودند کار جنگ ناپلیون با ایشان بکجا رسید

۱۶۲ ـ **تسخیر فرانسه** ـ دول متفقه یکی از آلمان عبور نموده
مملکت فرانسه را فرا گرفتند و در فرانسه قشونی از برای دفاع باقی
نمانده بود ناپلیون امر نمود جوانان هیجده ساله مهیای جنگ
شوند و قشونی از ایشان تشکیل داده با این سربازان جدید خود
در سنه ۱۸۱۴ جنگ شگفت انگیزی انجام داد و دول متفقه تا پاریس
آمده لوئی هیجدهم را همراه خودشان آوردند و ناپلیون در سنه ۱۸۱۵

برگشت و لوی هیجدهم را سرنگون ساخت ولی دول متفقه در جنگ واترلو مجدداً فرانسه را فرا گرفته از هر طرف وارد آن شده جمعیت قشون ایشان یک ملیون و دویست هزار بود و در این نوبت در فرانسه مقیم گردیدند مدت دو سال مملکت فرانسه در تصرف قشونهای دشمن بود روسها در لورن و انگلیسها در شمال و پروسها مابین رن و سن ولوار و اطریشیها در دره رن اقامت جسته بودند و پادشاه را مجبور کرده بودند باقی مانده قشون فرانسه را مرخص کند

سؤالات

دول متفقه چه کردند — ناپلیون چه کرد — جمعیت قشون دول متفقه چه قدر بود و چه کردند — هریک از ایشان کجا را فرا گرفتند

۲۴۱ — عهدنامه وین — در ۱۸۱۴ تمام سلاطین سفرای خود را از برای تقریر شرایط صلح بوین فرستاده بودند و آنرا مجلس کنگره وین خواندند و مدت هشت ماه طول کشید از تمام ممالک اروپ و از خود فرانسه هم در آنجا نماینده حضور بهم رسانده بود سلاطین اروپا با ناپلیون اطاعت میکردند که ولایات و ایالات را با

زده و بر خلاف قانون محض هوای خود تصرف نموده و حال آنکه خودشان هم
همین کار را کرده اهالی ممالک را مانند گله گوسفند در میان خودشانها
تقسیم نمودند بدون اینکه از خود آنها مشورتی نموده و رضایت ایشان را
ملاحظه نمایند و ایالتهای ممالک ضعیفه را از آنها مجزی نموده بدولتهای
قوی میدادند و نقشه اروپا را از روی هوای نفس بهر شکلی که میخواستند
ترتیب میدادند در این کنگره ها آنچه را ناپلیون ضمیمه ساخته بود از
فرانسه پس گرفتند بلکه بلژیک را که از ممالک آن دسته بود و آنرا هم از ایشان
گرفتند پروسها میخواستند الزاس لورن را هم بگیرند ولی امپراطور
روسی اجازه نداد مملکت لهستان را مابین پروس و باویر تقسیم کردند
و بلجیک را بدون رضایت بلجیکیها بهلاند متصل نمودند اطریش تمام
شمال ایطالیا را گرفت و پادشاه نشین لمبارد و ونیسین را بدون
میل ایطالیائیها تملک داد روس فنلاند را بدون رضای آنها گرفت
و پروسها یک ثلث از پادشاه نشین ساکس را بدون رضایت
ساکسونها مالک شدند سوئد نروژ را از پادشاه دانمارک گرفت
انگلیس از ممالک اروپا چیزی نگرفت جز اینکه دماغه امید خیر را که

داشت که از بلاد بها گرفته بود و همچنین یک مهاجر نشین فرانسه را
که جزیره فرانس باشد

سؤالات

مجلس کنگره وین در چه تاریخ منعقد گردید — سلاطین اروپا ناپلیون را
برای چه ملامت میکردند و خود ایشان مرتکب چه کارها شدند

۱۶۲- **نتایج جنگهای مملکتی** — ناپلیون چند ملیون آدم
تلف نمود و مدت پانزده سال تمام اروپا را در صدمه و اذیت داشت
و نتایجی که از این جنگها حاصل گشت از این قرار بود
ممالک روس و پروس و اطریش و باویر وسعت یافت و مملکت فرانسه
کوچک شده باندازه که قبل از شورش بود قرار گرفت
بسیاری از ممالک کوچک را که مانع اتحاد و اتصال المان و ایطالیا
بود ناپلیون خراب نمود در آلمان سیصد و پنجاه مملکت کوچک بود
و بیش از سی و پنج آنها باقی نماند در تمام ممالکی که فرانسه ها مسخر کرده
حقوق ریاست و آقائی را موقوف و منسوخ داشتند و تساوی در قانون
برقرار کرده در ایطالی و ممالک رن قانون فرانسه را محفوظ داشتند

و در سایر ممالک نیز پادشاهان ایشان محض اینکه رعایا را بر خصومت
و دشمنی ناپلیون برانگیزند مجبور بودند ترتیباتی بدهند قلیهٔ آلمانها
و ایطالیائیها از این جنگها فایده بردند و فرانسه‌ها متضرر گشتند زیرا
که هر یک در ممالکی که پس از شورش بفرانسه ملحق شده بود در این
جنگها از دست ایشان بدر شد

سؤالات

نتایجی که از جنگهای ناپلیون و سلاطین اروپ حاصل شد شرح دهید

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً ژنرال بناپارت در هیجدهم ماه دوم جمهوری سنه ۱۷۹۹ کنسول
گردید و بعد از آن در سنه ۱۸۰۴ امپراطور فرانسه شده در مملکت فرانسه
حکمرانی مطلقه مالکانه نموده ممالک اروپ را بدون رضایت و مشورت اهالی
آنها ضمیمه فرانسه نمود و آنها عبارت بود از یک جزو ایطالیا و ایالتهای
دیگری در هلند و سواحل بحر شمال و همه را ببرادر و اقوام خویش داده بود

در ایطالیا و آلمان و اسپانی سلطنت داد

ثانیاً ـ اطریش و روس و انگلیس که در سنهٔ ۱۸۰۱ و سنهٔ ۱۸۰۲ مصالحه کرده
بودند در سنهٔ ۱۸۰۵ اتفاق سیم را نموده ناپلیون در استرلی مطابق ۱۸۰۵
فاتح شد

ثالثاً ـ ناپلیون در ینا در ۱۸۰۶ ابر پروس غالب آمده و صاحب
تمام آلمان گردیده نام خود را حامی دول متحده انتشار داد

رابعاً ـ از برای خرابی و صدمه انگلیس از پذیرفتن امتعه انگلیس منع نموده
در هر جا مییافت ضبط مینمود یا میسوزانید

خامساً ـ مملکت اسپانی که ناپلیون سلطنت آنجا را برخلاف رضایت اهل
آن به برادر خودش ژوزف داده بود در سنهٔ ۱۸۰۸ هیجان کرده بدستجات
مختلف منقسم و بسیاری از سربازان فرانسه را نابود ساختند

سادساً ـ امپراطور اطریش در سنهٔ ۱۸۰۹ رعایای خود را برای جنگ احضار نموده
در واگرام مغلوب گردیده چند ایالت دیگر از دستش بیرون رفت ولی
اهالی تیرل که ناپلیون آنها را باکراه از اطریش جلای وطن داده بود بدشمنی ناپلیون
برخواستند

سابعاً - قشون ناپلیون لاینقطع از آلمان عبور نموده با اهالی بدرفتاری و آنها را
غارت میکردند تا بالاخره آلمانها متنفر شدند

ثامناً - ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روسی برهم زد و در سنه ۱۸۱۲ قشون
او روسیه را فرا گرفته تا مسکو رفتند ولی در مراجعت قشون او از سرما تلف شدند
در سنه ۱۸۱۳ پروس و اطریش با ناپلیون اعلان جنگ نمودند و در لیپزیک
مغلوب گردیده مجبور شدند که از آلمان صرف نظر کنند

تاسعاً - قشون دول متفقه فرانسه را فرا گرفت با وجود جنگ شجاعانه
که فرانسه در ۱۸۱۴ بپایان برد ناپلیون مجبور گردید که استعفا نماید و دوباره
در ۱۸۱۵ مراجعت کرد و در جنگ واترلو مغلوب شد و قشون متفقین دوباره
داخل فرانسه گردیده قریب دو سال توقف نمودند

عاشراً - در سنه ۱۸۱۴ مجلس کنگره وین نقشه اروپا را از نو ترتیب داد
سلاطین اروپ مملکتها را بدون رضایت و اطلاع اهالی آنها در میان خود قسمت
نمودند و تمام ممالکی که فرانسه از زمان شورش ضمیمه خود نموده بود از دست داد
و ممالک پروس و اطریش و روسیه و انگلیس همگی وسعت یافتند

حادی عشر - نتیجه جنگهای ناپلیون بزرگ شدن سایر دولتها و کوچک شدن فرانسه گردید

فصل سیم

شورشها و رفرم پلیتیکی در اروپا از سنه ۱۸۱۵

۱۶۵ — دولت با نماینده — هرگاه بخواهند احکام دولت از روی حقانیت و عدالت اجری گردد باید در احکام خود مستقل بود و زمام اختیار مملکت و امور دولت در دست شخص پادشاه یا چند نفر وزرا نباشد بلکه پادشاه و وزرا باید مطیع قانون مشروطیت و مسئول نمایندگان ملت باشند

نمایندگان باید همه ساله جمع شوند و مجلسی تشکیل داده ترتیب مالیات و وضع قانون نمایند و از وزرا مراقبت کامل داشته باشند همچنین دولتی را دولت با نماینده یا مشروطه یا آزاد خوانند و دولتیکه پادشاه در آن بر حسب میل خود احکام صادر نماید دولت مستبد گویند و این قسم دولت بسیار بد است زیرا که اهالی در آن آزاد نیستند از زمان شورش فرانسه در تمام ممالک اروپا مردم مایلند که دولت با نماینده داشته باشند یعنی آزاد باشند و بر خلاف اینها جمعی دیگر

مایل هستند که سلطنت مطلقه را برپای دارند و ایشان را مستبدین گویند
این دو طبقه مردم از سنه ۱۸۱۵ در همه جای اروپ با یکدیگر مشغول زد و
خورد شدند

سؤالات

دولت با نماینده کدامست و دولت مستبده یعنی چه کدام یک ازاین دو دولت
بهتر هستند نماینده گان ملت چه میکنند دو طبقه نماینده خواهان و مستبدین از چه
زمان مشغول زد و خورد شدند

۴۶۱ — اتفاق مقدس — در سنه ۱۸۱۵ خواهندگان سلطنت
مطلقه قوی‌تر بودند و سلاطینی که در خصومت ناپلیون اتفاق کرده بودند
برعایای خودشان وعده میدادند که دولت مشروطه مقرر داشته
امتیاز شخصی را منسوخ نمایند ولی قلباً ازاین معنی کمال نفرت داشتند
و بعد از آنکه احتیاج ایشان بمعاونت همراهی رعایا برطرف گردید
از ادای حقوق رعایا امتناع ورزیدند و همچنین ترتیبات قدیم را
که قشون فرانسه در ایالات مفتوحه منسوخ کرده بودند سلاطین
متفقه مجدداً برقرار نمودند و این سلاطین دشمنان آزادی

معاهده درمیان خودشان منعقد ساخته آنرا اتفاق مقدس نامیدند
و دران معاهده مقرر داشته بودند که در ستمکاری عایاد ننید پر رفتن و
خواهش ایشان از یکدیگر حمایت و معاونت نمایند پادشاه پروس
وامپراطور روس و امپراطور اطریش رئیس و مشار این اتفاق و اتحاد بودند
شاگردان مدارس آلمان در صدد مطالبهٔ آزادی که پادشاه وعده
داده بود برآمدند و اجماع نموده نوای وطنی مشعر بر اظهار عداوت
با سلطنت میخواندند سلاطین متفقه آنها را گرفته مانند مقصرین در
قلعه ها محبوس نمودند

سؤالات

سلاطینی که در خصومت ناپلیون اتفاق کرده بودند برعایای خود چه وعده
میدادند بعد از رفع احتیاجشان از معاونت رعایا چه کردند سلاطین با
یکدیگر در چه خصوص اتفاق و معاهده نمودند مشار و رئیس این اتفاق کیان بودند
شاگردان مدارس آلمان چه کردند و چه شدند

۲۴۰ - هیجان در ایطالیا و اسپانی - در ایطالیا

سلاطین ناپل و ساردنی و پاپ و همچنین اطریشی ها میل داشتند که
ترتیب احکام بطریقی که قبل از شورش بود مقرر کرده و امتیازاتی

که روسای نظامی و جانی و نجبا داشتند دوباره بآنها دادند و تمام چیزهائی که فرانسه ها از برای سکنهٔ آن ولایت آورده بودند از ایشان پس گرفتند یعنی آزادی و کد ناپلیون و روزنامجات و مدارس را پادشاه ساردین ابدا میل نداشت یکی از این چیزها را در مملکت مشاهده نماید و راه قشنگ کرنیش را که نزدیک شهر نیس است محض اینکه آنرا فرانسه ها ساخته بود میخواست خراب نماید

پادشاه اسپانی نیز همین عقاید را داشت و بعلاوه بقشون پول نمیداد تا هفت و هشت ماه مواجب باز طلبکار گردیدند در سنه ۱۸۲۰ آزادی طلبان در همه جا هیجان نمودند بعداً از پادشاهان خود مطالبه نمودند که قانون را در مملکت مجری دارند سلاطین بحمایت یکدیگر برخواستند امپراطور اطریش که قشون بسیار داشت روسای آزادی طلبان را گرفته حبس نمود و بعد قشون اطریشی را برای کمک سلاطین ساردین و ناپل و مغلوب ساختن ملت بدانجا مامور نمود قشون آزادی طلبان شکست یافتند و پادشاهان دوباره از روی هوای نفس خود مشغول فرمانفرمائی گردیدند

در مملکت اسپانی سربازان دولت طرفداری آزادی طلبان نمودند
پادشاه ایشان فردنیان هفتم که از روی اجبار اجرای قانون را قبول
کرده بود از سلاطین دیگر امداد طلبید پادشاه فرانسه محض همدستی
با اسپانیولها متعهد گردید که او را کمک نماید
در سنه ۱۸۲۳ قشون فرانسه اسپانی را فرا گرفت و اسپانیولها را بر خلاف
میل و رضای ایشان در تحت حکم فردنیان در آورد

سؤالات

سلاطین ناپل و ساردن و پاپ و اطریشیها چه میخواستند پادشاه ساردن
چه کرد پادشاه اسپانی چطور بود قشون آزادی طلبان چه کردند و چه
شدند سلاطین در مقابل آنها چه کردند فردنیان هفتم با ملت اسپانیولی
چه کرد

۸۰ - هیجان مهاجرنشینهای اسپانیول — اسپانیول

در امریکا مهاجرنشین بسیار داشت و نمیگذاشت ساکنین آنها حکومت
ملی داشته باشند بلکه همیشه از طرف خود حکمران از برای آنها میفرستاد
و هیچ طایفه از ملاکین و زراعت کاران را اجازه نمیداد در کارهای
دولتی مقامی داشته باشند و همچنین نمیگذاشت کشتی دیگری جز کشتیهای

اسپانیول بمهاجرنشینهای او برود و محض اینکه اهالی آنها در نادانی باقی مانده او را اثبیر اطاعت نمایند از وصول هرگونه کتاب یا روزنامه بایشان منع مینمود

در سنه ۱۸۱۱ اهالی مکزیک شروع بهیجان کردند و در ابتدا شورشیان تیرباران گردیدند ولی در سنه ۱۸۲۱ سربازان نیز بشورشیان ملحق گشتند و بالاخره در سنه ۱۸۲۳ مکزیک آزاد و جمهوری شد و از اطاعت اسپانی بیرون آمد تمام مهاجرنشینهای اسپانیول بهمین ترتیب یکی پس از دیگری هیجان کردند و چون آزادی خواهان ترتیب صحیحی نداشتند در ابتدا شکست خوردند ولی بهادر بقیه با اسلحه حرکت میکردند بلیوار معروف ملقب بآزادکننده شش از مملکت یکی دیگر میرفت که اسپانیولها را خارج کند و خلاصه اینکه در سنه ۱۸۲۰ در همه جا اهالی و زراعت کاران غالب گردیدند در امریکا دیگر سربازی از اسپانیا باقی نماند و بجای یک مملکت اسپانیائی پانزده جمهوری تشکیل شد باین ترتیب مکزیک و شش جمهوری امریکای مرکزی و ونزوئلا کلمبیا و اکوادور و پرو و بلیوی و شیلی جمهوری آرژانتین پاراگوی اروگوی در سنه ۱۸۲۲ برزیل که مهاجرنشین پرتوگال

بود در وقت خود مملکتی آزاد کرده به نام آن امپراطور نشین برزیل شد
در سنه ۱۸۸۹ اهالی برزیل از پادشاه خود ناراضی بوده و او را خارج
نموده قانون جمهوری معمول داشتند

سؤالات

اسپانیول با مهاجرنشینهای امریکای خود چه قسم رفتار میکرد — اول کدام
یک از آنها هیجان کردند — در چه سنه بالاخره کار مهاجرنشینهای اسپانیول
بکجا انجامید — بلیوار آزاد کننده چه کرد — بجای یک مملکت چند جمهوری
تشکیل یافت و کدام بودند

۱۴۹ — حرکت ۱۸۳۰ — وقایع مذکوره از سنه ۱۸۱۵
الی سنه ۱۸۳۰ وقوع یافت و در این مدت لوئی هیجدهم و شارل دهم در
فرانسه سلطان بودند در سنه ۱۸۱۴ لوئی هیجدهم نتوانست سلطنت مطلقه
برقرار کند و نمیخواست بفهمد که ملت فرانسه حق دارند قانونی داشته
باشند جز اینکه خود او تفضلاً جزئی قانونی بایشان داده بود
باین معنی که هرکس بخواهد حق انتخاب وکیل داشته باشد باید اقلاً
سیصد فرانک بدولت تقدیم نماید و در این صورت حکومت
ملی نبود بلکه حکومت متمولین بود و با وصف این طرف داران لوی

ریچ هم در همه جا میگفتند این قانون خیلی آزادی است که بفرانسه
داده شده در سنه ۱۸۳ شارل دهم نمایندگان و وکلای ملت را از
فرانسه بیرون کرده خواست خودش وضع قانون نماید
نمایندگان مقاومت نمودند و اهالی پاریس مسلح شدند و شورش
۱۸۳۰ را احداث نمودند که بالاخره نتیجه آن بسلطنت رسیدن لوئی
فلیپ شد آزادی طلبان اروپا این اخبار را با کمال خوشحالی
شنیده درصدد برآمدند که طریقه فرانسه را پیش گیرند و در همه جا
از پادشاهان خودشان مطالبه کردند که مثل فرانسه بآنها قانون
عطا کند و در تمام نقاط اهالی بجنبش آمدند بخصوص در ایطالیا و آلمان
سلاطین آنها اگرچه خواهش ملت را نپذیرفتند ولی مقداری
از تعدی و تفرعن خودشان کاستند

اما در انگلیس هیجانی نشد زیرا که انگلیسها همیشه دولتشان آزاد بود
جز اینکه از ترتیب انتخاب وکلا شکایت داشتند مثلاً شهرهائی که جمعیت
ایشان صدهزار نفر بود مثل مانچستر یکنفر وکیل تعیین نمیکردند در صورتیکه
بعضی دهات مشتمل بر دو سه خانه دو نفر وکیل بپارلمان میفرستادند

تا در سنهٔ ۱۸۳۲ امر انتخابات از فرمی کامل نمودند و تمام اشخاصی که صاحب
مبلغ دویست و پنجاه فرانک عایدی بودند حق انتخاب داشتند
بعد از این تفصیلات فقط یک مملکت بدون فرم باقی ماند که مملکت
روسیه بود قیصر نیکلای اول میخواست با رعایای خود مثل یک
زر خریدان رفتار کند و اشخاصی که او را اطاعت نمیکردند بسبیری میفرستاد
که در آنجا با عمال شاقه اشتغال ورزند و امر میکرد آنها را با شلاقهای
روسی میزدند قیصر نیکلا هرگز قبول نمیکرد که رعیتی از تبعیت او خارج
گشته تابع دولتی دیگر گردد و لوی فلیپ را بسلطنت فرانسه نمیشناخت

سئوالات

در مدت شورش پادشاه فرانسه که بود لوی هیجدهم بعد از آنکه توانست سلطنت
مطلقه برقرار نماید چه قانونی بملت فرانسه داد - شارل دهم چه کرد - و
اهالی پاریس چه کردند و بالاخره نتیجه چه شد - آزادی طلبان اروپا
بعد از شنیدن اخبار فرانسه چه کردند - سلاطین اروپا با رعایای خود چه کردند
آیا در انگلیس نیز هیجانی وقوع یافت - بعد از این وقایع کدام مملکت بدون
رفرم باقی ماند قیصر روسی با رعایای خود چگونه رفتار میکرد

۱۷۰ - حرکت سنهٔ ۱۸۴۸ - انقلاب ۱۸۳۰ حقوق ثابت

و آقائی را در فرانسه یکی از میان ببرد باین معنی که هر کس تا مقدار دویست

فرانک مالیات بدولت دادنی نبود حق انتخاب وکیل نداشت

و در این صورت حکمرانی مملکت بملاکین بزرگ و اشخاص صاحب ثروت

تعلق میگرفت لوی فلیپ و وزرا و اجزای دربار او میل نداشتند

این قانون تغییر یابد اهالی پاریس در سنه ۱۸۴۸ شورش نموده

تقاضای جمهوریت کردند و حق انتخاب البته بتمام مردم علی السویه

مقرر داشتند

در سنه ۱۸۴۸ آزادی طلبان سایر ممالک اروپ رفتار فرانسه را سر

مشق خود قرار داده اسلحه برداشتند و سلاطین خود را مجبور ساختند

که دولت پارلمانی تأسیس نمایند وزیر مشهور اطریش پرنس مترنیش

که از سنه ۱۸۱۵ باداره کردن کارهای سلاطین اشتغال داشت مجبور

باستعفا گردید و اهالی برلن سنگرها بسته قشون دولتی را از شهر بیرون

کردند و همچنین در ایطالی رعایای پاپ مطالبه جمهوریت نمودند

رعایای پادشاه ناپل علم یاغیگری برافراشته در کوچه ها فریاد

میزدند زنده باد مشروطه زنده باد قانون یکنفر جمهوری

طلب ایطالیائی مانن نام اطریشی ها را از شهر ونیز بیرون کرد دولت

جمهوری برقرار نمود ولی پادشاهان مانند سنه ۱۸۱۵ بحمایت یکدیگر

برخواستند امپراطور روس قشونی برای معاونت امپراطور اطریش

فرستاد تا هونگریرا فرا گرفتند و پس از جنگهای بزرگ اهالی هونگری را

مطیع امپراطور نمودند مطابق ۱۸۴۹

پادشاه پروس قشونی به پروسی مملکت باد فرستاد و آزادی طلبانرا

دستگیر نموده تیرباران یا حبس میکردند امپراطور اطریش

قشونی اطریشی بجنگ آزادی طلبان پیه‌من فرستاد و آنها را در ایتالیا

مغلوب ساختند در سنه ۱۸۴۸ و همچنین قشونی دیگر بجنگ جمهوری خواهان

ونیز روانه ساخت دولت فرانسه نیز قشونی فرانسوی برم فرستاد

تا پاپ را برقرار نموده رعایای او را که یاغی شده بودند تنبیه نماید

و بعد از آن لوی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه با قانون مشروطه بنای

سختی را گذاشت و در دویم دسامبر سنه ۱۸۵۱ امر نمود نماینده گان ملت

فرانسه را گرفتند و خود لقب امپراطوری گرفته سلطنت مطلقه برقرار

نمود در آنوقت دیگر دولت مشروطه و آزادی غیر از انگلیس و بلژیک نبود

سؤالات

قانون انتخابات فرانسه چه قسم بود — و اهالی پاریس چه کردند — آزادی طلبان سایر ممالک اروپا چه کردند — در برلن و ایطالیا و ناپل چه اقدام نمودند — سلاطین در حمایت یکدیگر چه کردند — در آنوقت مملکت مشروطه و آزاد در اروپا کدام بود

۱۷۱ — **فسخ آزادی طلبان** — در سنه ۱۸۴۹ مستبدین فاتح شدند ولی ریاست و مالکرقابی ایشان در اروپا چندان طول نکشید و از سنه ۱۸۶۰ آزادی طلبان در اروپا تدریجاً صاحب قدرت گشتند و سلاطین در حمایت یکدیگر مداومت ننمودند بلکه ایشان با هم بنای جنگ و ستیز را گذاشتند و مردم هم این مسئله را مغتنم شمردند امپراطور اطریش که همیشه از شاهزادگان حمایت و با رعایا اظهار خصومت مینمود در سنه ۱۸۵۹ مغلوب فرانسه گردید و در سنه ۱۸۶۶ مغلوب پروس شد و مجبوراً در سنه ۱۸۶۱ بر رعایای اطریشی خود مشروطه عطا نمود و در سنه ۱۸۶۷ بر رعایای هونگری مشروطه داد

تمام شاهزادگان کوچک ایطالیا که بر رعایای خود ظلم میکردند بعد از پادشاه شدن پیه منت در ایطالیا ایشان از مقام ریاست

خود افتادند

در فرانسه دولت مطلقه امپراطوری سرنگون گردید و در چهارم سپتامبر سنه ۱۸۷۰ بجای آن دولت جمهوری برقرار شد در اسپانی در سنه ۱۸۶۸ ملکه ایزابل را اخراج نمودند و در مدت دو سال اسپانیولیها دولت جمهوری از برای خودشان تشکیل دادند و بعد از آن در سنه ۱۸۷۰ پادشاهی را اختیار نمودند که نامش آمده دُساوا بود

و در سنه ۱۸۷۶ آلفونس پسر ملکه ایزابل بر آنها پادشاه شد و متعهد گردید که جز بتوسط وکلا و نمایندگان ملت سلطنت نماید و آن وکلا را کرتس مینامیدند یکنفر شاهزاده اسپانیولی که دُن کارل نام داشت خواست سلطنت مطلقه را برقرار دارد و قشونی از کوهستانیهای باسک ترتیب داده بآنها وعده داده بود که حقوق ریاست و بزرگی آنها را ثابت و محفوظ دارد و مالیات از آنها نستاند در سنه ۱۸۷۲ مابین اسپانیولیها و تابعان دُن کارل جنگ شروع شد و در سنه ۱۸۷۶ لشکریان دُن کارل شکست یافته بمنازل خود در کوهستان رفتند و بعد مجبور بفرانسه فرار کردند

سؤالات

آزادی طلبان اروپ درچه سنه صاحب قدرت شدند - چه چیز را ایشان منتظم مشروند - امپراطور اطریش درچه سنه باطریشها و هونگریها مشروطه داد - شاهزادگان کوچک ایطالیا در سلطنت پیه من حال ایشان چگونه بود - درچه سنه دولت امپراطوری فرانسه سرنگون وجمهوریت بجای آن مقرر گشت در اسپانیول در ۱۸۶۸ و بعد از آن چه واقعشد الفونس پسر ایزابل با چه شرط بر تخت سلطنت اسپانی برآمد دن کارلس شاهزاده اسپانی با اسپانیولیان چه کرد

۱۷۲ - حال پلیتیکی ملل اروپا

- مجالس ملی یعنی وکلای مملکت امروز حکمران هستند نه تنها در فرانسه و سویس و آمریکای شمالی که همه جمهوری هستند بلکه در انگلیس و هلاند و اسپانی و پرتوکال و اطریش و هونگری و سوئد و نروژ و دانمارک که صاحب پادشاه هستند در آلمان مجلس مخصوص دیگری هم در هر مملکت آن موجود است و مجلس کلی بزرگ از برای تمام مملکت امپراطوری منعقد است که آن را رایخشتاک نامند ولی عادتاً پادشاه پروسس بر مجلس نافذ الحکم است و هر زمان رایخشتاک بخواهد اطاعت پادشاه را ننماید اعضای آن را بیرون کرده جمعی دیگر از برای رایخشتاک نامزد میکند و بنابراین اهالی آلمان آزادی کامل ندارند

روسها هیچ پارلمان ندارند و احکام در دست پادشاه آنهاست و
از این جهت اهالی بسیار ناراضی هستند و مشروطه میخواهند و بواسطه غضبی
که بر دولت مطلقه دارند اغلب آنها نهلیست شده اند نهلیستها میگویند
سلطنت عموماً بد و باطل است و باید همه را برهم زد
چندین مرتبه قصد قتل امپراطور الکساندر را کردند تا در ۱۸۸۱ مقصود
خود رسیدند ولی پس از قتل او از سلاطین بعد از او بیشتر شکایت و عدم
رضایت حاصل کردند و پس از خرابیها که بر روسیه وارد آمد بواسطه
جنگ بدبختانه که با ژاپن کردند قیصر نیکلای دویم در تاریخ ۱۹۰۵ عازم
شد که مشروطه بر رعایای خود بدهد ولی باز نداد جز اینکه مجلسی تعیین کرد
بجهت مواظبت امور دولت و مراقبت اعمال وزرا

سؤالات

در کدام ممالک وکلای مملکت حکمرانی میکنند ترتیب پارلمان آلمان را بیان کنید
روسها بواسطه نداشتن پارلمان چه شدند و چه کردند

۱۷۳ — **حق انتخاب عمومی** — در اغلب ممالک تمام
سکنه حق تعیین وکیل ندارند بلکه تا یک اندازه مالکیت یا دانائی لازمست

تا حق انتخاب داشته باشند در فرانسه و سویس و اسپانی و انازونی هم ساکنین مملکت از سن ۲۱ حق انتخاب دارند و تمام اصوات از برای انتخاب مساوی هستند این طریقه را دسفراژ اونی ورسل) مینامند یعنی (حق انتخاب عمومی) وکلای رایخستاک آلمان توسط حق انتخاب عمومی تعیین میشوند

سؤالات

در اغلب ممالک تعیین وکیل از چه قرار است — در کدام ممالک حق انتخاب عمومی است.

۱۷۴ - خلاصی بندگان روسی — سابقاً رعایای روسیه آزادی بدنی نداشتند و یکی غلام بودند هر غلامی با قائی تعلق داشت که او را بکار وامیداشت و میزد و می توانست بفروشد

قیصر اسکندر دویم شخصی ملایم و انسان صفت بود در سنه ۱۸۶۳ آزادی تمام رعایای روسی را اعلام نمود و حق مالکیت آنها داد از آنزمان اهالی روسیه آزاد هستند

سؤالات

سابقاً رعایای روسیه چه حال داشتند آزادی آنها را که اعلام نمود

۱۷۵ — منسوخ شدن غلامی سیاهان — از قرن شانزدهم
در امریکا سیاهانی را که از افریقا خریده بودند بکار کردن زمین میگماشتند
در قرن شانزدهم آزادی طلبان در مقام مطالبه برآمده سیاهانرا
آزاد کردند و بعد از آن خرید و فروش ایشان قدغن شد
سر مشق این مطلب را فرانسه ها در ۱۷۸۹ دادند و برده فروشی را منسوخ
کردند ولی زراعت کاران گفتند بجهت زراعت پنبه و قهوه نمیتوانیم
از این سیاهان دست برداریم و دوباره غلامی ایشان را برقرار
کردند مجدداً در ۱۸۴۸ فرانسه ها این عمل را منسوخ کردند و تمام اروپا
در اینباب تقلید آنهارا نموده تجارت غلام را بکلی قدغن کردند
انگلیسها و فرانسه ها کشتیها بسواحل دریا مأمور کردند محض اینکه
کشتیهای حامل غلامان سیاه را بگیرند و دلالهائی که تجارت فروش
غلام سیاه میکنند مانند دزدان دریائی آنهارا بر دکل کشتی خودشان
بدار زنند ولی در جمهوری اتازونی ممالک جنوبی میخواستند غلامان
خودشان را بحال غلامی نگاه دارند زیرا که بواسطه شدت حرارت
هوا در آن ممالک و طاقتی که سیاهان بگرما داشتند وجود ایشان

محض زراعت اراضی لازم بود بخصوص که چون غلام بودند اجرتی بایشان
نمیدادند امّا در ممالک شمالی که هوای آنها سرد بود وجود غلام چندان
لازم نبود و ازاین جهت ایشان هم در منسوخی غلام همراه بودند ولی
ممالک جنوبی امتناع ورزیدند و از دوستی دول متحده خارج
گردیده دوستی و هم پیمانی جدیدی مابین خودشان تشکیل دادند
ممالک شمالی با آنها جنگ نمودند محض اینکه آنهارا هم در دوستی و
هم پیمانی خودشان داخل کرده برده فروشی را منسوخ سازند این جنگ
از ۱۸۶۱ الی ۱۸۶۵ بطول انجامید و اقلاً یک ملیون انسان
کشته گردید در آن مدت چون بانگلیس و فرانسه پنبه نمیرسید ناچار با
ممالک جنوبی همراه شدند که پنبه بایشان برسد و بعد بواسطه زیادتی
عدّه و قوت ممالک شمالی بر جنوبی غالب آمدند و ممالک جنوبی بواسطه
قتل و غارت خراب گردید و بالاخره برده فروشی در تمام آنازونی
موقوف شد مطابق ۱۸۶۵ امروز دیگر در اروپا و امریکا غلام
وجود ندارد ولی مسلمانها هنوز غلام دارند و تجار برده فروش
عرب باواسط افریقا رفته سیاهان را اسیر میکنند و بازور و ضرب چوب

آنهارا آورده در مصر و عثمانی میفروشند

سؤالات

در قرن شانزدهم آزادی طلبان در باب غلامان سیاه چه اقدامی کردند سرمشق اینکار را اول از که گرفتند انگلیسها و فرانسه ها در باب تجارت برده فروشی چه کردند ممالک جنوبی اتازونی چرا مانع آزادی غلامان بودند ممالک شمالی چه حال داشتند کار ممالک شمالی و جنوبی بکجا انجامید و بالاخره امر بچه قرار گرفت

خلاصه که باید حفظ کنند

اولاً ـ از زمان انقلاب فرانسه تمام ممالک اروپا بدو قسمت منقسم گشتند یکی دول مستبده که سلطنت را از برای خوشگذرانی خودشان میخواستند و دیگری آزادی طلبان که میگفتند حکومت ملت باید با خود ملت باشد

ثانیاً ـ در سنه ۱۸۱۵ مستبدین قویتر بودند و سلاطین اروپ با یکدیگر متفق گردیده اتفاق موسوم به متحد مقدس را برضد ناپلیون تشکیل دادند و باهم پیمان نهادند که در معارضه ملت یکدیگر را حمایت و اعانت کنند

ثالثاً ـ در سنه ۱۸۲۰ آزادی طلبان اسپانی و ایطالیا هیجان کرده و

و شاهزادگان را مجبور نمودند که به رعایا مشروطه بدهند ولی مغلوب گردیدند در ایطالیا از قشون پادشاه اطریش شکست یافتند و در اسپانی از قشون پادشاه فرانسه مطابق ۱۸۲۳

رابعاً - بزرگان مهاجرنشینهای اسپانیول و امریکا از کثرت ظلم دولت بخصومت اسپانیول هیجان کردند و پس از جنگهائی که بیش از ده سال طول کشید رعایا بتوسط بلیوار آزادی یافتند و پانزده جمهوری تشکیل دادند

خامساً - شورش ۱۸۳۰ که در فرانسه بخصومت شارل دهم برپا شد سبب گردید که بعد از او در تمام ممالک اروپ هیجان پدید آمد انگلیس در ۱۸۳۲ رفرمی در انتخابات مقرر داشت قیصر روسی نیکلای اول دولت مستبده را بازور نگاه داشت

سادساً - شورش ۱۸۴۸ که حق انتخاب عمومی را برقرار نمود اسباب هیجان در تمام اروپا گردید در ابتدا آزادی طلبان غالب گردیدند هم در اطریش و هم در پروس و هم در ایطالیا ولی بعد از آن سلاطین از یکدیگر حمایت نموده آزادی طلبان در هونگری از قشون روس شکست یافتند

و در آلمان از قشون پروس و در ایطالیا از قشون اطریش و بعد از جنگ ناپلیون سیم در سنه ۱۸۵۱ آزادی طلبان بکلی مضمحل گردید دولتی بجز مستبده باقی نماند

سابعاً — در سنه ۱۸۶۱ آزادی طلبان مجدداً قوت حاصل نمودند و در سنه ۱۸۶۱ باطریش مجلسی داده شد و در سنه ۱۸۶۷ هونگری مجلس گرفت و نیز در سنه ۱۸۶۱ ایطالی صاحب مجلس گردید در سنه ۱۸۶۸ اسپانی ملکه ایزابل را بیرون کرد و در سنه ۱۸۷۶ تابعین کارل را مضمحل ساختند

ثامناً امروز در تمام ممالک اروپا نماینده گان مملکت حکمرانی میکنند سوای آلمان که پادشاه پروس مجلس را ایختساک را با طاعت خود مجبور نمیاید در روسیه قیصر تنهائی صاحب حکم و قدرت است و همیشه از آسیب نهلیست ها بیمناک میباشد

تاسعاً — در اغلب ولایات تمام سکنه انتخاب شده اند و حق انتخاب عمومی جز در فرانسه و سویس و اتازونی و اسپانی و آلمان مقرر نیست

عاشراً — رعایای روسیه که همگی غلامان مالکان بودند در سنه ۱۸۶۳ بحکم قیصر الکساندر دویم آزاد گردیدند

حادیعشر ـ برده فروشی سیاهان اوّل در سنه ۱۸۸۹ بمعاونت فرانسه‌ها ممنوع گردید و بعد دوباره برقرار شد و ازآن پس در سنه ۱۸۴۸ بکلّی ممنوع شد و در تمام ممالک اروپ خرید و فروش سیاهان موقوف ممنوع گردید

ثانی عشر ـ ممالک جنوبی جمهوریهای اتازونی خواستند غلامهای خودشان را نگاه دارند و از اتحاد و دوستی دول متحابه منفرد گشتند و ممالک شمالی با آنها جنگ نموده جنگ ایشان از سنه ۱۸۶۱ الی سنه ۱۸۶۵ امتداد یافت و بالاخره ممالک جمهوری شمالی ممالک جنوبی را مجبور کرد که برده فروشی و غلام نگاهداری را منسوخ نمایند

ثالث عشر ـ فروش غلامان سیاه هنوز در ممالک اسلامی باقی میباشد

فصل چهارم

جنگ پلیتیکی در مشرق

۱۷۶ — **جنگهای پلیتیکی** — از سنه ۱۸۱۵ جنگهای پلتیکی بواسطهٔ تحریک سلاطین برقرار بود که هر یک فتح و غلبه بر دیگران میخواستند و همچنین جنگهای ملّی در میان رعایا برپا شد که مقصود ایشان تشکیل ملل بود. جنگهای سلاطین شبیه بجنگهای سابق بود و محرک آن شاهزادگان بودند که مقصودی جز انجام مرام و تکمیل حرص و طمع خود نداشتند

ولی جنگهای ملّی قبل از انقلاب فرانسه نظیر آنها دیده نشده بود و ملتها این جنگها را بجهت تحصیل آزادی برپا میکردند جنگهای ملّی از روی حق و پسندیده و ممدوح بود ولی جنگهای سلاطین مذموم و نابایست و موجب خرابی مملکت و اهل آن بود اینک امپراطورنشین عثمانی است

که در این عصر بنظر ما میرسد و مدت امیدان جنگهای پلیتیکی بود

سئوالات

از ۱۸۱۵ چه جنگها برپای کردید ـ جنگهای سلاطین چه قسم و از برای چه بود جنگهای ملّی از برای چه برپا می شد ـ

۱۷۷ ـ **امپراطورنشین عثمانی** ـ در ۱۷۸۹ امپراطور نشین عثمانی عبارت بود از تمام آسیای صغیر و شام و مصر و عثمانی اروپا بعلاوه یونان ولی پیش از این تاریخ این دولت بسیار ضعیف گردیده سلطان را پولی در خزانه نبود و پاشایان یعنی حکام اطاعتی از سلطان نداشتند و قشون هر روز شورش میکردند در ۱۸۰۸ پاشای مصر محمّد علی پاشا در مصر اظهار نایب السلطنه گی و استقلال مصر نمود و بعد از آن رعایای عیسوی مذهب که در عثمانی اروپا سکنی داشتند شروع بشورش و انقلاب نموده در ۱۸۱۷ سربها بمعاونت و تحریک امپراطور روس قشون عثمانی را بیرون کردند و یکی (یونانیها) در ۱۸۲۲ پادشاه نشین یونان را تأسیس نمودند

سئوالات

در ۱۲۸۹ امپراطورنشین عثمانی کدام ممالک بود — پیش از این تاریخ ممالک آن دولت چه قسم شده بود — محمد علی پاشای مصری چه کرد — رعایای عیسوی مذهب عثمانی چه کردند —

۱۲۷۱ — مسئله مشرق — نیکلا قیصر روسس درباره مملکت عثمانی میگفت او مردی ناخوش است و روسها میل دارند این ناخوش را بگذارند تا میراث او را متصرف شوند و میخواهند قسطنطنیه را متصرف شوند برای آنکه جزایر را مالک شوند و از این جهت در خراب کردن مملکت عثمانی اهتمام دارند

انگلیسها میل ندارند که قسطنطنیه متعلق بروسس باشد محض اینکه روسها در مشرق زمین قدرت زیاد حاصل ننمایند و لهذا در محافظت امپراطور نشین عثمانی سعی میکنند و مقصود از مسئله مشرق که عنوان قرار دادیم همین است در ۱۸۳۳ نایب السلطنه مصر مملکت شام را از عثمانی منتزع ساخت و چون عثمانیها خواستند در ۱۸۳۹ او را استرداد نمایند شکست یافتند و از نایب السلطنه مصر را انگلیس همراهی میکرد و انگلیس با سلطان عثمانی همراه بود ولی چون نایب السلطنه مصر بدون اعتنا

سواستوپول — در شبه جزیره کریمه واقع است فرانسه و انگلیس آنجا را محاصره و تصرف کردند ۱۸۵۵

پلونا — در سال ۱۸۷۵ روسها محاصره و تسخیر نمودند

سان استفان — محلی است که عهدنامه مابین عثمانی و روس در ۱۸۷۸ بسته شد

رومانی و سربی و قراطاغ — ممالکی است که امروز آزادند

بولغار و روملی — خراج ده سلطان است بسنی و هرزگوین — متعلق با طریش است

قبرس — جزیره ایست متعلق بانگلیس تسالی — متعلق است بیونان

ناوارن — محل شکست قوه بحری عثمانیست

بفرانسه با سلاطین اروپ مذاکرات مینمود فرانسه نیز محمد علی پاشا
نایب السلطنه مصر را مجبور کرد که در سنه ۱۸۴۰ ممالکی که از عثمانی تسخیر کرده
بود باو رد نماید.

سؤالات

نیکلا قیصر روس درباره مملکت دولت عثمانی چه میگفت انگلیسها
در حق قسطنطنیه چه عقیده داشتند — نایب السلطنه مصر با عثمانی چه کرد
فرانسه با نایب السلطنه مصر چه میکرد و چه کرد

۹۷ — جنگ کریمه — در سنه ۱۸۵۳ نیکلا قیصر روس قشونی
فرستاده ممالک عثمانی را اشغال کردند و دسته از قشون نهای
بحری روس شهرهای عثمانی را که در ساحل دریای سیاه بود مبارد
کردند در آن وقت انگلیس و فرانسه و پس از چندی پیمونت پادشاه
ایطالی با یکدیگر اتفاق کردند که از عثمانی بر ضد روس دفاع نمایند
و قشونی جرار برای کمک عثمانی فرستاده روسها را مجبور بعقب
نشستن کردند و بعد از آن یکدسته قشون فرانسه و انگلیس که عبارت
از پانصد کشتی بود آمده سواستاپول را که محل قورخانه روسها بود محاصره

کردند محاصرهٔ مزبوره ۳۴۳ روز طول کشید و جنگی بسیار پرزحمت بود
روسها زیاده از یک ملیون و ششصد هزار تیر توپ انداختند و سربازان
بسیار کشته شد یا بمرض یا مُردند سواستاپول در سنه ۱۸۵۵ مسخّر
گردید والکساندر دویم امپراطور روس که در جای نیکلا نشسته بود خواهش
مصالحه نمود و مجلس کنگره (مجلس عالی) در پاریس در سنه ۱۸۵۶
بجهت انجام این صلح تشکیل یافت
روس متعهد گردید که من بعد کشتی جنگی او در روی دریای سیاه
حرکت ننماید و در کارهای عثمانی مداخلت ننموده و دو ایالت حکومتی
نشین ملداوی و والاشی را از سلطان منتزع ساخته بیکدیگر متصل نمود
و پادشاه نشین رمانی از آنها تشکیل یافت

سؤالات

در سنه ۱۸۵۳ نیکلا قیصر روس با ممالک عثمانی چه کرد — انگلیس و فرانسه و
پادشاه ایطالی با روسیه چه کردند — قشون فرانسه و انگلیس با
سواستاپول چه کردند — کار محاصره سواستاپول بکجا انجامید
در کنگره پاریس در سنه ۱۸۵۶ قرار مصالحه برچه شد

۱۸۵ - جنگ سنه ۱۸۷۷ - باوجود این احوال روس از خیال
جنگ عثمانی منصرف نشده بود و در سنه ۱۸۷۱ که کار فرانسه بخرابی انجامید
کشتیهای روس در روی دریای سیاه بحرکت آمد و در سنه ۱۸۷۶
کوهستانیهای عیسوی قراطاغ با عثمانی بجنگ برخواسته سربها نیز
با قشونی مختصر بر عثمانی حمله ور گشتند و قشون عثمانی را بکلی شکست
دادند و در آنوقت روس نیز قشونی جرار فرستاده با سپاهیان
رومنی متصل شدند قشون رومنی ها از دانوب عبور نمودند و عثمانیان
بخوبی دفاع کردند در سنه ۱۸۷۷ محاصره پلونا مدت شش ماه بطول انجامید
ولی قشون روس که عده زیاد بودند عثمانیان را حبس نموده تا مقابل
San-Stefano
قسطنطنیه رسیدند سلطان عثمانی در سنه ۱۸۷۸ معاهده سان اصطفانز را
قبول کرد ولی انگلیس و آلمان که مالکیت روس را در مشرق مایل
نبودند کنگره برلن را منعقد ساخته امور عثمانی را اصلاح نمودند

سؤالات

بعد از خرابی کار فرانسه روس با عثمانی چه کرد - کوهستانیهای قره طاغ و سربها چه کردند - قشون روس چه کرد - سلطان عثمانی چه کرد - کار عثمانی در کجا اصلاح شد -

۱۸۱ – تجزیه ممالک عثمانی -- اغلب شهرهای مملکت عثمانی
که همگی در تبعیت و اطاعت آن دولت بودند بعد از این انقلابات مجزا
گردیده هر یک مملکت کوچک مستقلی شدند سربی و رومانی و
قراطاغ و بلغار بکلی مثل یونان آزاد شدند اطریش بوسنه و
هرزه گوین را متصرف گشت روسها چند شهر از آسیا را گرفتند
انگلیس جزیره قبرس را و یونانی ها تسالی را مسخر نمودند در سنه ۱۸۹۶ و
۱۸۹۷ عثمانیان عیسویهای جزیره کریت را بقتل رسانیدند و عیسویان
شورش نمودند یونانی ها یکدسته قشون بحری بحمایت آنها فرستادند
ولی سایر ممالک اروپ یونانی ها را از فتح کریت مانع گشته گفتند
حکومت کریت باید با خودش باشد و شاهزاده ژرژ پسر دویم پادشاه
یونان را بفرمانفرمائی کل در کریت برقرار کردند از برای عثمانی در
اروپا بجز البانی و ماسدوان و تراس باقی نماند و اطریش و ایطالیا
هر دو طالب آلبانی بودند اهالی ماسدوان (مقدونیه) مرکب از
یونانی و سربی و بلغاری بودند و سلطان عثمانی بآنها ظلم نموده عمال
مسلمان را از ستمگری و غارت رعایای مسیحی منع نمیکرد. از سنه ۱۹۰۱

ساکنین مقدونیه نسبت بمتبوع خودشان دولت عثمانی یاغی هستند و ممالک اروپا سعی و اهتمام زیاد دارند که ظلم درباره مسیحیان را خاتمه دهند ولی هنوز کاملاً بمقصود خود نرسیده اند

سلطان عثمانی چندین دفعه فرمان قتل عام عیسویهای ارمنستان داده در سنه ۱۸۹۵ در ارض روم سربازان عثمانی ارمنی ها را نفت زده سوزانیدند و ممالک اروپا نتوانستند اتفاقی نموده انجام و خاتمه این قتل عام ها را از سلطان خواسته و مجری دارند

سؤالات

شهرهای عثمانی چه حاصل کردند — روس و انگلیس چه شهرهای آن مملکت را متصرف شدند — عیسویان جزیره کریت چه اقدامی نمودند و بالاخره کار آنها بکجا رسید — عثمانی با رعایای مسیحی چه قسم رفتار میکرد — ممالک اروپا در چه خصوص سعی و اهتمام دارند —

۱۸۲ — کار مصر — مصر مملکتی مسلمان است که از سلطنت عثمانی منتزع گشته و تقریباً آزاد است و یک نفر خدیو حکمران

حکمران اوست ... ولی از زمانیکه قنال سوئیس را کنده اند بسیاری از تجار اروپائی در قاهره و اسکندریه مکان گرفته و اروپائیان مجبور هستند که در امور مصر مداخله نمایند و محکمه قضاوتی از قاضیان اروپائی در آنجا برقرار کرده اند زیرا که قضاة مسلمان همیشه نسبت بعیسویان تعدی و ستم روا میدارند و چون خدیو نمیتوانست مالیه مملکت را بخوبی اداره کند وزرای انگلیسی و فرانسوی از برای آن تعیین نمودند وقتی قشون مصری بر خدیو شورش کردند و انگلیسها قشونی فرستاده شورشیان را مغلوب و رئیس ایشان عرابی پاشا را گرفته نفی کردند و از سنه ۱۸۸۲ انگلیسها در مصر دخالت میکنند اما در مصر باز هم فرانسوی زیاد است و اهل قاهره غالباً فرانسه حرف میزنند خوانندگان خطوط مصری و عقلا و دانشمندان فرانسه در خدمت خدیو مصر هستند تصرف انگلیس در مصر منجر بجنگی شد که مدت شانزده سال

بطول انجامید

یکنفر درویش از اهل سودان ادعای مهدویت نموده گفت من از جانب خداوند مبعوث شده ام و مسلمانان علمای مصر را بر ضد خدیو

برانگیخت و چندین اردوی انگلیسی را شکست داده شهر خرطوم را که در کنار نیل است تصرف نمود

غردون پاشا ژنرال انگلیس در آن جنگ کشته شد در سنه ۱۸۸۵ و در سنه ۱۸۹۸ ژنرال کچنر انگلیسی خرطوم را پس گرفت و از آن زمان تمام مملکت سرزمین نیل در تصرف انگلیس ها است

سؤالات

مصر چه مملکتی است و حکمرانی آنجا با کیست — از چه زمان و بچه سبب اروپاییها در امور مصر مداخله میکنند — قشون مصر چه کردند و انگلیس با آنها چه کرد درویش سودانی چه ادّعائی کرد — و انگلیسها در دفع او چه کردند — شهر خرطوم را در چه سنه تصرف کردند و کدام کس در چه سنه آنرا پس گرفت

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً از سنه ۱۸۱۵ دو قسم جنگ در اروپا وقوع داشت یک جنگ پلتیکی که سلاطین از برای توسعه ممالک خود انجام میدادند و دیگری جنگ ملّی که آزادی خواهان از برای آزادی میکردند

ثانیاً ــ امپراطورنشین عثمانی که موقع جنگ پلیتیکی بود مملکتی بزرگ بود ولی
ضعیف گردید در سنه ۱۸۰۸ مصر از آن مملکت منتزع شد و در سنه ۱۸۱۲ سربی
آزاد شد و در سنه ۱۸۲۸ یونان از تبعیت او خارج گشت

ثالثاً ــ از آن زمان روسها خیلی مایلند که قسطنطنیه را بگیرند ولی انگلیس‌ها
از این معنی مانع هستند و همیشه طالب بقای سلطنت عثمانی میباشند
و در سنه ۱۸۴۰ مسائل شرق سبب گردید که مابین انگلیس با محمد علی پاشا
نایب السلطنه مصر جنگی واقع شد

رابعاً در سنه ۱۸۵۴ جنگ کریمه وقوع یافت مبنی بر مساعدت عثمانی که
روسها بر او حمله کرده بودند انگلیس و فرانسه سواستاپول را محاصره کرده
مسخر ساختند در سنه ۱۸۵۶ مجلس کنگره پاریس منعقد گردید. معاهده را
بگردن روس گذاشتند

خامساً ــ در سنه ۱۸۷۷ قراطاغ و سربی از عثمانیان مغلوب گردیدند ولی
روسها از آنها حمایت نموده قشون بممالک عثمانی فرستادند و پس
از محاصره پلونا تا نزدیک اسلامبول آمدند

سادساً ــ معاهده سان اصطفان در کنگره برلن اصلاح شد

و در سنه ۱۸۷۸ کارهای عثمانی مرتب و منظم گردیده دولت او برقرار ماند
ولی یک جزو از ایالات او از دستش بدر شد

سابعاً — چون تجار فرنگی در مصر بسیار بودند اروپائیها مجبور گردیدند
در امور آنجا دخالت نمایند و قضاوت مصر با قضات اروپائی
شد و اداره امور مملکت بوزرای اروپائی تعلق یافت و تاکنون
دسته از قشون انگلیسی سرزمین نیل را متصرف میباشد

فصل پنجم

جنگهای ملی از سنه ۱۸۱۵

۱۸۳ — ملل — سابق براین هر مملکتی عبارت بود از یک عده ولایات که متعلق بیک پادشاه بود و اسمی از ملت در میان نبود بلکه مملکت را فقط سلطان نشین میگفتند در بعضی ولایات مردمانی مختلف جمع بودند که عادات و آداب و زبان ایشان یکی نبود و اغلب آنها از یکدیگر متنفر بودند مانند اطریش و هونگری و در عوض بعضی ولایات دیگر بود که اهل آن بچندین مملکت تقسیم شده بودند مثل ایطالیائیها و باعث این مطلب آن بود که سلاطین سلطنت خود را واگذار میکردند و در حقیقت سلطنت را میفروختند و ممالک را از یکدیگر میگرفتند بدون اینکه ابداً اعتنائی به ساکنین مملکت داشته باشند یا رضایت ایشان را در تغییر و تبدیلات لازم بدانند ولی از زمانی که مردم شروع بآزاد شدن کردند تصور نمودند که یک مملکت باید اهالی آن باهم متفق و اهل یک ملت

باید دیگر باشند و چون مملکتی باین شکل یعنی با رضایت اهالی تشکیل یابد اهل آنرا یک ملت خوانند و این خیال که ملتی در اروپا از یکدیگر جدا باشند اصول ملی (یا اساس ملی) گویند

سؤالات

سابق براین مملکت عبارت از چه چیز بود — چه قسم مردم در یک ولایت جمع بودند — باعث این مطلب چه چیز بود — بعد از آنکه مردم شروع بآزادی نمودند چه تصور کردند — مملکتی که با رضایت اهالی تشکیل یابد اهل آنرا چه خوانند

۱۸۴ — هیجانهای ملی — معمول داشتن این اصول ملی مشکلتر از معمول داشتن اصول ۸۹ بود زیرا که اولا چندین مملکت مثل ایطالیا و المان بممالک کوچک تقسیم شده بودند و از برای اینکه همگی آنها جمع گردیده یک ملت واحد صورت بسته شود بایستی ممالک بسیار معدوم و مضمحل گردد و دولتهائی که بر آنها ریاست داشتند راضی بمعدوم شدن یک مملکت خود نمیکردیدند ثانیا بسیاری از ولایات که طالب آزادی بودند نمیخواستند در تحت تبعیت دولتی بزرگ و قوی درآیند مثل ایرلاند متعلق بانگلیس و

ولمباردی متعلق باطریش تقریباً در تمام ولایات اروپا از زمان انقلاب وطن خواهان شروع بهیجان و جنبش نموده بودند که هر ملتی جدا و آزاد شوند ولی فرانسه این جنبش ملی را نداشت زیرا که مدتها میگذشت که اهالی فرانسه اهل یک مملکت و همگی با هم متفق و مساعد گشته یکدیگر را مایل بودند

سؤالات

معمول داشتن اصول ملی چه قسم بود - و از برای آن چه لازم بود - ولایاتی که طالب آزادی بودند چرا اجرای آن اصول را میخواستند - مملکت فرانسه در این خصوص چه حال داشت.

۱۸۵ - آزادی یونان — در سنه ۱۸۲۱ یونانیان با عثمانی یاغی گردیدند و بسیاری از ایشان کشته شدند دزدان و قطاع الطریقها که در خدمت ترکان بودند آن مملکت را بالکلی خراب و ویران کرده بودند در سنه ۱۸۲۶ ساکنین میسولونقی بعد از مدت دو سال که در محاصره گذرانیدند خودشان را در مدافعه شهرشان بکشتن دادند یعنی باقی مانده آخرین آنها باتفاق خلیفه خودشان بانبار باروت پناه بردند و چون ترکها رسیدند خلیفه انبار باروت را آتش زد آزادی

آزادی طلبان فرانسه انگلیس و دولتها را مجبور کردند که قشون برای امداد یونانیان بفرستند و کشتیهای فرانسه و انگلیس و روس متفقاً بر قشون بحری عثمانی حمله نموده در سنه ۱۸۲۸ آنها را در ناوارین درهم شکستند و سلطان عثمانی مجبور گردید که یونان آزاد گردد و ایشان دولت یونان را تشکیل دادند

سؤالات

یونانیان با عثمانی چه کردند — ساکنین میسولانقی بعد از دو سال محاصره چه اقدامی نمودند — آزادی طلبان فرانسه و انگلیس از برای یونانیان چه کردند و دول ثلثه چه اقدامی نمودند بالاخره کار بکجا انجامید

۱۸۶ — **آزادی بلژیک** — بلژیکیها را پادشاه هلند برخلاف میل و رضای ایشان در تحت تبعیت خود درآورده بود در سنه ۱۸۳۰ بعد از آنکه انقلاب فرانسه را فهمیدند ایشان نیز هیجان نموده سنگرها بستند و هلاندیها را بیرون کردند و دولت بلژیک برقرار کردند و لئوپلد اول شاهزاده آلمانی را پادشاه خود قرار دادند ولی هلاندیها قلعه آنورس را محافظت کرده بودند در سنه ۱۸۳۲ قشونی از فرانسه

رفته انور را از ایشان گرفت و به بلژیکی ها رد نمود

سؤالات

پادشاه هلاند با بلژیکی ها چه کرده بود — ایشان در سنهٔ ۱۸۳۰ چه کردند که را پادشاه خود قرار دادند — و هلاندیها با آنها چه میکردند

۱۸۷ — **تشکیل مملکت ایطالی** — در سنهٔ ۱۸۱۵ ایطالیا در تحت هفت دولت تقسیم شده بود یعنی دولت پیه من و لمباردی و ونیس که متعلق با طریش بود و دیگر توسکان و ممالک پاپ و مملکت ناپل اهالی ایطالیا میخواستند خود را از تسلط اطریشی ها خلاص بکنند و با یکدیگر هم پیمان شدند امّا اطریشیان همهٔ آنها را گرفته حبس نمودند و چون اهالی پیه من نیز شورش کردند اطریشی ها آنها را هم با قهر و قوت گرفتند در سنهٔ ۱۸۴۹ مملکتی که ترتیب حکومت آنجا فقط از روی صحت و درستی بود پیه من بود و مسیو دکاور وزیر اوّل پیه من خواست اهالی ایطالیا را متحد ساخته همگی را در تحت اطاعت پادشاه پیه من در آورد و تمام وطن خواهان ایطالیا احساس ملّی کردند که مسیو دوکاوور را معاونت نمایند و مملکت پیه من انقدر قوت نداشت که خودش بتواند اطریشی ها را بیرون

کند فرانسه بحمایت آنها رفت فرانسه ها و پیه من ها باهم جمع شده
در ماژنتا مظفر و منصور گردیدند و بعد از آن در سنه ۱۸۵۹ امپراطور اطریش
در سولفرینو لمباردی را بفرانسه ها واگذاشت و فرانسه ها آنرا به پیه من
دادند و این مسئله برحسب میل اهالی لمباردی بود که گفتند میخواهیم مملکت
ما به پیه من متصل گردد ایطالیانیهای مرکزی در توسکان و در پارم
و مدن و در رومان راضی بمتابعت قوانین اهالی آن بلاد نگردیدند و
لاجرم در سنه ۱۸۶۰ کوشش نمودند که ایشان نیز به مملکت پیه من ملحق شوند
و بعد از آن یکنفر وطن پرست ایطالیائی بسیار عوام گاریبالدی
نام با هزار نفر داوطلب ایطالیائی در سیسیل از کشتی فرود آمدند و اهالی
سیسیل را بر پادشاه ناپل در سنه ۱۸۶۰ شورانیدند و بهمان زمان اهالی
پیه من داخل ممالک کلیسا گردیده آنهارا از پاپ گرفتند و نزدیک
بدان رسید که شهر رم را هم بگیرند ولی دولت فرانسه میخواست قوت
پاپ برقرار بماند و در رم آقائی و ریاست داشته باشد
و از این جهت یکدسته قشون مختصری از فرانسه بحمایت پاپ برم آمدند
و مدت ده سال در آنجا اقامت نمودند اهالی پیه من در مملکت ناپل

داخل شدند و ساکنین آنجا آنهارا بخوبی پذیرفتند و پادشاه ناپل
در کایت مجبوراً محصور ماند و اورا مجبور کردند که از مملکت خود دست بردارد
در آنوقت پادشاه پیه من یعنی ویکتور امانوئیل بپادشاهی تمام ایطالیا
شناخته شد و در سنه ۱۸۶۱ رسماً پادشاه ایطالیا گردید

پس جائی که باقی ماند مملکت ونیز بود که اطریشی‌ها نگاه داشته بودند و
مملکت رُم که از برای پاپ باقی مانده بود در سنه ۱۸۶۶ هنگامیکه اطریش
با پروس در جنگ بودند ایطالیائیها که با پروسی‌ها اتفاق کرده
بودند داخل ونیز شدند و در کوسـ[illegible] کردند ولی اطریش
از پروسیها شکست خورد و ایطالیا ونیز را مالک شد در سنه ۱۸۷۰
که آلمانها فرانسه را مسخر نمودند سربازان فرانسوی که در رُم رفته
بودند برحسب احضار دولت فرانسه بازگشتند و ایطالیائیها داخل
آنشهر عظیم گردیدند پاپ در همانجا باقی ماند ولی پادشاه ایطالیا
آن شهر را مقر سلطنت خود قرار داده تا امروز شهر رم پایتخت ایطالیا است
خلاصه مدت یازده سال طول کشید تا ممالک منقسمه ایطالیا مجتمع گردیده
دولتی واحد بیکدیگر متصل شدند ولی با این حال بسیاری از ایطالیائیها

رضایت ندارند و تمام اشخاصی که بازبان ایطالیائی حرف میزنند
و در ممالک مختلفه مسکنی دارند از وضع حال خود شاکی هستند و دلشان
میخواهد به مملکت خودشان ملحق شوند جمعی از اهالی ایطالیا از انگلیس جزیره
مالطا را ادعا میکنند و از فرانسه نیس و کورس را و از اطریش تیرل
و بندر بزرگ تریست را این مطلب قابل ملاحظه است که سه ملت بزرگ
یعنی یونان و بلژیک و ایطالی بحمایت فرانسه ها آزادی خودشان را
بدست آوردند و مملکت فرانسه هنوز راضی نیست که اصول ۱۷۸۹
کلیه بموقع اجرا گذاشته شده باشد بلکه جلال و عظمت خود را در
این میداند که اصول مذکور عموماً مجری و معمول گردد

سؤالات

مملکت ایطالی بچه قسمتها منقسم شده بود — اهالی لمباردی و ونیز چه میخواستند
کدام مملکت ترتیب حکومتش از روی صحت بود وزیر اول پیه من چه میخواست
امپراطور اطریش چه کرد — گاریبالدی وطن خواه ایطالیائی با هزار نفر
داوطلب چه کردند — اهالی پیه من چه کردند فرانسه ها چه اقدامی در باب
رم نمودند — اهالی پیه من چه کردند — و پادشاه ناپل چه شد — کدوکی

پادشاه ایطالیا گردید — در هنگام جنگ اطریش با پروس ایطالیائیها چه
کردند — در زمانیکه آلمان فرانسه را تسخیر کرده بود در رم چه اتفاق افتاد —
اهالی ایطالیا از وضع خودشان رضایت دارند یا نه جمعی از ایطالیائیها کجا را ادعا میکنند
آیا فرانسه از اجرای اصول هشتاد و نه رضایت دارد یا نه

۱۸۸ — **اتحاد آلمان** — در سنه ۱۸۱۵ هنوز آلمان سی و پنج
مملکت منقسم بود که دول متحابه ژرمانیک از آنها تشکیل میشد بسیاری
از آلمانیها آرزو میکردند که تمام آلمان یک ملت شوند ولی پروس و
اطریش که دو مملکت اصلی هستند بر سر این مطلب با یکدیگر نزاع
داشتند که بقیه ممالک آلمان بکدام یک واگذار شود زیرا
که آلمانیها مابین این دو دولت تقسیم شده بودند در سنه ۱۸۴۸ آزادی
طلبان آلمان بآرزوی خودشان رسیدند چه ایشان آرزو داشتند
که در تمام آلمان وکلا تعیین شده در یک مجمع جمع شوند و این مجمع
در فرانکفورت منعقد گردید وکلای این مجمع مدعی این بودند که باید
تمام آلمان یک مملکت باشد و قانونی از برای مملکت آلمان وضع
نمودند ولی سلاطین آلمان این قانون را قبول نکردند زیرا
که نمیخواستند حکومت ملت با خودشان باشد لاجرم آلمان بحال

تقسیم باقی ماند هلستین و سه دیگر در تصرف پادشاه دانمارک بود
و در جزء اعظم این دو ولایت آلمانها ساکن بودند و جزء دول متحده
ژرمانیک محسوب بودند پادشاه دانمارک میخواست این دو ولایت را
بکلی بدانمارک ملحق سازد و ساکنین آنها دراین باب مدعی شدند و
باین امر رضا نداند چون پادشاه مزبور بمرد اطریش و پروس
و سایر ممالک آلمان قشون بزرگی فرستاده دانمارکیها را از آن
دو ولایت بیرون کردند مطابق ۱۸۶۴ اولی بجای اینکه آنها را بر
حسب وعده که داده بودند آزاد بگذارند پروس و اطریش آنرا
مابین خودشان تقسیم نموده ملک خود قرار دادند

در سنه ۱۸۶۶ پروس و اطریش با یکدیگر نزاع نمودند و سایر آلمانها
تماماً حمایت از اطریش نمودند و پروس نیز با ایطالیا اتفاق نمود
سربازان پروسی تفنگ سوزنی که تازه اختراع کرده بودند داشتند
و بسیار سریعتر از تفنگهای قدیم با آنها تیر میانداختند و مشقشان
هم از اطریشی ها بهتر بود و از این رو مملکت بهم را فرا گرفته در جنگ
بزرگ سادووا فتح نموده فیروزی یافتند مطابق تقسیم ژوئیه ۱۸۶۶

اطریش دیگر قشونی نداشت که پروسیها را متوقف سازد و لاجرم عهد
نامهٔ پراگ را امضا کرد که برحسب آن تعهدنامه از عداد دول متحدهٔ
آلمان خارج میشد یعنی در امور آلمان بهیچوجه حق دخالت نداشته
باشد و اختیار را بالکلیه بپروس واگذار نماید پروسیها نیز این مسئله را
مغتنم شمرده مملکت هانوور را با دالی نشین ناسو و هسّن و شهر آزاد
فرانکفورت را با عدم رضایت اهالی ضمیمه خودشان کردند

سئوالات

در سنهٔ ۱۸۱۵ آلمان بچه حال بود پروس و اطریش برسر چه نزاع داشتند
آلمانیها چه آرزو داشتند ولی بآرزوی خود رسیدند — مجمع فرانکفورت چه
کرد و سلاطین آلمان چه کردند — پادشاه دانمارک چه میخواست —
پروس و اطریش و سایر آلمان چه کردند در نزاع پروس و اطریش آلمانها
حمایت از کدام یک نمودند — باعث فتح قشون پروس چه بود — اطریش
بعد از شکست از پروس بچه کار مجبور گردید — بعد از آن پروسیها چه کردند

۱۸۹ — امپراطورنشین آلمان — سایر ممالک شمالی
آلمان ضمیمه نشدند ولی خودشان دول متحدهٔ شمالی را تشکیل دادند
که در اطاعت پادشاه پروس بودند و ممالک جنوبی نیز دول متحدهٔ

جنوبی را تشکیل دادند اگرچه این دول متحابه شمالی هم آزادی داشتند ولی
دول متحابه جنوبی آزادتر بودند جز اینکه در موقع جنگ باید قشون
خودشان را بخدمت پادشاه پروس بگمارند و همه ایشان
وکلای خود را برایخشتاک که مجمع عمومی در برلن است بفرستند
در ۱۸۷۰ دولت فرانسه بپروس اعلان جنگ نموده تمام آلمانیها
متفقاً بر ضد فرانسه قیام کردند

در مدت محاصره پاریس گیلیوم پادشاه پروس که در عمارت

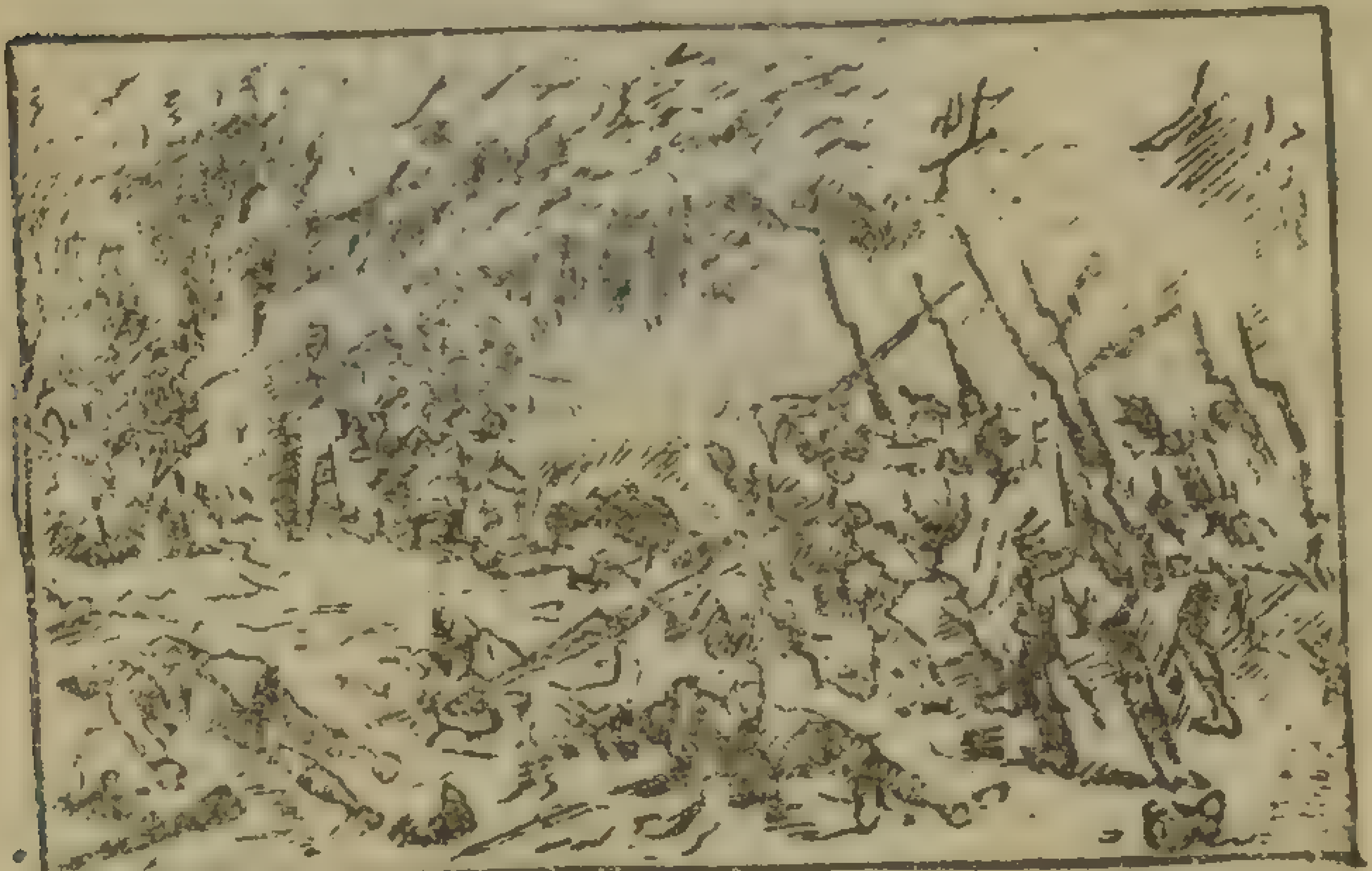

ص ۸ جنگ سادوا که در ۱۸۶۶ پروسها هم را افرازفته بود

ورسای منزل کرده بود سایر شاهزادگان آلمان را جمع نموده
و در مسجد هم ژانویه ۱۸۷۱ نام امپراطوری کل آلمان برخود نهاده و تاج

تمام ایالات آلمان که آلمانیها مدتها طالب آن بودند توسط پروس انجام یافت ولی پروس اینکار را محض جلب نفع خود بازور معمول داشت آلمانها اگرچه همگی در یک ملت متحد گردیدند ولی باوصف این آلمانها آزادی ندارند زیرا که از اطاعت پادشاه پروس مجبور میباشند و چون با دقت ملاحظه شود اتحادی که وطن پرستان آلمان میخواهند وقوع نیافته در مملکت اطریش زیاده از ده ملیون آلمانی هست و در سویس دو ملیون و همه اینها از آلمان خارج هستند ولی در عوض آن پروس سه ملیون لهستانی را در مملکت خود داخل کرده و یکصد و چهل هزار دانوا (دانمارکی) و یک ملیون و هفتصد هزار نفر فرانسوی الزاس لرن را که هیچکدام مایل تبعیت آلمان نیستند

سؤالات

ممالک شمالی آلمان و ممالک جنوبی آن چه کردند بعد از اعلان جنگ فرانسه دول متحده جنوبی آلمان چه کردند — گیلیوم پادشاه پروس در اثنای محاصره پاریس چه کرد مقصود پروس از اتحاد تمام آلمان چه بود

آیا المانیها در حقیقت آزاد هستند — چه مقدار آلمانی در خارج آلمان هستند

۱۹۰ — آلزاس لرن — در معاهده فرانکفورت که در ۱۸۷۱ وقوع یافت آلمان فرانسه را مجبور کرد که آلزاس و لرن را بالمان واگذارد و آنها را یکی از ایالات آلمان قرار داد بدون اینکه رضایت اهالی آنجا را منظور دارند یا مثل سایر دولتهای حق حکومت ملی بایشان بدهند بلکه همواره حکام آنها از جانب پروس تعیین میشود و قشون پروسی در آن شهر اقامت دارند آلزاسیها و لرنیها دائماً از این جور و ظلم تظلم مینمایند و اغلب جوانان ایشان رفته در قشون فرانسه اجیر شده اند و بسیاری جلای وطن کرده محض اینکه احکام آلمان را اطاعت ننمایند وکلای ایشان که بپارلمان برلن میفرستند اقتضا مطالبه انفصال از آلمان را میکنند

سئوالات

در معاهده فرانکفورت آلمان فرانسه را بچه کار مجبور ساخت معامله آلمان با آلزاس لرنیها چگونه است وکلای آنها در پارلمان که مطالبه چه چیز مینمایند —

۱۹۱ــ مملکت هونگری ــ امپراطور اطریش سلطنت هونگری را
نیز داشت و همواره اطریشیها را بحکومت آنجا میفرستاد اهالی
هونگری چندین دفعه شورش کردند و اطریشیها آنها را میزدند و
رؤسای ایشان را سر میبریدند شورش اخیر ایشان در سنه ۱۸۴۸
بقدری سخت بود که امپراطور اطریش مجبور گردید از دوست خود
امپراطور روس قشونی طلب نمود که رعایای خود را مطیع سازد
ولی در سنه ۱۸۶۶ در موقعیکه اطریشیها تنزل نمودند هونگریها بدون جنگ
نزاع آزاد شدند و امپراطور اطریش بعد از آنکه مغلوب شد
مشروطه بهونگری داد
در سنه ۱۸۶۷ که اطریش مغلوب پروسیها گردید راضی شد که مملکت
بدو جزء اطریش و هونگری تقسیم نماید و هونگریها مجلس و وکلا
نموده دولتشان علیحده شد و از اطاعت اطریش خارج شدند

سؤالات

اطریش با هونگری چگونه رفتار میکرد و هونگریها چه میکردند شورش

اخراجشان چه قسم بود — در چه وقت موگارها را آزاد کرد بالاخره امپراطور
اطریش از چه کار مجبور شد

۱۹۲ — پلنی (ورشو) — اهالی پلنی کمتر روی خوشبختی را دیده بودند در سنه ۱۸۰۷ ناپلیون اول آنها را آزاد کرده دوك نشین وارشوی را تشکیل داده بود ولی در سنه ۱۸۱۴ روسها و پروسها و اطریشی ها آنها را تصرف نموده باز زیر نگاه داشتند و ایشان چندین دفعه خواستند خودشان را آزاد کنند ولی قوتشان بقدر کفایت نبود

بیشتر و مظلومترین طوایف آنها پلنی های روسی میباشند در سنه ۱۸۳۰.

شورش تسخیر ورشو لهستانی ها شورش نموده مدت یک سال در مقابل روس مقاومت کردند ولی چون قشون ایشان کم بود در سنه ۱۸۳۱ ورشو مسخر روس گردید

در شهر ورشو شورش نموده مدت یک سال در مقابل قشون

روسس مقاومت جستند ولی قشون ایشان بسیار کم بود و روس ورشو را مسخر ساخت.

و بعد از آن اشخاصی که در ورشو از مملکت خود دفاع کرده بودند بحکم امپراطور روسس بسیبر فرستاده شدند

و روسها در ورشو قلعه بنا نموده با پلنی ها گفتند چنانچه خیال آزادی را در مخیله خود بگذرانید بدبختی بزرگی شما را استقبال خواهد کرد هرگاه جزئی شورشی بنمائید از این قلعه شهر شما را بتوپ خواهیم بست و با وصف اینکه در ۱۸۶۳ باز پلنی ها شورش کردند و روسها آنها را با شناعت در آورده متقصرین را بسیبری فرستادند

سؤالات

اهالی پلنی چه حالی داشتند — ناپلیون اول با آنها چه کرد — پروس و پروس و اطریش با ایشان چه رفتار نمودند — پلنی های روسی چه حال داشتند — و امپراطور روس با آنها چه کرد

۱۹۳ — هیجان اسلاوها در روسیه — اهالی مشرق اروپا یکی از یک نژاد هستند و تقریباً همه بیک زبان حرف

میزنند و آنها را اسلاو مینامند و عبارتند از روسیها و لهی ها و چک یا بهمی ها و دیگر کرآت و سرب و بلغار این طوایف بکلی در تحت یک ملت و تبعیت یک دولت اجتماع ندارند بلکه بعضی برعایای روس و بعضی تابع پروس و بعضی مطیع اطریش میباشند بعضی دیگر هم با عثمانی بستگی داشتند که آزاد گردیده

امّا اسلاوهای تابع اطریش میخواهند حکمرانی مملکت با خودشان باشد و پادشاه نشین چهم و کالیسی با ایشان تعلق یابد سلاوهای هونگری آزادی خود را میخواهند در کرآت (ایالتی از هونگری) دو ملیون سلاو هست که هفتاد هزار نفر بر آنها حکومت دارند ایشان نیز میخواهند پادشاه نشین علیحده تشکیل دهند و اگر آنها بمقصود خودشان نایل شوند مملکت اطریش تجزیه خواهد شد همان قسم که امپراطور نشین عثمانی تجزیه گردید بسیاری از ایشان مایل بودند که تمامت سلاو در یک ملت در تحت تبعیت امپراطور روس مجتمع شوند و اینجماعت را پانسلویست نامند

سؤالات

جماعت سلاو چه طایفه هستند — آیا تمام ایشان یک ملت و در تبعیت
یک دولت میباشند — سلاوهای اطریش و هونگری چه میخواهستند
در گروات چقدر سلاو هست چه میخواهند

۱۹۴ — ایرلاند — مملکت ایرلاند را سابقاً انگلیس ها فتح
نموده اراضی آنرا گرفتند و مقرر داشتند که ایرلاندیها جز برزگری
کاری نکنند مذهب ایرلاندیان کاتولیکی بود و انگلیس ها ایشانرا
مجبور میکردند که بخلفا و رهبانان پرتستان پول بدهند
در سنه ۱۶۴۵ و در سنه ۱۶۹۰ ایرلاندیها خواستند شورشی نمایند ولی
در همه وقت شکست خوردند تا زمانیکه یکنفر نطاق ایرلاندی اکونل نام
در حضور جمع کثیری عبارت از سی هزار نفر نطقی برپا نموده مردم را
بهیجان آورد و در سنه ۱۸۳۰ دسته های ایرلاندی مسلح در اطراف
بلاد گردیده ملاکان انگلیس را بقتل میرسانیدند
فنیان ها که از سنه ۱۸۶۷ تا سنه ۱۸۸۲ از جمله یا اعیان بودند یکنفر از حکام
انگلیسی را در دوبلن در روز روشن کردن زدند و هیچیک از ایرلاندیها
قاتلین او را که دیده بودند و میشناختند آشکار نساختند و بدست ندادند

در سنه ۱۸۸۳ چندین خانه را در لندن با دینامیت از بنیاد برآوردند انگلیس‌ها خیلی مایلند که ایرلاند رفرمه شود ولی از اینکه حکومت ایرلاند با خود ایرلاندیها باشد امتناع دارند و از اینجهت ایرلاندیان عموماً بر انگلیس کینه و اعتراض دارند

سؤالات

ایرلاند را چه طایفه فتح نمودند — انگلیس‌ها با ایرلاندیان چگونه رفتار میکردند — ایرلاندیها چه اقدامی نمودند چه شد — در سنه ۱۸۴۳ نطق اُکُنل چه اثری بخشید — فنیان چه کردند و ایرلاندیها با خانه‌های لندن چه کردند — انگلیس چه میخواهد و از چه مطلب امتناع دارد

۱۹۵ — نروژ و سوئد — اوّلین طایفه که در اروپا بدون زد و خورد آزاد شدند نروژیها بودند در سنه ۱۹۰۵ چه ایشان از سنه ۱۸۱۴ برخلاف میل و رضای خودشان جزء سوئدیها شمرده شده بودند ولی نتوانستند با همسایه‌های خودشان باتفاق زندگانی کنند و در سنه ۱۹۰۵ در مقام مطالبهٔ انفصال و آزادی خود برآمدند سوئدیها نیز عاقلانه رفتار نموده انفصال ایشان را پذیرفتند و نروژیها مملکتی مستقل ترتیب داده یکنفر از شاهزادگان دانمارک را بپادشاهی خود

اختیار کردند

سؤالات

کدام طایفه در اروپا بدون زد و خورد آزادی یافتند — حال زور در ابتدا چه بود — و بعد چه مطالبه کردند — سوئدیها با آنها چه رفتار نمودند و نروژیها که راه سلطنت اختیار کردند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً — هر مملکتی در سابق عبارت بود از رعایای یک پادشاهی هیچ وقت میل و خواهش رعایا را در تعلق و تبعیت مملکتی ملاحظه نمیکردند در قرن نوزدهم اهل اروپا اهتمام کرده ملتها تشکیل دادند

ثانیاً — ترتیب ملت مورث جنگهای بسیار گردید زیرا که اغلب ملتها یا در میان چندین مملکت تقسیم شده بودند یا جزء یک مملکتی غیر از ملت خودشان گردیده مایل و راضی باطاعت و تبعیت آن مملکت نبودند

ثالثاً — در سنه ۱۸۲۱ یونانیها با دولت عثمانی بنای ضدیت گذاشتند و بعد از محاصرهٔ میسلنقی در سنه ۱۸۲۶ و جنگ دریائی ناداران در

سنه ۱۸۳۲ بمطلب خود رسیدند و بمعاونت فرانسه و روسیه پادشاه نشین یونان را تشکیل دادند

رابعاً — در سنه ۱۸۳۰ بلژیکها پادشاه هلاند را بیرون کردند و بمعاونت فرانسه مملکت بلژیک را برپا داشتند

خامساً — بعد از آنکه ایطالیاییها در خلاصی خودشان از دست نمسویها بیهوده اهتمام کردند در دور پادشاه پیه من جمع شدند پیه من با کمک فرانسه اطریشی ها را شکست دادند در سنه ۱۸۵۲ در ماژنتا و سلفرین و بعد از آن لمباردی و ایطالیای مرکزی و سیسیل و ناپل و ممالک متعلقه بکلیسا را پی درپی ضمیمه کردند تا در سنه ۱۸۶۱ پادشاه نشین ایطالیائی را تشکیل دادند و در سنه ۱۸۶۶ ونیس و در سنه ۱۸۷۰ رم را فتح کردند

سادساً — آلمان بسی و پنج مملکت تقسیم شده بود مجمع فرانکفورت در سنه ۱۸۴۸ بآرزوی خود نرسید و نتوانست مملکت امپراطوری آلمان را تشکیل کند و بعد از آنکه با دانمارک بجهت والی نشینهای شلسویک و هلشتین جنگ کرد و پروس با اطریش جنگید در سنه ۱۸۶۶ پروس در سادوا فاتح و مظفر گردید و صاحب مملکت آلمان شد و هانور را

داهسن و فرانکفورت را جبراً و قهراً ضمیمه خود ساخت

سابعاً — آلمانها از سنه ۱۸۱۶ ببعد دول متحابه تشکیل داده بودند

در سنه ۱۸۷۱ دول متحابه با یکدیگر جنگ نمودند و پادشاه پروس امپراطور

کل آلمان گردید

ثامناً — متحد شدن ایالات آلمان از برای پروس مفید واقع شد

بسبب ظلم و ستمی که از سایر آلمانها بآنها میرسید ولی وقوع این مطلب

از روی بی‌قاعدگی بود زیرا که دو ملیون نفوس آلمانی در خارج از اوطان

خود پراکنده گشته و سه ملیون نیمی از فرانسوی جزو آلمان شده

تاسعاً — بواسطه عهدنامه فرانکفورت در سنه ۱۸۷۱ الزاس لرن‌ها

ضمیمه مملکت پروس شدند از روی اجبار و اکراه مطیع و محکوم پروسیها

گشتند و اتصالاً ادعای آزادی نموده از حکومت اجنبی شکایت

و ناله دارند

عاشراً — جزیره کریت در سنه ۱۸۶۹ از ظلم عثمانی شورش نمودند و مجدداً تسلط

قشونی ازروس مجدداً باطاعت آنها وادار نمودند ولی بر حسب حسن اتفاق

بواسطه تنزل و خرابی عثمانی بآرزوی خود رسیده در سنه ۱۹۱۳ با یونان یکی

تشکیل دادند

حادی عشر — پلی ها جبراً و اضطراراً مطیع روسها و پروسها و اطریشها میباشند وباوجود شورشهائی که در سنه ۱۸۳۰ و سنه ۱۸۶۳ نمودند نتوانستند از تسلط این ممالک خلاص شوند و وطن پرستان پلی را روس بسیبری فرستاد

ثانی عشر — طایفه سلاو که در مشرق اروپا مسکن دارند بعضی از آنها در تبعیت عثمانی و بعضی تابع اطریشی ها و جمعی تبعه نمکری هستند وجد و جهد دارند که از تبعیت این ممالک خلاص شوند بسیاری از طایفه پانسلوی میخواهند مملکتی تشکیل داده یکی مطیع امپراطور روس باشند

ثالث عشر ایرلاندیها در دست انگلیسان مظلوم واقع شده اراضی آنها را گرفته اند و ایشان را مجبور میکردند که براهبان پرتستان پول بدهند و از سنه ۱۸۳۰ در هیجان هستند فنیانهای ایرلاندی اهتمام داشتند که انگلیسها را بکشند و شهر لندن را بتوسط دینامیت بر هوا بلند کنند

رابع عشر — در سنه ۱۹۰۵ نروژ با صلح بدون جنگ از سوئد جدا شد و پادشاه نشین مستقلی تشکیل داد

فصل ششم

حالت کنونی اروپ

۱۹۶ — **صلح با اسلحه** — از این پیش دانستیم که ممالک اروپ از سنه ۱۸۱۵ متزلزل بود اولاً بواسطه جنگهای ملیتی در مشرق و ثانیاً بواسطه جنبشهای ملّی امّا مسئله مشرق بانجام نرسید زیرا که عثمانی را پیوسته تهدید میکردند و هیجان ملّی نیز تمام نشد الزاس لرن سعادت و خوشبختی نیافت پلنی از تبعیت سه دولت که او را تقسیم کرده بودند خوشوقت نبود ایرلاندیها همیشه حاضر بودند که بر ضدّ انگلیس ها شورش نمایند و صلح در پناه عهد نامه ها برقرار میماند ولی عهدنامه هیچوقت دولت صاحب پول و قشون را از جنگ مانع نمیشود تمام اروپا خودشان را برای جنگ حاضر میکنند بعضی دولتها باهم اتفاق نمودند آلمان و اطریش هونگری و ایطالی اتفاق مثلث نمودند و همچنین فرانسه و روسی

باهم متفق گردیده هر دولتی حساب کار شخصی خود را میکند و همه اهتمام دارند که قشون بزرگ و قلعه های مستحکم داشته باشند از برای تشکیل قشون بزرگ دیگر مثل سابق ترتیب داوطلب یا قرعه سربازگیری را معمول نمیدارند در بسیاری از ممالک خدمت نظام را اجباری قرار داده اند و تمام سکنه مملکت باید مدتی چند سال خدمت سربازی بکنند آلمان میتواند ۳ ملیون سرباز حرکت دهد روسی ۳ ملیون و ششصد هزار اطریش هونگری یک ملیون و هفتصد هزار این قشونها هزار هزار ها توپ دارند و با این وسائط محرقه و مهلکه اهل اروپا یقین دارند که جنگ بسیار هولناکی وقوع خواهد یافت و اکنون بیست و پنجسال است که در اروپا جنگی واقع نشده

سؤالات

در سنه ۱۸۱۵ ممالک اروپ در چه حال بود الزاس لرن و لهستان و ایرلاند چه حال داشتند کدام دولتها باهم متفق بودند تشکیل قشون بچه ترتیب معمول شد حال قشون آلمان و روسی و اطریش هونگری را بیان کنید

۱۹۷ — توسعه جویان —— باینحال در آخر قرن نوزدهم

تقریباً تمام دول اروپ اهتمام داشتند که بر وسعت مملکت خود بیفزایند
یعنی اراضی جدید بدست آورده مفتوح سازند و محصول و صنایع
خودشان را در آنجا بفروش رسانند انگلیس بزرگترین ممالک
مهاجرنشین روی زمین را فتح نمود بعد از انگلیس مهاجرنشین فرانسه
از سایرین بزرگتر است انگلیس و آلمان و آتازونی و روسی دایم در
صدد هستند که مهاجرنشینهای خودشان را توسعه دهند

و از آنجا که توسعه جویان جز توسط جنگ نمیتوانند مملکت خود را وسعت
دهند مجبورند که قشون زیاد و کشتی جنگی بسیار داشته باشند فرانسه
مهاجرنشین زیاد دارد بحدیکه از برای او کافی است چه او میخواهد
اراضی را زراعت نموده آباد سازد نه آنکه بیهوده توسعه دهد پس
فرانسه از جمله توسعه جویان شمرده نشود اما از برای دفاع از مهاجر
نشینهای خود کشتی جنگی بسیار لازم دارد و چون فرانسه توسعه جوی
نیست اغلب ممالک اروپا با او رابطه خصوصیت دارند

و با انگلیس اتفاق نموده است مسائلی را که ممکن است اسباب بهم
خوردن مابین دو مملکت گردد دوستانه تسویه نمایند و از وقتیکه این

نظامنامه ترتیب یافته مابین ایشان دوستی بسیار بزرگ پدید آمده و
بر یک از دیگری سخن شنوی دارند و اتفاقشان قلبی و محکم است

سؤالات

دول اروپ در چه امر اهتمام داشتند کدام ممالک مهاجرنشین خیلی بزرگ
دارند فرانسه با انگلیس چه اتفاقی نمودند

۱۹۸ — قبول حکمیت

— نگاهداری سرباز و توپ و کشتی
بسیار گران تمام میشود قشون بحری در هر سال باندازه هزار
ملیون فرانک خرج دارد ولی با وصف این هیچ مملکتی نمیخواهد خلع
اسلحه از خود نماید از بیم اینکه همسایه هایش با اسلحه باقی مانده و قوی
گردند و براو حمله نمایند در سنه ۱۸۹۹ امپراطور روس فرستادگان
ممالک اروپا را در شهر لاهه جمع کرد و کنفرانس صلح عمومی در آنجا
تشکیل یافت محض اینکه مسئله خلع سلاح در حضور همه فرستادگان مقرر
گردد ولی ایشان راهی از برای رفع سلاح بدست نیاوردند جز
اینکه محکمه تصدیق ثابتی در آنجا برقرار کنند که مکان آن در لاهه
میباشد و هر دولتی در آنجا دادخواهی نماید کنفرانس مزبور باظهار

رسیده گی و احقاق حق نمایند

ولی این محکمه تصدیق جنگ ترانسوال را که از سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۲ امتداد
یافت نتوانست جلوگیری نماید و همچنین در سنه ۱۹۰۱ سفر جنگ چین را
نتوانست موقوف کند امّا در سنه ۱۹۰۳ رئیس جمهوری اتازونی دولتهای
آلمان و انگلیس و ونزوئلا را ملزم کرد تا منازعه خودشان را که محتمل بود
بجنگ بزرگی منتهی گردد در محکمه مزبور فیصله کردند و بعد از آن ممالک
اروپا عهدنامه مجلس تصدیق ثابت را در میان خودشان امضا کردند
و بواسطه آن متعهد هستند اغلب مشاجرات و اختلافاتی که در میان
ایشان واقع میشود بمحکمه لاهه اظهار دارند

امّا فرانسه اول کسی بود که در این باب عهد با بریطانی کبیر منعقد
ساخت در تمام عالم بعضی اشخاص خوش قلب هستند که میگویند
جنگ و قتال بزرگترین بلاها و اذیتهای بنی نوع انسان است اگر
مردم نخواهند همیشه بحال صحیح باشند باید از جنگ اجتناب نمایند این
اشخاص در هر مملکت همشهریهای خودشان را مجبور میکنند که با ایشان
هم عقیده گردند و آنها را مردمان صلح جوی خوانند

سئوالات

قشون زیاد نگاه داشتن چگونه است — در سنه ۱۸۹۹ امپراطور روس بچه کاری اقدام نمود — محکمه تصدیق کدام جنگ را جلوگیری نتوانست درکدام مشاجره حکمیت نمود — دول اروپ چه چیز را متعهد گشتند اشخاص صلح جوئی چه چیز میخواهند و چه میگویند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً — مسئله شرق بانجام نرسید و جنبش و جوشش ملی نیز منتهی گشت توسعه جویان نیز بتوسیع مملکت پرداخته تمام اهالی اروپا خودشان را از برای جنگ حاضر کرده اند

ثانیاً — بجهة تشکیل قشون بسیار قانون خدمت اجباری را مقرر داشتند توپ میریزند و راه آهن جنگی میسازند

ثالثاً — چون ملزومات جنگ با قیمت گزاف تمام میشود خیلی امید است که تمام دول با یکدیگر اتفاق و اتحاد نموده جنگ را بالکلی موقوف سازند و مسائل اختلافیه خود را بتوسط محکمه تصدیق فیصله دهند

فصل هفتم

علم و صنعت و تجارت

۱۹۹ــ علوم در قرن ما میجدیم ــ در هیچ عصری بقدر این
قرن اشخاص فاضل عالم پدید نیامد زیراکه در انگلیس و فرانسه والمان
و امریکا هزاران اشخاص فاضل دانشمند مشغول اکتشاف این
مطلب هستند که حرکت و پیدایش و نمایش اشیا را معلوم کنند و بسیاری
از علوم را از قبیل فیزیک و شیمی و معرفة الارض و تاریخ طبیعی
و طب و غیره انبساط داده یا تجدید نموده یا اختراع کرده اند
بسیاری از این دانشمندان فرانسوی هستند مثل آمپر و تنار
و گیتون سک و شورل و برتل و دزفروا سنت هیلر
کلد برنار و پاستر
این دانشمندان این اکتشافات را تنها برای خود نکرده و نمیکنند
بلکه فایدهٔ آن بتمام عالم میرسد

سؤالات

در قرن بیستم چگونه اشخاص پیدا آمدند و در علوم چه کردند ایشان کیان و از کدام ملتها بودند

۲۰۰ – بکار بردن علوم – پیوسته عقلای بزرگ مشغول پیدا کردن نشانی از علم میباشند و مهندسین علم را تجهیز تحصیل اشیاء مفیده بکار میبرند مانند ماشین در کنها و بخار و کوت زمین و غیر آن تا زمانیکه موفق گردیده علم را با صنعت توام ساختند در قرن نوزدهم بقدری در توام ساختن علوم با صنعت پیش رفتند که شکل دنیا را از همگی سبب تغییر کرد

سئوالات

عقلای بزرگ مشغول چه کار بودند مهندسین علم را از برای چه ام میخواهند – در قرن نوزدهم کار علم بکجا انجامید

۲۰۱ – ماشینها – یکنفر انگلیسی آرک ورایت نام دستگاهی اختراع کرد که بتوسط آن پنبه را ریسمان کند و یکنفر فرانسوی ژاکار نام صنعت نساجی ابریشم را اختراع نمود

این اسباب ها باعث میشود که کارها زودتر انجام گیرد و مقدار

بافندگی و ساختن اشیاء بیشتر شود و همچنین یکنفر وات نام در سنه ۱۷۷۶
اولین دستگاه چرخ بخار را اختراع کرد و از آن زمان طرز ساختن
اسباب ترقی نمود زیرا که یک دستگاه چرخ بخار میتواند اشیاء
خیلی سنگین را حرکت دهد و تمام آلات یک کارخانه را بگرداند
یک نفر فرانسوی دسپرز نام انتقال قوت سقوط آب و سیل را
بجاهای دور اکتشاف نمود مانند سقوط آب رودخانه نیاگارا
در ممالک اتازونی که اسباب حرکت چرخها در سی چهل کیلومتر
یا چهل هزار متر فاصله میگردد این قوت سقوط آب را هویل
بلانش (ذغال سفید نامیدند) بجهت اینکه آب را مثل ذغال
سنگ سیاه برای حرکت دادن چرخها بکار بردند و همچنین دستگاهها
از برای نوشتن اختراع کردند علاوه بر آنچه از برای چاپ
اختراع شده که یک روزنامه تمام را در یک روز چاپ میکنند

سؤالات

ارک رایت انگلیسی چه چیز اختراع نمود — صنعت نساجی را که اختراع کرد
فایده ماشین و چرخها چه چیز است — اولین چرخ بخار را که اختراع کرد

دسپرز فرانسوی چه چیزرا اکتشاف کرد

۲۰۲ — کشتی بخار — راه اهن — بعداز آنکه قوت بخاررا دریافتند درصدد برآمدند که اورا از برای حرکت دادن کشتیها وکالسکه ها بکار برند درسنه ۱۷۷۶ یکنفر فرانسوی ژوف روانام یک کشتی بخار ایجاد کرد ولی بدبختانه کسی اعتنائی باختراع او ننمود و بعد از آن یکنفر امریکائی فولتن نام درسنه ۱۸۰۷ کشتی بخاری ساخت که از رودخانه هوسن بتوسط آن پائین آمد درسنه ۱۸۱۴ چند نفر انگلیس بخاطرشان رسید که لکمتیوی بسازند واورا درروی رایل راه آهن حرکت دهند و بعد از آن واگونها مرتب کردند که مال التجاره ومسافرین را با آن حرکت دهند ورفته رفته راه آهن معمول گردید

اوّل دفعه درسنه ۱۸۲۸ انگلیسها راه آهن را مرتب نمودند ودرسنه ۱۸۳۵ فرانسه ها آنرا معمول داشتند اختراع راه آهن سبب گردید که مقدار بسیاری مال التجاره را با قیمت قلیل حمل نمایند ومسافتهای زیاد را

در زمانی اندک طی کنند و بعد از آن الکتریسته معمول گردید واز
برای حرکت دادن ترامو و راه آهن بکار رفت و سبب شد که
مسافرت‌ها زودتر و ارزان‌تر شود
در راههای معمولی کالسکه‌های اتومبیل نفتی با سرعت راه آهن حرکت
میکند و همچنین محرک اتومبیل را در روی زورق قرار دادند تا با سرعت
کشتی بزرگی راه رفت و بالاخره وسیله‌ها از برای حرکت در هوا پیدا
کرده بالونها معمول گردید

سؤالات

راه آهن بچه ترتیب اختراع شد و چه فایده بخشید — و دیگر چه اختراعات
از برای حرکت برّی و بحری نمودند

۲۰۳ — **تلگراف - الکتریک** — چون قوه الکتریسته را پیدا
کردند بتوسط او تلگراف ساختند که اخبار را از یکطرف عالم بطرف
دیگر در کمتر از یک ثانیه میرسانند تلگراف الکتریک هنوز در سنه ۱۸۶۱
اختراع نشده بود و امروز خطوط تلگراف ما بین تمام شهرهای فرنگ

وامریکا وایران موجود است و همچنین تلگراف تحت البحری اختراع کردند که سیم آهن را از وسط لوله کملاستیکی گذرانیده در آب دریا میاندازند

تلفن الکتریکی را که احداث نمودند دو نفر آدم دور از یکدیگر توانند باهم حرف بزنند بدون آنکه یکدیگر را ببینند با تلگراف بی سیم کشتیها در دریا از دور با یکدیگر حرف میزنند و همچنین از دریا با بندرهائی که در ساحل است حرف میتوانند بزنند

سئوالات

از پیدا شدن الکتریسیته چه چیز اختراع کردند تلگراف در چه سنه اختراع گردید با تلفن الکتریکی و تلگراف بی سیم چه کارها انجام میدهند

۲۰۴ — روشنائی — در سنه ۱۷۸۵ انگلیس فرانسوی لبن نام این مطلب را دریافت که ممکن است از ذغال بخاری گرفته اطرا روشن سازند و بعد در انگلیس این اختراع را تکمیل کردند و کم کم در تمام ممالک عالم چراغ گاز معمول گردید در امریکا و در روسی بعضی چاهها کشف نمودند که روغن نفت از آنها بیرون میآید در

شهرهای بزرگ کوچه ها و خانه ها با چراغ برق روشن است

سؤالات

کدام کس اوّل دریافت که از زغال بخار گیرد — و اختراع آن در کجا تمام شد — در روسیه و امریک چه چیزها کشف شد در شهرهای بزرگ کوچه ها و خانه ها با چه چیز روشن است

۲۰۵ — **صنعت** —— بعد از آن اختراعات متعدد دیگر نمودند از قبیل ساختن عکس و ترتیب مطلّا و مفضض که طلا و نقره را در روی آهن کار میکنند و دیگر دینامیت که بتوسّط آن سنگهای بزرگ را از جای برمیکنند و رنگهای مختلف که از زغال سنگ بدر آورده پارچه ها و منسوجات را با آن رنگ میزنند و همچنین کود شیمیائی که روی زمین قرار داده خاشاک زراعت میکنند و نیز از برای ساختن الکل و کاغذ و بافتن منسوجات ترتیبی اختراع نمودند که خیلی بصرفه نزدیک است بعضی نباتات و درختهای جدید در اروپا داخل کردند از قبیل سیب زمینی و غیره و معالجات جدیده کشف نمودند و وسایطی بدست آوردند که بتوسّط آنها

ممکن است از امراض عمده محفوظ مانند و ترتیبی از برای خوابانیدن مریض بجهت عملیات یدی قرار دادند مخصوصاً پاستور طریقی کشف نمود که بواسطهٔ آن از امراض مسریه مثل سگ هار و طاعون و ذبحه (درد گلو) ی مهلک و غیره نجات توان یافت و همچنین معلوم ساخت که کثافت باعث بسیاری از امراض میگردد پس باید خود را تمیز نگاهدارند تا از امراض مسریه بسلامت مانند و از نزدیک شدن با مرضای امراض مسریه اجتناب ورزند

سؤالات

بعضی اختراعات صنعتی را ذکر نمائید در علم طب و حفظ صحت چه اقدامی نمودند پاستور چه اکتشافات نمود

۶۰ — اکسپوزیسیون (نمایشگاه عمومی)

در سنه ۱۸۵۱ اولین نمایشگاه عمومی را در انگلیس برپای کردند و تمام اهل عالم حاصل زحمت و محصول مملکت خود شان را بآنجا آوردند در عمارت مخصوصی که از برای اینکار ساخته شده بود نمایش دادند

در آن اکسپوزیسیون ۱۷۰۰۰ نمایش دهنده حضور یافته بودند سایر ممالک نیز در این خصوص تقلید انگلیس ها را نمودند در فرانسه پنج نمایش بزرگ واقع شد در سنه ۱۸۵۵ و سنه ۱۸۶۷ و سنه ۱۸۷۸ و سنه ۱۸۸۹ و سنه ۱۹۰۰ و همچنین در وین و بروکسل و لندن اکسپوزیسیونها برپا گردید و در امریکا در فیلادلفی و شیکاغو تربیت یافت در این اکسپوزیسیونها متاع تجارت و ماشینهای کار تمام ملل موجود و جمع بود و هر ملتی میدید که سایر ملل چگونه کار میکنند و در واقع اکسپوزیسیون بمدرسه صنایع شباهت داشت

سؤالات

اولین نمایشگاه عمومی در کجا و از برای چه مقصد برپا می گردید — در فرانسه چند اکسپوزیسیون منعقد گشت — در اکسپوزیسیون چه واقع شد

۲۰۷ — **علم تحصیل ثروت** — دانشمندان و عقلای مملکت پس از غور رسی و مطالعات بسیار دریافتند که ملت چگونه صاحب ثروت و متموّل گردد و او را علم ثروت اندوختن نام نهادند سابق براین گمان میکردند که ثروت ملت عبارت از آنست که طلا

ونقره زیاد داشته باشند ولی بعد از آن ملاحظه نمودند که ثروت حقیقی و دائمی عبارت از آنستکه در مملکت گندم و جو و سایر اجناس و گاو و گوسفند زیاد بعمل آید و از پنبه و پشم پارچه ها بافند و پاشنه های کفش و چرم سازی و سایر اشیاء متعلق بصنعت است که ملت دارای آنها باشد زیرا که بتوسط این اشیاء مفیده طلا و نقره بفراوانی تحصیل شود

سئوالات

علم ثروت را چگونه دانستند سابق براین ثروت را منحصر در چه چیز میدانستند و بعد ملتفت شدند که ثروت حقیقی عبارت از چه چیز است

۲۰۸ ــ آزادی صنعت ــ پس بنابر آنچه ذکر شد ملت غیرتمند ملتی خواهد بود که حاصل های مرغوب بعمل آورده اشیاء مفصله تحصیل نماید پیش از این تصور میکردند که از برای تحصیل محصول زیاد باید نظامنامه مفصلی ترتیب یابد و دولت باید قرار بدهد که عمله جات چگونه کار بکنند و چه ماده را استعمال نمایند و یک توپ ماهوت چند ذرع باید طول داشته باشد اشخاصی که دستگاه تازه اختراع میکردند یا ترتیب جدیدی مرتب میداشتند از طرف دولت جریمه

میشدند زیرا که صنایع را بایستی دولت بعمل آورده مدیر کارخانه های آن باشد و اسباب ترویج و پیشرفت هر صنعت را فراهم سازد بعد از آن ملاحظه کردند که بهترین وسایل برای خوب کار کردن سکنین آنستکه مردم را در کار خودشان آزاد و راحت بگذارند و از آن وقت خیرخواهان در صدد ادعای آزادی صنعت برآمدند

سؤالات

سابق براین ترتیب تحصیل محصول و ایجاد مخترعات از چه قرار بود بعد از آن چه ملاحظه کردند و در مقام ادعای چه برآمدند

۲۰۹ - **آزادی تجارت** — سابق براین مردم همچو می پنداشتند که منفعت هر مملکت در آنستکه نگذارند چیزی از محصولات مملکت بخارج رود و بمملکت دیگر نقل شود و همچنین نمیگذاشتند چیزی از خارج بداخل مملکت وارد گردد یعنی متاع تجارت خارجه را بمملکت وارد نمایند مثلاً اگر تاجر فرانسوی میخواست گندمی برای فروش بانگلیس ببرد گندم او را گرفته توقیف میکردند و هرگاه تاجری میخواست آهن انگلیس را بفرانسه بیاورد مانع میشدند

عقلای قسمت ثانی هم اول شروع بگفتن این مطالب کردند که بهتر آنست تجارت را آزاد بگذارند یعنی تجار اجازه دهند که هرچه میخواهند بفروشند و هرچه میخواهند بخرند هرگاه فرانسوی آهن خوب بخواهد صرفه در این است که آنرا از انگلیس بخرد واگر فرانسویها گندم یا شراب خودشان را در انگلیس بفروشند معلوم است بیشتر میخرند و بیشتر با نها فایده رسیده در عوض اشیاء مفیده بیشتر میتوانند بخرند ولی عقلا نمیتوانستند قانون معموله را تبدیل نمایند واشخاصیکه مباشر احکام بودند نمیخواستند بحرف عقلا گوش بدهند تا عاقبت صرفه جویان انگلیس بدولت حالی کردند که داخل شدن متاع و محصول خارجه از برای انگلیس نافع است در ۱۸۴۶ قانونی وضع نمودند که بموجب آن تمام تجار خارجه را اجازه میدادند که غله را از ممالک خارجه حمل نموده بانگلیس وارد کنند بدون اینکه گمرک و مالیات دیگری بدهند جز آنکه کشتی آنها باید انگلیسی باشد

سؤالات

سابقاً مردم درباب حمل و نقل محصولات و امتعه تجارتی چه عقیده داشتند
عقاید قرون جدیده هم شروع بچه امری نمودند — عاقبت کدام دولت
حمل و نقل ... را قانون گذاشت .

۲۱۰ — آزادی معاوضه و حمایت — از آن زمان تمام ممالک فرنگ
بمعاوضه پرداختند و کسی بآنها ممانعتی نمود ولی امروزه دو ترتیب
متداول است یکی قانون حمایت و دیگری ترتیب معاوضه قانون
حمایت عبارت از آنستکه از متاع ممالک خارجه حقی بگیرند در صورتیکه
قیمت آن متاع در بلدی که از آن حمل شده ارزانتر باشد
و رسم دیگر آنستکه بگذارند امتعه خارجه داخل مملکت شده با امتعه
مملکت معاوضه نمایند بدون اینکه چیزی از آنها بگیرند و این فقره را
آزادی معاوضه گویند اگر این رسم معمول گردد هر مملکتی متاع
خود را بازادی بممالک دیگر وارد میسازد آزادی معاوضه در
ابتدا بواسطه انگلیس ها در سنه ۱۸۴۶ برقرار گردید و همچنین ناپلئون
سیم در سنه ۱۸۶۰ معاوضه آزاد را قبول نمود و عهدنامه تجارتی
با انگلیس منعقد ساخت که در آن اجازه میداد انگلیسها آهن و پنبه

و ماشینهای خود شان را بفرانسه بفروشند و فرانسه نیز ابریشم و شراب و سایر متاع خود را بانگلیس ها بفروشد بعد از آن تمام ممالک اروپ معاهده های تجارتی مابین خود شان منعقد ساختند تا از مساعدت این عهدنامه ها زارعین روس و امریکا گندم خود را بفرانسه ها ارزانتر از زارعین فرانسه فروختند ولی دولت فرانسه برای مقاومت این عمل در سنه ۱۸۹۲ حق کاملی بر گمرک مال التجاره قرار داد و همچنین تقریباً تمام دول دیگر از برای متاع فرانسه حق گمرک قرار دادند تجار و صنعتگران فرانسه با اشکال میتوانند در خارجه مشتری پیدا کنند اما امروز انگلیس و بلژیک تنها ممالک آزاد در معاوضه هستند

سؤالات

در باب وارد کردن مال التجاره خارجه چه قانونی معمول است ـ آزادی معاوضه اول بتوسط کدام دولت مقرر شد ـ دولت فرانسه در مقاومت ... چه اقدام نمود ـ و سایر دول با او چه کردند

۲۱۱ ـ **معاملات** ـ در قرن هیجدهم یک بانک بزرگ در انگلیس بود ناپلیون اول در همین قرن بانک فرانسه را ایجاد نمود

کار بانک آن است که بلیط ترتیب میدهند و بجای پول نقد خرج میشود
و دیگر بانک به تجار پول قرض میدهد بعد از آن در تمام ممالک
بانکها تشکیل یافت و از قبیل آنها انجمنها ترتیب داده آنها را انجمن
معاملات خواندند زیرا که انجمنها پول خود را در بانکها میگذارند
و سود آنرا دریافت میکنند و بانکها هم پولها را قرض میدهند یا بصرف
کارهای با فایده از قبیل راه آهن و غیره رسانیده منفعت حاصل میکنند
با این ترتیب تجار و صنعتگران میتوانند پیش از فروختن
متاع خود پول تحصیل نموده با آن پول مال التجاره بخرند وقتیکه
بخواهند کار بزرگی را صورت دهند از قبیل بستن سدها و ساختن
راهها یا بیرون آوردن معدنها معلوم است که ثروت و مکنت یکنفر
آدم از برای مصارف آن که شاید بیش از ملیونها باشد کفایت نخواهد
نمود پس جمع شده عازم انجام آن امر میگردند و مصارف
مزبوره را بقسمتهای کوچک تقسیم نموده هر یک قسمت را اکسیون
(سهام) مینامند و بلیطها باندازه سهام چاپ نموده هر یک از آن
جمع بهر اندازه که میتوانند و میخواهند پول داده از آن بلیطهای سهام

میخرند و چون آن پولها جمع شود آن کار خطیر را انجام میدهند مثلاً هرگاه راه آهنی ده ملیون مصارف کشیدن داشته باشد ده هزار اکسیون هزار تومانی چاپ میکنند هرکس هزار تومان بدهد یک اکسیون میگیرد و بعد از ساختن راه آهن منافعی که از آن حاصل میشود تقسیم نموده بهریک از شرکا باندازه هر چند اکسیون که در دست دارد بهره میدهند تمامت کارهای بزرگ با اکسیون مرتب میشود (کمپانی) ومحل فروش این اکسیونها در بورس (هراج سهام) میباشد

سؤالات

بانک را اوّل در کجا تأسیس کردند — بانک فرانسه را که تشکیل داد بانک چه میکند فایده بانک چیست — بتوسط بانک چه کارها انجام میدهند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولا در قرن نوزدهم در تمام ممالک اروپ خردمندان بسیار پدید آمدند از اکتشافات آنها تمام عالم فائده رسید

ثانیاً — بعد از آنکه اکتشافات نزد مندان با صنایع توام گشت شکل تمام کسب‌ها تغییر کرد

ثالثاً — کسب ریسمان بافی و دستی با چرخ بخار بتوسط عملیات مرتب میکرد

رابعاً — بعد از آنکه چرخ بخار را بکار بردند در سنهٔ ۱۸۰۷ کشتی بخار را توسط آن حرکت دادند و در سنهٔ ۱۸۲۶ راه آهن را ترتیب دادند

خامساً — ایجاد الکتریسیته اسباب اختراع تلگراف الکتریکی و تلفون گردید

سادساً — روشنی گاز و الکتریسیته کوچه‌ها و مخزنهای شهر را روشن ساخت

سابعاً — صنعت عکاسی و مطلا و مفضض و دنیامیت و رنگهای مختلف از ذغال سنگ ترتیب یافت و کوت شیمیائی و اتوموبیل و بسیاری از معالجات جدید اختراع شد

ثامناً — در اکسپوزیسیونها مال التجاره و متاع تمام ملل را تماشا نمود شد اولین اکسپوزیسیون در سنهٔ ۱۸۵۱ در انگلیس مفتوح شد و پنج اکسپوزیسیون در پاریس تشکیل یافت

تاسعاً — بعد از دریافتن علم ثروت معلوم شد که ثروت و دولت حقیقی مملکت طلا و نقره و وجوه نقدینه نیست بلکه ثروت مملکت عبارت از محصولات

با فایده است که در مملکت بعمل آید

عاشراً— معلوم شد که بهترین وسایل برای تحصیل محصولات بافایده و متمول ساختن مملکت آنست که صنعت و تجارت را آزاد بگذارند.

حادی عشر— همچنین خردمندان گفتند آزادی صنعت و تجارت بهتر است

ثانی عشر— از آن زمان در ممالک اروپ دو ترتیب معمول است یکی ترتیب حمایت یعنی از امتعه خارجه حق دریافت کنند و دیگر آنکه معاوضه آزاد باشد یعنی تمامی امتعه خارجه را بگذارند داخل شود و با امتعه داخلی معاوضه نمایند. آزادی معاوضه از سنه ۱۸۴۶ در انگلیس معمول است و در فرانسه از سنه ۱۸۹۲ ترتیب حمایت متداول است

ثالث عشر— بانکها بلیط ترتیب میدهند و بجای پول رد و بدل میشود و به تجار قرض میدهند و انجمن ها برای معاملات ترتیب یافت

رابع عشر— از برای انجام کارهای بزرگ اکسیون (سهام) ترتیب دادند

فصل هشتم

اروپائی در خارج اروپا

۲۱۲ — **انگلیس ها در هندوستان** — هندوستان بچندین مملکت منقسم بود و انگلیس ها تمام آنها را یکی بعد از دیگری در مدت یکصد سال تصرف کردند یعنی از سنهٔ ۱۷۵۶ الی سنهٔ ۱۸۵۶ و مملکتی را که صاحب سیصد ملیون رعیت است مالک شدند هوای هندوستان بسیار گرم و غیر سالم است (وبا از طرف هند میاید) سکونت هند از برای اروپائیها اسباب زحمت است و انگلیس ها جز از برای تجارت و حکمرانی و فرماندهی قشون بهند نمیروند

در ابتدا که آن مملکت را تصرف کردند قشون انگلیسی زیاد نداشتند و از اهالی هند سرباز گرفته فوجهای سپاهی از آنها ترتیب دادند که صاحبمنصبان آنها انگلیس بودند هندوها هنوز مذهب قدیم خودشان را دارند که در آن مذهب گاو را حیوان مقدسی میشمارند و چون دیدند قشلهائی

که انگلیس‌ها استعمال میکنند باروغن و پیه گاو چرب شده است آب...
کینه آنها گردیده شورش کردند و شورش عمومی گردیده زن و مرد
بسیاری از انگلیسان را بقتل رسانیدند و اطفال را باتش سوزانیدند
رئیس شورشیان نانا صاحب بود بعد از آن انگلیس قشون آورد
بر سپاهیان شورشی حمله نموده آنها را اسیر نموده اغلب را بدهن
توپ بست و هند را بکلی تصرف نمود از آن بعد دیگر شورشی از هندیان
سر نزد اهالی هند شروع کرده اند بزبان انگلیسی حرف زدن
و غالباً عادات انگلیسی اختیار کرده اند در سنه ۱۸۷۶ مجلس پارلمان
ملکه انگلیس را امپراطریس هندوستان لقب داد

سؤالات

هند چگونه مملکتی بود و انگلیس در چند مدت آنجا را متصرف گردید - هوای هند
چطور است - در ابتدای تصرف هند از برای انگلیسها چه وقوع یافت
باعث شورش هندوها و سپاهیان هندی چه بود - و بالاخره بکجا منتهی
گردید - حالیه هندیها چه حال دارند

۲۱۲ - روسها در آسیا - روسها از ممالک خود تا جبال
قفقاز پیش آمده و در آنجا متوقف بودند و سرحد ممالک هند انگلیسها

جبال هیمالیا بود در میان روس و انگلیس چند مملکت بزرگ فاصله بود
از قبیل ارمنستان و ایران و افغانستان و ترکستان
از سنه ۱۷۹۹ روسها شروع بتسخیر این ممالک نموده بطرف هند پیش میروند
همچنانکه در ممالک عثمانی بطرف اسلامبول پیش میروند
و انگلیس ها هم در ممانعت روسها از رسیدن بهند اهتمام دارند و همچنین
مانع هستند که روسها قسطنطنیه را متصرف شوند و روس هم اعتنائی
نکرده اتصالا پیش میآید در سنه ۱۸۰۲ روسها مملکت قفقاز را تصرف کردند
و در سنه ۱۸۲۸ یک جزء ارمنستان را مالک شدند در سنه ۱۸۳۸ پادشاه ایران را
محرک شدند که هرات را محاصره کند و انگلیس ها بملاحظه نزدیک شدن
بهند پادشاه ایران را مجبور کردند که از هرات صرف نظر کند و خودشان
دسته قشونی بافغانستان فرستادند
افغانها در ابتدا اظهار اطاعت نمودند و بعد در سنه ۱۸۴۲ شورش نموده
تمام قشون انگلیس را باستثنای یکنفر صاحب منصب بقتل رسانیده
و با وصف آن انگلیسها از این رفتار افغان صرف نظر نموده با آنها دوستی
کردند و پادشاه افغان را مساعدت نمودند تا هرات را گرفت و پس از آن

ثانوی که از سنه ۱۸۷۸ تا سنه ۱۸۸۰ بطول انجامید قرار براین داده شد که یکنفر از طرف دولت انگلیس درپهلوی پادشاه افغان باشد بعد بلوچستان را که درطول دریای عمان واقع شده وهندوستان را از ایران جدا میسازد متصرف شدند

وازانطرف روسها ازسمت شمال پیش آمدند از سنه ۱۸۶۰ تا سنه ۱۸۸۶ تمام ترکستان را گرفتند ودر سنه ۱۸۷۳ مملکت خیوه را بتصرف درآورده در سنه ۱۸۸۴ مرو را مالک شدند آخرالامر روس وانگلیس متفقاً متملکات آسیائی خودشان را درمیانه سرحد قرار دادند ولی تقسیمیکه صرفه روسها بیشتر است وروسها راه آهنی کشیدند که از بحر خزر بسمت هندوستان میرود مملکت ایران مابین متملکات روس ومتملکات آسیائی انگلیس آزاد است ولی روسها امتیاز ساختن راه آهن درطرف شمال وانگلیس ها درسمت جنوب ایران را حاصل کرده اند

ونیز روس ازطرف جنوب سیبری پیش آمده درسنه ۱۸۵۸ دره رود آمور که اراضی آن چهار برابر مملکت فرانسه است از چین گرفتند وبندر ولادی وستک را درساحل اقیانوس کبیر تشکیل نمودند دراه آهنی

از مسکو تا ولادی وستک ممتد ساختند که از شمال آسیا میگذرد چون بخواهند از اروپا بچین و ژاپون بروند از این راه آهن نزدیکتر است

سؤالات

روسها تا کجا پیش آمده و سرحد ممالک هند انگلیسها کجا بود مابین روس و انگلیس کدام ممالک فاصله است. و هر یک از روس و انگلیس در چه امر اهتمام دارند. روسها چه ممالک را متصرف شدند. و پادشاه ایران را بچه کار تحریک نمودند. انگلیس ها در مقابل چه کردند. و در افغانستان چه اقدامی نمودند. افغانها با انگلیس چه رفتار نموده و بالاخره بکجا منتهی گشت روسها ترکستان و خیوه و مرو را در چه سنه متصرف شدند بالاخره اتفاق روس و انگلیس در تعیین سرحدات آسیائی بر چه قرار گرفت. روس چه ممالکی از چین گرفت

۲۱۴ — **مملکت چین** — چین مملکتی بزرگ و بسیار صاحب ثروت جمعیت سکنه آن مملکت تقریباً بچهار صد ملیون میرسد که معادل سکنه تمام ممالک اروپ است محصولات چین برنج و چای و پنبه وغیره است ظروف چینی و ابریشم بسیار در انجا عمل میاورند که تجارت بزرگ با آنها میتوان کرد ولی چینی ها ملل خارجه را دوست ندارند و با هیچ مملکتی و قومی آمیزش نمیکنند بسیاری

از چینی ها کشیدن تریاک عادت کرده اند و انگلیس ها تریاک زیاد بچینی ها میفروختند دولت چین تجارت تریاک را قدغن نمود و در سنه ۱۸۳۹ موازی بیست و دو هزار صندوق تریاک را که کشتیهای انگلیس حمل کرده بودند بدریا ریخت دولت انگلیس بانتقام این ضرر با چین جنگ نموده در سنه ۱۸۴۲ چین را مجبور کرد که پنج بندر از برای تجارت باز نماید و اروپائی ها حق داشته باشند مال التجاره خود را در آنها فرود آورده بچینی ها بفروشند ولی چون چینی ها این معاهده را از روی عنف و اضطرار قبول کرده بودند با مأمورین فرانسه و تجار انگلیس بدرفتاری میکردند بالاخره انگلیس و فرانسه متفق گردیده دو جنگ با چین کردند از سنه ۱۸۵۷ تا سنه ۱۸۶۰ قشون قلیلی از فرانسه که دوازده هزار نفر بوده در پالیکائو چهل هزار نفر سواره تاتار چینی را شکست داده در سنه ۱۸۶۰ داخل شهر پکن شدند و دولت چین چند بندر دیگر از برای اروپائیها مفتوح نمود

سؤالات

چین چگونه مملکتی است جمعیت سکنه آن چقدر است محصولات چین چه

چیز است صنایع چینی ها چیست باعث جنگ انگلیس با چین چه بود – و بالاخره بکجا منتهی گشت. انگلیس و فرانسه با چین چه کردند

۲۱۵– اروپائیها در ژاپون – سابق براین ژاپون نیز مانند چین بر اروپائیها مسدود بود جز آنکه هلاندیها در آنجا یک بندر داشتند در سنه ۱۸۵۸ حکمران ژاپون که در یدو بود معاهده معروف بمعاهده یدو را با آتازونی و روس و فرانسه و انگلیس منعقد ساخت و بموجب آن معاهده اروپائی حق داشت مال التجاره خود را در بندر ژاپون نفروشد از آن زمان ژاپونیها با اروپائیان آشنائی پیدا کردند و تقلید آنها را نموده راه آهن ساختند و مدارس تأسیس نموده تلگراف ترتیب دادند و کارخانجات بخار ایجاد کردند در قشون ژاپون خدمت نظامی اجباریست و قشون بحری ژاپون با قدرت ترین قشونهای بحری عالم است

سؤالات

سابق براین ژاپون چه حال داشت و با کدام دولت معاهده کرده بود
بعد از آن ژاپونی ها چه کردند خدمت نظامی آنها از چه قرار است

۲۱۶ – ژاپونیها و اروپائیها در چین – در سنه ۱۸۹۴ قشون بری و بحری ژاپون بمملکت چین داخل شده چینی ها را در خشکی و دریا شکست دادند دول اروپا بمیان افتاده از چین حمایت نمودند

ولی طایفه ماندارل که حکمران چین هستند از اروپائیها نفرت دارند و آنها را تحقیر میکنند و چون میخواهند مملکت چین برای چینی ها باقی باشد میترسند روپائیها مملکت آنها را ضبط کنند در سنه ۱۹۰۰ متعصبین چین و بکسرها مأمورین مذهبی اروپا را بقتل رسانیدند و سفرای دول اروپا را در پکین محاصره نموده وزیر مختار آلمان را کشتند اروپائیها و ژاپونیها بجهت امداد و استخلاص سفرای خود قشون فرستادند و پانزده هزار قشون ایشان پکین را مسخر نموده سفرای دول را خلاص کردند و شهر را غارت نمودند دولت چین تعهد نمود که باروپائیها خسارت جنگ بدهد دول اروپا و ممالک اتازونی و ژاپون ثروت چین را بردند و در تقسیم آن با یکدیگر اتفاق نمودند ژاپون در سنه ۱۹۰۲ برای ضدیت روسها با انگلیس متفق گردید و با فرانسه نیز اتفاق نمود

سؤالات

ژاپون با چین چه کرد — و دول اروپا چه کردند متعصبین چین با اروپائیها چه کردند — اروپائیها و ژاپونیها در چین چه اقدام نمودند — دول اروپ داتازونی و ژاپون با ثروت چین چه کردند

۲۱۷ — **جنگ روس و ژاپون** — روسها متعهد شده بودند که بعد از ساختن راه آهنی که از وسط مانچوری میگذرد آن مملکت را تخلیه نمایند ولی در وعده خود بمسامحه و طفره گذرانیدند و ژاپونیها چون نمیخواستند روسها بآن اندازه نزدیک آنها باشند سخت برآشفته و در تخلیه مانچوری عجله نمودند در سنه ۱۹۰۴ اغتشاشاً اقدام بجنگ روس نمودند و ابتدا قسمتی از قوه بحری روس را در بندر پرت ارتور که مدخل مانچوری بود نابود ساختند و بعد از یکسال جنگ هولناک چون قشون روس غیر مرتب بود و فرماندهان خوب نداشتند ژاپونیها ایشان را تا آخر خاک مانچوری براندند و پس از مدت هشت ماه محاصره بندر پرت آرتور را تصرف کردند و همچنین قشون بحری جدیدی که روس بدریای ژاپون فرستاده بود درهم شکستند بالاخره روسها مانچوری را تخلیه نموده طالب صلح شدند و ژاپونیها بجای ایشان به بندر پرت آرتور

رفتند. چینی‌ها بعد از آنکه ترقی و غلبهٔ ژاپونیهارا بواسطهٔ علوم و تربیت صحیح ملاحظه نمودند دیگر اهالی مغرب را کمتر تحقیر مینمایند و از علوم اهالی آن کمتر نفرت دارند و مانند ژاپون شروع کرده از برای تعلیم و تعلّم و تربیت بامریک و اروپا میروند

سئوالات

روسها درباب منچوری چه تعهد کرده بودند— دولت ژاپون باروس چه اقدامی نمود بالاخره کار بکجا رسید— علت شکست روس چه بود— چینی‌ها بعد از مشاهده ترقی و غلبهٔ ژاپون چه میکنند

۲۱۸— جلاء وطن چینی‌ها— عده نفوس مملکت چین خیلی زیاد است بحدیکه محصول ممالک چین کفایت مؤنه قوت آنهارا نمینماید و ازاین جهت بسیاری از آنها بعنوان عمله گی در عیتی یا تجارت وغیره از چین جلا نموده بممالک خارج میروند و چون اهالی چین کم خوراک هستند و طاقت سرما و گرما را زیاد دارند و بسیار صرفه جو هستند در همه جا میتوانند زیست نمایند و اجرت از عمله اروپائی کمتر میگیرند راه آهن امریکا را چینی‌ها ساختند و پیوسته در جزایر

آسیائی بتجارت مشغولند.

عده نفوس چینی ها علی الاتصال و در تزاید است و معلوم نیست عاقبت جمعیت آنها بچه اندازه خواهد رسید

سؤالات

باعث جلای وطن اهالی چین بممالک خارجه چیست — اهل چین چگونه مردمانی هستند — عده نفوس آنها از چه قرار است

۲۱۹ — **فرانسه در هند و چین** — مملکت هند و چین مثل هندوستان مملکتی پرثروت و خیز است و در میان چند پادشاه منقسم بود که قشون آنها بسیار بد بود در سنه ۱۸۲۴ یک قسمت از این زمان را انگلیسها تصرف کردند و از طرف فرانسه مأمورین مذهبی بآن مملکت رفته بودند اهالی آنجا چند نفر از مأمورین فرانسه را بقتل رسانیدند دولت فرانسه قشونی بآنجا فرستاده سایگون را ضبط نمود و بعد در سنه ۱۸۶۲ سه ایالت دیگر از آنجا را متصرف شد و از این ایالات مملکت کشنشین تشکیل یافت این مملکت بسیار باثروت است ولی هوای بسیار بدی دارد تونکن در سمت شمال هند و چین است بعد از آنکه فرانسه قشون بری و بحری خود را بآنجا فرستاد

در سنه ۱۸۷۳ تون کن را تقریباً بدون جنگ گرفتند ولی دولت فرانسه از
این فتح و نصرت بهره نبرد و در سنه ۱۸۸۳ دوباره شروع بجنگ نمود
و در این نوبت با قشون چینی طرف جنگ و نزاع گردید زیرا که چینی‌ها
نمیخواستند فرانسه‌ها باین اندازه بآنها نزدیک باشند و بالاخره
در سنه ۱۸۸۵ چینی‌ها قرارداد تیان تسین را دادند و تون کن و اَنام را بفرانسه
واگذاشتند امروز تون کن کشن شین و انام و کامبوج باسم هند
چین فرانسه موسوم و در تحت حکم یکنفر فرمان فرماست فرانسه‌ها
دزدانی که مال التجاره تجار را در عرض راه میبردند از آن مملکت بیرون
کردند در این مملکت برنج و چای و قهوه و نی شکر و پنبه بعمل میاید در سنه ۱۹۰۲
در هانوی که پای تخت تون کن و محل اقامت فرمانفرماست اکسپوزیسیونی
از محصولات هند و چین داده شد از رودهای هند و چین در رود احمر
و تنکنگ بالا رفته بچین رسند فرانسه‌ها اهتمام دارند که از سمت جنوب
چین داخل شوند زیرا که در آن سمت معادن معتبر هست که قابل استخراج است
از سنه ۱۸۸۵ انگلیسها طرف مغرب هند و چین را تصرف کرده و اهتمام
دارند که از رودهای ایراوادی و تنکنگ داخل چین شوند و از این جهت

فرانسه و انگلیس بر سر تصرف تنگک نزاع داشتند تا در سنه ۱۸۹۶ با یکدیگر صلح نموده سواحل رود تنگک را ما بین خود سرحد قرار دادند در جنوب هند و چین در میان متملکات انگلیس و فرانسه مملکت سیام واقع شده که مستقل است انگلیسها و فرانسه ها میخواستند آن مملکت را تصرف نمایند تا در سنه ۱۸۹۳ یک جزو از آن را فرانسه ها بعد از یک جنگ تصرف کردند و از این جهت اهالی سیام با فرانسه بغض دارند و با انگلیس ها اظهار دوستی میکنند

سؤالات

مملکت هند و چین چگونه مملکتی است — انگلیس و فرانسه در آنجا چه اقدام نمودند فرانسه ها بعد از جنگ ثانوی با که طرف نزاع گردیدند و چه شد — در کجا اکسپوزیسیون داده شد — فرانسه ها در چه امر اهتمام داشتند و انگلیسها چه کردند و بالاخره بکجا منتهی گردید — مملکت سیام در کجا واقع شده و اهالی آن با انگلیس و فرانسه چه حال دارند

۲۲۰ — **فرانسه در اسیانی** — در سنه ۱۸۵۳ فرانسه کالدونی جدید را تصرف نمود این جزیره خیلی بزرگ و تقریباً تمامش کویر است ولی هوای آن سالم و خوب است اروپائی ها میتوانند در آنجا

سکنی نمایند دولت فرانسه شهر نومه آرا در این جزیره بنا نمود مقصرین را آنجا میفرستند در سنه ۱۸۷۹ دولت فرانسه جزیره تایتی و جزایر سوسیه ته را ضمیمه متملکات خود ساخت . این جزایر اماکن بسیار خوبی هستند نباتات در آنجا بدون کشت و زرع میروید هوای آنها بقدری سالم است که شب در زیر هوا خوابیدن ممکن است طوایف وحشی که در آنجا ساکن بودند متدرجاً عده نفوسشان نقصان می پذیرد و فرانسه ها در جای ایشان سکنی میگیرند

سئوالات

کالدونی جدید را کدام دولت تصرف نمود — این جزیره چگونه جائی است دیگر دولت فرانسه کجا را ضمیمه متملکات خود ساخت — جزایر تایتی و سوسیه چه حالی دارند طوایف وحشی که ساکن آنجا هستند چه حال دارند

۲۲۱ — انگلیس در استرالی — کمتر از صد سال قبل از این ساکنین استرالی مردمانی وحشی و احمق و فرومایه بودند نه خانه و منزلی داشتند و نه گله و رمه مردمانی صحراگرد و بی فایده بودند در سنه ۱۷۸۷ جمعی از انگلیس با چند نفر مقصر که در تحت محافظت سربازان بودند بآنجا

فرود آمدند و چندراس گاو و گوسفند با خود داشتند و در ملک سیدنی
مأوی گرفتند وسط مملکت استرالی صحرای ریگزار است ولی اماکنی
که نزدیک ساحل است همه چمن و خرم است چندی از ورود انگلیسها
نگذشت که گله گوسفند زیاد بواسطه خوبی آب و هوای آنجا فراهم آوردند
و پوست گاو و پشم گوسفند خود را فروختند و چون هوائی سالم و حاصلخیز
داشت انگلیسها متدرجاً بآنجا آمدند و دولت نیز در عرض پنجاه سال
مقصرین را بآنجا فرستاد تا استرالی صاحب یکصد و پنجاه هزار جمعیت
سکنه گردید

در سنه ۱۸۵۱ معدن طلای معتبری در ایالت ویکتوریا پدید آمد و معدن
چیان بسیار از اطراف بلاد بآنجا روی آوردند و مشغول کار گردیدند
در مدت چهار سال معادل هزار ملیون طلا از معدن مذکور استخراج
نمودند ایالت ویکتوریا که سابق بر این یکصد و هفتاد هزار جمعیت سکنه داشت
امروز ساکنین آن بیک ملیون میرسد

از سنه ۱۸۴۵ مهاجرین و سکنه استرالی نخواستند دیگر مقصر بآنجا فرستاده
شود ولی در هر سال قریب چهل هزار نفر از بلاد و اوطان خود جلای

وطن کرده باسترالی میرفتند بعضی از برای استخراج طلا و بعضی دیگر بجهت تربیت گله و رمه تا جمعیت سکنه آنجا امروز بچهار ملیون میرسد و تمام مملکت استرالی بشش قطعه تقسیم شده در سنه ۱۹۰۱ این شش قطعه با یکدیگر متحد شده و جمهوری استرالی را تشکیل داده

زلاند جدید مملکت کوهستانی قشنگی است و صاحب رودخانه است در سنه ۱۸۴۲ که هنوز زلاند بتصرف انگلیس درنیامده بود چند نفر فرانسوی بآنجا رفته ساکن شده ولی بعدها جمعیت انگلیس درآنجا بیشتر جمع گردیده و زلاند ضمیمه ممالک انگلیس گردید و سکنه آنجا امروز هشتصد هزار نفر است

سؤالات

صد سال قبل از این ساکنین استرالی چه حال داشتند - انگلیسها اول بچه ترتیب بآنجا رفتند و درآنجا چه کردند آب و هوا و حال اراضی استرالیا چه قرار است جمعیت سکنه آن چقدر است در ایالت ویکتوریا چه چیز پدید آمد و باعث چه چیز گردید - سکنه استرالی امروزه چقدر و بچند ایالت تقسیم شده زلاند جدید چگونه مملکتی است و کدام طایفه اول متصرف شده جمعیت سکنه زلاند امروزه چقدر است

خلاصه که باید از برنامه

اولا از سنه ۱۷۵۷ الی سنه ۱۸۵۶ انگلیسها هند را متصرف شدند و در سنه ۱۸۵۷
سپاهیان هندی که هندو و مذهب بودند شورش نموده انگلیسها را
بقتل رسانیدند و دولت انگلیس با قوه قشون آنها را مقهور ساخته هندوستان را
مالک شد

ثانیاً ـ از سنه ۱۷۹۵ روسها علی رغم انگلیس ها که بلوچستان را متصرف شده
بودند بممالک آسیا آمده بسمت هند بنای پیش رفتن را گذاشتند
و در سنه ۱۸۶۰ ترکستان را مسخر ساخته در سنه ۱۸۷۳ خیوه را مالک شدند
و در سنه ۱۸۵۸ دره عظیم رود آمور را از چینی ها گرفتند و راه آهن وسط
سیبری را از وسط مانچوری گذرانیدند ولی در سنه ۱۸۰۵ از ژاپونیها شکست
یافته مجبور شدند مانچوری را تخلیه کنند

ثالثاً ـ مملکت چین که زیاده از چهار صد ملیون جمعیت سکنه آن است
سابقاً از راه دادن خارجه مملکت خود امتناع داشت دولت انگلیس
از برای تریاک با او جنگ نمود و از سنه ۱۸۳۹ الی سنه ۱۸۴۲ فرانسه و انگلیس

متفقاً با چین جنگ نموده بعد از فتح کالی کائو در سنه ۱۸۶۰ داخل پکن شده
دولت چین مجبور گردید که چند بندر از برای تجارت اروپائی باز کند در سنه ۱۸۹۴
ژاپون چین را مغلوب ساخت و در سنه ۱۹۰۵ اروپائیها یاغی گری بکسر ها را
رفع نمودند و چینی ها قلباً از اروپائیان نفرت دارند

رابعاً - عده زیاد از چینی ها برای عمله گی و تجارت جلای وطن کرده بامریکا
و آسیائی میروند

خامساً - ژاپون نیز مدتها برروی اروپائیها مسدود بود در سنه ۱۸۵۸ مفتوح
گردید ژاپونیها شروع بتقلید اروپائیها نمودند

سادساً - در سنه ۱۸۵۳ فرانسه کالدونی جدید را تصرف کرده و مقصرین را
بآنجا فرستاد و در سنه ۱۸۷۹ جزیره تاهیتی را تصرف نمود

سابعاً - از سنه ۱۸۶۲ الی سنه ۱۸۶۷ فرانسه کشنشین را مفتوح ساخت و از سنه ۱۸۷۳
الی سنه ۱۸۸۳ تونکن را مفتوح ساخته آنام و کامبوج را در تحت حمایت خود در آورد
و اکنون صاحب مملکت هند و چین است

ثامناً - انگلیس در سنه ۱۷۸۸ باسترالی مهاجرنشین فرستاد و مهاجرین او بواسطه گله‌داری
و معدن طلا صاحب ثروت زیاد گردیدند و تا سنه ۱۸۴۰ جمعیت سکنه آنجا از مقصرین
تشکیل شده بود ولی اکنون انگلیسها از انگلیس جلای وطن کرده بآنجا میروند و تصادفاً عده
آنها زیاد میشود - تاسعاً - از سنه ۱۸۴۲ انگلیس زلاند جدید را مهاجرنشین قرار داد

فصل نهم

اروپائیها در افریقا و امریکا

۲۲۴ — **فرانسه در افریقا** — در سنه ۱۸۳۰ فرانسه‌ها الجزیره را متصرف شدند و بعد تمام الجزیره را مسخر ساختند در این مملکت قبایلی ساکن بودند که کار ایشان زراعت بود و بعضی اعراب که شغلی جز جنگ نداشتند فرانسه‌ها تمام ایشان را باطاعت آورده زراعت گندم بایشان آموختند و تاک انگور غرس نمودند و بنای شهر نهاده آنرا مملکتی فرانسوی کردند از سنه ۱۸۵۵ الی سنه ۱۸۶۰ فرانسه‌ها مهاجرنشین سنگال را تأسیس نمودند این مملکت هوائی بسیار گرم و غیر سالم دارد فرانسوی نمیتواند در آنجا زندگانی کند ولی تجار زیاد بآنجا میروند و تجارتهای با فایده میکنند بعلت اینکه مملکتی با تمول است جمعی از صاحبمنصبان از سنگال عزیمت نموده شهر تمبکتو را که در کناره رود نیجر بود متصرف کردند در سنه ۱۸۹۸ یکنفر غیر نظامی دریاچه چاد را متصرف گردید که در طرف جنوب صحرا واقع شده در سنه ۱۹۰۰

فلاماند نام از دانشمندان فرانسه شهری که در وسط صحرا واقع است تصرف
نمود در سنه ۱۸۸۲ فرانسه تونس را که با لجزیره متصل است تسخیر نمود و از
جانب خود وکیل و حامی در آن مملکت برقرار نمود مملکت تونس از
الجزیره حاصل خیزتر است فرانسه ها در آنجا درخت مو کاشتند
و راه آهن ساختند و در بیزرت بندر بزرگ نظامی بنا کردند
مملکت الجزیره و مراکش در تحت حکومت سلطانی درآمده بود که قدرت
استقرار نظم را در آن مملکت نداشت فرانسه با انگلیس و اسپانی
متفق گردیدند که رفرم لازمه را در آنجا معمول دارند
در سنه ۱۹۰۶ آلمانی محرک شد که مجلس بین المللی در الجزیره تشکیل شود
و در آن مجلس فرانسه و اسپانی مامور گردیدند که مالیه و پلیس مراکش را
منظم نمایند در سنه ۱۹۱۲ فرانسه ها حمایت خودشان را بر روی
مراکش انداختند باستثنای چند نقطه که در تحت حمایت اسپانی درآمد
بود و این معنی بر حسب رضایت و امضای دول بزرگ اروپا
بود فرانسه ها در ساحل خلیج گینه بعضی امکنه تجارت داشتند
بهانزیم پادشاه داهومی دهات فرانسه را غارت کرد و رعایای

آنها را اسیر نموده منهدم ساخت   دولت فرانسه سه هزار نفر با تجا
فرستاده پای تخت دهم را تصرف کرد و پادشاه را گرفتند
از سنه ۱۸۹۲ الی سنه ۱۸۹۳ مملکت دهم جزو فرانسه بود
داخله افریقا سابق بر این بکلی مجهول بود مکتشفین اروپا اهتمام نموده
داخل آن شدند و آن مملکت را معروف ساختند
در سنه ۱۸۸۶ الی سنه ۱۸۸۹ یکنفر امریکائی ستانلی نام از تمام اراضی
واقعه افریقای مرکزی عبور نموده از مصب رود کنگو تا زنگبار
سیاحت کرد و معلوم نمود اینکه که آب آنها رود کنگو میریزد مملکتی
حاصل خیز است و سیاهانی که در آنها سکنی دارند از روی میل
و رغبت با اروپائیان معامله و داد و ستد مینمایند پارچه های پنبه
و گلوبند شیشه و تفنگ از اروپائیان خریده در عوض صمغ و عاج
و خاک طلا بایشان میدهند و همچنین انگلیس و فرانسه و آلمانی اهتمام
نمودند که در افریقای مرکزی پست ها بجهت تجارت برقرار کنند
در سنه ۱۸۸۵ در برلن مجلسی تشکیل یافت و مملکت آزاد کنگو را هم که عبارتست
از تمام اراضی مشروبه از کنگو به لئوپلد دویم پادشاه بلجیک واد

ولی چون مملکت شمالی رود کنگو توسط عده از قشون فرانسه که
فرمانده آن ساورنیان برازا بود اکتشاف شده بود مجلس برلن آن
مملکت را کنگوی فرانسه خواند

از این قرار دامنه مهاجرنشین فرانسه در افریقا از الجزیره تا اکوآتر
امتداد یافته در سنه ۱۹۰۰ مأمورین فورلا از شمال بجنوب طی مسافت
میکردند و از الجزیره حرکت کرده از وسط صحرا عبور مینمودند تا
به لاک چاد رسیده از کنگوی فرانسه مراجعت میکردند

در مشرق افریقا در ساحل خلیج عدن بندر ابک و جیبوتی از
متملکات فرانسه است

در میانه متملکات فرانسه یعنی مابین کنگو و خلیج عدن مملکت علیای
نیل واقع شده در سنه ۱۸۹۶ مارشان فرمانده بحکم وزیر متملکات از
کنگو حرکت کرده از جنگلهای مرکز افریقا عبور نمود که در آنجا سیاهان
آدم خوار هستند و در ماه ژوئیه سنه ۱۸۹۸ بفاشودا که در کنار رود نیل
واقع شده متصل گردید در آن وقت انگلیسها بر متمهدی سودانی
ظفر یافته از سمت نیل بطرف بالا رفته و بفاشودا رسیده بودند در سنه ۱۸۹۸

وادعا نمودند که تمام مملکت نیل متعلق بانگلیس است و از مارشان تقاضا
نمودند که فاشودا را ترک نماید و گفتند در عوض آن تمام زمینهای
طرف مغرب شعبه های رود نیل متعلق بفرانسه باشد در سنه ۱۸۹۹
جزیره ماداگاسکار که قدری از مملکت فرانسه بزرگتر است با مقداری
فاصله در طرف مشرق افریقا واقع است از زمان لوئی سیزدهم تجار فرانسه
در آنجا برقرار بودند در قرن نوزدهم دعات انگلیس ملکه طایفه
هواها را بمذهب عیسوی درآوردند و طایفه هواها هم دعاتی جنگی هستند
که ماداگاسکار را تصرف کرده اند انگلیسها ایشان را برانگیختند تا
تجار فرانسه را غارت کردند دولت فرانسه بجهت دفع اذیت تجار خود
مقداری قشون بحری بآنجا فرستاد و بندر تماتاو را بمباردمان کرد
ملکه هواها بندر دیگو سوارز را بفرانسه ها واگذاشت و بایشان اجازه
داد که در پایتخت یعنی تاناناریو یکنفر نماینده از جانب دولت فرانسه
برقرار باشد مطابق سنه ۱۸۸۵

ولی ملکه هواها بآنچه متعهد شده بود وفا ننمود و در سنه ۱۸۹۵ دولت
فرانسه پانزده هزار قشون بماداگاسکار فرستاد آب و هوای این جزیره

در سواحل تقدری غیر سالم است که بسیاری از قشون فرانسه از تب تلف شدند و با وصف این ما بقی قشون مزبور تاناناریو را تصرّف کردند ملکه هوا متواری گردیده ماداگاسکار بکلّی مهاجرنشین فرانسوی گردید فرانسه ها خرید و فروش غلام را در آنجا منسوخ کردند و زراعت برنج و نی شکر را افزودند و از جنگلهای آن کائوتشوک و گلاستیک بعمل آوردند و راههار ساخته خط آهن کشیدند بندر نظامی دیه گ سوارز در ساحل آدانوغس هند و مشرف بر راه کاپ است و کاپ مهاجرنشین هند انگلیس است

یکنفر فرانسوی موسوم بفردیناند لسپ کانال سوئیس را کند که از آنجا مستقیما بهند و چین میروند بدون اینکه دور افریقا کردند

سؤالات

فرانسه ها الجزیره را در چه سنه متصرّف گشتند — در آن مملکت چه قبایلی ساکن بودند — فرانسه ها مهاجرنشین سنگال را در چه سنه تاسیس کردند — آب و هوای آنجا چطور است — صاحبمنصبان از سنگال بکجا عزیمت کردند — در چه سنه فرانسه تونس را مسخر ساخت و

در آنجا چه کرد — فرانسه با انگلیس و اسپانی در باب آنجزیره و مارک چه اتفاق نمودند — آلمانی در خصوص مراکش چه چیز را محرک شد — فرانسه با مراکش چه حال حاصل نمود — پادشاه و هم بادهات فرانسه چه کرد و فرانسه چه اقدام نمود — داخلهٔ افریقا سابق براین چه حال داشت ستانلی امریکائی چه کرد — سیاهان سکنهٔ آنجا با اروپائیان چه حال دارند و چگونه معامله میکنند — انگلیس و فرانسه و آلمانی در افریقای مرکزی چه اهتمام ورزیدند — مجلس برلن مملکت کنگو را بکه داد — در سنه ۱۹۰۰ مأمورین فورلا از کجا بکجا طی مسافت میکردند — در میان مستملکات فرانسه چه ملکی واقع شده — مارشان فرمانده از کجا حرکت نموده بکجا رسید و انگلیسها در آنوقت چه کردند — جزیره ماداگاسکار در کجا واقع شده و دعات انگلیس با ملکه هوا چه کردند — طایفهٔ هوا با تجار فرانسه چه رفتار نمودند و دولت فرانسه چه کرد — ملکهٔ هوا متعهد چه مطلب گردید و چه کرد و بکجا منتهی شد فرانسه ها در آنجا چه اقدامات کردند — بندر دیگو سوارز در کجاست — کانال سویس را که حفر نمود

۲۲۳ — **انگلیس ها در افریقا** — انگلیس ها در ساحل

کیسه و در عدن و نزدیک مدخل بحر احمر (دریای قلزم) برقرار کردند

و در جنوب افریقا مهاجرنشین دماغه را از هلاندیها گرفتند در سنه ۱۸۱۵

بعد از آن از دماغه حرکت کرده اهتمام نمودند که دامنه اقتدار خود را

بطرف شمال وسعت دهند در سنه ۱۸۹۰ پرتوکالیها را مجبور کردند که زامبزرا

بآنها واگذارند   در میان دماغه و زامبز جمهوریهای ترانسوال و اورانژ

بود که بورها مسکن داشتند و رعیتهائی بودند که بتربیت مواشی و احشام

مشغول بودند   اصلاً این جماعت از اولاد برزگران هلاندی و پروتستانهای

فرانسه هستند که عهدنامه نانت را مخالفت نموده از اوطان خود خارج

شدند   چندین نوبت انگلیسها خواستند ممالک ایشان را تصرف نمایند

ولی از عهده آنها برنیامده مغلوب گردیدند   و مجبور شدند بورها را

آزاد بشناسند

در سنه ۱۸۹۹ بورها ملاحظه نمودند که انگلیس قشون زیاد بدماغه میفرستد

و از این معنی مضطرب گردیدند   بالاخره جنگ مابین ایشان درگرفت

و مدت دو سال طول کشید   بورها سردارهای قابل و رشید داشتند

از قبیل ژوبرت و کرنژ و دو ودلارو بوتا و بسیاری از انگلیسها

بقتل رسانیده و بعدها بورنشستین کاپ آنرا از قید انگلیس مجبور گردیده دویست
هزار قشون با بهترین سردارهای خود بجنگ ایشان فرستاد عده بورها
بسیار کم بود و انگلیسها زراعت آنهارا تلف نموده زنان و اطفالشانرا
اسیر و در اردوهای خود حبس میکردند که در آنجا هزارها از ایشان میمردند
بالاخره بورها مجبور بصلح گردیده در سنه ۱۹۰۲ از آزادی خودشان
دست برداشتند امروز انگلیس تمام ممالک جنوب افریقا را از کاپ
تا زامبزی مالک است در طرف شمال دره نیل را متصرف شده و
شروع نموده راه آهنی از وسط افریقا بسازد که امتداد آن از
کاپ تا قاهره باشد در افریقای شرقی بجز یک نفر شاهزاده آزاد
باقی نمانده و او منیلک پادشاه حبشه است در سنه ۱۸۹۶
سلطان حبشه ایطالیائیها را در ساحل بحر احمر شکست داد زیرا که ایطالیائیها
میخواستند از مصر خود پیش رفته تسخیر نمایند اما با وصف این پادشاه
حبشه با سایر اروپائیان که بمملکت او میروند کمال خوشرفتاری را
دارد و بعضی از اهل اروپا طرف مشورت قرار داده از ایشان سخن میشنود
دارد و خیال دارد اجازه بدهد که فرانسه ها راه آهنی از جیبوتی

تا پایتخت او بکشند

سؤالات

انگلیسها در چه مکان از افریقا در ابتدا برقرار گردیدند وبعد از آن چه کردند — در جمهوریهای ترانسوال واورانژ چه اشخاص ساکن بودند و اصل ایشان از کجا بود جنگ انگلیس با بوئرها چقدر طول کشید وبالاخره دولت انگلیس چه اقدامی نمود — اردوی انگلیس در افریقا از کجا تا کجا امتداد یافت سلطان حبشه با ایطالیائیها چه کرد در رفتار او با سایر اروپائیان چگونه است

۲۲۴ — آمازونی — آمازونی قسمتی بزرگی است که از چند مملکت تشکیل یافته در [illegible] آن سیزده مملکت وجمعیت سکنه آن زیاده از سه میلیون نبود

تمام اراضی ما بین میسیسیپی واقیانوس کبیر مرغزارهای سبز وچمنهای خرم بود وگله‌های گاو کوهی در آنها میچریدند وطوائف وحشی نیز ساکن بودند ولی چون این اراضی حاصلخیز بود بزودی گروه اهل زراعت بسیار بدانجا رفته مشغول زراعت شدند وچندین شهر بزرگ در آن مملکت بنا کردند

در سنه ۱۸۴۹ در کالیفرنی جدید که اراضی آن تقریباً بیابان است معدنهای
طلا کشف شد و در جستجوی طلا از هر سوی رو بدانجا در تکاپو آمدند
تا کالیفرنی جدید مملکتی گردید صاحب یک ملیون و پانصد هزار جمعیت و
راه آهن بزرگ اقیانوسی در آن ساختند که از تمام امریکای شمالی
میگذرد و با آن از نیویورک در ساحل اقیانوس بسان فرانسیسکو
در ساحل اقیانوس کبیر در مدت هفت روز طی مسافت میکنند
امروزه آتازونی عبارت از چهل و پنج مملکت و هشتاد ملیون جمعیت است
و همه ساله تعداد زیادی از اروپائیها مهاجرت کرده بامریکا میروند
از سنه ۱۸۲۰ تقریباً هشت ملیون بر جمعیت سکنه آنجا افزوده شده است
ولی امروز دیگر کمتر باتازونی مهاجرت میکنند زیرا که مثل سابق تحصیل ثروت
در آنجا آسان نیست ممالک آتازونی هفده برابر مملکت فرانسه است و
هنوز اراضی لم یزرع در آنجا زیاد است
در خاک آتازونی معدن ذغال سنگ زیاد است که مهم ترین معادن
عالم است امریکائیها ذغال را بجهت حرکت ماشینها بکار برده فایده
تجارتی زیاد حاصل کرده

از برای ساختن و فروختن امتعه کمپانیهای بزرگ صنعتی و تجارتی
تشکیل دادند که آنها را تروست بنامند مقصودشان آنستکه محصولات
خود را بسایر ممالک امریک بفروشند و آنها را از محصول و متاع
اروپ مستغنی سازند میگویند اروپائی نباید مداخله در امریکا داشته
باشند و این معنی از کلام منرا ماخوذ است که گفته د امریکا مخصوص
امریکائیان است الخ

و نیز مدعی هستند که آنچه در اقیانوس هند است باید در تصرف ایشان
باشد فرانسه ها میخواستند کانال پاناما را در امریکای مرکزی حفر نمایند
از برای اینکه اقیانوس کبیر را با اقیانوس اطلس اتصال دهند ولی
نتوانستند از عهده برآیند اما امریکائیها هنوز در این عزم هستند
در سنه ۱۸۹۸ امریکا با اسپانی جنگ نمود از برای اینکه او را مجبور کند تا از
جزیره کوبا دست بردارد و آنجا آزاد شد بلکه بعد از این جنگ اسپانیولها
مجبور شدند جزیره پرتریک که در آنتیل ها واقع است بامریکا واگذارند
و همچنین ارشیپل ز دسته جزیره ها فیلیپین که در اقیانوس کبیر مجاور
چین میباشد فرانسه ها طبعاً دوست امریکائیها هستند بجهت اینکه

امریکا هم مانند فرانسه جمهوریت و دیگر آنکه فرانسه ها در قرن هیجدهم اهل امریکا را کمک نمودند تا آزادی خودشان را بدست آورند

سؤالات

آتازونی در ابتدا چند مملکت و عده سکنه آنجا چه مقدار بود — چه واقع شد که آبادی آن اراضی فزونی گرفت — امروزه عده ممالک متحده و جمعیت سکنه آنها چند است — در آتازونی کدام معدن مهم فراوان بدست و با آن چه میکنند — مقصود اهالی آتازونی چیست و چه میگویند — فرانسه ها در آنجا چه خیال داشتند — امریکا با اسپانی از برای چه جنگ نمود و بکجا منتهی گردید

۲۲۵ — کانادا — در سنه ۱۷۶۳ انگلیسها کانادا را از فرانسه ها گرفتند در حالی که جمعیت فرانسویان ساکنین آنجا شصت هزار نفر بود و امروزه عده نفوس ایشان دو ملیون است کانادای سفلی بکلی مسکن فرانسویان است که مذهبشان کاتولیک و با زبان فرانسه حرف میزنند و در آکادی هم صد هزار فرانسوی

هست که از دویست سال قبل از نسل برزگرهای فرانسه بوجود آمده اند

سؤالات

کانادا سابقا چقدر جمعیت داشت — واکنون جمعیت آنجا چقدر است

۳۲۶ – **مکزیک** — ساکنین مکزیک کاتولیک مذهب هستند و با زبان اسپانیولی حرف میزنند در این مملکت از نژاد اسپانیولین قدیم هشتصد هزار نفر بیشتر نیست باقی اهالی مکزیک از نسل هندیهای قدیم هستند مدتی بواسطه جنگهای داخلی روابط اتحاد بین طوایف مکزیک قطع شده بود تا در سنه ۱۸۶۴ ناپلیون سیم مکزیک را تصرف نمود و امارت آنجا را بیکی از شاهزادگان اطریش موسوم به ماکزیملین داد و او مدتی امپراطور مکزیک بود تا هنگامیکه مکزیکی ها در سنه ۱۸۶۷ سربازان فرانسه را بکمک خود طلبیدند ماکزیمیلین را گرفته تیرباران کردند و مکزیکی ها جمهوری خود را برقرار نمودند امروز مکزیک مملکتی آرام است و مکزیکی ها تجارت های عمده با اتازونی دارند و مملکت ایشان بتوسط دو خط آهن با اتازونی و مملکت

سؤالات

ازاهالی کرینلند چه حرف میزنند تا چه اندازه با آمریکا تجارت دارند کرینلند چه دارد و کجا است

کرینلند با کجا تجارت و معامله دارند

۲۲۷ — جمهوری آرژانتین — جمهوری آرژانتین مملکتی است که جلگه های وسیع دارد و بیشتر اغلب آن جلگه ها چمن و مرغزار است که آنها را پامپا گویند گله های بزرگ از گاو و گوسفند در آنجا تربیت میکنند سکنه آن مملکت کاتولیک مذهب اند و بالغت اسپانیولی حرف میزنند اصلا از نسل اسپانیولیان قدیم هستند از ده سال قبل از این اتفاقاً اهالی اروپا بآنجا هجرت میکنند یعنی اقلاً در هر سال یکصد و چهل هزار نفس میشوند که نصف آنها ایطالیائی هستند بسیار هم فرانسوی اند بخصوص از طوایف باسک جمهوری آرژانتین امروز چهار ملیون جمعیت دارد

سؤالات

جمهوری آرژانتین چگونه مملکتی است سکنه آن چه مذهب و زبانی دارند

آیا از اروپا کسی بآنجا هجرت مینماید

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً — از تاریخ ۱۸۳۰ دولت فرانسه الجزایر را مسخر ساخت و از آن
بعد ولایتی فرانسوی گردید
و در سنه ۱۸۵۵ الی ۱۸۶۰ سنگال را مسخر ساخت که مملکتی ثروت خیز است
ولی هوائی غیر سالم دارد
و در سنه ۱۸۸۲ تونس را تسخیر نمود و در سنه ۱۸۸۵ کنغوی فرانسه را متصرف شد
و در سنه ۱۸۹۳ دهومه که در ساحل گینه واقع است مالک شد
و در سنه ۱۸۹۵ ماداگاسکار را بحیطه تصرف درآورد
و در سنه ۱۸۹۸ لاک (دریاچه) چاد را مالک شد
و در سنه ۱۹۰۰ جزایر صحرا را مفتوح ساخت و همچنین تمام اراضی واقعه
در مغرب و دنیل در ملکیت فرانسه میباشد
ثانیاً — انگلیس در سنه ۱۸۹۵ کاپ (دماغه) را و سواحل گینه و عدن را
تصرف نمود در سنه ۱۸۹۰ زانزبار را تسخیر کرد و پس از جنگ دو ساله ترانسوال
و اورانژ را متصرف شد مستملکات انگلیس در افریقای شرقی از کاپ تا قاهره ممتد است

ثالثاً — اتازونی که در سنه ۱۷۸۳ بیش از سیزده مملکت و سه ملیون نفوس نداشت امروز صاحب چهل و پنج مملکت و هفتاد ملیون سکنه میباشد در کالیفرنی معادن طلا کشف شد و راه آهن از اقیانوس کبیر کشیده از وسط تمام امریکای شمالی عبور میکند

اشخاصی که از اروپا جلای وطن میکنند بسیاری با تازونی میآیند خاصه از ایرلاندیها و المانیها امروزه اتازونی ادعا میکند که هرآنچه در اقیانوس کبیر واقع است مخصوص من است

رابعاً — کانادا که در سنه ۱۷۶۳ شصت هزار جمعیت داشت امروزه دو ملیون سکنه دارد که غالباً فرانسوی و در تحت حکومت انگلیس هستند در امریکای شمالی وحشیان بومی تقریباً همگی تمام شده اند

خامساً — ساکنین مکزیک مخصوصاً از نژاد قدیم هندی هستند و پس از جنگهای طولانی داخلی در سنه ۱۸۶۳ ناپلئون سیم مکزیک را مسخر ساخت و آنجا امپراطورنشین گردید ولی مجدداً در سنه ۱۸۶۷ جمهوری شد

سادساً — جمهوری آرژانتین که جزء اعظم او صحرا و بسیار حاصلخیز است سکنه آن اسپانیولی هستند ولی بسیاری از ایطالی و فرانسه از وطن خود جلا نموده بآنجا آمده اند

ماحصل کتاب چهارم

اولاً — در قرن نوزدهم چیزهای عمده مهم بسیار پیدا شد که در هیچ عصری پدید نشده بود

ثانیاً — علم سبب گردید که بسی چیزها بیش از قدیم الایام بدست آید چنانکه ماحصل زحمت خود را از یکطرف دنیا بطرف دیگر آن حمل نمودند و طوایف و اراضی جدیده در امریکا و استرالیا پیدا شد و اروپائیان صاحب و مالک آنها گشتند

ثالثاً — مردم از سابق آزادتر گردیدند و دول مستبده قدیم از میان رفت سوای روس و آلمانی و بجز این دو دولت تمام اهل اروپا خودشان بحکومت ممالک خود مشغول اند

رابعاً — بسیاری از ملل از یکدیگر جدا و متمایز گشتند

خامساً — بدبختانه در همان زمان قشونهای بزرگ تشکیل یافت پروس و اطریش و روس بر آزادی ملل فشار وارد آوردند و ملتی را تقسیم کردند دولت پروس بر آزادی ملت فشار آورد و بدون رضایت اهالی [illegible] ناحیه‌های پیوسته شلسویک و الزاس لرن ها را بخود منضم ساخت پس از روی تشخیص و تعیین حدود ملی امید صلح کلی در اروپا داشت

سادساً — اروپ یک جزء کوچکی از تمام عالم است در آسیا و استرالیا و افریقا ممالک بزرگتر و حاصلخیزتر بدست مردمان اروپ چه این ممالک را مهاجر نشینها تسخیر نموده اغلب اهتمام دارند که مهاجر نشین های خود را وسعت بدهند و در مهاجر نشینهای فرانسه از برای نژاد اروپا خیلی مکان باقی است

بسمه تبارک و تعالی

رجوع اجمالی بتاریخ هر مملکت

١ـ شمال افریقا ـ مصر ـ در حوالی قرن ششم قبل از مسیح در تصرف کارتاژ درآمد و بعد رمنها در سنه ١٤٦ قبل از مسیح آنجارا تسخیر کردند در سنه ٤٣٠ تسخیر واندالها گردید که مملکت واندالرا درآنجا تشکیل دادند ـ و بعد از آن ژوستینین امپراطور رم شرقی آنجارا متسخر ساخت در قرن هفتم مسیحی عربها آنجارا متصرف شدند و دین اسلام را در او منتشر ساختند در قرن پانزدهم ترکها ز عثمانیان آنجارا گرفتند از سنه ١٨٣٠ فرانسه الجزایررا مسخر نمود و در سنه ١٨٨٢ تونس را متصرف گشت

٢ـ آلمانی ـ اهالی آن ژرمن بودند رمنها آلمانهارا تسخیر نکردند اهالی آلمان مملکت رم را در قرن چهارم مسیحی فرا گرفتند ژرمانیها که در آلمان باقی مانده بودند یک جزء آنها تابع مردزیها شدند وآئین عیسوی قبول کردند تسخیر مملکت آلمانی بر دست طوایف گا

لوثرها انجام یافته و ایشان در آلمان و فرانسه و ایطالی حکومت میکردند تا زمان وردون در سنه ۸۴۳

و بعد از آن مملکت آلمانی پادشاهان مختلف از طوایف مختلف پیدا کرد که همگی لقب امپراطوری داشتند و این معنی از زمان اطن بود در سنه ۹۶۳ الی زمان فرانسوا ژزف در سنه ۱۸۰۶

المانی در تحت رایت امپراطورهای خود از قرن دهم و یازدهم و دوازدهم سخت با قدرت بود ولی در قسمت قرن سیزدهم ضعیف گردید و بچندین پادشاه نشین کوچک تقسیم شد و در ایام جنگهای صلیبی ساحت آن مملکت از فرانسه کمتر بود و بعد از آن در جنگهای پاپها با امپراطورها کلیه مسخر گردید و از ابتدای قرن پانزدهم رفته رفته تسلط امپراطورها کم شد و امپراطور از خانواده اطریش منتخب گردید در آنوقت تسلط سلطنت در آلمان کمتر از اوقات دیگر بود در سنه ۱۵۱۹ شارلکن بامپراطوری آلمان منتخب شد و آلمان مشغول جنگ با فرانسه بود تا زمان استعفای شارلکن در سنه ۱۵۵۶ رفرم را در آلمان لوتر عنوان کرده آن مملکت بدو قسمت بزرگ منقسم گشت که یک قسمت کاتولیک مذهب و قسمت دیگر پروتستان یعنی پروتستانها

بمعاونت فرانسه در سنه ۱۵۵۵ تحصیل آزادی عقیده نمودند و چون امپراطورها
خواستند این آزادی را از ایشان بگیرند شاهزادگانی که پروتستان
بودند بنای شورش گذاشتند و جنگ سی ساله عبارت از همین است
که از سنه ۱۶۱۸ الی سنه ۱۶۴۸ ممتد بود امپراطورهای آلمان از شاهزادگان
کاتولیک مذهب آلمان و اسپانیول حمایت نمودند ولی چون پادشاه
سوئد و فرانسه از پروتستانها حمایت میکردند ایشان غالب آمده امپراطورها
شکست میخوردند و چون معاهده وستفالی را انجام یافت زیاده از سیصد
شاهزاده آلمانی بسلطنت مستقل گشتند

در قرن هفدهم اغلب شاهزادگان آلمان در دشمنی لوئی چهاردهم با
امپراطور متفق و مستقل شدند

در قرن هیجدهم آلمان میدان چندین جنگ واقع شد و پروس با امپراطورها
جنگ نموده غنیمت با او بود در جنگهای شورش که آلمانیها با امپراطور
و پادشاه پروس کردند ملل آلمان با یکدیگر متفق و متحد گردیدند و ایالت
رن از آلمان مجزی شده بجمهوری فرانسه ملحق گشت ناپلیون بواسطه
فتوحات پی در پی آلمان را منقلب ساخت در سنه ۱۸۰۵ فرانسوا ژزف در

استرلیس مغلوب گردیده لقب امپراطوری آلمان از وسلب شد و با امپراطور اطریش ملقب گردید و در آن وقت دول متحابه از ملل آلمانی تشکیل یافت ولی اطریش و پروس از آنها جدا بودند و ناپلیون خود را حامی دول متحابه اعلام نمود در سنه ۱۸۱۳ آلمان بر فرانسه شورش نمودند بعد از خرابی کار ناپلیون بر حسب عهدنامه وین مملکت آلمان به دول متحابه مرتب گشت و رئیس آنها امپراطور اطریش بود مملکت آلمان بجای سیصد دولت بسی و پنج قسمت تشکیل یافت

از سنه ۱۸۱۵ الی سنه ۱۸۴۸ در حالیکه تمام آلمان در اطاعت سی و پنج شاهزاده بودند از جانب هر یک از شاهزادگان سفیری مأمور گشته از کلیه ایشان مجمعی تشکیل شد که محل آن در فرانکفور سور لِ مِن بود وطن خواهان آلمان طالب اتحاد آلمان و آزادی خودشان بودند ولی هیچکدام را نتوانستند تحصیل نمایند در سنه ۱۸۴۸ اهالی آلمان شورش نموده وکلائی تعیین کردند که در فرانکفور جمع شوند و یک مملکت آلمان و احدی تأسیس نمایند ولی کسی زیر بار امپراطور شدن نرفت و بعد شاهزادگان آتش شورش را خاموش ساختند در تمام آن اوقات پروس با اطریش مشغول نزاع

بوزند هر یک میخواستند بر دیگری تفوق و برتری داشته باشند در سنه ۱۸۶۶
مابین پروس و اطریش جنگ درگرفت و بالاخره پروس غالب گردید
و اتحاد قدیمی منحل گشته دو معاهده جدید منعقد شد یکی معاهده آلمان
شمالی در تحت استیلای پروس و دیگر معاهده آلمان جنوبی ولی اطریش از
این هردو معاهده خارج افتاد
در سنه ۱۸۷۰ در جنگ آلمان با فرانسه آن دو معاهده یکی و متفق گردید و بعد از
آنکه بر فرانسه ظفر یافتند شاهزادگان آلمان پادشاه پروس را امپراطور
کل آلمان اعلام کردند در سنه ۱۸۷۱

۳ - انگلیس — سکنه اولیه انگلستان جمعی از سلتگان و شعبه ای
طایفه گل بودند و در آن وقت آن مملکت را برطان مینامیدند و بعد رومیها
آن مقطع را منها بودند بعد از آن ژرمانیان این مملکت را فرا گرفتند در
قرن ششم میلادی طایفه انگل و ساکسون در آن قسمت آمدند و در آن وقت
آن مملکت به انگلتر نامیده شد ایرلاند و اکثر جزو انگلتر بود و انگلتر به هفت
پادشاه نشین منقسم بود که در هر یک از آنها طوایف انگل ساکسون برقرار بودند
در سنه ۱۰۶۶ گیلوم والی نورماندی انگلتر را تصرف نمود در ابتدا این پادشاه

در آنجا تسلطی کامل بود ولی از آغاز قرن سیزدهم تسلط او تخفیف یافت در جنگهای صلیبی انگلیس کمتر از فرانسه شرکت داشت همیشه پادشاهان انگلیس با پادشاهان فرانسه در جنگها و غیره متحد و همراه بودند در سنه ۱۴۵۳ انگلیسها از مملکت فرانسه رانده شدند جنگهای داخلی باعث تزلزل انگلیس گردید و آنها را جنگ دو گل سرخ مینامیدند امتداد آنها از سنه ۱۴۵۶ الی سنه ۱۴۹۶ بود

در آخر این جنگها پادشاه انگلیس بسیار مقتدر شد و فرانسوی اول و شارل لکن با کمال میل اتفاق و اتحاد او را جلب نمودند هانری هشتم با پاپ نزاع برخواست و خود را از کلیسای کاتولیکها منفرد نمود بعد از او تمام انگلیس پروتستان شدند و کلیسای انگلیکان را تشکیل دادند

در ابتدای قرن هفدهم در انگلیس دو شورش بزرگ ایجاد شد در سنه ۱۶۴۲ بر شارل اول پادشاه انگلیس شورش نمودند و شارل اول مغلوب و مقتول گردید در سنه ۱۶۴۹

و در آنوقت مملکت انگلیس در ظل حمایت کرمول جمهوری شد از سنه ۱۶۴۹ الی سنه ۱۶۵۸ و بعد از آن دوباره سلطنت برقرار گردید ولی طولی نکشید

در سنه ۱۶۸۸ ژاک دوم از انگلیس رانده شده گیلیوم در اثر سلطنت انگلیس یافته حکومت ملی مؤکداً تأسیس شد

انگلیس احزاب و طوایف را بعد لوئی چهاردهم حل نموده با داره و تربیت امور ایشان میپرداخت   در قرن هیجدهم انگلیس مهاجرنشین بزرگی تأسیس نمود و کانادا را از فرانسه ها گرفته شروع بتسخیر هند نمود ولی مهاجرنشین هائی که در امریکای شمالی داشت از دستش بدر رفته و خود ایشان دول متحده آمازونی را تشکیل دادند

در مدت شورشها و در ضمن تأسیس مهاجرنشینها انگلیس دشمنی شدید نسبت بفرانسه حاصل نمود در سنه ۱۸۱۵ مملکت کاپ بتصرف انگلیسها در آمد و در تمام مدت قرن نوزدهم علی الاتصال مهاجرنشینهای انگلیس میزا شدند در سنه ۱۸۵۷ انگلیس فتح هندوستان را تمام کرده شورش سپاهیان را خاتمه داد و بجهت افتتاح بنادر با دولت چین جنگ نمود و جزیره قبرس را تحصیل کرده و استرالی را مهاجرنشین خود قرار داده و عدن و مصر و سرزمین رود نیل را با تمام افریقای جنوبی متصرف شد

۴۲- استرالی — شرحی که در باب او گفته شد ملاحظه کنید

۵ـ اطریش ـ اطریش در ابتدا عبارت از ایالتی بود که در
تاریخ با ممالک آلمان مشتبه میشود و اهمیت حاصل کردن او هم از
قرن سیزدهم شروع نمی‌شود و در عصر ابتدائی تاریخی ندارد
در سنه ۱۲۷۲ رودلف هابس بورگ آقای کوچکی از مملکت سویس و
امپراطور آلمان مملکت اطریش را که در آنوقت متعلق به بهم بود تصرف
کرد و از آن زمان هابس بورگها حکمران اطریش گردیدند از زمان
فردریک سیم در سنه ۱۸۰۴ پادشاه اطریش لقب امپراطوری یافت و تاج
سلطنت آلمان موروثی هابس بورگها شد
در سنه ۱۵۱۹ شارلکن که رئیس طایفه هابس بورگها بود بامپراطوری منتخب
شد و پس از کناره کردن شارلکن برادرش فردنیان که والی
اطریش بود امپراطور گردید در حالیکه مالک اطریش بود وارث بهم
و هونگری شد و از آن زمان بهم و هونگری باطریش تعلق یافت
امپراطورهای اطریش که کاتولیک مذهب بودند رفرم مذهبی را مانع
میشدند و نمیگذاشتند قوانین رفرمه در ممالک ایشان که اطریش بود
داخل شود ولی آلمان از رفرمه دفاع و حمایت کرد و این معنی باعث

جنگ سی ساله گردید از سنه ۱۶۱۸ الی سنه ۱۶۴۸

و بالاخره پادشاهان کاتولیک مغلوب گردیده مجبور شدند که سلطنت
شاهزادگان آلمان را تصویب نمایند و اینمعنی بتوسط معاهده وستفالی
در سنه ۱۶۴۸ انجام یافت پادشاهان مزبور بالوی چهاردهم جنگ
میکردند و تمامت احزاب سیاسی بر ضد او اجتماع داشتند اسپانی
که دعوی امپراطوری میکرد بعد از جنگهای پی در پی که با طایفه اطریشی
نمود ممالک بلجیک و میلان و ناپل را بدست آورد

در قرن هیجدهم مملکت ناپل از دست اطریش بدر شد و بیک نفر از طایفه
بوربن اسپانی رسید و همچنین سیلزی را پروس از او گرفت ولی در
عوض یک جزء از هونگری را که در تصرف ترکها بود از آنها گرفت
اطریش اولین مملکتی است که بر شورشیان فرانسه از برای آزادی با
اعلام جنگ نمودند و مملکت بلجیک و میلانه را قشون جمهوری فرانسه از
اطریش گرفتند و این دولت اول دولتی است که در سنه ۱۸۰۵ در جنگ
استرلیتس مغلوب ناپلیون گردید فرانسوا ازرف بعد از خرابی کار خود
از لقب امپراطوری آلمان صرف نظر نموده لقب امپراطوری اطریش را

اخذ نمود و بواسطه ناپلیون از دول متحابه ژرمانیک منفرد شده
سنه ۱۸۱۳ بر ضد ناپلیون مسلح گشت
معاهدات سنه ۱۸۱۵ مملکت لمبارد و ونیس را بامپراطور اطریش داد و در انوقت
رئیس حقیقی دول ژرمانیک شد امپراطور اطریش همواره در مقابل تأسیس
بنای آزادی سد میکشید در سنه ۱۸۴۸ تزلزل بر طرف کردید در
آنوقت وطن خواهان آلمان امید خودشان را بسمت پروس معطوف
داشتند

در سنه ۱۸۵۹ بواسطه خرابی که فرانسه و پیه منت ها وارد آوردند اطریش
ضعیف کردیده میلانه یا لمباردی از دستش رفت در سنه ۱۸۶۶
مغلوب پروس و ایطالیا کردیده و نیس از دستش رفت و از آلمان
مخرج گشت در سنه ۱۸۶۷ مجبور گردید که قانونی از برای هونگری مقرر دارد
و امروز چون اطریش مغلوب پروس کردیده مجبور است با او متحد باشد
۶ـ بلجیک ـ بلجیک در سابق جزء پی نیسا بود و بر حسب
ارث بشارلکن منتقل گشت در قرن شانزدهم و هفدهم بدولت اسپانی
تعلق گرفت لوی چهاردهم دو ایالت از او منتزع نمود یکی ارتواز

در سنهٔ ۱۶۵۹ و دیگر فلاندر در سنهٔ ۱۶۷۸ و هر دو ایالت بفرانسه ملحق گشت
بلجیک در سنهٔ ۱۷۱۴ بدست اطریشها افتاد در سنهٔ ۱۷۹۴ الی سنهٔ ۱۸۱۴ بدولت
فرانسه ملحق گشته ضمیمه آن مملکت شد در سنهٔ ۱۸۱۴ این مملکت بهلاند واگذاشته
شد در سنهٔ ۱۸۳۰ بلجیکیها بحمایت فرانسه استقلال یافتند و دولت پارلمانی
تشکیل دادند

۷ ــ کانادا ــ این مملکت در قرن هفدهم مهاجرنشین فرانسه
گردید و در مدت جنگ هفت ساله بواسطه خطای دولت فرانسه در سنهٔ ۱۷۶۳
بتصرف انگلیسها درآمد و تا امروز متعلق بانگلیس است

۸ ــ چین ــ تاریخ مخصوص او را ملاحظه کنید

۹ ــ مصر ــ مملکتی قدیم التمدن است ابتدا در تصرف فراعنه
بود یکوقتی مسخر پادشاه ایران شد و بعد اسکندر یونانی او را مسخر ساخت
و بعد از آن از ابتدای دولت رم تا قرن هفتم جزء رم شد در سنهٔ ۶۴۰
بتصرف اعراب درآمد
در قرن دهم پادشاه نشینی مستقل گردید
در قرن شانزدهم مسخر ترکها (عثمانی) شد در سنهٔ ۱۷۹۸ بتصرف

فرانسه درآمد و بعد دوباره ترکها او را مسخر ساختند در سنه ۱۸۰۸ محمد علی
پاشا خدیو مستقل مصر گردید

۱۰ - اسپانی - ساکنین اسپانی طوایفی از اهل مملکت گل بودند
صد سال قبل از مسیح بتصرف رُمها درآمد
در قرن پنجم بربرها او را مسخر نمودند
قریب تمام ایشان مطیع ویزی گتها بودند
در سنه ۷۱۱ اعراب آنجا را مفتوح ساختند
از قرن هشتم الی قرن پانزدهم عیسویان اسپانیول از برای تحصیل
آزادی زد و خورد میکردند مملکت اسپانی بچند پادشاه نشین کوچک
عیسوی منقسم گردیده از این قرار لئون - کاستیل - آراگن -
ناوار - پرتوکال این ممالک اغلب با یکدیگر جنگ داشتند و با
عربها نیز میجنگیدند اما در جنگهای صلیبی مشرق شرکتی نداشتند و جنگ
صلیبی آنها همان جنگی بود که با اعراب میکردند
در قرن پانزدهم ممالک عیسوی اسپانی ترقی بسیار نمودند بخصوص دو مملکت
کاستیل و آراگن در سنه ۱۴۹۲ عربها را از آن مملکت بیرون کردند دو حوالی

بهمان تاریخ تمام ممالک اسپانی باستثنای پرتوکال یک مملکت واحده گردید
در سنه ۱۴۹۲ اسپانیولیها مملکت امریکه را اکتشاف نمودند ودر سنه ۱۵۲۱
مکزیک را مسخر ساختند ودر سنه ۱۵۲۹ مملکت پرو را متصرف شدند وسلاطین
فرانسه را از فیروزی در ایطالیا مانع گشتند ومملکت ناپل را تصرف نمودند
درزمانیکه پادشاه ایشان شارلکن امپراطور گردید مملکت اسپانی
بسیار مقتدر شد اهالی اسپانی در مذهب کاتولیک باقی ماندند
وبا تفتیش ومراقبت ومجازاتهای سخت مانع از رفرم مذهبی بودند
ترتیب ژزویت ها بتوسط یکنفر اسپانیولی لی الانام واقع شد
بعد از استعفای شارلکن پسرش فلیب دویم رئیس حزب کاتولیک
اروپ گردید ولی سعیش درهمه جا بهدر رفت
در قرن هفدهم اطریش با اسپانی متحد گردیده با فرانسه جنگ نمود
ومملکت هلاند از دستش رفته در سنه ۱۶۴۸ هلاند بکلی آزاد ومستقل گردید
در مصالحه پیرنه در سنه ۱۶۵۹ روسیلن وارتوا از دست اسپانی خارج شد
در عهدنامه اکس لاشاپل در سنه ۱۶۶۸ بعضی از اراضی منتزع گردید ودر سنه ۱۶۷۸
شهرهای فلاندر وفرانش کنته از اسپانی منتزع وبفرانسه ملحق شد

در سنه ۱۷ شارل دویم اسپانی را بوالی آنژو فلیپ واگذاشت و بعد از

آن تبریک و میلانه و ناپل از ممالک اسپانی مفروز گشته باطریش ملحق شد

انگلیسها جبل الطارق را تصرف کردند

در مدت قرن هیجدهم رفتاری که قابل ذکر باشد از اسپانی در اروپا

بظهور نرسید در سنه ۱۷۹۳ اسپانی بجمهوری فرانسه اعلان جنگ نمود

قشون فرانسه مملکت اسپانی را فرا گرفت و اسپانی مجبور بمصالحه گردید

در سنه ۱۸۰۷ ناپلیون اسپانی را مسخر نمود و برادرش ژزف را بادشاه آنجا

کرد ولی بعد از مراجعت ناپلیون اهالی مملکت شورش کردند در سنه ۱۸۱۳

فرانسه‌ها از اسپانی رانده شدند و سلسله سلاطین قدیم اسپانیول

بار دیگر بسلطنت مقرر گشتند و فردیناند هفتم با حکومت مطلقه سلطنت کرد

آزادی طلبان اسپانیول از این جهت بهیجان آمدند ولی قشونی از فرانسه

فردیناند را در سلطنت مقتدر نمود تمام مهاجرنشینها که در امریکا

متعلق باسپانی بود از دستش بدر شده هر یک از آنها جمهوری آزاد

گردیدند

در جلوس ملکه ایزابل اسپانیول دولتی مشروطه گردید ولی بواسطه شورشهای

متوالی متزلزل گشت
و بالاخره در سنه ۱۸۶۸ ایزابل از اسپانی رانده شد و این مملکت جمهوری گردید در سنه ۱۸۷۰ یکی از شاهزادگان ایطالیا سلطنت اسپانی یافت ولی نتوانست سلطنت نماید و استعفا نمود و مجدداً اسپانی بجمهوریت برگشت ولی دیری نگذشت که الفونس پسر ایزابل بر تخت سلطنت مستقله نشست

۱۱ ـ اتازونی ـ اتازونی (ممالک متحده) در قرن هفدهم مهاجرنشین انگلیس گردید در سنه ۱۷۷۴ اهل مملکت بر ضد انگلیسها شورش کردند و در سنه ۱۷۷۶ جمهوری اتازونی برقرار شد و اتیمغی بکمک فرانسه بود که انگلیس را مجبور نمود تا آن ممالک را آزادی بشناسد
در قرن نوزدهم جمعیت نفوس ایشان در مدتی قلیل خیلی زیاد شد در سنه ۱۸۶۱ مابین ممالک جنوبی و شمالی امریکا بواسطه خرید و فروش غلام جنگ انفصال شروع شد
و در سنه ۱۸۶۵ اختتام یافت و ممالک شمالی مظفر و منصور گشته قانون غلام فروشی منسوخ شد
ممالک متحده پرتریک را که جزیره از آنتیلها میباشد با جمع الجزائر فلیپین که

در مقابل چین واقع شده بدست آوردند

۱۲ــ فرانسه ــ فرانسه در ابتدا مسکن طوایف گل بود پنجاه سال قبل از مسیح رومیها آنجا را تصرف کردند و در قرن چهارم میلادی مسخر بربرها گشت در ابتدای قرن ششم تمام ممالک آن مطیع فرانکها گردید و تا سنه ۷۵۲ طایفه مرونژین در آن حکمرانی کردند و از سنه ۷۵۲ تا سنه ۹۸۷ کارلوژین ها مالک آن بودند و بعد از ایشان طایفه کاپتین حکمران شدند

در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم فرانسه بملوک الطوایف متعدد تقسیم گردید و رفته رفته در قرن سیزدهم در تحت تسلط یک پادشاه جمع شد فرانسه ها در جنگ های صلیبی از قرن یازدهم تا سیزدهم شرکت عظیمی داشتند جنگ صد ساله را با انگلیس انجام دادند و اختتام آن جنگ در سنه ۱۴۵۳ بود

و در آن وقت فرانسه مملکتی شد که اقتدار سلطنت در آن قوت یافت شارل هشتم و لویی دوازدهم و فرانسوای اول پادشاهان فرانسه از سنه ۱۴۸۳ الی سنه ۱۵۴۷ میخواستند بر ایطالیا ظفر یابند

در عهد فرانسوای اول و هانری دویم از سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۵۹ فرانسه با شارلکن
زد و خورد نمود

در عصر سلطنت شارل نهم و هانری سیم و در ابتدای سلطنت هانری
چهارم فرانسه بواسطه جنگهای مذهبی متزلزل و ضعیف شده تا موقع عهدنامه
نانت در سنه ۱۵۹۸ و بعد از آن مجددا پادشاه مالک رقاب گردید و با خانواده
اطریش زد و خورد نمود هانری چهارم هلاندیها را در تحصیل آزادی آنها
کمک و معاونت نمود لوی سیزدهم از سنه ۱۶۱۰ الی سنه ۱۶۴۳ و همچنین لوی چهاردهم
در عصر خود بر خانواده اطریش فیروزی عظیم یافتند

مصالحه وستفالی در سنه ۱۶۴۸ و مصالحه پیرنه در سنه ۱۶۵۹ واقع شد و در
آنوقت لوی چهاردهم مقتدرترین سلاطین اروپ گردید و ممالک الزاس
و روسیلن و آرتوا را مسخر ساخت و پس از اندکی اقتدار خود را بیشتر
نموده شهر فلاندر و فرانش کنته را تصرف نمود و تمام اروپا بر ضد
او متفق گشتند و پس از مرگ لوی چهاردهم در سنه ۱۷۱۵ فرانسه ضعیف شد
در قرن هیجدهم فرانسه باعث شد که ممالک جدید پروسی و روسی بزرگ
بشود و مهاجرنشینهای فرانسه بتصرف انگلیس در آمد ولی اتازونی را معاونت

نمود در سنه ۱۷۸۳ تا آزادی خود را تحصیل کرد

در سنه ۱۷۸۹ شورش فرانسه شروع شد و سلطنت از میان رفت قشون رپوبلیسن فرانسه با تمام اروپا که با یکدیگر متحد شده بودند زد و خورد نمود ولی با ممالک ساحل رود رن را تصرف کرد و چند ملت را آزاد ساخت

یک نفر ژنرال رشید فاتح ناپلیون بناپارت جمهوری فرانسه را برهم زد و ابتدا در سنه ۱۸۰۱ باسم کنسولی حکمرانی کرد و بعد در سنه ۱۸۰۴ بامپراطوری سلطنت مستقل بود

ناپلیون با تمام اروپ جنگ نمود و مدتها بر همه ظفر یافت باستثنای جنگی که با انگلیس ها کرد

بعد از آنکه از مقابل روسیه عقب نشینی هولناکی از برای او رخ نمود بیجان تا خاک فرانسه عقب نشست و در اثنای عقب نشستن نیز مشغول جنگ بود

در سنه ۱۸۱۴ ناپلیون از سلطنت استعفا نمود و در سنه ۱۸۱۵ مجددا مراجعت کرد و در واترلو شکست یافته مجبور شد که دوباره استعفا نماید

عهدنامه های ۱۸۱۵ فخر فتوحات شورش را از فرانسه سلب نمود

[illegible]

و مجدداً سلسله سلاطین قدیم برقرار گردید تا سنه ۱۸۳۰ سلطنت کردند این
زمان یعنی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۳۰ را زمان رجعت سلطنت گویند و در مدت
این زمان فرانسه یونان را کمک نمود تا آزادی خودش را بدست آورد
آزادی طلبان با سلطنت بسختی ضدیت میکردند تا در سنه ۱۸۳۰ بکلی سلطنت را
واژگون ساختند

از سنه ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۸ لوئی فیلیپ والی ارلئان سلطنت فرانسه نمود و در مدت
سلطنت او فرانسه بلجیک را کمک نمود تا آزادی خود را تحصیل نمود
در شورش ۱۸۴۸ لوئی فیلیپ واژگون گردید و حق انتخاب عمومی
مقرر شد رئیس جمهوری که لوئی ناپلئون بود بار دیگر جمهوری را واژگون ساخته
در دسامبر ۱۸۵۱ دوباره امپراطوری را برقرار کرد
در عهد سلطنت او فرانسه ایطالیا را کمک نمود تا تحصیل آزادی کرد.
بعد در میان فرانسه و آلمان جنگ درگرفت و امپراطوری فرانسه
واژگون گردید در سنه ۱۸۷۱ بموجب عهدنامه فرانکفورت مملکت الزاس
و بخشی از لرن از فرانسه منتزع گشت
از سنه ۱۸۷۱ دولت فرانسه جمهوری است و در افریقا ظفرهای عمده یافته

از قبیل فتح تونس و ماداگاسکار و کنگ و غیره و در شرق اقصی هندو
چین فرانسه را مالک شدند

۱۳ـ یونان ـــ در قدیم مملکت یونان بچندین شهر تقسیم شده بود
و بالاخره همه آنها مطیع پادشاه ماسدوان شدند
و در سنه ۱۴۶ قبل از میلاد مطیع پادشاهان رم گشتند و بعد جزء امپراطوری
قسطنطنیه گردید
و در سنه ۱۲۰۴ میلادی بتصرف مجاهدین صلیبی درآمد
و تا سنه ۱۲۶۱ جزء امپراطوری لاتین قسطنطنیه بود
در قرن پانزدهم ترکها (عثمانی) آنجا را تصرف کردند
در سنه ۱۸۲۱ بر ضد ترکها برخاستند
و در سنه ۱۸۲۹ با کمک فرانسه و روس پادشاه نشین یونان را تشکیل دادند
در سنه ۱۸۷۹ تسالی را تصرف کردند

۱۴ـ هلاند ـــ هلاند از ابتدا جزء ممالک چند بود و بخانواده اسپانی
تعلق داشت در قرن شانزدهم رفرمه در او مقرر گردید و بر ضد فیلیپ
دویم شورش نمود و در سنه ۱۵۸۵ جمهوری ایالات اتازونی را تشکیل داد

در قرن هفدهم مهاجرنشینهای بزرگ در جزایر سند برقرار نمود و بازار

های تجارت گذاشت در سنه ۱۶۸۸ توسط گیلوم در انثر پادشاه هلند

که پادشاه انگلیس شد با انگلیس متحد گردید

و در سنه ۱۷۹۵ مغلوب فرانسه گشت و جمهوری باتاو از آن مملکت تشکیل شد و

بعد از آن توسط ناپلیون اول سلطنت نشین گردید و در سنه ۱۸۰۶ سلطنت او را

برادر خود لوئی داد و در سنه ۱۸۱۰ ضمیمه فرانسه شد و در سنه ۱۸۱۴ آزاد

گردید و بلژیک از آن مجزی گشت و در سنه [illegible] [illegible] آزاد گردید

۵ - هندوستان — در قرن هفدهم فرانسه ها کمپانی تجارت در آنجا

برقرار کردند و دوپلکس شروع به تسخیر آن مملکت نمود ولی لوئی پانزدهم

در دولت خود او را معزول ساخت

در سنه ۱۷۵۷ الی سنه ۱۸۵۶ مملکت هند مسخر انگلیسها گردید در سنه ۱۸۵۷ شورش

سپاهیان در آنجا احداث شد هند و چین را انگلیسها از طرف مغرب

بیرمان تصرف کرده بودند و فرانسه ها از طرف مشرق یعنی از طرف

کوشن شین و تنکن و آنام و کامبوج

مملکت سیام محل نزاع مابین انگلیس و فرانسه گردیده و آزاد مانده بود

۶۱- ایطالیا — ایطالیا مسکن مردمانی مختلف بود که یکی در
اطاعت رُمیها بودند و رُمیها مملکتی بزرگ تشکیل داده بودند ایطالیا
در قرن پنجم بعد از مسیح مسخّر بربریان گردید و بعد از آن در سنه ۴۸۹
باطاعت استرگُت ها درآمد و همچنین مسخّر امپراطور قسطنطنیه گردید و در سنه ۵۶۸
لمبارد ها آنجا را تصرف نمودند و بعد بتصرف شارلمان درآمد
و بعد از آنکه عهدنامه وردون در سنه ۸۴۳ تشکیل یافت ایطالیا پادشاه
نشین علیحده گردید ولی شخص پادشاه ابداً تسلطی نداشت و مملکت مابین
عدّه زیادی از شاهزادگان تقسیم شده بود از سنه ۹۶۲ اُطون آن را مملکتی
جدید تشکیل داد در قرن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم این مملکت
بواسطه جدال و نزاع مابین پاپ و امپراطور در تزلزل و اضطراب بود
در قرن یازدهم نورماندیها مملکت ناپل و سیسیل را تصرف کردند
در جنگهای صلیبی ایطالیائیها همراهی بزرگی نمودند
در قرن پانزدهم ممالک اصلی و عمده ایطالیا از این قرار بود ممالک
متعلق بکلیسا پادشاه نشین ناپل والی نشین میلان والی نشین توسکان
جمهوری فنیز والی نشین ساووا که مملکت پیه‌من نیز باو متصل است

بواسطه این انقسامات که در ایطالیا واقع شده بود دولتهای خارجه برآن
حمله کردند چنانکه فرانسه با او جنگ نمود و همچنین اسپانی در زمان
شارلکن و جانشینهای او و نیز در زمان شارل هشتم و لوی دوازدهم
و فرانسوی اوّل با ایطالیا جنگیدند

و این عصریست که ادبیات و صنایع در ایطالیا متولّد و طالع گشت
و اهل آن در مذهب کاتولیک باقی ماندند شارلکن میلانه و ناپل را
از ممالک ایطالیا متصرف بود و بعد از استعفای او بدست پسرش
افتاد که فیلیپ دویم نام داشت و در قرن هفدهم پادشاه اسپانی بود
ایطالیا همیشه میدان جنگ مابین فرانسه و اسپانی بود در آخر قرن
هفدهم دالی ساووا که مالک پیمن و ساردنی بود اهمیت و عظمت
حاصل نموده در سنه ۱۷۲۰

پادشاه بالاستقلال شد بعد از تمام شدن جنگ تبدیل سلطنت
ممالک میلانه و ناپل باطریش ملحق گشت

در قرن هیجدهم ایطالیا میدان جنگ فرانسه و اطریش گردید فرانسه
امر نمود که ناپل و توسکان را بوربونهای اسپانی بدهند شاهزادگان

ایطالی جمهوری فرانسه اعلان جنگ نمودند و مغلوب شدند و چهار
جمهوری در ایطالیا برقرار شد اما ناپلیون بناپارت شهر ونیز را در تحت
تسلط اطریشی ها در آورد و یک جزء از ایطالیا را بفرانسه ملحق ساخت
و ما بقی آنرا دو سلطنت نشین دیگر تشکیل داد یکی برای خودش و یکی
دیگر برای برادر زنش مورات

از ابتدای سنه ۱۸۱۴ تسلط فرانسه ها در ایطالی برهم خورد

عهدنامه ۱۸۱۵ ایطالیا را بچند مملکت تقسیم نمود که اصول آنها از این
قرار است ممالک پاپ و پادشاه نشین دو سیسیل و والی
نشین بزرک توسکان و مملکت پیه من و پادشاه نشین لمبارد و ونی
سین که متعلق باطریش است

از سنه ۱۸۱۵ تا سنه ۱۸۵۹ اطریش در ایطالیا تسلطی داشت و در شورشهائی
که بعد از سنه ۱۸۳۰ و بعد از سنه ۱۸۴۸ وقوع یافت فاتح شد

در سنه ۱۸۵۹ مملکت پیه من مملکتی بود که آزادی در آن مقرر گردید و با فرانسه
اتحاد نموده با اطریش جنگ نمود و اطریش را مغلوب نموده لمباردی را
از او گرفت و تمام ممالک ایطالیا به پیه من ملحق گشته مملکتی تشکیل داد

در سنه ۱۸۶۶ پادشاه ایطالیا با پروسس متحد گردیده بر اطریش حمله نمود و ونیس را از اطریش گرفت

شهر رم متعلق به پاپ بود و همیشه یکدسته قشون فرانسه یا اسپانی و حمایت او قیام داشتند

از سنه ۱۸۷۰ این دسته قشون بفرانسه برگشتند و از آن زمان شهر رم پای تخت ایطالیاست

۱۷ــ ژاپن ــ تاریخ مخصوص او را ملاحظه کنید

۱۸ــ یهودیان ــ بفصل دویم این کتاب رجوع نمائید

۱۹ــ مکزیک ــ در قرن شانزدهم بتوسط اسپانیولها اکتشاف شد و مملکتی بود که بواسطه معادن طلا و نقره ثروتی بسیار داشت در سنه ۱۵۲۱ فرنان کرت آنجا را تصرف نمود و مدت سیصد سال متعلق باسپانی بود هندیهای سکنه آن کاتولیک مذهب شدند و زبان اسپانیولی آموختند

در سنه ۱۸۱۱ اهالی مکزیک شروع بشورش نمودند و مکزیک اول امپراطور نشین گردید و بعد از آن جمهوری آزاد شد

در ۱۸۶۳ ناپلیون سیم آنجا را مسخر نموده به ماکسیملین امپراطور داد ولی دوباره در ۱۸۶۷ بجمهوریت عود نمود

۲۰ — پرو — اکتشاف و تسخیر آن در ۱۵۲۹ بتوسط اسپانیولیها شد و سکنه آن کاتولیک شدند و فرانسه حرف زدند پرو نیز مدت سیصد سال متعلق باسپانی بود ولی در ۱۸۲۵ براهنمائی بولیوار برضد اسپانیولیها شورش کردند و آن مملکت جمهوری گردید

۲۱ — پرتوکال — سلطان نشینی عیسوی است که یکنفر شاهزاده فرانسوی در قرن یازدهم از مسلمانان گرفت

پرتوکالیها در قرن هیجدهم سواحل افریقا را کشف نمودند و راه هند را پیدا کردند و در افریقا و برازیل و در هند مهاجر نشینها برقرار کردند و در آنوقت بسیار مقتدر شدند

در ۱۶۴۰ اهالی آن شورش کرده دوباره پادشاه نشینی آزاد شد در ۱۹۱۰ پرتوکالیها ادعای جمهوریت کردند

۲۲ — پروس — مملکتی مرکب از چند ولایت است که در قرن هفدهم میلادی با یکدیگر متصل بودند ولی در عصرهای اولیه تاریخی نداشت

در عصر متوسط از [illegible] مملکت پروس تشکیل شده بود
دو ایالت اصلی آن که بعدها تشخص یافت براندبورک و پروس است
براندبورک مملکتی است که طایفه سلاو در آن ساکن هستند در قرن
دهم امپراطورهای آلمان آنجارا متصرف شدند
پروس ولایتی است که طایفه پروس در آن ساکن بودند
در قرن سیزدهم شجاعان توتنیک آنجارا تصرف کردند در قرن
پانزدهم یکنفر شاهزاده از آلمان جنوبی که اسمش فردریک هوهن زلرن
بود فرمانروای براندبورک شد
فرمانروایان براندبورک شاهزادگانی بودند که حق انتخاب وکیل داشتند
هوهن زلرن رئیس براندبورک قانون رفرم را قبول کرد و یکنفر هم
از اقوام شاهزادگان که صاحب درجه توتنیک بود همین قسم رفرم را
قبول کرد و والی پروس گردید پروس و براندبورک بسبب جنگهای اعتقادیات
رفرم بسیار صدمه خوردند
در ابتدای قرن هفدهم مارکراو حکمران براندبورک والی نشین پروس
و والی نشینهای سواحل رن را مالک شد

در مدت جنگ سی ساله ممالک براندبورگ بیکدیگر متصل شد و در سنه ۱۶۴۸ در مصالحه وستفالی والی او فردریک گیلیوم یک جزو از پومرانی را تصرف نمود و همچنین اراضی دیگر که باعث قوت مملکتش گردید این شاهزاده بالوئی چهاردهم در تمام جنگها همراه بود و دولتی بسیار قوی ترتیب داد ایالتهای متفرقه را در یک مملکت جمع نمود و بر همه آنها فرمان فرمائی میکرد

فردریک نوادهٔ فردریک گیلیوم در سنه ۱۷۰۱ لقب پادشاهی پروس گرفت پسر او فردریک گیلیوم اول قشون خود را قوت داده خزانه جمع کرد پسر کوچکش فردریک دویم از سنه ۱۷۴۰ تا سنه ۱۷۸۶ سیلزی را تصرف کرد و با فرانسه و اطریش و روسیه زد و خورد نمود و یک جزو پلنی را ضمیمهٔ مملکت خود نمود در جنگهائی که دشمنان شورش میکردند پروس با ایشان همراه بود ولی مغلوب گردید در سنه ۱۷۹۵ با فرانسه معاهده بست پادشاه پروس در ینا در سنه ۱۸۰۶ مغلوب ناپلیون اول گردید و نصف ممالکش از دستش بدر رفت و از دول متحده ژرمانیک خارج بود ولی قشون پروسی در جنگهای اخیر که با ناپلیون کردند امتیازی حاصل نمودند

معاهده های ۱۸۱۵ ایالتهای باتمول و درن ابه پروس داد

از سنه ۱۸۱۵ تا سنه ۱۸۴۸ مملکت پروس با وصف اینکه احکامش استبدادی بود ولی امیدواری او بوطن خواهان آلمان بود که قوای نظامی خودرا بکار برند

در سنه ۱۸۴۸ بواسطه شورشی که در پروس حاصل شد پادشاه مجبور گردید که بطور آزادی مشروطه برعایای خود بدهد ولی شورشش را خاموش ساخته خودش هم از تاج امپراطوری آلمان امتناع ورزید

در سنه ۱۸۶۶ دولت پروس در سلطنت گیلیوم و وزارت پرنس بزمارک با اطریش جنگید و اطریش را در سادوا مغلوب ساخت و در آن وقت هلستین و شلیسویک و هانور و والی نشین هس کاسل و شهر فرانکفور ضمیمه پروس شد و پادشاه پروس رئیس دول متحابه آلمان شمالی گردید در سنه ۱۸۷۱ پادشاه پروس بعد از غلبه بر فرانسه امپراطور آلمان شد

۲۴۳ — روسی — روستیه مسکن طوایف مختلف بوده مخصوص سلاو در عصرهای اولیه تاریخی ندارد در اواخر قرن نهم روسیها

نوزدهم نیز قطعات از مملکت عثمانی منتزع شد در سنه ۱۸۱۲ سربی آزاد گردید
و در سنه ۱۸۲۷ یونان و در سنه ۱۸۵۶ رمانی آزاد و مستقل گشت
در سنه ۱۸۷۷ بعد از جنگ روس بلغاری و رومیلی و بوسنه و قبرس
از تصرف عثمانیان خارج شد در سنه ۱۹۱۰ اکریت منتزع گردید
در سنه ۱۹۰۷ ملت با سلطان عبد الحمید مخالفت نموده شورش کردند
مشروطه خواستند
در سنه ۱۹۰۹ عبد الحمید از تخت سلطنت عثمانی بزیر آمده سلطان محمد
پنجم جانشین او گردید و همراهی مشروطه را متعهد شد

باتمام رسید کتاب تاریخ عمومی

در نهم شهر شوال المکرم

سنه ۱۳۳۱

(خاتمه)

مخفی و مستور نماند تاریخ عمومی که یکی از درس‌های مفید و مهمه مدارس و در ممالک خارجه با کمال اهمیت تدریس و تحصیل میشود زیرا که موجب ازدیاد بصیرت و درایت اطفال است متاسفانه تاکنون در این مملکت معمول و متداول نبوده و نسخه آن بزبان فارسی نقل و ترجمه نشده جز اینکه بعضی از فضلا چند جزو از آن را ترجمه نموده و از اتمام آن ملول گردیده بعضی تواریخ چین و هند و غیره را ضمیمه آن ساخته و کتابی پرداخته بنام تاریخ عمومی منتشر کرده‌اند در حال آنکه تاریخ عمومی معموله ملل متمدنه که به هیستوار ژنرال موسوم و از کثرت اهمیت تاکنون چندین هزار نسخه از آن بطبع رسیده و مشتمل بر نکات فلسفی و وقایع تاریخی دول خارجه میباشد تمامی ترجمه نشده و طبع و انتشار نیافته در این اوقات که رای عالی بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اعظم سردار کبیر مدظله بطبع و انتشار یک دوره دروس مهمه اطفال وطن تعلق گرفت در خصوص درس تاریخ که مهم و مفیدترین دروس میباشد نظر باینکه تاریخ خصوصی ایران بقلم دانشمندان از قبیل مرحوم ذکاء الملک و غیره مکرر و متعدد تصنیف و طبع گشته و نسخه آن زیاده از اندازه لزوم حاجت موجود

و فراهم است فایده دیگر دیدم تاریخ مبسوطتر از آن را لازم و اهم دانسته جناب اجل
آقای معاون نظام را بترجمهٔ آن از فرانسه برگماشتند و این بنده عبدالحسین ولد
مرحوم مؤیدالدوله طهماسب میرزا که مدتها بترجمه و تألیف کتب تاریخیه و غیره هم
گذرانیده بر تصحیح و تنقیح عبارات و انجام طبع آن مأمور فرمودند و ما بر دو تن
حسب الامر مطاع آن بزرگ دامن خدمت بر کمر زده بقدر مقدور در تصحیح
عبارات و تلخیص بیانات آن سعی کرده و با عبارتی سهل و بیانی ساده که با فهم
اطفال نزدیک باشد ترتیب دادیم و در تحریر و طبع آن نیز بقدر مقدور بذل
جهد نمودیم حتی در نقل تصاویر تاریخیه و نقشه‌های جغرافی آن منتهای سعی
بعمل آوردیم و بترتیب کتب جدیده در آخر هر نمره مطالب مهمه را در تحت عنوان
سؤالات مرقوم داشتیم و همچنین در آخر هر فصل خلاصهٔ آن فصل را ترجمه نموده
در آخر هر یکی از چهار کتاب ماحصل آن کتاب را در قلم آوردیم و در انتهای کتب
چهارگانه ملخص تمام تواریخ را در چند ورق ذکر نمودیم که هر روزه معلم در آخر هر درس
مطالب آن نمره را از شاگرد سؤال نماید و شاگرد نیز در آخر هر فصل رؤس مسائل
تاریخی را محفوظ داشته در آخر هر کتاب ماحصل مطالب و در آخر کتب ملخص تمام
تاریخ را ضبط نماید همان قسم که اصل فرانسه نیز بهمین ترتیب بوده است که مطبوع طباع

اهل فضل و دانشوران گردیده نونهالان وطن را از آن فایده‌ها عاید شود و چنانچه
عمر وفا نموده توفیق رفیق شود پس از ترجمه و انتشار سایر دروس مهمه از قبیل
حساب و هندسه و فیزیک و غیره در صدد ادای فریضه خدمت وطن عزیز برآمده
تاریخی ملخص و مختصر بهمین ترتیب از دولت و مملکت ایران تصنیف و منتشر خواهیم
ساخت و من الله التوفیق و علیه التکلان

در مطبعه میرزا علی اصغر بطبع رسید

سال ۱۳۱۸ خورشیدی

آستان قدس